

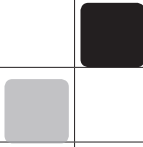
پست الکترونیک

فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس

نمیریز

سال دوازدهم □ شماره چهل و هشتم □ بهار ۱۳۹۳

صاحب امتیاز	مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران
مدیر مسئول و سردبیر	دکتر حسین اردستانی
هیأت تحریریه	دکتر غلامعلی رشید - عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع)؛ سردار سرتیپ پاسدار حمید اصلانی
مدیر اجرایی	دکتر حسین علایی - عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع)؛ محمدجواد اکبرپور بازرگانی
ویراستار	زهرا گل محمدی
صفحه آرایی	عباس درودیان
مترجم	عبدالمجید حیدری
ناظر چاپ	محمد بهروزی
نشانی	تهران، خیابان شریعتی، خیابان شهید وحید دستگردی (ظفر)، پلاک ۷۷
تلفن	۲۲۹۰۹۵۲۴
دورنگار	۲۲۹۰۹۵۳۸
پست الکترونیکی	neginiran@gmail.com
مرکز فروش	تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، مجتمع ناشران فخر رازی
	انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس
تلفن	۶۶۴۹۷۲۲۷ - ۶۶۴۹۵۵۷۲
قیمت	۸۰۰۰ تومان

- 
- مقاله‌ها و مطالب درج شده در فصلنامه نگین ایران بیانگر دیدگاه نویسندگان آنهاست.
 - هرگونه استفاده از گزارش عملیات‌ها، نوارهای پیاده‌شده و اسناد مندرج، منوط به مجوز از مرکز اسناد می‌باشد.
 - بهره‌برداری از سایر مندرجات فصلنامه با ذکر مأخذ بلامانع است.

مقالات

بیانات مقام معظم رهبری در زیارتگاه شهدای مناطق عملیاتی جنوب	۵	گروه پژوهش فصلنامه
تعیین کنندگی عملیات والفجر ۸ و به هم خوردن موازنه به نفع ایران	۹	دکتر حسین اردستانی
گزارش نبرد لشکر ۲۵ کربلا در عملیات والفجر ۸	۲۵	راوی: داوود رنجبر تنظیم: محسن رخصت طلب
گزارش نبرد تیپ مستقل ۳۳ المهدی (عج) در عملیات والفجر ۸	۶۱	راویان: محمد سمیع زاده و الیاس حضرتی تنظیم: محمد محمدپور
گزارش نبرد تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم (س) در عملیات والفجر ۸	۸۳	راوی: سید محمد فاطمی تنظیم: حجت الله کریمی
عملکرد توپخانه در عملیات والفجر ۸	۹۹	سرتیپ پاسدار یعقوب زهدی
ترجمه		
تصمیم‌گیری عملیاتی ایرانیان - مطالعه موردی جنگ ایران و عراق	۱۱۵	نویسنده: میشل کونل مترجم: عبدالمجید حیدری
گزارش		
تلاش برای آمادگی جلسه فرماندهان سپاه با آقای هاشمی رفسنجانی (جانشین فرمانده کل قوا) دو ماه قبل از عملیات والفجر ۸	۱۴۱	مهدی انصاری
اسناد		
نگاهی بر کارآمدی واحد شنود قرارگاه خاتم الانبیا (ص) سپاه پاسداران در عملیات والفجر ۸	۱۶۱	یحیی نیازی
معرفی کتاب		
گزارش رونمایی از کتاب دیپلماسی ایران و قطعنامه ۵۹۸	۱۹۳	زهرا ناظری
همایش		
سیاست خارجی لیبی و سوریه در جنگ ایران و عراق	۱۹۷	یعقوب نعمتی
بررسی و نقد کتاب		
نقد اطلس آذربایجان غربی در جنگ با ضدانقلاب و دفاع مقدس	۲۰۹	سعید سرمدی



بیانات مقام معظم رهبری در زیارتگاه شهدای مناطق عملیاتی جنوب

گروه پژوهش فصلنامه



مقام معظم رهبری در زیارتگاه شهدای مناطق عملیاتی جنوب

مناطق عملیاتی را در قالب گروه‌های محدود و محدود آغاز کردند. این حرکت در دهه هشتاد تحت تأثیر حوادث سیاسی و اجتماعی جامعه، به تدریج به یک جریان سازماندهی شده و اثرگذار تبدیل شد و در دوره جدید با عنوان کاروان‌های راهیان نور جایگاه خود را در انتقال معارف دفاع مقدس به نسل کنونی یافته است. از این رو، همه ساله از اواخر فصل زمستان تا اوایل فصل بهار اقشار گوناگون جامعه از دانش آموز و دانشجو گرفته تا کارمندان

یکی از راه‌های ماندگاری انقلاب اسلامی توجه جدی به فرهنگ دفاع مقدس و تلاش برای تبدیل آن به گفتمان غالب جامعه می‌باشد. جهت تحقق این امر بایستی راهکارهایی اتخاذ گردد و گام‌های بلندی برداشته شود. از جمله این راهکارها بازخوانی عملیات‌های دوران دفاع مقدس از طریق بازدید از مناطق جنگی است. به همین منظور در دهه هفتاد، رزمندگان دوران دفاع مقدس با هدف گرامی‌داشت یاد و خاطره هم‌زمان خود بازدید از

برحسب قوانین عادی زندگی جوامع بشری، هر جامعه‌ای عزّتش، قدرتش، آبرو و حیثیتش، هویتش بستگی دارد به مجاهدت و به تلاش. با تنبلی و تن‌آسایی، هیچ ملّتی نمی‌تواند مقام شایسته‌ای را در میان ملّت‌های عالم یا در تاریخ پیدا کند. آنچه که ملّت‌ها را، هم در تاریخ و هم در دوران خودشان، در میان ملّت‌های عالم سربلند می‌کند، مجاهدت است، تلاش است. این تلاش، البتّه شکل‌های گوناگونی دارد؛ هم تلاش علمی، هم تلاش اقتصادی، هم تلاش به‌معنای تعاون اجتماعی میان افراد، همه لازم است؛ اما در رأس همه این تلاش‌ها، آمادگی برای جان‌فشانی است که یک ملّت را در میان ملّت‌ها سرافراز می‌کند. اگر در میان هر ملّتی کسانی وجود نداشته باشند که آماده باشند از جان خود، از راحت خود، در راه رسیدن به آرمان‌ها صرف‌نظر کنند، آن ملّت به جایی نخواهد رسید. کاری که انقلاب برای ما مردم ایران انجام داد، این بود که این راه را در مقابل ما روشن کرد؛ احاد ملّت ما فهمیدند و احساس کردند که باید در راه آرمان‌های بلند، مجاهدت کنند و در مقابل دشمنان این آرمان‌ها بایستند؛ و ایستادند.

دفاع مقدّس ما، دوران جنگ هشت‌ساله پر ماجرای این کشور، داستان ایستادگی ملّت ایران و ایستادگی جوانان ما در مقابل خباثت‌ها و دشمنی‌های کفر و استکبار جهانی است. درست است، در مقابل ما به‌ظاهر یک رژیم بعثی بود - صدام بود - و او هم عنصری بود به‌قدر کافی خبیث، به‌قدر کافی ضدبشریّت و ضدانسانیت، اما فقط او نبود؛ آن چیزی که موجب شد این جنگ، هشت سال ادامه پیدا کند، عوامل پشت پرده استکبار جهانی بودند که او را تشویق می‌کردند، به او وعده می‌دادند، امکانات می‌دادند. آن وقتی که در این سرزمین‌های خوزستان - که شما حالا بخشی از آنها را مشاهده کردید - دشمنان ما مجبور به عقب‌نشینی شدند، یک دولت اروپایی به آنها وسیله‌ای داد که بتوانند در دریا، خباثت و شیطنت و شرارت خودشان را ادامه بدهند؛ موشکی به آنها دادند. نمی‌گذاشتند عملیاتی که در منطقه انجام

و مسئولان سازمان‌ها در قالب کاروان‌های راهیان نور از مناطق جنگی به‌ویژه استان خوزستان بازدید می‌کنند. مقام معظم رهبری با عنایت به آثار و ثمرات این حرکت عظیم فرهنگی، در ۲۶ اسفند ۱۳۹۲ در دیدار با مسئولان و دست‌اندرکاران اردوهای راهیان نور کشور، ابتکار بازدید از مناطق عملیاتی دوران دفاع مقدّس را یک ابتکار الهی و انقلابی بسیار شایسته در جهت شناساندن اجزای برجسته حادثه بزرگ و تاریخی دفاع مقدّس به مردم و نسل جوان کشور خواندند و تأکید کردند: «فراموشی» و «تحریف» دو آسیب و خطر بزرگی است که در کمین هر حادثه بزرگ تاریخی قرار دارد و نخبگان، فرزنانگان و دست‌اندرکاران عرصه دفاع مقدّس، با شناساندن دقیق این ذخیره و گنجینه فرهنگی، اجازه ندهند این حماسه دستخوش فراموشی و تحریف بشود.

علاوه‌براین دیدار، حضور مستقیم و بی‌واسطه مقام معظم رهبری در مناطق جنگی جنوب از اهمیت تبیین معارف انقلاب اسلامی از طریق تشریح ابعاد حماسی و تاریخی دفاع مقدّس حکایت می‌کند. رهبر معظم انقلاب پس از پایان جنگ چندین بار از مناطق عملیاتی دفاع مقدّس بازدید کرده‌اند. ایشان در تاریخ ۶ فروردین ۱۳۹۳ با حضور در در زیارتگاه شهدای مناطق عملیاتی جنوب و یادمان شهدای منطقه مارد در شرق کارون، ضمن تبیین اهمیت بازدید از مناطق جنگی، ضرورت استمرار این حرکت فرهنگی را به مسئولان و مردم یادآور شدند. متن پیش رو بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در یادمان شهدای عملیات ثامن الائمه^(ع) می‌باشد که به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری (www.leader.ir) درج شده است.

بسم‌الله الرحمن الرحیم

الحمد لله ربّ العالمین و الصّلاة والسّلام علی سیدنا و نبینا ابی‌القاسم المصطفی محمد و علی اله الأَطیین الأَظهرین المنتجین الهداة المهدیین المعصومین سیما بقیة الله فی الأرضین.

اگر از عوامل معنوی و آنچه خدای متعال وعده آن را به مؤمنان و مجاهدان راه حق داده است هم صرف‌نظر کنیم،

وجود داشت. قصدشان این بود که کاری کنند که نظام اسلامی احساس کند که قادر بر مقابله با این دشمنان نیست؛ می‌خواستند کاری کنند که جمهوری اسلامی را به‌عنوان یک مجموعه ضعیف و ناتوان معرفی کنند. خدای متعال دست قدرت خود را نشان داد و دهان دشمنان جمهوری اسلامی و دشمنان پرچم برافراشته اسلام را با مشت پولادین سنت الهی خرد کرد و بینی آنها را به خاک مالید و نشان داد که نظام اسلامی، چون متکی به ایمان‌های مردم و به عواطف مردم است، در مقابل همه قدرت‌های

مادی جهان، هم می‌تواند از خود دفاع کند، هم می‌تواند طرف مقابل را وادار به اعتراف به عجز کند. به عجز خودشان اعتراف کردند؛ قبول کردند که در مقابل مشت قاطع گروندگان به اسلام و مؤمنان به وعده‌های الهی، نمی‌توانند ایستادگی کنند؛ تبلیغاتشان خنثی شد. سعی می‌کردند به ما مردم ایران - ما مؤمنین به آیات کریمه الهی - بیاوراند که شما نمی‌توانید در مقابل قدرت‌های مادی دنیا بایستید؛ می‌خواستند این را به ما بیاوراند.

به شما برادران عزیز و به همه ملت ایران عرض کنم: شکست یک ملت آن وقتی اتفاق می‌افتد که معتقد بشود که نمی‌تواند کاری انجام بدهد؛ این اول شکست هر ملتی است. آنها خواستند این احساس را در دوران جنگ تحمیلی در دل ایرانیان به وجود بیاورند، اما قضیه به عکس شد. جنگ تحمیلی - یعنی دفاع مقدس ملت ایران - نشان داد که یک ملت در سایه اتحاد، در سایه ایمان به خدا، در سایه حسن ظن به خدای متعال و اعتقاد به صدق وعده الهی، می‌تواند از همه گذرگاه‌های دشوار عبور کند و می‌تواند در مقابل دشمنان بایستد و می‌تواند دشمن را وادار به هزیمت و عقب‌نشینی کند؛ جنگ تحمیلی این را

می‌گیرد، سرنوشت جنگ را به انتها برساند؛ تشویقش می‌کردند. یعنی دست استکبار جهانی، دست همین دولت‌های اروپایی و دولت امریکا، پشت رژیم خبیث معاند بعثی قرار داشت و او را به ادامه کار تشویق می‌کرد. نمی‌خواستند بگذارند جمهوری اسلامی از این حادثه بزرگ، پیروز و سربلند بیرون بیاید؛ می‌گفتند صریحاً.

بعد از آنکه در همین عملیاتی که در این منطقه (منطقه دارخوین) اتفاق افتاد - اینجا منطقه درگیری بسیار تعیین‌کننده عملیات ثامن‌الائمه بود - که سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی ایران با همکاری یکدیگر، برای دستور امام برنامه‌ریزی کردند، طراحی کردند، در همین منطقه توانستند دشمن را عقب بنشانند و آن روحیه‌ای را که دشمن به‌خاطر پشتیبانی‌های فرنگی‌ها و خارجی‌ها و اروپایی‌ها به دست آورد، درهم بکوبند و بشکنند و محاصره آبادان را از بین ببرند. بعد از این عملیات، عملیات طریق‌القدس؛ بعد از این عملیات، عملیات فتح‌المبین؛ بعد عملیات ... الی بیت‌المقدس؛ این عملیات‌های پشت‌سرهم که رزمندگان عزیز ما، جوانان فداکار ما در قالب ارتش، در قالب سپاه، در قالب بسیج و نیروهای مردمی، در قالب مجموعه‌های عشایری، حتی در قالب شهربانی و ژاندارمری و کمیته‌های آن روز، می‌آمدند در این میدان جنگ و این فداکاری‌ها را انجام می‌دادند؛ این عملیات می‌توانست جنگ را به خاتمه برساند و پایان بدهد؛ اما جبهه دشمن نظام اسلامی - یعنی همین اروپایی‌ها و دولت‌های اروپایی و دولت امریکا - نمی‌گذاشتند؛ طرف مقابل را تشویق می‌کردند، امکانات جدیدی به او می‌دادند، او را به برنده‌شدن در این جنگ امیدوار می‌کردند؛ لذا جنگ هشت سال طول کشید. هشت سال جنگ، شوخی نیست؛ جنگ‌های بزرگ و معروف دنیا در دوران‌های نزدیک به ما، چهار سال و پنج سال و شش سال و این‌جورها طول کشیده؛ هشت سال جنگ، آن‌هم در این منطقه وسیع، از شمال تا جنوب - از منطقه شمال غربی کشور تا این انتهای جنوب - این درگیری‌ها

«فراموشی» و «تحریف» دو
آسیب و خطر بزرگی است
که در کمین هر حادثه بزرگ
تاریخی قرار دارد و نخبگان،
فرزانگان و دست‌اندرکاران
عرصه دفاع مقدس، ... اجازه
ندهند این حماسه دستخوش
فراموشی و تحریف بشود

به همه ما نشان داد.

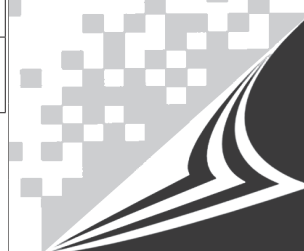
من به شما عرض می‌کنم، نگذارید یاد دوران دفاع مقدس از یادها برود. آمدن به این مناطق جنگی - چه در تعطیلات نوروزی و چه در دوره سال؛ که بحمدالله حالا در دوره سال هم کسانی از سرتاسر کشور به این مناطق مسافرت می‌کنند و این سرزمین‌ها را زیارت می‌کنند - بسیار کار پسندیده‌ای است، کار درستی است، کار عاقلانه‌ای است که ملت ایران می‌کند؛ خاطره این سرزمین‌ها را زنده نگه دارید. این سرزمین‌ها، این بیابان‌ها، این رود کارون، این جاده اهواز - آبادان یا اهواز - خرمشهر، این مناطق گوناگون که با اسم‌های مختلفی امروز خودشان را به شما معرفی می‌کنند، اینها شاهد برترین فداکاری‌ها و مجاهدت‌ها و از خودگذشتگی‌ها بوده‌اند. بنده فراموش نمی‌کنم در آن ماه‌های اول جنگ - در آن ماه‌های محنت، نبودن نیرو، نبودن امکانات، نبودن آموزش، نبودن انسجام و سازماندهی، در آن سختی همه‌جانبه مادی - جوان‌های ما با روحیه‌های خوب، از همین اهواز می‌آمدند به مناطق مختلف؛ از جمله همین جا، منطقه دارخوین. یک مشت از جوان‌های مؤمن و حزب‌اللهی که من اشخاصشان را هم بعضاً می‌شناسم، آمدند در همین روستای محمدیه که نزدیک است، سنگرهای انفرادی می‌کنند؛ در تاریکی شب از این سنگرهای انفرادی می‌آمدند بیرون و صد متر، دویست متر جلوتر می‌رفتند، باز آنجا سنگر می‌کنند؛ تمام روز را زیر این آفتاب داغ خوزستان در سنگرها می‌ماندند، سختی‌ها را تحمل می‌کردند، خود را به دشمن نزدیک می‌کردند؛ تا وقتی که نوبت عملیات رسید که در مهرماه سال بعد از حمله - در آخر شهریور ۵۹ حمله دشمن شروع شد - (در مهر ۶۰) در این منطقه دارخوین و همه این مناطق اطراف، با نیروهای رزمنده ارتش و سپاه و بسیج و غیره، توانستند پاداش آن مجاهدت‌ها را بگیرند و به ملت ایران هدیه کنند؛ اینها یادهای ارزشمندی است، نباید بگذارید این یادها فراموش بشود.

در هر کدام از این مناطق، قضاییاتی اتفاق افتاده است که یکی از این قضایا در میان هر کشوری و هر ملتی اتفاق

بیفتد، کافی است برای اینکه در تاریخ، آن ملت را سربلند کند. همین مسائلی که در عملیات بیت‌المقدس اتفاق افتاد، یا آنچه در عملیات فتح‌المبین اتفاق افتاد، یا آنچه بعد از اینها در عملیات خیبر اتفاق افتاد، ذره‌ذره این عملیات و شخصیت‌هایی که این فداکاری‌ها از آنها سرزد و حوادث را ساختند، می‌تواند مجموعه‌ای از افتخارات بزرگ و ماندگار و فراموش‌نشدنی را برای ملت ایران رقم بزند. دشمن‌ها می‌خواهند ما یادمان برود؛ می‌خواهند قضیه دفاع مقدس از یادمان برود، فداکاری‌ها از یادمان برود، شخصیت‌هایی را که در این فداکاری‌ها نقش آفریدند یا شناسیم یا از یاد ببریم، این جور می‌خواهند. بعضی می‌خواهند آن دوران را تخطئه کنند، آن آدم‌ها را تخطئه کنند، آن جهت‌گیری را و آن مسیر را که امام بزرگوار و حکیم و بنده بصیر الهی آن مسیر را معین کرده بود تخطئه کنند؛ برای اینکه می‌دانند که هر ذره‌ای و هر نقطه‌ای از این حوادث، برای ملت ایران فراموش‌نشدنی است و تأثیرات بزرگ سازنده‌ای دارد.

بنده باز هم به ملت ایران عرض می‌کنم این حرکت راهیان نور را مغتنم بشمرید؛ از شما برادران و خواهران عزیزی که از راه‌های دور به این نقطه آمدید و بخشی از مجموعه عظیم حرکت راهیان نور را تشکیل دادید هم تقدیر و تشکر می‌کنم و امیدوارم ان‌شاءالله همه شما مأجور باشید و همه شما ان‌شاءالله با دست پُر و همراه با تجربه‌آموزی و بصیرت و همراه با انوار معنوی الهی ان‌شاءالله از این منطقه جدا بشوید. خداوند متعال همه شما را محفوظ بدارد. پروردگارا، به محمد و آل محمد ارواح طیبه شهدای عزیز جنگ تحمیلی را با اولیائت محشور بفرما. پروردگارا، یاد این عزیزان و فداکاران را در خاطره‌های ما و در متن تاریخ ما ماندگار بدار. پروردگارا، ما را در مقابل دشمنان، در مقابل دشمنی‌ها، در مقابل خبائثت‌ها، با همان روحیه‌ای که مطلوب و مرضی پیغمبر اکرم (ص) و ائمه هدی است، تا آخر نگه بدار. پروردگارا، ملت ایران را بر دشمنانش پیروز کن؛ روح مطهر امام بزرگوار را با اولیائش محشور کن.

و السّلام علیکم و رحمة الله و بركاته.



تعیین کنندگی عملیات والفجر ۸ و به هم خوردن موازنه به نفع ایران

حسین اردستانی*

چکیده		
		پس از فتح خرمشهر، عملیات‌های خیبر و بدر (به‌خصوص خیبر) موجب انفعال عراق و برتری جمهوری اسلامی ایران شد، اما هیچ یک از عملیات‌های انجام‌شده در مقطع پس از فتح خرمشهر تا فاو، دارای نتایجی نبود که بتواند برتری تعیین‌کننده‌ای را نصیب ایران کند. ازاین‌رو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پس از یک سال اقدامات فشرده، عملیات والفجر ۸ را بهمن ماه ۱۳۶۴ در منطقه فاو اجرا کرد. ابتکار ویژه این اقدام، عبور از اروندرود و فریب ارتش عراق در مکان حمله اصلی و پدیده جدیدی به نام غواص بود. عبور از رودخانه اروند آن هم با ابتدایی‌ترین تجهیزات و امکانات، نبوغ و انگیزه پایان‌ناپذیری را نشان می‌داد که غیرقابل کنترل به نظر می‌رسید. ارتش عراق که تصور نمی‌کرد عبور از اروندرود امکان‌پذیر باشد، در حالت غافل‌گیری مطلق با این اقدام مواجه شد و ناگزیر با واگذار کردن شهر فاو، در پشت کارخانه نمک - که در شمال شهر قرار داشت - مواضع پدافندی اتخاذ کرد و با آنکه حملات بسیاری را در مدت ۷۵ روز انجام داد، موفقیتی کسب نکرد. مقاله پیش رو ضمن بررسی سیر طرح‌ریزی و اجرای عملیات والفجر ۸، تاثیر فتح فاو را در تغییر موازنه جنگ به سود ایران مطرح نظر قرار داده است.
		واژه‌های کلیدی: جنگ ایران و عراق، عملیات تعیین‌کننده، عملیات والفجر ۸، عبور از اروند.

اسلامی بود که از طریق ایجاد استحکامات و موانع در زمین، بمباران مناطق صنعتی و اقتصادی و مسکونی، حمله به نفتکش‌ها و کشتی‌های تجاری و بمباران پایانه نفتی جزیره خارک انجام می‌شد. در این مقطع، پس از اجرای عملیات والفجر مقدماتی و والفجر ۱، سپاه با به‌کارگیری ابتکاری جدید در جنگ، بار دیگر عراق را ناچار به سرمایه‌گذاری بسیار برای مقابله با آن کرد. این ابتکار، عملیات در مرداب‌های هورالهویزه و اجتناب از جنگ در زمین پرمنا

مقدمه

سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۴ مقطع خاصی از جنگ بود که در طول آن، ایران و عراق دو نوع راهبرد نظامی را اتخاذ کردند؛ عراق پس از آنکه خرمشهر را از دست داد، راهبرد "دفاع مطلق" را در زمین برگزید و در هوا و دریا از راهبرد هجومی تبعیت کرد. هدف‌های این راهبرد جدید جلوگیری از پیشروی ایران، فشار روانی و اجتماعی بر دولت ایران، بین‌المللی کردن جنگ و کاهش توان اقتصادی جمهوری

* استاد دانشگاه و مسئول مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

هدف تصرف شهر بندری فاو طراحی گردید و با موفقیت کامل انجام شد.

هدف‌ها و جایگاه عملیات در راهبرد نظامی ایران

در جنگ ایران و عراق، به موازات تداوم جنگ، تحقق راهبرد جنگ پیچیده‌تر می‌شد. از سوی دیگر، حفظ ابتکار عمل و اجرای عملیات بزرگ که نقش تعیین‌کننده‌ای در موازنه سیاسی - نظامی جنگ داشته باشد، یک ضرورت مبرم برای کشور و انقلاب بود. این برتری در موازنه، به میزان بسیار زیادی بستگی به عملیات‌هایی داشت که در آن تمام توان دشمن به رویارویی فراخوانده شده، منهدم می‌گردید. درواقع، انهدام دشمن و تصرف زمین‌های راهبردی ازجمله هدف‌های اساسی جنگ محسوب می‌شدند. ازاین‌رو، عملیات والفجر ۸، در جهت تحقق راهبرد تنبیه متجاوز، در بعد نظامی و به‌ویژه در بعد سیاسی، اهمیت بسیاری داشت.

ازنظر هدف، تسلط بر منطقه جغرافیایی شمال خلیج فارس و شهر فاو، اهداف سیاسی - نظامی ویژه‌ای را محقق می‌ساخت که مهم‌ترین آنها عبارت بودند از:

۱. انهدام سکوهای پرتاب موشک.
۲. تصرف شهر فاو.
۳. تأمین خورموسی و تردد کشتی‌ها به بندر امام خمینی.
۴. تسلط بر اروندرود.
۵. تهدید بندر ام‌القصر.
۶. هم‌مرزی با کویت.^(۱)
۷. مسدود کردن راه ورود عراق به خلیج فارس.

علل و دلایل انتخاب منطقه

انتخاب منطقه عملیاتی فاو، نتیجه ابتکارات و تدابیری جدید بود. درواقع، مسئولان و فرماندهان جنگ با جایگزین کردن متغیرهایی چون انتخاب نوع زمین به‌منظور محدود کردن قدرت دشمن و استفاده صحیح از اصول غافل‌گیری در رعایت حفاظت و انحراف ذهنی دشمن،

بود که عملیات خیبر و بدر نمونه‌های مشخص آن بودند. این دو عملیات، به‌خصوص خیبر، موجب انفعال عراق و ایجاد نگرانی در میان حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی او شد. از طرف دیگر، جمهوری اسلامی با این اقدام، همچنان ابتکار عمل و برتری نظامی - سیاسی را برای خود حفظ کرد و زمینه اجرای عملیات‌های بعدی را، با تجربه عملیات در هور فراهم کرد. به‌هر ترتیب، باوجود حفظ ابتکار عمل از سوی ایران، هیچ‌یک از عملیات‌های انجام‌شده در مقطع پس از فتح خرمشهر تا فاو، نتایجی در بر نداشت که برتری تعیین‌کننده‌ای را نصیب ایران کند. بنابراین، ضرورت داشت راهکار جدیدی به کار گرفته شود که با آنچه از اول جنگ تا آن زمان به وقوع پیوسته بود، متفاوت باشد و ذهن فرماندهان نظامی عراق - که با عملیات‌های کلاسیک و مردمی ایران آشنا بودند - قادر به پیش‌بینی آن نباشد تا از این طریق ضریب احتمال پیروزی کامل بیشتر باشد و به‌واسطه آن بتوان بر اوضاع سیاسی، جو داخلی و "دفاع مطلق" عراق که تا این زمان به‌طورنسبی مانع پیشروی‌های تعیین‌کننده رزمندگان اسلام شده بود، فائق آمد.

ازنظر سیاسی، در فاصله میان عملیات‌های بدر و والفجر ۸ مسائل گوناگونی فراروی تصمیم‌گیرندگان سیاسی - نظامی کشور قرار داشت که عبارت بودند از:

۱. جنگ نفتکش‌ها و حمله هوایی عراق به مناطق مسکونی، صنعتی و جزیره نفتی خارک.
۲. درخواست‌های صلح از جانب کشورهای منطقه و کشورها و مجامع عمومی.
۳. کمک‌های مالی و تسلیحاتی به رژیم عراق؛ طبق اخبار منتشرشده، کشور عربستان و شیخ‌نشین‌های جنوب خلیج فارس ۲۹ میلیارد دلار در اختیار رژیم عراق قرار دادند. همچنین علاوه بر کمک‌های تسلیحاتی شوروی (سابق)، امریکا نیز ۴۸ فروند هلیکوپتر دیل ۲۱ در اختیار عراق قرار داد.^(۱)

۴. توافق امریکا و شوروی (سابق) درمورد ممانعت از شکست عراق در مقابل جمهوری اسلامی ایران.
در جو سیاسی - نظامی مورد اشاره، عملیات والفجر ۸ با

زرهی به راحتی میسر نمی باشد. زمین های دیگر این منطقه نیز شوره زار است که بر اثر بارش باران به شدت لغزنده می شود و تردد وسایل نقلیه را با مشکل مواجه می سازد. در مجموع، منطقه والفجر ۸ ویژگی هایی داشت که اجرای عملیات را برای جمهوری اسلامی ایران میسر ساخت.

طرح مانور

در طرح ریزی مانور عملیاتی والفجر ۸ دو عامل به طور قابل ملاحظه ای مؤثر بود: ۱. تجارب عملیات بدر. ۲. پیچیدگی ها و ویژگی های خاص این عملیات. اگر سپاه تجربه گران بهای عملیات های خیبر و بدر را در هورالهیزه نداشت، قطعاً عملیات والفجر ۸ موفق نمی شد و پیروزی آن نیز تضمین کمتری می یافت.^(۴) پیچیدگی ها و ویژگی های خاص این عملیات به گونه ای است که محسن رضایی فرمانده سپاه پاسداران، در جمع فرماندهان می گوید:

«در این عملیات بایستی کل

تجارب جنگ به کار گرفته شود: جنگ شهری، جنگ در دشت، جنگ در آب و...»^(۵)

درواقع عملیات فاو، عرصه بروز همه قابلیت های نظامی و ابتکار عمل و نیز پذیرش خطر از طرف سپاه برای پیشبرد اهداف انقلاب بود. در مبحث طرح مانور چند موضوع حائز اهمیت بود که درباره آنها ساعت ها بحث کارشناسی انجام شد. اهم این موضوعات عبارت اند از:

۱. آگاهی از چگونگی و حالت های خاص آب اروند در نوبت های خاص هفته، ساعت، شب و روز و...
۲. عملیات عبور غواص ها از رودخانه.

انجام دادن تحرکات فریب و عوامل دیگر، بر مشکلات و کمبودها فائق آمدند و سرانجام، این عملیات پیروزی عظیمی را با حداقل امکانات در برابر ارتش به مراتب قوی تر و مجهز تر عراق به ارمغان آورد.^(۶) مهم ترین علت انتخاب فاو برای عملیات، نوع و ویژگی های زمین بود. وجود آب در جنوب، شرق و غرب منطقه عملیاتی و مواجهه با دشمن فقط در شمال منطقه، همچنین امکان اجرای آتش سبک و پرحجم توپخانه و ادوات از آبادان تا فاو بر روی ستون های دشمن از جمله ویژگی های منطقه فاو است که موجب انتخاب آن گردید. به علاوه، محدود بودن زمین راهبردی منطقه فاو که کمیتی محدود و کیفیتی بالا داشت، در این انتخاب مؤثر بود. افزون بر اینها، تصور نکردن عبور ایرانیان از اروند به دلیل شناخت نداشتن از توانایی های ایران، تجربه عملیات های خیبر و بدر در ذهن دشمن و نیز ارزشمند بودن هدف به لحاظ سیاسی و نظامی، از جمله عوامل دیگری بودند که در انتخاب شهر فاو برای عملیات در نظر گرفته شدند.

موقعیت منطقه

منطقه عملیاتی، در جنوبی ترین قسمت خاک عراق و در شمال خلیج فارس قرار دارد. این منطقه را از سه محور آب فرا گرفته است؛ رودخانه اروند در شرق، خور عبدالله در غرب و خلیج فارس در جنوب آن قرار دارد. ساحل شرقی و غربی رودخانه اروند را نخلستان پوشانده است و ساحل دو طرف، به وسیله نهرهای متعددی به اروندرود متصل می شوند.

در ایران، رودخانه بهمن شیر به موازات اروندرود، به خلیج فارس منتهی می شود. در شمال این منطقه شهرهای آبادان و بصره قرار دارند که به وسیله جاده خسروآباد در ایران، و جاده های البحر، فاو - بصره و ام القصر در عراق، با فاو مرتبط می شوند. همچنین در این منطقه دریاچه (کارخانه) نمک وجود دارد که با داشتن سیل بندهای متعدد، مهم ترین عارضه به حساب می آید. در این محل، به دلیل نمکزار بودن، زمین باتلاقی است و امکان استفاده از ادوات

علی رغم حفظ ابتکار عمل از سوی ایران، هیچ یک از عملیات های انجام شده در مقطع پس از فتح خرمشهر تا فاو، دارای نتایجی نبود که قادر باشد برتری تعیین کننده ای را نصیب ایران کند.

شد تا بر این مشکل نگران‌کننده غلبه کنند. ۶ روز پس از سخنان فرمانده نیروی دریایی، در جلسه مشترک قرارگاه خاتم‌الانبیا در اهواز در تاریخ ۱۳۶۴/۱۰/۲۳، احمد غلامپور فرمانده قرارگاه کربلا، اظهار کرد:

«به‌هنگام شناسایی در حالت جزرومد آب، نیرو به چپ و راست می‌رفت، ولی [تمرین] با تجربه به این نتیجه رسیدیم که هر کجا خواستیم برویم.»^(۷)

مرحله‌بندی عملیات، پی‌بردن به نحوه عبور از رودخانه، چگونگی شکستن خط و گرفتن سرپل و چگونگی هوشیاری دشمن و تدبیر مرحله‌بندی عملیات، قطعاً نیازمند حضور در غرب اروند و شناخت بیشتر از واکنش‌های دشمن بود، اما باتوجه‌به عکس، نقشه و اطلاعات به‌دست‌آمده از زمین، درباره مرحله‌بندی عملیات بحث شد و چهار مرحله برای عملیات مشخص گردید:

۱. عبور از رودخانه و شکستن خط و پاک‌سازی سرپل به‌دست‌آمده.

۲. تصرف شهر فاو، رسیدن به خور عبدالله و استقرار در مثلثی شمال شهر که از تقاطع سه جاده البحار، فاو - بصره و جاده ام‌القصر، مثلثی شکل است. همچنین استقرار در پایگاه دوم موشکی در شمال غربی شهر فاو، بایستی در همین مرحله تحقق پذیرد. این نقطه برای داشتن جناح از دشمن بسیار مهم تلقی می‌شد.

۱. پیشروی تا ابتدای کارخانه نمک و تشکیل خط دفاعی به موازات این نقطه از ساحل تا خور عبدالله.

۲. رسیدن به زمین انتهایی کارخانه نمک و کانال انتهایی کارخانه واقع شده بر روی جاده ام‌القصر تا ساحل رودخانه؛ مأموریت مرحله اول به لشکرهای سپاه پاسداران شامل: ۷ ولی عصر (عج)، ۵ نصر، ۴۱ ثارالله، ۳۱ عاشورا، ۲۵ کربلا، تیپ‌های ۴۴ قمرینی هاشم و ۳۳ المهدی (عج)، و اگذار شد. در مرحله دوم، لشکرهای ۲۷ حضرت رسول (ص)، ۱۷ علی‌بن ابیطالب (ع) و در مرحله سوم، لشکرهای ۸ نجف و ۳۱ عاشورا برای تحقق طرح مانور در نظر گرفته شدند. در مرحله چهارم، تمام یگان‌ها موردنظر بودند.

۳. توسعه در عمق: در عملیات‌های بزرگی که پس

۳. عملیات شکستن خط و پاک‌سازی سرپل به‌دست‌آمده.

۴. مرحله‌بندی عملیات.

۵. توسعه در عمق.

۶. انهدام دشمن و ...

به‌منظور درک حالت‌های مختلف آب اروندرود، ماه‌ها تحقیق شد و با جمع‌بندی اطلاعات موجود در تاریخچه این رودخانه و نیز وضعیت جوی منطقه خسروآباد و فاو در ۲۰ سال گذشته - که از اداره هواشناسی اخذ گردید - هیچ‌گونه مشکلی به نظر نمی‌رسید.

درمورد عملیات عبور غواص‌ها از رودخانه آموزش و تمرین‌های زیادی انجام شد. این اقدام برگرفته از تجربه عملیات بدر بود. این عملیات، اوج خطرپذیری انقلابی نیروهای حزب‌اللهی و پیرو خط امام را به نمایش گذاشت. دراین‌باره، یکی از نگران‌های اصلی، تأثیر جریان آب رودخانه اروند بر حرکت غواص‌ها و دورشدن آنها از هدف خاص واگذار شده به آنها بود. ناخدا ملک‌زادگان فرمانده نیروی دریایی ارتش در آن زمان، پس از شنیدن سخنان مسئولان امر

درباره طرح عملیات، گفت:

«اظهارات نشان داده که اگر غواص از یک نقطه بخواهد به نقطه روبه‌رو حرکت کند بعضی وقت‌ها ۵ - ۶ کیلومتر بالا و پایین می‌رود و این بستگی به جریان آب دارد. بنابراین، در ارزیابی‌ای که لازم بود اینجا بشود، آن نیروهای خط‌شکن که بخواهند در طول (از شرق به غرب) رودخانه عبور کنند - به نظر بنده - به‌طور شناور و غواصی، امکان خیلی کمی است که موفق شوند.»^(۸)

سخنان ناخدا ملک‌زادگان باتوجه‌به جریان آب تا اندازه‌ای صحیح بود، لیکن پیگیری و تلاش نیروها سبب

در جنگ ایران و عراق، به موازات تداوم جنگ، پیچیدگی بیشتری در تحقق راهبرد جنگ به وجود می‌آمد.



از چپ: برادران غلامرضا صالحی، مصطفی ایزدی، محسن رضایی، شیخ الاسلامی و شیخ میری از دفتر فرماندهی در سنگر فرماندهی

در هر صورت، تأکید بسیاری شد که اهداف عملیات بایستی با کار و تلاش مستمر و برداشتن گام‌های بلند تحقق یابند.

علاوه بر این، موضوعات دیگری مانند آتش پر حیم ادوات و توپخانه، به کارگیری زرهی، مهندسی و عبور نیروها که از مشکل‌ترین امور عملیات به شمار می‌رفت، در طرح مانور لحاظ گردید.

وضعیت دشمن

به طور کلی، فرماندهان ارتش عراق آگاه بودند که ایران در فصل زمستان یک عملیات بزرگ بزرگ انجام می‌دهد. با توجه به تجربه سال‌های قبل و نیز وجود هدف‌های راهبردی در جبهه جنوب، آنان محور این حمله را در جبهه‌های جنوب می‌پنداشتند. این تصور، عمومی بود، اما دشمن به منطقه هورالهویزه در صدر مناطق دیگر توجه داشت. از جمله دلایلی که موجب می‌شد عراق حمله آتی ایران را از هورالهویزه بداند، سابقه منطقه و اجرای عملیات‌های بدر و خیبر در سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ بود. علاوه بر این، تسلط نداشتن کامل عراق بر هورالهویزه و متقابلاً تسلط بیشتر ایران، عراق را در این

از فتح خرمشهر انجام شد، از یک سو، همواره میان عمق بخشیدن به عملیات و توان موجود و از سوی دیگر، هماهنگی پیشروی با پشتیبانی عملیات از نظر مهندسی و...، تعارض وجود داشت. در این عملیات توسعه در عمق و استمرار عملیات مورد توجه بود. فرمانده سپاه در این باره در جلسه‌ای با حضور فرماندهان یگان‌های سپاه می‌گوید: «ما باید روز اول و دوم حداکثر استفاده را بنماییم و همه (مهندسی ما، زرهی ما، لشکرهای ما) هنر خود را به خرج بدهیم. اگر بخواهیم دست‌دست کنیم و حالا مطمئن شویم که خط شکسته یا نشکسته، می‌شود مانند سیل بند [خط اول] عملیات بدر که تا صبح فرماندهان منتظر وضعیت بودند. صبح دیدند که عراقی‌ها کفش‌ها را گذاشته‌اند و فرار کرده‌اند و رفتیم جلو. اینجا [فاو] وقتی دشمن در دشت پراکنده شد، ما در روز می‌توانیم بجنگیم.»^(۸)

محسن رضایی در جلسه دیگری درباره استمرار عملیات با اطمینانی که در خصوص غافلگیری دشمن داشت، ضمن تأکید بر استمرار عملیات و نداشتن تأخیر در حرکت‌های بعدی، اظهار کرد: «اگر از آن طرف دشمن آماده نبود و مانیز (حتی) لودر و بلدوزرمان از آب عبور نکرده بود، ولی تانک در دست داشتیم، باید برویم تا مرحله چهارم.»^(۹)

اندیشه فرومی برد که شاید باز هم از هور به او حمله شود. همچنین، حجم فعالیت های جبهه خودی در منطقه هور که بیش از همه در امور مهندسی و نقل و انتقال خلاصه می شد، دشمن را به این جمع بندی رسانده بود که ایران از هور حمله خواهد کرد.

در منطقه شرق اروندرود نیز ایران فعالیت مهندسی داشت، به خصوص از آذرماه ۱۳۶۴ به بعد، این اقدامات افزایش یافت و دشمن نیز از این اقدامات آگاه بود، اما چند عامل سبب شد که عراق توجه جدی به تلاش های ایران در

شرح عملیات

بعد از هماهنگ شدن محورهای مختلف توسط فرماندهی سپاه، در ساعت ۲۲:۱۰ مورخ ۱۳۶۴/۱۱/۲۰، با اعلام رمز، عملیات بزرگ والفجر آغاز شد. محسن رضایی فرمانده سپاه، رمز و دستور عملیات را بدین ترتیب اعلام کرد:

«بسم الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم. و قاتلوهم حتی لا تكون فتنة. یا فاطمة الزهرا. یا فاطمة الزهرا. یا فاطمة الزهرا. این موقع، امام [خمینی] فرمان داد حکومت نظامی [شاه] باید لغو شود. شماها حکومت نظامی صدام را لغو کنید و ان شاء الله بریزید توی شهر و روستا و حکومت را به هم بریزید.»^(۱۲)

در این ساعت، در اکثر محورها، غواص ها که از آب بیرون آمده و زیر پای دشمن بودند، به شکستن خط و پاک سازی آن پرداختند و هم زمان، آتش پر حجم ادوات و توپخانه روی ساحل دشمن اجرا شد و بی درنگ نیروهای موج دوم که داخل قایق ها، در نهادهای متاهی به رودخانه اروند، در ساحل خودی منتظر بودند، به ساحل غرب اروند منتقل شدند و به توسعه سرپل مبادرت ورزیدند. شکستن خط و ورود نیروهای موج دوم بسیار سریع انجام شد که این امر از هم گسیختگی بیشتر دشمن را در پی داشت. یکی از فرماندهان عراقی در گزارش وضعیت ایجاد شده، به رده بالای خود چنین می گوید: دشمن مانند سیل توسط قایق نیرو پیاده می کند و برمی گردد. اگر چاره ای نکنید، احتمال می رود ام القصر را هم بگیرند. وضعیت ما بسیار بد است.

بعد از گزارش های متعدد در این باره که به رده بالای فرماندهی ارتش عراق ارسال شد، صدام حسین فرمانده

شرق اروند نکند: ۱. منصرف شدن ایران از حمله به فاو در تابستان سال ۱۳۶۳. ۲. شدت و گسترش فعالیت در هورالهویزه، به خصوص روی پد خندق و جزایر میجنون. ۳. دشمن توانایی های تجهیزاتی ایران را کمتر از آن می دانست که بتواند از رودخانه اروند عبور کند. ضمن آنکه تحلیل کلاسیک دشمن از رودخانه اروند، این موضوع را تشدید می کرد. که امکان حمله ایران از اروندرود وجود ندارد بنابراین، دشمن اقدامات خودی را ملاحظه می کرد، اما تحلیل دیگری از وضعیت نظامی جبهه های

جنوب داشت. از این رو، حین ملاحظه این اقدامات، به تقویت محور هورالهویزه پرداخت و نیروهای سپاه را در آن منطقه به طور بی سابقه ای بمباران کرد. در مجموع، فرماندهان عراقی، حمله احتمالی رزمندگان اسلام را از محور فاو، فریب دانسته و علاوه بر هورالهویزه، نسبت به حوزه عملیاتی سپاه هفتم، به منطقه ام الرصاص بیشتر توجه داشتند.

منطقه عملیاتی فاو، در حوزه فعالیت سپاه هفتم عراق قرار داشت. پدافند این منطقه به لشکر ۲۶ پیاده واگذار شده بود و این یگان مسئولیت جنوب زیاده تا رأس البیشه را

مهم ترین علت انتخاب فاو برای
عملیات، نوع و ویژگی های
زمین بود.

دهانه خلیج فارس با اندکی تأخیر که یکی دو یگان ایجاد کردند، تا آخر روز اول به انتهای نخلستان رسیدند و در محور مقابل شهر فاو، رزمندگان لشکر ۲۵ کربلا، شهر را دور زده، در شمال آن مستقر شدند. در محور رأس البیشه، نیروی دریایی سپاه (قرارگاه نوح) با سرعت آن منطقه را

نیروهای مسلح و رژیم عراق، خطاب به نیروها و یگان‌های مستقر در فاو این پیام را صادر کرد:

«مقاوم باشید. ان شاء الله سه لشکر زرهی می‌فرستم و ایرانی‌ها را شکست خواهیم داد.»^(۱۳)

به‌ترتیب، یگان‌های عمل‌کننده از محور شمال فاو تا

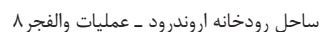


نقشه عملیات والفجر ۸ در منطقه فاو

و به هم خوردن موازنه به نفع ایران
تعیین کنندگی عملیات و الفجر ۸

در درون شهر فاونیز پاک‌سازی دشمن انجام شد و حین آن، فرمانده تیپ ۱۱۱ به اسارت درآمد. هم‌زمان با این اقدام، لشکرهاي ۲۷ حضرت رسول (ص) و ۱۷ علی بن ابیطالب (ع) در محور جاده ام‌القصر، مرحله دوم عملیات را آغاز کردند و تا غروب روز اول، خود را به پایگاه موشکی (دوم) واقع در شمال غربی شهر فاون رساندند. همچنین لشکر ۸ نجف به‌همراه لشکر ۲۵ کربلا از روی جاده استراتژیک به‌موازات لشکرهاي ۱۷ و ۲۷ به‌سمت کارخانه نمک جلو رفتند و حدود ۳ کیلومتر جلوتر از شهر به انتخاب موضع دفاعی

به‌هر ترتیب، تصمیم فرماندهی آن بود که از وضع موجود نهایت استفاده شده، ضمن تلاش برای انتقال وسایل مهندسی، عملیات متوقف نگردد و به سوی هدف‌های موردنظر پیشروی انجام شود. بنابراین، در جناح شمالی، لشکره نصر به‌همراه تیپ ۴۴ قمر بنی‌هاشم موفق شدند کنار جاده فاو - البحار مستقر شوند. این حضور، موجب امنیت جبهه خودی می‌شد و تهدید و مانع جدی برای دشمن به شمار



و یگان‌های احتیاط منطقه متعرض مواضع خودی شد، اما پس از متوقف کردن تک مشترک سپاه و ارتش در محور ام‌الرصاص (شلمچه) و برطرف کردن نگرانی‌ها و تشویش‌ها درباره بصره و پس از درک جدی بودن حمله فاو و وضع موجود، از بعدازظهر روز سوم با تمام توان به موضوع فاو پرداخت. برای این منظور، لشکر گارد، تحت امر سپاه هفتم قرار گرفت و غروب این روز وارد منطقه شد و کنار کارخانه نمک، روی جاده استراتژیک مستقر شد تا صبح روز بعد پاتک خود را شروع کند. فرمانده سپاه با درک برنامه دشمن، در ابلاغی شفاهی، فرماندهان یگان‌ها را درباره اهمیت این موضوع و لزوم آمادگی توجیه کرد. وی گفت: «فرماندهی دشمن به نیروهای مخصوص صدام گفته شما بروید جلو ما نیرو وارد می‌کنیم. بچه‌ها باید اینها را بزنند، چون خط‌شکن هستند. اگر لشکر گارد منهدم شود بقیه نیروهایی که وارد منطقه می‌شوند کُپ خواهند کرد. باید از جلو و عقب همه بریزند روی سرشان... انهدام اینها خیلی تأثیر دارد. رزمندگان را آماده کنید، چون ممکن است حواسشان نباشد. باید قبل از اینکه بیایند و سازمان بگیرند خردخرد اینها را خورد.»^(۱۵)

علاوه بر این، در این شب، فرماندهان لشکرهای امام حسین^(ع)، عاشورا، کربلا، نجف و علی بن ابیطالب^(ع) تصمیم گرفتند برای تصرف کامل خط مرحله سوم (کارخانه نمک) وارد عمل شوند. برای این منظور و نیز آگاهی از چگونگی استقرار لشکر گارد جمهوری، از سه محور، فلش حمله گذاشته شد: ۱. جاده البحر به طرف کارخانه نمک. ۲. از سمت جاده شنی به پشت نیروهای لشکر گارد. ۳. از مقابل و روی جاده استراتژیک. تاکتیک اصلی حمله به لشکر گارد، حمله از سه جناح و نفوذ در میان آنها بود. یکی از فرماندهان گردان‌های عمل‌کننده در این محور در این باره می‌گوید:

«ما وقتی به دشمن رسیدیم با روشن شدن منور و نورافکن‌های دشمن، تجمعات آنها را شناسایی کردیم و بدین ترتیب از نقاط خالی منطقه در میان آنها نفوذ کردیم و برای هر تجمع دشمن که بدون سنگر و در پناه تانک‌ها به

پرداختند تا آماده مرحله دوم عملیات شوند، اما برنامه آن بود که پیشروی تا مرحله سوم عملیات؛ یعنی ابتدای کارخانه نمک انجام شود و سپس برای مرحله آخر که تثبیت خط در انتهای کارخانه نمک بود، عملیات انجام شود. محسن رضایی فرمانده سپاه، باتوجه به وضعیت خاص دشمن به فرماندهان می‌گوید:

«دشمن الحمدلله کاملاً غافل [گیر] شده است و نیروهایی که می‌آورد با دستپاچگی و شتاب‌زدگی است، لذا شما از زمان استفاده کنید. به بچه‌ها بگویید ن خوابند... به خودتان فشار بیاورید. از این سختی رد بشویم ان شاء الله، خدا اجر بزرگی به شما می‌دهد... اینها [دشمن] چون در منطقه گیج هستند و توجیه نیستند تا بیایند آرایش بگیرند و آماده شوند بچه‌ها می‌توانند آنها را منهدم کنند.»^(۱۶)

در روز دوم لشکرهای ۲۷ حضرت رسول^(ص) و ۱۷ علی بن ابیطالب^(ع) در محور ام‌القصر و لشکرهای ۲۵ کربلا و ۸ نجف اشرف در محور جاده استراتژیک توانستند به ابتدای خط کارخانه نمک برسند. از جناح ساحلی نیز حضور لشکرهای ۱۴ امام حسین و ۳۱ عاشورا و لشکر ۵ نصر و تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم موجب پیوستگی خط از ساحل به کارخانه نمک تا خور عبدالله شد، گرچه هنوز خاکریز و سنگر مناسب احداث نشده بود و نیروها عمدتاً از عارضه‌های محدود و جزئی زمین و نیز پشت بلندی جاده‌ها، به عنوان جان‌پناه استفاده می‌کردند. همچنین مختصات خط مرحله سوم به طور کامل تأمین نشده بود.

شروع اقدامات گسترده عراق

تا روز سوم، تحرک عراق در منطقه فاو چشمگیر نبود، زیرا غافلگیری در عملیات، احتمال ندادن حمله ایران در این منطقه و ناممکن بودن عبور از اروند موجب شده بود که عراق نیروی زیاد و آرایش دفاعی آنچنانی نداشته باشد و طرح‌های مقابله همچون محورهای دیگر جبهه جنوب برای منطقه فاو تهیه نکند. یگان‌های مانوری مانند لشکر گارد ریاست جمهوری نیز درباره عملیات ایران توجیه نشده بودند. از این رو، عراق تا روز سوم با لشکر

شود. لازم است این تدابیر سریع انجام شود. به فرمانده لشکر ۲۶ بگویید یک گردان مکانیزه و توپخانه بفرستد که ما را پشتیبانی کنند. باید از جاده ساحلی (البحار) نیروی کمکی برای تیپ‌های ۳ و ۴ بفرستید، هرچند گران تمام شود.^(۱۸)

فرمانده لشکر گارد در پاسخ می‌گوید: «شما با جنگ و گریز بیایید عقب، ما کاری نمی‌توانیم بکنیم.»^(۱۹)

پس از ابلاغ این فرمان - که حالت التماس و توصیه داشت - باقیمانده نیروهای لشکر گارد با ناامیدی به تکاپو افتادند و پس از ساعتی جنگ و گریز، حدود ساعت ۰۳:۰۰ بعدازظهر، بعد از ۱۶ ساعت درگیری و محاصره طاقت‌فرسا توانستند از معرکه خود را نجات دهند، اما فقط تعداد کمی موفق به فرار شدند، زیرا بیشتر آنان کشته یا مجروح شده بودند و جنازه‌ها و تانک‌های سوخته اطراف جاده استراتژیک را پوشانده بود.

انهدام لشکر گارد جمهوری عراق در میان رسانه‌های غرب نیز بازتاب چشمگیری داشت که حاکی از نگرانی آنها بود. روزنامه واشنگتن پست (چاپ آمریکا) در گزارش مبسوطی در این باره، نوشت: «ناظران غربی که جنگ ۵/۵ ساله ایران و عراق را زیر نظر دارند، معتقدند ارتش عراق در حمله ناگهانی زمینی، دریایی و هوایی ایران بر علیه فاو، بیش از ۱۰,۰۰۰ نفر کشته و زخمی داده است. همچنین شکست سختی به نیروهای ویژه گارد ریاست جمهوری که از قوی‌ترین یگان‌های ارتش عراق می‌باشد، وارد آمده است.»

عراق پس از این واقعه، چند اقدام اساسی را دنبال کرد:

۱. بمباران عقبه‌ها و انهدام پل‌ها.
۲. حمله از محور ساحلی.
۳. بمباران شیمیایی.
۴. تقویت نیروی منطقه.

حمله از محور ساحلی با مقاومت یگان‌های آن محور؛ لشکر ۵ نصر و تیپ ۴۴ قمرینی هاشم و لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) با شکست مواجه شد. بمباران عقبه و پل‌ها بسیار مؤثر واقع شد و ظرف چند روز، ارتباط شرق و غرب

استراحت مشغول بودند، یک دسته از نیروهای گردان را در اطراف آن مستقر کردیم.^(۱۶)

به هر تقدیر، در حالی که نیروهای لشکر گارد مشغول استراحت بودند تا صبح روز بعد سرحال و قیاق به مواضع رزمندگان اسلام حمله کنند، ساعت یک شب حمله جبهه خودی از سه محور یادشده آغاز شد. این حمله آن‌چنان غیرمنتظره بود که امکان کوچک‌ترین واکنشی از آنها سلب شد.

تلفات بالا و سردرگمی موجب شد، نزدیک صبح،

لشکر گارد پس از یک درگیری

تن‌به‌تن، بدون کسب نتیجه

عقب‌نشینی کند. عراق با

عقب‌نشینی لشکر گارد، دستور

داد برای مقابله، گلوله شیمیایی

به سمت مواضع خودی پرتاب

شود، اما این بار به‌اشتباه، گلوله

شیمیایی میان دو تیپ از لشکر

گارد منفجر شد. پس از این واقعه

نیروهای عراقی وحشت‌زده و پیاپی

درخواست کمک می‌کردند، ولی

چون محاصره شده بودند، امکان

کمک وجود نداشت. تنها کمک

سپاه هفتم، فرستادن تیپ ۴۳۳ بود

که با انهدام یک گردان، آنها نیز

گریختند. در این میان، اجرای آتش پر حجم توپخانه روی

عراقی‌ها بسیار مؤثر بود. فرمانده تیپ ۴ گارد جمهوری

در مورد آتش و وضع یگان خود به رده بالاترش چنین

گزارش می‌کند: «وضع ما بسیار بد و سخت می‌باشد،

آتش توپخانه روی ما بسیار مؤثر است و تلفات نفرات،

با شمارش دقیقه، افزون‌تر می‌شود. فعلاً در مواضع خود

مقاومت می‌کنیم ولی به داد ما برسید.»^(۱۷)

وی می‌افزاید:

«ما از تمام جهات و از چهار طرف در محاصره دشمن

قرار گرفته‌ایم. احتیاج به یک تیپ زرهی داریم که راه باز

اگر سپاه تجربه گران‌بهای
عملیات‌های خیر و بدر را در
هوالهویزه نداشت قطعاً عملیات
والفجر ۸ موفق نمی‌شد و
پیروزی آن نیز از تضمین کمتری
برخوردار بود.

نتایج عملیات

در عملیات والفجر ۸، دو عامل تأثیرگذار بر موازنه جنگ، یعنی تصرف زمین استراتژیک و انهدام دشمن به میزان قابل ملاحظه‌ای به نفع جمهوری اسلامی ایران تحقق یافت. علاوه بر این، نتایج جزئی دیگری نیز به دست آمد که به اختصار چنین است:

در جریان عملیات، دشمن بیش از ۵۰,۰۰۰ کشته یا زخمی داشت که در میان آنها یک فرمانده لشکر و ۵ فرمانده تیپ و تعداد زیادی افسران ارشد و جزء مشاهده می‌شدند. همچنین ۲۱۳۵ نفر^(۲۵) اسیر

که در میان آنها چندین سرهنگ ستاد، سرهنگ دوم، سرگرد، افسر جز، خلبان هواپیما و بالگرد و درجه‌دار وجود داشت، به اسارت درآمدند.^(۲۱) همچنین مقادیری از تجهیزات دشمن منهدم و بخشی از آنها به غنیمت گرفته شد که مهم‌ترین آنها عبارت بودند از:

علاوه بر این، مقدار زیادی وسایل مخابراتی، سلاح‌های سبک، رادارهای مختلف و نیز سلاح‌های ضد هوایی در میان وسایل انهدامی دشمن و غنائم به دست آمده به چشم می‌خورد. در این عملیات،

یگان‌های ارتش عراق بیش از هر عملیات دیگری متحمل خسارت و آسیب شدند. در مجموع، ۱۰ تیپ پیاده،

وسایل	منهدم	غنیمتی
تانک و نفربر	۲۰۰ دستگاه	۱۰۰ دستگاه
خودرو	۵۰۰ دستگاه	۲۵۰ دستگاه
توپ	۱۵۰ عراده	۳۵ قبضه ^(۲۲)
هواپیما	۴۷ - ۴۵ فروند ^(۲۳)	— ^(۲۴)
بالگرد	۱۰	— ^(۲۵)
ناوچه جنگی	۳	— ^(۲۶)

رودخانه بهمن شیر - که عقبه جبهه فاو محسوب می‌شد - مختل گردید که با تلاش زیاد مهندسی و احداث پل‌های شناور و خاکی این مشکل حل شد. بمباران شیمیایی کارسازترین اقدام دشمن بود، وسعت بمباران آنقدر زیاد بود که منطقه وسیعی از نخلستان آلوده به مواد شیمیایی شد و در وضعیتی پیش‌بینی‌نشده و غافلگیرکننده بیش از ۱۷,۰۰۰ نفر از رزمندگان اسلام مجروح شدند. کل جبهه برای مقابله با این وضعیت بسیج شد. درمان مجروحان سرپایی (جراحات اکثر مجروحان شیمیایی سطحی بود) و بازگرداندن آنها به منطقه و نیز رفع آلودگی از محیط، دو اقدام عاجل برای فائق آمدن بر وضع موجود بود که واحد بهداری و ش.م.ر. انجام دادند.

در مرحله چهارم (روز پنجم)، یگان‌های خودی توانستند تانیمه‌های کارخانه نمک و جاده ام‌القصر پیشروی کنند. عراق نیز که از حملات خود در محورهای ساحلی و جاده استراتژیکی نتیجه‌ای عایدش نشده بود، به‌طور جدی وارد کارخانه نمک و جاده ام‌القصر شد. وضعیت خاص زمین کارخانه نمک موجب شد حدود یک ماه درگیری ایران و عراق (در والفجر ۸) در این محور ادامه یابد و سرانجام موقعیت نیروهای ایرانی تثبیت شود. همچنین در محور ام‌القصر، به دلیل نرسیدن بُرد آتش خودی و نیز کمبود دستگاه مهندسی که مانع از تقویت خط به‌طور دلخواه بود، دشمن دست به حملاتی زد. اوج این حملات در تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۲۹ بود که خط خودی شکسته شد، اما سرانجام آن حمله نیز دفع گردید.^{**}

به‌هرصورت، منطقه عملیات والفجر ۸ تا قبل از آغاز دفاع متحرک عراق، حدود ۷۰ روز فعال بود و توان سپاه به‌طور کامل صرف آن شد. با شروع حملات جدید عراق در محورهای مختلف مرزی و نیز تثبیت منطقه تصرف شده فاو، به تدریج سپاه نیروهای خود را کاهش داد و مشغول برنامه‌ریزی برای عملیات‌های آینده شد.

^{**} برای اطلاع از جزئیات این حمله رجوع کنید به: حسین اردستانی، "سقوط خط ام‌القصر در عملیات والفجر ۸"، فصلنامه بررسی‌های نظامی، سال چهارم، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۷۲.

در مورد عملیات عبور غواص‌ها از رودخانه، آموزش و تمرین‌های زیادی صورت گرفت. در این باره، یکی از نگرانی‌های اصلی، تأثیر جریان آب رودخانه اروند بر حرکت غواص‌ها و دور شدن آنها از هدف واگذار شده به آنها بود.

و به هم خوردن موازنه به نفع ایران تعیین کنندگی عملیات والفجر ۸



آماده شدن رزمندگان برای انتقال به منطقه عملیاتی - کنار رودخانه اروند

منطقه را نیز تصرف کنند. در این باره، ماهر عبدالرشید، فرمانده سپاه سوم عراق می‌گوید: «ایران در عملیات جاری خود روش‌های نظامی نوینی را به کار برده است و برخلاف توقع، در شرایط جوی سختی که باران‌های شدید می‌بارید، با استفاده از مردان قورباغه‌ای و پیشقراولان رزمی، حمله خود را به موضع ما آغاز کرد.» رادیو آمریکا نیز در همین خصوص اعلام کرد: «تحلیلگران نظامی غرب معتقدند که ایران برای عبور از شط‌العرب نیاز به داشتن تجهیزات کافی داشته و متعجب از این موضوع‌اند که چگونه با تجهیزات اندک توانسته‌اند از این آبراه عبور کرده و به مواضع عراقی‌ها دست یابند.»^(۳۱)

وحدت فرماندهی

موضوع مهم دیگر آن است که باتوجه به آنکه در این عملیات فقط یگان‌های پیاده سپاه پاسداران در حمله دخالت داشتند، ترکیب همگون نیروها و فرماندهی واحد، امکان برنامه‌ریزی و ضمانت اجرای تصمیمات را به راحتی میسر می‌ساخت. در این عملیات، ارتش جمهوری اسلامی با بهره‌گیری از نیروی هوایی، هوانیروز، دفاع ضد هوایی هاگ و توپخانه به پشتیبانی از عملیات پرداخت.

و مهم‌ترین ویژگی‌های عملیات والفجر ۸ است. در واقع، عبور از رودخانه اروند با عرض و عمق زیاد و شتاب زاید الوصف - که به گفته برخی کارشناسان، سرعت جریان آب رودخانه نزدیک به ۷۰ کیلومتر است - کار بسیار پیچیده و خطیری بود که می‌بایست با محاسبه دقیق و آگاهی از جوانب امر انجام می‌شد؛ در غیر این صورت، علاوه بر اینکه موفقیت عملیات در پرده ابهام قرار می‌گرفت، تعداد بسیار زیادی از غواصان نیز شهید می‌شدند. این موضوع آن قدر مخاطره‌انگیز بود که برخی فرماندهان نظامی کلاسیک، عملیات عبور از اروندرود را غیرممکن می‌خواندند و کمترین موفقیتی برای آن قائل نبودند؛ لیکن دقت نظر فرماندهان سپاه در دستیابی به اطلاعات لازم، آموزش‌های خاص برای عبور از اروند، انتخاب حساب‌شده غواص‌ها، انتخاب مناسب‌ترین نقطه برای عبور باتوجه به عرض رودخانه، توجه کافی به حالت‌های مختلف جزرومد آب و عوامل دیگری از این قبیل، سبب شد تا آنان بتوانند شکل جدیدی از عملیات نظامی را که در نوع خود در تاریخ نظامی جنگ‌های منطقه و شاید جهان بی‌سابقه بود، انجام دهند و با اقتدار کامل، ضمن عبور از اروند و شکستن خط،

بازتاب سیاسی

پیروزی نظامی جمهوری اسلامی ایران در فتح فاو، موازنه نظامی - سیاسی جنگ را به میزان قابل ملاحظه‌ای به نفع ایران، تغییر داد و جریان جنگ را پیچیده‌تر کرد. این اقدام ایران واکنش‌های بسیاری را در محیط بین‌المللی و منطقه‌ای در پی داشت. رژیم عراق نیز واکنش تندتری در ابعاد مختلف جنگ از خود نشان داد. ایالات متحده آمریکا پیروزی قوای ایرانی را که موجب قرار گرفتن ایران در کنار مرزهای کویت شد،

تهدیدی مهم برای منافع خود قلمداد کرد و در سطح منطقه دست به تحرکات دیپلماتیک زد؛ جرج بوش رئیس‌جمهور آمریکا، به کشورهای عربستان، بحرین، عمان و یمن شمالی سفر کرد و با مقامات این کشورها دیدار کرد. ریچارد مورفی معاون وزیر خارجه آمریکا، با طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق، ملاقات کرد. مهم‌ترین محور گفت‌وگو در این ملاقات‌ها، گسترش جنگ ایران و عراق بود. همچنین امریکایی‌ها اعلام کردند که در صورت به‌خطر افتادن تردد

کشتی‌ها در خلیج فارس، وارد عمل می‌شوند^(۳۲) و با همین بهانه، ۴ فروند قایق خود را به بهانه تضمین امنیت کویت، گشت‌زنی و محافظت از سواحل کویت وارد شمال خلیج فارس کردند.^(۳۳)

علاوه بر این، آمریکا در صدد برآمد تا با هماهنگی شوروی خط مشی جدیدی را در برابر جنگ اتخاذ کنند. شولتز وزیر خارجه آمریکا اعلام کرد، میان دو ابرقدرت برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق، ابتکار تازه‌ای در جریان است.^(۳۴) وی همچنین اظهار کرد: در جریان این مذاکرات (در استکهلم) واشنگتن و مسکو به این توافق رسیدند که پایان یافتن جنگ

به نفع آمریکا و شوروی است.^(۳۵)

اقدام دیگر مقامات امریکایی را در ایفای نقش در شورای امنیت برای تصویب قطعنامه جدید علیه ایران و کاهش قیمت نفت، می‌توان ملاحظه کرد. آنها همچنین به کمک رسانه‌های غربی، موج جدیدی را درباره نسبت دادن تروریسم به ایران و جوسازی در مورد خریدهای تسلیحاتی ایران به راه انداختند. رادیو آمریکا در این باره، به نقل از *واشنگتن تایمز* اعلام کرد: ایران ۷۷ موشک زمین‌به‌زمین و ۶۰ موشک زمین‌به‌هوا - که قادر است هواپیماهای میگ ۲۳ و میراژهای اف ۱ را سرنگون کند - از سوریه و کره شمالی تحویل گرفته است.^(۳۶)

نشریه انگلیسی *آبزرور* هم نوشت: ایران اخیراً از انبارهای اروپایی ۱۰ هزار موشک ضدتانک تاو، ساخت آمریکا را به بهای هر فروند ۱۶ هزار دلار خریداری کرد.^(۳۷) انستیتو مطالعات استراتژیک لندن اعلام کرد: چین در ماه مارس ۱۹۸۵ با فروش معادل ۱/۶ میلیارد دلار تسلیحات از جمله ۱۴ فروند جت شناسایی جی ۶۰، ۲۰۰ دستگاه تانک تی ۵۹، سلاح ضدتانک، موشک انداز و موشک‌های زمین‌به‌هوا به ایران، موافقت کرده است.^(۳۸)

اتحاد جماهیر شوروی (سابق) نیز پس از عملیات به موضع‌گیری در برابر جنگ پرداخت. گرومیکو وزیر امور خارجه این ابرقدرت، اعلام کرد: موضع‌گیری شوروی در جنگ تغییرناپذیر است. چه وقتی که عراق وارد [خاک] ایران شد و چه حالا که ایران وارد [خاک] عراق شده است، شوروی جنگ را بی‌معنی و غیرضروری می‌داند که باید هرچه‌زودتر متوقف شود.^(۳۹) به علاوه، شوارد نادره وزیر خارجه و (احتمالاً پدیماکف) معاون وزیر خارجه این کشور با مقامات عراقی دیدار و گفت‌وگو کردند. مقامات رسمی شوروی در یک واکنش جانب‌دارانه از عراق، اظهار کردند که مسکو از پیشنهادی صلح صدام برای پایان جنگ پشتیبانی می‌کند.^(۴۰) دبیرکل سازمان ملل متحد از کشورهای آمریکا و شوروی خواست که از نفوذ خود استفاده کرده، جنگ را پایان دهند. رئیس شورای امنیت

مرحله‌بندی عملیات، پی‌بردن به نحوه عبور از رودخانه، چگونگی شکستن خط و گرفتن سرپل و چگونگی هوشیاری دشمن و تدبیر مرحله‌بندی عملیات، قطعاً نیازمند حضور در غرب اروند و شناخت بیشتری از عکس‌العمل‌های دشمن بود.

جنگ پرداخت، اما هیچ گونه موضع مشخصی اتخاذ نکرد. پنج ماه بعد رئیس دوره‌ای این جنبش در اجلاس حراره، عراق را متجاوز اعلام کرد.^(۴۳)

مهم‌ترین بازتاب این عملیات، کاهش قیمت نفت بود که با هدف کاستن از توان اقتصادی و درآمد ارزی جمهوری اسلامی انجام شد. این کاهش تا مرز هر بشکه ۶ دلار پیش یافت. عربستان به همراه کشورهای دیگر تولیدکننده نفت با افزایش تولید و اشباع بازار نفت، نقش بسزایی در ایجاد این وضعیت داشتند. این عمل

عربستان که با پوشش "استراتژی سهم بازار" توجیه می‌شد، تا یکی دو سال قیمت نفت را پایین نگه داشت.^(۴۴)

علاوه بر این، ازدست دادن فاو، فشار مضاعفی را در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بر عراق وارد کرد. از این رو رژیم عراق دست به اقدامات وسیع سیاسی - نظامی زد. مهم‌ترین اقدامات عراق که در واکنش به شکست فاو انجام شد، حمله به هواپیماهای مسافربری ایران که حامل تنی چند از نمایندگان مجلس، از جمله آیت‌الله محلاتی

نماینده حضرت امام خمینی (س) در سپاه، حمله به قطار مسافربری در ایستگاه هفت‌تپه خوزستان و حمله به مراکز اقتصادی و صنعتی با تأکید بر منابع نفتی (پایانه خارک، پالایشگاه‌ها و...) بود. اجرای عملیات‌های محدود تهاجمی با عنوان استراتژی "دفاع متحرک" اقدام دیگر عراق بود که در نتیجه آنها توانست برخی مواضع مرزی ایران و شهر مهران را تصرف کند. با اجرای عملیات کربلای ۱ و بیرون راندن ارتش عراق از شهر مهران، این استراتژی نیز با شکست مواجه شد و رژیم عراق بار دیگر در لاک دفاعی فرو رفت.

سازمان ملل نیز با تصریح اینکه ایران عامل ادامه یافتن جنگ بوده است، همین درخواست را مطرح کرد. در همین خصوص، شورای امنیت قطعنامه جدیدی را درباره جنگ به تصویب رساند. در بند ۳ پیش نویس قطعنامه آمده است: دبیرکل، از ایران و عراق بخواهد دو کشور بی‌درنگ در زمین، دریا و هوا آتش‌بس را رعایت کرده، بلافاصله همه نیروهای خود را تا مرزهای بین‌المللی شناخته شده به عقب بکشند.^(۴۵) این موضع با توجه به قطعنامه‌های قبلی این شورا که در برابر تهاجمات زمینی، دریایی و هوایی عراق صرفاً به اظهار تأسف، آن هم بدون ذکر نام عراق اکتفا می‌کرد، به اتفاق آرا تصویب شد؛ در تصویب قطعنامه‌های قبلی، این همگونی در میان اعضا وجود نداشت. عراق بی‌درنگ قطعنامه تصویب شده را پذیرفت، اما وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به آن، در تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۱۷، با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: «عدم موضعگیری صریح و قاطع در این زمینه (تعیین متجاوز) نشانگر آن است که شورا هنوز اراده سیاسی لازم را در این زمینه ندارد. بر این اساس، آن قسمت از قطعنامه که به کل موضوع جنگ و خاصه مناقشات مربوط می‌شود ناقص و بی‌اعتبار و غیرقابل اجراست... اولین قدم برای حرکت به سمت حل عادلانه جنگ، محکومیت صریح عراق به عنوان متجاوز است.»^(۴۶)

کشورها و سازمان‌های عربی نیز نگرانی خود را در مورد پیروزی ایران آشکار کردند. عربستان سعودی در یک اقدام جانب‌دارانه از عراق به ترکیه پیشنهاد داد در صورتی که این کشور روابط تجاری خود را با ایران قطع کند، ضرر و زیان مالی آن را به عهده می‌گیرد. ملک حسین پادشاه اردن، در همین خصوص به میانجیگری میان عراق و سوریه و آشتی دادن دو کشور پرداخت و شورای همکاری خلیج فارس نیز در تاریخ ۱۳۶۴/۱۲/۱۳ تشکیل جلسه داد و علیه ایران موضع‌گیری کرد.

جنبش عدم تعهد به عنوان یک سازمان بین‌المللی در هفتمین اجلاس خود در تاریخ ۱۳۶۵/۱/۲۷، به بررسی

عوامل عدم توجه عراق به

فعالیت‌های ایران در شرق اروند:

۱. منصرف شدن ایران از حمله به فاو در تابستان سال ۱۳۶۳،
۲. شدت و گستردگی فعالیت در هورالهویزه،
۳. تحلیل کلاسیک دشمن از عدم امکان عبور ایران از اروندرود.

و به هم خوردن موازنه به نفع ایران
تعیین کنندگی عملیات و الفجر ۸

۱۸. همان، صص ۱۸ و ۱۹.

۱. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، طرح کلی روزشمار جنگ تحمیلی، ص ۱۲۶.

۲. محمد درودیان، از خرمشهر تا فاو، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، ۱۳۶۷، ص ۱۵۹.

۳. فصلنامه بررسی‌های نظامی، شماره ۱۰، سال سوم، تابستان ۱۳۷۱، ص ۱۹.

۴. سند شماره ۶۳۶/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: مباحث اساسی طرح مانور عملیات والفجر ۸ گزارش راوی قرارگاه خاتم الانبیا(ص) در عملیات والفجر ۸ (محمد درودیان)، ۱۳۶۷، ص ۷.

۵. سند شماره ۳۱۴/پ ن مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ:
گزارش گردان‌های خط‌شکن لشکر ۲۵ در عملیات والفجر
(۱۳۶۴/۱۰/۱۰)، قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص)، نوار شماره ۱۶۹۷۹،
محمد درویشان.

۶. سند شماره ۳۳۳/پ ن مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ:
جلسه مشترک قرارگاه خاتم الانبیا(ص) (۱۳/۱۰/۱۳۶۴، قرارگاه
خاتم الانبیا(ص)، نوار شماره ۱۶۹۸۹) محمد درودیان.

۷. سند شماره ۶۳۴/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: مباحث اساسی مانور عملیات والفجر ۸ گزارش راوی قرارگاه خاتم الانبیا(ص) در عملیات والفجر ۸ (محمد درودیان)، ۱۳۶۷، ص ۱۱.

۱. همان، ص ۲۸.

٩. همان، ص ٢٩.

۱۰. محمد درودیان، وضعیت دشمن در عملیات والفجر ۸، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۶۵، ص ۵۲.

۱۱. همان.

۱۲. سند شماره ۲۳۵/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: خلاصه شرح عملیات والفجر، گزارش راوی قرارگاه خاتم الانبیا(ص) در عملیات والفجر، (حسین اردستانی) ۱۳۶۵، ص ۳.

۱۳. همان.

۱۴. همان، ص ۱۰.

١٥. همان، ص ١١.

۱۶. همان، ص ۱۵.

١٧. همان، صص ١٨ و ١٩.

۱۹. همان، ص ۱۹.
۲۰. علیرضا لطف الزادگان، راهنمای عملیات جنگ هشت ساله، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۴۷.
۲۱. محمد درودیان، خرمشهر تا فاو، پیشین، ص ۲۰۰.
۲۲. راهنمای عملیات جنگ هشت ساله، پیشین.
۲۳. فصلنامه بررسی‌های نظامی، شماره ۱۴، سال چهارم، تابستان ۱۳۷۲، ص ۱۷۶.
۲۴. همان، ص ۴۷.
۲۵. محمد درودیان، خرمشهر تا فاو، پیشین، ص ۲۰۰.
۲۶. همان، ص ۲۰۱.
۲۷. سند شماره ۲۳۵/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین، ص ۱۷۴.
۲۸. همان، ص ۱۷۵.
۲۹. همان، ص ۱۷۶.
۳۰. همان.
۳۱. محمد درودیان، خرمشهر تا فاو، پیشین، ص ۲۱۴.
۳۲. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، طرح کلی روزشمار جنگ تحمیلی، ص ۱۴۸.
۳۳. همان، ص ۱۵۲.
۳۴. همان، ص ۱۴۵.
۳۵. همان، ص ۱۵۶.
۳۶. همان، ص ۱۴۹.
۳۷. همان، ص ۱۵۱.
۳۸. همان.
۳۹. همان، ص ۱۴۶.
۴۰. همان، ص ۱۵۵.
۴۱. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، نشریه تاریخ جنگ، شماره ۴ و ۵، ص ۷۱، ۱۳۷۱، به نقل از روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۴/۱۲/۶.
۴۲. همان، ص ۷۲، به نقل از روزنامه کیهان، ۱۳۶۴/۱۲/۱۷.
۴۳. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، طرح کلی روزشمار جنگ ایران و عراق، ص ۱۵۵.
۴۴. دکتر محمدباقر حشمت‌زاده، جنگ تحمیلی و نفت، فصلنامه بررسی‌های نظامی، سال چهارم، شماره ۱۴، ص ۶۰.



گزارش نبرد لشکر ۲۵ کربلا در عملیات والفجر ۸

راوی داوود رنجبر*

تهیه و تنظیم: محسن رخصت طلب**

چکیده		

مهم‌ترین ویژگی لشکر ۲۵ کربلا در عملیات والفجر ۸، ادغام یک تیپ زرهی و یک تیپ پیاده با این یگان و تبدیل آن به لشکر ویژه ۲۵ کربلا بود. از آنجایی که این لشکر بیش از یک سال در هورالهویزه مستقر بود و عملیات‌های آفندی و پدافندی متعددی انجام داده و از آمادگی رزمی بسیار بالایی - خاکی برخوردار بود، فرمانده کل سپاه پاسداران در طرح عملیات والفجر ۸ حساس‌ترین مأموریت این عملیات را به این لشکر واگذار کرد.

مقاله حاضر برگرفته از گزارش داوود رنجبر راوی لشکر ۲۵ کربلاست که در سال ۱۳۶۴، اقدامات این یگان را قبل از عملیات والفجر ۸، حین آماده‌سازی منطقه، انتقال امکانات، شناسایی‌ها، اجرای عملیات عبور، مراحل عملیات و مقابله با پاتک‌های دشمن تا تثبیت عملیات لحظه‌به‌لحظه ثبت و ضبط کرده است.

واژه‌های کلیدی: عملیات والفجر ۸، لشکر ۲۵ کربلا، شهر فاو، جاده فاو - بصره، مرتضی قربانی، اسکله چهارچراغ.

مقدمه

شمال خلیج فارس می‌شوند و در نتیجه اقدامات آنان اطلاعات بسیار ارزشمند و درعین حال جدید و جزئی از فعل و انفعالات خاص این سرزمین در اختیار فرماندهان سپاه قرار می‌گیرد که موجب بازشدن رمز قفل یکی از پیچیده‌ترین مناطق عملیاتی می‌شود. این اطلاعات نقطه آغازی بود بر اینکه امکان عبور از اروندرود وجود دارد و سپس عملیات برمبنای این اطلاعات طراحی شد و یگان‌هایی که از آمادگی

آماده‌سازی و بررسی منطقه عملیاتی والفجر ۸ به بیش از یک سال قبل از آغاز عملیات برمی‌گردد. در آن زمان، یک گروه از نیروهای اطلاعاتی بدون اطلاع از اهداف و منظور کار، مأمور گردآوری اطلاعات جغرافیایی، آب و هوا، جزرومد، سوابق گذشته، تأثیر بارندگی و سیلاب بر منطقه و... در منطقه عمومی خرمشهر، آبادان، بصره، فاو، ام‌القصر، اروندرود و

* راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ در لشکر ۲۵ کربلا در عملیات والفجر ۸

** راوی جنگ و جانشین سابق مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

سال دوازدهم □ شماره چهل و هشتم □ بهار ۱۳۹۳

استفاده کرد و تلفات سنگینی به نیروهای خودی وارد آورد، درنهایت، رزمندگان اسلام موفق به تثبیت اهداف خود شدند.

نگاهی به سابقه لشکر

لشکر ۲۵ کربلا از جمله یگان‌هایی است که از بدو شکل‌گیری سازمان رزم سپاه، تأسیس شده است. این یگان برای اجرای اولین عملیات خود در نبرد طریق‌القدس - که آن را آغاز عملیات‌های منظم سپاه نامیده‌اند - تحت عنوان تیپ ۲۵ کربلا شرکت کرد و از آن پس تا عملیات محرم کارآیی و توان رزمی خود را به‌خوبی نشان داد، طوری که همواره به‌عنوان یک یگان تهاجمی و درجه یک سپاه، تحت فرماندهی برادر مرتضی قربانی مدنظر مسئولان جنگ قرار داشت.

به‌دنبال تقسیم‌بندی منطقه‌ای سپاه و واگذار کردن یگان‌ها به مناطق مربوط به‌منظور پشتیبانی و تأمین نیروی آنها، لشکر کربلا به منطقه ۳ سپاه شامل استان‌های مازندران و گیلان واگذار شد و مقرر گردید که این منطقه، لشکر را از هر جهت به‌خصوص از نظر کادر تأمین کند. و در پی آن فرماندهی یگان نیز تغییر کرد.

تغییر فرماندهی لشکر افت بارز آن را در پی داشت، طوری که این یگان در عملیات والفجر مقدماتی از لیست یگان‌های خط‌شکن حذف شد و جزء یگان‌های احتیاط قرار گرفت. همچنین در عملیات‌های والفجر ۴، والفجر ۶ و به‌ویژه در عملیات بدر، لشکر ۲۵ کربلا از خود ضعف زیادی نشان داد و فرماندهی کل سپاه را به این نتیجه رساند که برادر مرتضی قربانی را به فرماندهی این لشکر بازگرداند.

لشکر ۲۵ کربلا از آن پس در کنار لشکرهای قوی‌تر دیگر از جمله یگان‌های درجه یک سپاه قرار گرفت و همواره در طرح‌های مانور و مأموریت‌های موردنظر تصمیم‌گیرندگان جنگ، جایگاه مناسبی براین یگان در نظر گرفته می‌شد.

بیشتر و توان رزمی بهتری برخوردار بودند در اولویت طرح‌ریزی عبور از اروند و شکستن خط قرار گرفتند. سال ۱۳۶۴ اوج هوشیاری و توانمندی دشمن برای مقابله با عملیات نیروهای ایران بود و با کمک ماهواره‌های ابرقدرت‌ها، عکس‌های هوایی، سامانه‌های شنود، نیروهای ستون پنجم، منافقین و جاسوس‌ها، هرگونه تحرک نیروهای خودی به‌خصوص سپاه پاسداران را رصد می‌کرد تا بتواند به منطقه عملیات نیروهای ایرانی پی‌برد.

فرماندهان سپاه پاسداران از ابتدای سال ۱۳۶۴ به‌طور جدی در شش منطقه از جبهه‌های جنگ به فعالیت پرداختند. مناطق مذکور عبارت بودند از: هورالهویزه، جزابه، شلمچه، ام‌الرصاص، فاو و زید که ضعیف‌ترین فعالیت نیروهای خودی تا دو هفته قبل از عملیات به‌ظاهر در فاو بوده است.

از مجموع این تدابیر، دشمن فریب راهبردی سختی خورد و علاوه‌براینکه نیروهای خودی توانستند از اروندرود عبور کنند، تا ۷۲ ساعت، دشمن درخصوص اصلی‌بودن عملیات در مناطق مذکور در تردید بود تا اینکه سرانجام سراسیمه وارد منطقه فاو شد، درحالی که شهر فاو را از دست داده بود.

در این عملیات دو قرارگاه نوح و کربلا در منطقه فاو مأموریت اجرای عملیات اصلی و قرارگاه قدس در منطقه ام‌الرصاص اجرای عملیات پشتیبانی را برعهده داشتند. لشکر ۲۵ ویژه کربلا در قلب منطقه مأمور تصرف بندر و شهر فاو، قرارگاه تیپ ۱۱۱، پالایشگاه فاو و پایگاه موشکی بود و در ادامه مأموریت داشت به‌سمت هدف نهایی؛ یعنی کارخانه نمک، عملیات را ادامه بدهد.

مأموریت لشکر ۲۵ با پیشتازی این یگان و کمک سایر یگان‌ها با موفقیت کامل انجام شد و باوجود اینکه دشمن در سطح وسیع از سلاح‌های شیمیایی

منطقه در جنوبی‌ترین قسمت مرز ایران و عراق در تقاطع اروندرود با خلیج فارس قرار دارد و حدفاصل نیروهای خودی و دشمن، رودخانه اروندرود با عرض ۱۲۰۰ - ۵۰۰ متر واقع شده است. این منطقه به‌طورکلی به‌جز عوارض مصنوعی مانند جاده‌ها، سیل‌بندها و خاکریزها، خالی از هرگونه برجستگی بوده و از جنوب، شرق و غرب به‌صورت شبه‌جزیره در میان آب‌های خورعبدالله و خلیج فارس و اروندرود محصور شده است.

پدیده جزرومد در رودخانه اروندرود تحت تأثیر جزرومد خلیج فارس در شبانه‌روز چهار بار اتفاق می‌افتد. اختلاف آب بین پایین‌ترین جزر و بالاترین مد (در اواخر هر ماه) به ۳/۵ متر می‌رسد. حجم، سرعت و زمان جزرومد در روزهای مختلف ماه و در نقاط گوناگون رودخانه متفاوت است.

در ساحل اروندرود پوششی از چولان و نی وجود دارد که هرچه به‌سمت دهانه اروندرود نزدیک‌تر شویم عمق چولان‌ها بیشتر می‌شود و در مناطقی که

رودخانه قوس دارد (مانند روبه‌روی منطقه خسروآباد) و مناطقی که ساحل‌سازی شده است، ساحل آن فاقد هرگونه چولان و نی‌زار می‌باشد.

نخلستان‌های انبوه حاشیه اروندرود را - که به‌طور میانگین عمق آنها بین نیم تا سه‌ونیم کیلومتر می‌رسد - نهرهای متعدد منشعب از اروندرود در هنگام مد آبیاری می‌کنند که تعداد آنها در ساحل ایران ۴۰۳ نهر و در ساحل عراق (به طول ۹۷ کیلومتر) تقریباً به ۷۲۹ نهر می‌رسد.

در شمال و غرب شهر فاو سه جاده موازی با

در فاصله عملیات بدر تا پایان عملیات و پس از آن، قدس‌های ۱ و ۲ تیپ زرهی ۲۸ صفر و پس از مدتی تیپ احمدبن موسی (از یاسوج) به لشکر ۲۵- کربلا واگذار گردید و به‌دنبال آن کلمه ویژه‌ای نیز به نام لشکر افزوده شد. این تصمیم فرماندهی سپاه در پی بروز آمادگی و کیفیت در لشکر بود.

پس از اجرای عملیات‌های قدس ۱ و ۲، ناحیه مازندران به‌تنهایی لشکر را تأمین و پشتیبانی می‌کرد و استان گیلان از مدت‌ها قبل پس از تقسیم‌بندی جدید سپاه به مناطق بزرگ، پشتیبانی کردستان را برعهده داشت. همین امر سبب شده بود تا لشکر با کمبود نیرو مواجه شود و این یکی از مشکلات لشکر به حساب می‌آمد. مسئولان امر زمانی‌که دریافتند این موضوع در کارایی لشکر تأثیر گذاشته است (درطول مدت پس از بدر) با دراختیارگذاشتن نیروها و پشتیبانی شهر یاسوج و توابع آن، درصدد رفع مشکل برآمدند و با تدبیر اتخاذشده، لشکر با ۶ گردان از مازندران و ۳ گردان از یاسوج و ۳ گردان (منها) زرهی و مکانیزه بیش‌ازپیش قوی شد و از طرف دیگر، فرماندهی خوب در هدایت و به‌کارگیری این نیرو و نیز کیفیت و کارایی (و حتی کمیت) کادر، لشکر را از هرجهت آماده کرد تا بتواند به‌عنوان یکی از یگان‌های مانوری سپاه نقش حساسی را در عملیات والفجر ۸ به‌عهده بگیرد. این درحالی بود که لشکر در دو منطقه چنگوله و هور خط پدافندی داشت و توان عمده‌ای از لشکر در هور متمرکز شده و در این منطقه دارای چندین کیلومتر خط پدافندی بود.

موقعیت جغرافیایی آبادان و فاو

منطقه عملیاتی والفجر ۸ به‌دلیل محصوربودن در میان آب‌های خلیج فارس، خورعبدالله و اروندرود شبه‌جزیره‌ای محسوب می‌شود که هوای آن اغلب بسیار مرطوب و در تابستان شرجی است. این

تغییر فرماندهی لشکر ۲۵ کربلا
افت بارز آن را در پی داشت،
طوری که این یگان در عملیات
والفجر مقدماتی از لیست
یگان‌های خط‌شکن حذف شد
و جزء یگان‌های احتیاط قرار
گرفت.



از راست: محمدعلی جعفری فرمانده قرارگاه قدس و مرتضی قربانی فرمانده لشکر ۲۵ کربلا در عملیات والفجر ۸.

عراق قرار داشتند - با هدف کنترل و حمله به کشتی‌ها و بنادر ایران در شمال خلیج فارس علاوه بر اینکه بندر ماهشهر، بندر امام و جزیره خارک را زیر آتش موشک‌های خود قرار می‌داد، مسیر کشتیرانی جمهوری اسلامی به بنادر شمالی خلیج فارس را نیز کاملاً ناامن می‌کرد و به دفعات شناورها و اهدافی دیگر در ایران را مورد اصابت موشک‌های خود قرار می‌داد. ازجمله تأسیسات مهم و حیاتی در شبه جزیره فاو تأسیسات نفتی فاو است. کشور عراق به دلیل اینکه از مهم‌ترین صادرکنندگان نفت در منطقه می‌باشد، نیاز شدیدی به سواحل آبی در حاشیه خلیج فارس دارد و از آنجا که چنین سواحلی را در اختیار ندارد، اقدام به تأسیس دو سکوی بزرگ و مهم به نام‌های البکر و العمیه در بخش عمیق شمال خلیج فارس کرد. ازجمله مراکز اقتصادی دیگر در منطقه عملیاتی فاو اسکله چهارچراغ می‌باشد که در ساحل اروندرود و کنار شهر فاو قرار گرفته است. این اسکله در فاصله دو کیلومتری شمال شهر فاو قرار دارد و همه نقل و انتقالات محموله‌های اقتصادی از آنجا انجام می‌شده است. این اسکله ۱۱ لنگرگاه دارد که از اهمیت و

اروندرود قرار دارد که به ترتیب، جاده فاو - البحار قدیمی (به طول ۹۱ کیلومتر)، جاده استراتژیک فاو - بصره (به طول ۷۲ کیلومتر) و جاده فاو - ام‌القصر (به طول ۵۰ کیلومتر) می‌باشند. این سه جاده از شهر فاو به سمت رأس‌البیشه نزدیک به یکدیگر و به موازات اروندرود در حاشیه نخلستان امتداد دارند.^(۱)

شهر فاو در جنوبی‌ترین بخش از خاک عراق و در این قسمت از خاک این کشور در کنار اروندرود قرار گرفته و دومین شهر بندری عراق پس از ام‌القصر محسوب می‌شود.

تأسیسات نفتی و اسکله‌های موجود در ساحل اروند که برای پهلوگرفتن انواع کشتی‌ها مناسب می‌باشد اهمیت ویژه‌ای به این شهر داده است. علاوه بر اینها، مراکز صنعتی و خدماتی موجود در شهر ازجمله کارخانه برق شهر فاو در حد یک شهر متوسط می‌باشد.

عراق به جز مقرها و پادگان‌های نظامی که برای استقرار نیروهای خود در شبه جزیره فاو ایجاد کرد، با احداث سه پایگاه موشکی - که تحت پوشش و حمایت نیروهای دریایی و هوایی و زمینی ارتش

گسترده‌گی آن حکایت می‌کند.

به دلیل مجاورت زمین منطقه عمومی فاو با دریا و محاصره آن به وسیله آب‌های شور خلیج فارس ویژگی خاک این سرزمین، جزرومد آب و ایجاد هر نوع آب‌گیر در منطقه امکان به دست آوردن نمک از آب آن را فراهم می‌کند.

رژیم عراق به منظور بهره‌برداری از آب‌های شور خلیج فارس کارخانه نمکی در ابعاد 5×6 کیلومترمربع در ۱۰ کیلومتری شمال غربی شهر فاو مابین دو جاده آسفالت فاو - بصره و فاو - ام‌القصر احداث کرد. این کارخانه چندین حوضچه دارد که به وسیله کانالی به عرض ۲۰ متر که جاده فاو - ام‌القصر را قطع می‌کند، آب را از خور عبدالله به طرف شمال غربی کارخانه هدایت کرده، وارد حوضچه‌ها می‌کند. آب حوضچه‌ها به دلیل گرمای شدید هوا تبخیر می‌شود و نمک موجود در آب، در کف حوضچه‌ها باقی می‌ماند و سپس برای بهره‌برداری از کارخانه خارج می‌شود.^(۳)

ابلاغ مأموریت و تحویل خط

در اواسط خردادماه ۱۳۶۴، پس از مشخص شدن منطقه عمومی فاو به عنوان عملیات آینده سپاه، به دلیل رعایت موضوع غافلگیری و حفاظت، برخی فرماندهان یگان‌ها توسط فرماندهی قرارگاه خاتم توجیه شدند، اما این توجیه به منزله ابلاغ مأموریت نبود و فقط آگاه کردن فرماندهان مدنظر بوده است تا در پی آن برای طراحی مانور از کمک فکری و تجربیات آنها استفاده شود.

در اواسط مردادماه، درخصوص مأموریت یگان‌های سپاه برای تحویل گرفتن خطوط پدافندی حاشیه اروند، به بعضی یگان‌ها در قالب سه قرارگاه به منظور تحویل گرفتن خط مأموریت داده شد. لشکر ۲۵ کربلا هم که یکی از یگان‌های تابعه قرارگاه کربلا محسوب می‌شد، با وجود اینکه در هور فعال بود و برای اجرای عملیات در آن منطقه

کنار دیگر یگان‌ها کار می‌کرد، مأموریت یافت که در جناح راست عملیات (جنوب خسروآباد) وارد عمل شده، ضمن شکستن خط، پاک‌سازی منطقه را تا جاده اول آسفالت انجام دهد. در اولین مأموریت از لشکر خواسته شد که پنج کیلومتر از خط پدافندی اروند را در جنوب پیچ خسروآباد تحویل بگیرد. لشکر ۳۱ عاشورا قبلاً این منطقه را از نیروهای ژاندارمری تحویل گرفته بود و لشکر ۲۵ کربلا نیز پس از بازدید مرتضی قربانی و تعداد معدودی از مسئولان لشکر از جمله برادر

کمیل معاون ایشان، کسائیان یکی از مسئولان محوره‌های لشکر، برادر طوسی مسئول اطلاعات عملیات و تعدادی از نیروهای اطلاعات و تخریب، خط را از لشکر ۳۱ عاشورا تحویل گرفت.

مشخصات نهرها در

محدوده لشکر کربلا
یکی از مهمترین عوارض موجود در منطقه نهرهای منتهی به رودخانه اروند بود. نهرهای موجود در

منطقه هنگام مد اروندرود، آب را هدایت کرده، در عمق نخلستان زمین را مشروب می‌سازند. در منطقه لشکر نیز تعدادی نهر وجود دارد که در ادامه به ترتیب از جنوب به شمال توضیح مختصری درباره آنها داده می‌شود.

نهر سعدونی: این نهر، روبه‌روی قسمت جنوب شرقی فاو از اروندرود منشعب شده، به طول ۵۳۰۰ متر در عمق نخلستان امتداد می‌یابد. عرض این نهر ۱۲ متر و عمق آن نیز در زمان مد به ۳/۵ متر و در جزر به ۷۰ سانتی‌متر می‌رسد.

پدیده جزرومد در رودخانه اروندرود تحت تأثیر جزرومد خلیج فارس در شبانه‌روز چهار بار اتفاق می‌افتد. اختلاف آب بین پایین‌ترین جزر و بالاترین مد (در اواخر هر ماه) به ۳/۵ متر می‌رسد.

متر و در زمان جزر به ۴۰ الی ۵۰ سانتی متر می‌رسد. **نهر بوصدرین:** نهر بوصدرین با فاصله‌ای نزدیک به ۱/۵ کیلومتر از نهر بوفلفل در نقطه‌ای از رودخانه اروند جدا می‌شود و طول آن به ۴۰۰ متر می‌رسد. عرض آن حداکثر ۱۵ متر و عمق آب در آن در زمان مد حداکثر ۳ متر و در زمان جزر حداقل بین ۵۰ الی ۶۰ سانتی متر می‌باشد.

در مجموع می‌توان گفت که همه نهرهای ذکر شده به علاوه نهر خجسته و نهر منطقه که در محدوده لشکر قرار دارد، در زمان مد برای قایقرانی قابل استفاده است، ولی در زمان جزر به دلیل عمق کم آب، عبور قایق با مشکلاتی مواجه خواهد بود. شایان ذکر است که در بعضی از نهرها به هیچ وجه نمی‌توان قایقرانی کرد، ولی در اغلب آنها می‌توان در مسافتی از ابتدای نهر (بین ۵۰۰ تا ۱۵۰۰ متری اروند) هنگام جزر نیز به قایقرانی پرداخت. نکته دیگر اینکه به استثنای نهر سن، همه نهرهای ذکر شده در دهانه (نقطه تلاقی با اروند) کاملاً زیر دید و تیر دشمن قرار دارند. گفتنی است که نهرها عموماً با فاصله‌ای حداکثر ۳۰۰ متر فاقد پوشش نخلستان می‌باشند و تنها پوشش آنها را در ابتدای مسیر چولان‌های بعضاً کوتاه تشکیل می‌دهند.

علاوه بر نهرهای ذکر شده، نهرهای فرعی و کوچک یا آبریزهایی وجود دارند که کار آبرسانی به نخلستان را وسعت و سرعت می‌بخشند. این نهرهای فرعی تنها در زمان مد، آب را در خود جای می‌دهند و در زمان جزر، بعضاً به طور کلی خالی از آب شده، مناسب قایقرانی نیستند. نکته مهم دیگر اینکه در حد فاصل هر دو نهر اغلب جزیره‌ای تشکیل شده است. در مجموع، در محدوده لشکر، ۶ جزیره از این نوع وجود دارد که این جزایر به عنوان عقبه یگان و برای استقرار امکانات و ادوات لشکر بسیار اهمیت دارند.

نهر رفیه: این نهر به فاصله حدود ۵۰۰ متر در شمال نهر سعدونی از اروند جدا شده، به طول ۳۴۰۰ متر در نخلستان امتداد می‌یابد. عرض آن ۴ متر و عمق آن در مواقع مد ۲ متر می‌باشد و در زمان جزر از آب خالی می‌شود. تردد قایق در زمان مد تنها تا جاده عرضی امکان پذیر است و در زمان جزر به هیچ وجه نمی‌توان در آن قایقرانی کرد. این نهر از ابتدا تا حدود ۴۰۰ متر در پوشش چولان‌های ساحل اروند قرار دارد و بقیه مسیر نیز در بین نخل‌ها ادامه می‌یابد.

نهر سن: پس از نهر رفیه با فاصله‌ای کمتر از ۵۰۰ متر، نهر سن از اروند انشعاب می‌یابد که طول آن به پنج کیلومتر و عرض آن به طور متوسط به ۱۵ متر می‌رسد. عمق آب در این نهر به طور متناوب در نوسان است و حداکثر آب در زمان مد به ۳/۵ متر و حداقل آن در جزر به ۴۰ الی ۵۰ سانتی متر می‌رسد.

نهر حمیه: این نهر و نهر سن در یک نقطه از ساحل اروند سرچشمه گرفته، در فاصله ۴۰۰ الی ۵۰۰ متری رودخانه از یکدیگر جدا می‌شوند و هریک

با فاصله‌ای محدود در نخلستان امتداد می‌یابند. نهر حمیه نسبت به نهر سن طول کمتری دارد و عرض آن به طور متوسط به ۱۸ متر می‌رسد. عمق آب نیز در زمان مد ۳/۵ متر است و در زمان جزر به حداقل رسیده، فقط ۳۰ الی ۴۰ سانتی متر آب را در داخل خود نگه می‌دارد.

نهر بوفلفل: این نهر به فاصله‌ای در حدود ۵۰۰ متر شمال نهر قبلی از رودخانه منشعب می‌شود و به طول ۵ کیلومتر در نخلستان امتداد می‌یابد. عرض آن به طور متوسط ۱۸ متر و عمق آن نیز در زمان مد ۳/۵

پس از استقرار موقت لشکر ۲۵ کربلا در حاشیه بهمن شیر، فعالیت‌ها برای آماده کردن زمینه و استقرار کامل در حاشیه اروند با شدتی بیشتر از گذشته ادامه یافت.

آماده کردن زمین منطقه و استقرار واحدها

همه اقدامات لشکر ۲۵ کربلا را به منظور آماده کردن منطقه عملیات و استقرار واحدها می توان به دو مقطع زمانی تقسیم کرد: مقطع اول از زمان حضور و تحویل خط پدافندی تا حدود ۲۰ روز مانده به عملیات است. مشخصه کلی این مقطع حرکات کلی و کند لشکر است مقطع دوم از حدود ۲۰ روز به عملیات شروع شده، به شب عملیات ختم می شود. این مقطع دوره جنب و جوش، سرعت و پیشرفت های سریع برای کسب آمادگی است. در شروع این دوره عقبه لشکر به جزیره آبادان منتقل شده است.

لشکر ۲۵ کربلا پس از استقرار در خط پدافندی و مشاهده وضعیت منطقه، کارهای لازم را با اولویت بندی آن آغاز کرد. برای آماده کردن زمین خودی اقدامات زیر از همان ابتدا مدنظر قرار گرفت: - احداث و ترمیم جاده های عقبه (حداصل جاده آسفالت خسروآباد تا جاده عرضی) همچنین احداث جاده های فرعی در جزایر (مابین نهرها) برای رسیدن به خط اول.

- ترمیم و عریض کردن جاده عرضی.
- خشک و قابل استفاده کردن جزایر از طریق بستن نهرها و احداث جاده در داخل جزایر.

- ترمیم خط پدافندی
اقدامات کلی یگان ها عمدتاً به دنبال تدابیر و براساس زمان بندی قرارگاه خاتم انجام می شد که در آن ضرورتاً موضوع مهم "حفاظت" توأم با امر مهم و حیاتی "تسریع در آمادگی" به دقت رعایت می شد. انتقال لشکر کربلا از هفت تپه به کنار بهمن شیر نیز به همین منظور انجام شد. لشکر کربلا با این گام بزرگ خود را به منطقه نزدیک کرد؛ امری که لازمه پیشرفت بهتر کارها و سرعت بیشتر اقدامات بود. پس از استقرار و حضور لشکر در جزیره آبادان کارهایی که از قبل شروع شده بود و با کندی پیش می رفت، با شدت بیشتری دنبال شد و اقدامات

دیگری که لازمه آمادگی هر یگان برای انجام دادن عملیات است، آغاز گردید.

در این دوره تقریباً همه واحدها توجیه شدند و کارهای مربوط به آنان مشخص گردید. انتقال وسایل و امکانات نیز آغاز شد و فعالیت مهندسی در احداث جاده ها با امکانات و وسایل بیشتری ادامه یافت. کار ترمیم خط مقدم و ایجاد مواضع مورد نیاز در خط هم همچنان با قوت و بیش از قبل انجام می شد. واحدها و عمدتاً واحدهای رزمی می کوشیدند با تلاش و حضور بیشتر خود در منطقه زمینه لازم را برای اجرای عملیات فراهم کنند و هرچه زمان عملیات نزدیک تر می شد بر شدت فعالیت ها نیز افزوده می شد.

در جلسه مشترک مسئولان مهندسی، زرهی، ادوات، یگان دریایی و پدافند با فرماندهی و جانشین لشکر در مورخ دهم بهمن ماه در مقر تاکتیکی لشکر واقع در ساحل اروند، آخرین وضعیت مهندسی و چگونگی آماده سازی محل استقرار سلاح و تجهیزات این واحدها بررسی و ارزیابی شد و مقرر گردید که در هریک از جزایر مابین نهراهای اصلی لشکر اقدامات زیر برای واحدهای مهندسی، ادوات، پدافند هوایی و زرهی انجام شود:

- الف) جزیره شهید سلیمان خاطر
۱. ادوات: سنگر سازی و استحکامات
 ۲. زرهی: احداث سه سکوی تانک.
 ۳. پدافند: احداث سکو برای قبضه ها
 ۴. مهندسی: تکمیل جاده سازی تی شکل و شن ریزی و دوجداره کردن خط با کیسه شن.
 ۵. پیاده: گونی چینی، تاقچه زدن، دوجداره کردن، استتار و استحکامات.
- ب) جزیره شهید قلی زاده
۱. مهندسی: تکمیل جاده تی شکل پشت خط و شن ریزی.
 ۲. زرهی: احداث دو سکوی تانک.
 ۳. ادوات: احداث سه سنگر تفنگ ۱۰۶ و ۱۰۷

و دوشکا.

۴. پیاده: گونی چینی، تاقچه زدن، دوجداره کردن،
استتار و استحکامات.

پ) جزیره شهید دستغیب

۱. مهندسی: شن ریزی جاده ها.

۲. زرهی: احداث دو سکوی تانک.

۳. ادوات: احداث سکو برای سه قبضه تفنگ
۱۰۶ و سنگر دوشکا.

۴. زرهی: احداث سکوی تانک.

۵. پدافند: احداث سنگر توپ ۲۳ میلی متری و
توپ ۱۴/۵ میلی متری.

۶. پیاده: گونی چینی، تاقچه زدن، دوجداره کردن،
استتار و استحکامات.

ت) جزیره ابوطالب

۱. مهندسی: تکمیل جاده تی شکل و شن ریزی.

۲. ادوات: احداث سنگر توپ ۱۰۶ برای سه
قبضه ۱۰۷ و دوشکا.

۳. زرهی: احداث دو سکوی تانک.

۴. پدافند: احداث دو سنگر توپ ۲۳ میلی متری و
یک توپ ۱۴/۵ میلی متری.

۵. پیاده: گونی چینی، تاقچه زدن، دوجداره کردن،
استتار و استحکامات.

سرانجام یگان ها تا شب عملیات موفق شدند در
چهار جزیره (حداصل نهادهای سعدونی - رفیه و
رفیه - حمیه و حمیه - بوفلفل و بوفلفل - بوسدرین)
دیواره موردنظر را تکمیل و علاوه بر آن مواضعی را
برای استقرار ادوات و توپ های ضد هوایی یا سکوی
تانک احداث کنند و برای حفظ نیرو هنگام تردد،
دالانی دوجداره به وسیله بشکه های پر از خاک یا
گونی درست کردند.

این دیواره به طور متوسط بین ۱/۵ متر تا ۲ متر
ارتفاع داشت و اغلب از گونی های یکسان که نیم متر
طول داشت تشکیل شده بود. قطر دیواره نیز حداقل
نیم متر یا بیش از آن بود. قطر آن در جلو محل هایی

که برای استقرار ادوات یا توپ های ضد هوایی در
نظر گرفته شده بود باریک و یک جداره بود که در
موعد مقرر با یک ضربه گونی ها فرو می ریخت و فضا
و محیط لازم برای استفاده از سلاح موردنظر فراهم
می شد. در زیر بعضی از این سکوها که می بایست
سلاح در سطح بالایی از زمین قرار گیرند، محلی
برای آنها مشخص شده بود که از نظر استحکامات
نیز قابل ملاحظه و مناسب بود. شایان ذکر است که در
این مدت ۱۳۰۰۰۰ گونی مصرف شد.

انتقال امکانات

انتقال وسایل و امکانات که از اوایل دی ماه آغاز
شده بود، بسیار محدود و کند انجام می شد،
اما پس از آنکه لشکر در جزیره آبادان استقرار
یافت و عقبه تا اندازه ای آماده شد، انتقال
نیروها، تجهیزات، مهمات، و... سرعت بیشتری
یافت. طبق زمان بندی ابلاغ شده از طرف قرارگاه
خاتم، همه یگان ها موظف بودند تا تاریخ
۱۳۶۴/۱۱/۱۲، کار انتقال نیروها و تجهیزات را
به پایان برسانند و از آنجا که تردها اغلب در
شب صورت می گرفت انجام شدن همه نقل و
انتقالات، زمان زیادی را می طلبید. همه امکانات
پس از انتقال، با استتار کامل در لابه لای نخلستان
مستقر می شد و مسئولان مربوط با جدیت این
موضوع را کنترل می کردند، اما با وجود پیگیری و
تلاش شبانه روزی، نیروها موفق نشدند تا تاریخ
مقرر همه امکانات را انتقال دهند و پس از تاریخ
دوازدهم بهمن ماه نیز انتقال همچنان - و حتی
با شدت بیشتر - ادامه یافت و تقریباً تا هجدهم
بهمن ماه به اتمام رسید. تا این زمان وسایل و
امکانات زیر منتقل شد:

- ۴۰ دستگاه تانک و نفربر.

- ۱۱۰ فروند قایق سبک و سنگین.

- ۱۰ دستگاه بلدوزر، ۹ دستگاه لودر و ۶ سطحه

پیگیری می‌شد. در همین خصوص به اقدامات چند واحد اشاره می‌شود:

پی.ا.پی.

- ۳۰ قبضه انواع سلاح‌های ضدهوایی.

- ۴۵ قبضه از انواع سلاح‌ها.

- یک آتشبار توپ ۱۵۲ میلی‌متری (از توپخانه لشکر).

بهداری

این واحد پس از حضور در حاشیه اروند، با راهنمایی و همکاری واحد مهندسی موفق شد دو پست امداد در دو محور (کنار نهر بوسدرین و نهر رفیه) آماده و تجهیز کند. همچنین یک اورژانس با استقرار ۲۱ تخت به‌اضافه دو تخت برای مجروحان حاد، آماده شد. احمدی مسئول بهداری، درباره سایر اقدامات بهداری از جمله پدافند شیمیایی و گروه‌های تخلیه، چنین می‌گوید:

«در کنار هر پست امداد یک تیم ش.م.ر. مستقر خواهیم کرد. جهت پوشش جاده‌ها ۱۲ موتور سیم‌پاش (خشتی‌کننده سیار) برای ش.م.ر. آماده کرده‌ایم. تیم‌های تخلیه ۱۲ نفره آماده کردیم که ۸ نفر تخلیه‌گر، دو نفر امدادگر و در این رابطه ۵ موتور با کالسکه در اختیار داریم.»^۳ همچنین استعداد بهداری از نظر تعداد آمبولانس، ۱۳ دستگاه بود که با تأکید فرماندهی به ۱۸ دستگاه رسید.

- مهمات به اندازه نیاز برای نیروی پیاده و تجهیزات لازم (توپخانه - ادوات - تانک).

در مجموع، لشکر موفق شد همه امکانات مورد نیاز خود را تا قبل از عملیات منتقل کند و با امکانات لازم در حاشیه اروند استقرار یابد. گفتنی است که نیروهای پیاده که مشغول تداوم آموزش بودند در فاصله ۳ الی ۵ روز قبل از عملیات به منطقه منتقل شدند.

استقرار و آمادگی واحدها در حاشیه اروند

پس از استقرار موقت لشکر در حاشیه بهمن‌شیر، فعالیت‌ها برای آماده‌کردن زمینه و امکانات به‌منظور برداشتن قدم دوم و استقرار کامل در حاشیه اروند با شدتی بیشتر از گذشته ادامه یافت و همه واحدها تا ۱۰ روز قبل از عملیات در نخلستان‌های کنار اروند مستقر شدند. از آن پس، کارها و اقدامات از نزدیک



رزمندگان لشکر ۲۵ کربلا در منطقه عملیاتی والفجر ۸.

ادوات

واحد ادوات مواضع موردنیاز خود را پیش از عملیات در خط و پشت خط آماده کرد. قبضه‌ها در پشت خط استقرار یافتند و مهمات آنها پس از انتقال، با طرح تقسیم در کنار قبضه‌ها قرار گرفت. همچنین قبضه‌هایی که می‌بایست به خط منتقل می‌شدند آماده و مشخص شد.

تاریخ ۱۳۶۴/۱۰/۱۰، در اقدام مشابهی، از یاسوج نیز ۳ گردان نیرو تحت عنوان "راهیان کربلای ۲" با کادر ناقص به لشکر رسید.

درمجموع، در اواسط دی‌ماه ۱۳۶۴، لشکر دارای ۱۸ گردان پیاده بود. ضمن آنکه واحدها نیز از نظر نیرو تکمیل بودند. علاوه‌براین، لشکر تقریباً یک تیپ (شامل ۳ گردان منها) زرهی نیز در اختیار داشت.

وضعیت نیرو و سازماندهی آن در لشکر

لشکر کربلا پس از عملیات انجام‌شده هور، ۹ گردان سازمانی داشت (۶ گردان از استان مازندران و ۳ گردان از یاسوج)، اما در تاریخ ۱۳۶۴/۸/۱۹ به‌دنبال ایجاد حرکت "راهیان کربلا" حدود ۲۰۰۰ نفر از مازندران اعزام شدند و در اختیار لشکر قرار گرفتند.

در تاریخ ۱۳۶۴/۹/۲۵ حدود ۱۳۰۰ نفر از یاسوج به لشکر اعزام شدند. در این مرحله، لشکر از نظر نیروی پیاده و کادر و نیز نیروی

انسانی واحدها تکمیل بود، باوجوداین، سیل هجوم نیروهای مردمی به‌سمت مناطق عملیات همچنان ادامه داشت.

در تاریخ ۱۳۶۴/۱۰/۳، در اعزام نیروی دیگری تحت عنوان "راهیان کربلای ۲" حدود ۶ گردان کامل به همراه کادرهایی که در طرح "اسامه" انتخاب شده بودند، از استان مازندران به لشکر پیوستند. به این ترتیب برای هر گردان سازمانی یک گردان احتیاط نیز (با همان نام) در نظر گرفته شد و با انتقال کادر از گردان اصلی، گردان احتیاط تقویت گردید. در

آموزش

قدم بعدی برای آمادگی نیروها پس از مشخص شدن سازمان گردان‌ها، آموزش بود. بسیاری از نیروهایی که از قبل در لشکر حضور داشتند، به‌دلیل آمادگی برای عملیاتی که قرار بود در هور انجام شود، کیفیت و آمادگی نسبتاً خوبی داشتند، ولی با تغییر و تحولاتی که پس از آن ایجاد شد، لازم بود این نیروها بار دیگر به‌همراه نیروهای جدید آموزش تکمیلی ببینند.

آموزش عمومی

از اوایل دی‌ماه پس از سازماندهی کامل امور، گردان‌ها موظف شدند بدون هیچ‌گونه توجیهی درخصوص مأموریت آینده یگان، آموزش نیروهای خود را شروع کنند. در این دوره آموزشی تدبیر بر آن بود که نیروها درزمینه‌های گوناگون مانند جنگ در کوهستان، دشت و جنگل آمادگی کسب کنند و ضمن آن با آب آشنا شده، با جدیت بیشتری آموزش‌های مربوط به آن را تجربه کنند. در این مرحله، علاوه‌بر آموزش‌های عمومی و تیراندازی با سلاح‌های مختلف، برای تربیت غواص نیز سرمایه‌گذاری شد. مقرر شده بود که به‌طور متوسط از هر گردان ۱۰۰ نفر و درمجموع ۱۰۰۰ نفر آموزش عمومی غواصی را طی کنند.

آموزش تخصصی

در آموزش تخصصی ضمن تکمیل فنون غواصی، نیروها با آب جریان‌دار آشنا شدند و حالات متفاوت

در اواسط خردادماه ۱۳۶۴، پس از مشخص شدن منطقه عمومی فاو به‌عنوان عملیات آینده سپاه، به‌دلیل رعایت موضوع غافلگیری و حفاظت، برخی فرماندهان یگان‌ها توسط فرماندهی قرارگاه خاتم توجیه شدند.

تازه‌واردی به مقر لشکر، از همان ابتدا رعایت حفاظت امری تعریف شده و مشخص بود.

فریب

نیروهای خودی از نبردهای گذشته این تجربه را به دست آورده بودند که باید سه عنصر حفاظت، غافلگیری و فریب را در عملیات علیه دشمن به شیوه‌ای حساب شده، دقیق و ابتکاری به کار گیرند تا بتوانند بر بخشی از برتری‌های تجهیزاتی و پشتیبانی‌های جهانی دشمن فائق آیند. در این عملیات،

فرماندهان سپاه مصمم بودند از این سه عامل در طراحی و اجرای عملیات نهایت استفاده را ببرند. این موضوع بیش از یک سال قبل از آغاز عملیات در قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا و فرماندهی کل سپاه مطرح شده بود و فرماندهان روی آن کار می‌کردند.

از سوی دیگر، دشمن تدابیر پدافندی ویژه‌ای را در سراسر منطقه جنوب به کار گرفته و اقداماتی را در منطقه اروندرود و هور انجام داده بود. در منطقه اروندرود فعالیت دشمن عمدتاً حول محورهای زیر قرار داشت:

۱. احداث و مرمت جاده‌ها و خاکریزها.
۲. مسدودکردن برخی نهرها.
۳. ایجاد موانع و استحکامات.
۴. قطع نخل‌ها و سوزاندن چولان‌ها به منظور ایجاد دید و تیر بهتر.
۵. ایجاد سنگر به منظور ازدیاد دیدگاه‌های مسلط بر رودخانه.
۶. احداث مواضع توپخانه و پشتیبانی و سکوی

آب را در جزرومد تجربه کردند. در طول این مدت، آموزش‌های پی‌درپی غواصان به‌طور بسیار فشرده و شبانه‌روزی انجام می‌شد و البته تقویت جسمی و روحی این برادران نیز در مدت آموزش مدنظر قرار داشت. بصیر فرمانده گردان خط‌شکن یا رسول (ص)، در این باره می‌گوید:

«نیروی غواص شب و روز به آب می‌رفت، ولی هیچ ابراز خستگی نمی‌کرد. در طول آموزش، عده‌ای را مأمور کرده بودیم برای پذیرایی نیروها (عمدتاً غواصان) به آنها عسل، شیرینی و چای می‌دادند و حتی برادران غواص را در شست‌وشوی بدنشان کمک می‌کردند»^(۴)

در مرحله تخصصی نزدیک به ۳۰۰ نفر غواص خط‌شکن دوره دیدند و در این آموزش‌ها، تاکتیک و روش‌های گوناگونی در بازکردن معبر و یورش به خط مقدم دشمن آزمایش شد.

درخصوص موانع خورشیدی شکل نیز طبق نظر نیروهای شناسایی، مشکل عمده‌ای وجود نداشت و آنان، عبور از زیر یا لابه‌لای آن را ممکن می‌دانستند. البته، برای ازمیان‌بردستن این موانع نیز تمریناتی انجام شد و به همین منظور، مقداری مواد منفجره C4 با فتیله‌های مربوط و دیگر لوازم آن تهیه شد که به‌وسیله کیسه‌های مخصوص، در آب حمل می‌شد. در نتیجه تجارب مفید کسب شده مشخص گردید که این مواد اگر در محل تلاقی میله‌های خورشیدی کار گذاشته شود و با مقداری گل به خورشیدی چسبانده شود، بهترین نتیجه را در پی خواهد داشت.

حفاظت

موضوع حفاظت از جمله اموری بود که فرماندهان و نیروها در همه مراحل آمادگی لشکر توجه خاصی به آن داشتند و با تأکیدها و حساسیتی که فرمانده لشکر در این باره داشت، رزمندگان نیز نهایت تلاش خود را به منظور رعایت آن مبذول می‌داشتند. برای هر

لشکر ۲۵ کربلا با وجود اینکه در هور فعال بود و برای اجرای عملیات در آن منطقه کنار دیگر یگان‌ها کار می‌کرد، مأموریت یافت که در جناح راست عملیات (جنوب خسروآباد) وارد عمل شده، ضمن شکستن خط، پاک‌سازی منطقه را تا جاده اول آسفالت انجام دهد.

شلیک تانک و ضد هوایی. انجام شد، یگان‌ها مأموریت‌های مجزایی به عهده داشتند. لشکر ۲۵ کربلا نیز علاوه بر اینکه در هور خط پدافندی داشت، تدابیری را به منظور فریب دشمن به کار بست و در محور شط‌علی دست به تحرکات فریبده و ایزدایی زد.

علاوه بر منطقه هور، عملیات فریب در منطقه چزابه نیز به‌طور جدی در حال پیگیری و انجام بود. در آن منطقه علاوه بر فعالیت‌های مهندسی و استقرار یگان‌ها و جابه‌جایی واحدهای رزمی و تحرکات نیروهای اطلاعاتی در معابر و خطوط دشمن و ایجاد معبر در میادین مین و موانع دشمن، در چندین مورد، نیروهای اطلاعاتی عمداً به اسارت نیروهای دشمن درآمدند.

شناسایی

از جمله اقدامات اساسی که در طول این مدت انجام شد، شناسایی خط و مشخص کردن معابر وصولی دشمن بود.

نیروهای اطلاعات قبل از هر اقدامی می‌بایست درخصوص زمین منطقه، که عموماً شامل جزایر

در منطقه هور، از آنجا که ذهنیت فرماندهان ارتش عراق درباره عملیات گسترده معطوف به این منطقه شده بود، فعالیت‌های گسترده و شدیدی را در این منطقه پایه‌گذاری و آغاز کرد. البته، عملیات فریب نیروهای خودی در منطقه هور تأثیری جدی در گسترش فعالیت‌های دشمن و سرمایه‌گذاری و در اولویت قرار گرفتن این منطقه در طرح‌های ارتش عراق برای مقابله با تهاجم نیروهای ایران داشته است. بعد از عملیات بدر، اقدامات کارهای مهندسی منطقه عملیات بار دیگر پیگیری و آغاز شد و علاوه بر فعالیت‌های گذشته اقدامات جدیدی نیز در دستور کار قرار گرفت و حداقل ۵۰۰ دستگاه مهندسی به‌طور دائم شروع به کار کردند. به تدریج این فعالیت‌ها افزایش یافت، طوری که تعداد دستگاه‌های مهندسی در دو ماه قبل از عملیات والفجر ۸ به ۱۲۰۰ دستگاه رسید و ده‌ها جاده، پد، مواضع توپخانه، سیل‌بند، خاکریز، دژ و حوضچه، احداث، ترمیم، تقویت و تعریض شد.^(۵) در عملیات بزرگ فریب که در منطقه هورالهویزه



حرکت رزمندگان به طرف خط مقدم - نهرهای فرعی اروندرود

از جاده عرضی به جلو می‌شد، اطلاعاتی کسب می‌کردند و این از مراحل کار آنان به حساب می‌آمد. آنان به اطلاعاتی درباره وضعیت جزیره‌ها در زمان جزرومد، وسعت آنها، موقعیت نهرها، طول و عرض و عمق آنها، تأثیر جزرومد بر نهرها و در مجموع میزان پوشش و قابلیت استتار و اختفا و... در منطقه احتیاج داشتند.

گام بعدی پس از شناسایی زمین خودی، شناسایی از دشمن بود، که طبق روال معمول، واحد اطلاعات اجرای آن را برعهده گرفت. و این مرحله شامل دو بخش اصلی می‌شد: شناسایی کلی و منطقه‌ای و شناسایی نقطه‌ای. بخش اول شناسایی کلی و منطقه‌ای است.

شناسایی کلی

در شناسایی کلی منطقه، دیده‌بانی، وضعیت کلی دشمن را در کل منطقه خط حد ارزیابی می‌کند و با اطلاعات به‌دست‌آمده، نقاط ضعف و قوت دشمن مشخص می‌شود.

واحد اطلاعات در مرحله دوم از کار خود، شناسایی از دشمن را در دستور کار قرار داد و نیروهایی که در جزایر مختلف حضور داشتند و به‌طور ۲۴ ساعته این عمل را پیگیری می‌کردند، موفق شدند پس از ۱۰ روز فعالیت تا سیزدهم آبان‌ماه، ۶ معبر را با علامت‌ها و شاخص‌های مناسب مشخص کنند. معابری که در نهایت مشخص شدند عبارت بودند از:

معبر ۱: سمت چپ مناره مسجدی که در ابتدای شهر قرار داشت.

معبر ۲: سمت راست اسکله چوبی (سمت راست مناره فوق).

معبر ۳: سمت چپ اسکله چهارم.

معبر ۴: حد فاصل اسکله‌های دوم و سوم.

معبر ۵: سمت راست اسکله اول (روبه‌روی جاده

عمومی سمت راست تانک‌فارم‌ها).
معبر ۶: روبه‌روی نهر بوسدرین (۲۰۰ متر سمت راست جاده عمودی فوق).

شناسایی نقطه‌ای

قدم بعدی در این مرحله کار روی معابر بود. به همین منظور، ابتدا نیروهای هر معبر مشخص و سپس موظف شدند ظرف دو الی سه روز از نزدیک معابر خود را ببینند، نقاط قوت یا ضعف معابر را بررسی و نظرات احتمالی خود را اعلام کنند تا در صورت نیاز، جهت تغییر و یافتن معبر مناسب اقدام شود. در همین خصوص، یک شب همه نیروها موظف شدند چولان‌ها را پشت سر گذاشته، از لب رودخانه بررسی را انجام دهند. کار بررسی در اواسط آذرماه انجام شد و نیروها پس از عبور از چولان‌ها در شب (برای اولین بار) که بین ۳۰۰ تا ۵۵۰ متر عمق داشت و فاصله خط مقدم تا رود را پوشانده بود، به لب رودخانه رسیدند و درطول روز با استتار و اختفای کامل بر سر معابر خود به دیده‌بانی پرداختند و شب بعد با استفاده از تاریکی برگشتند.

تا این مرحله همه مقدمات برای عبور فراهم و زمینه برای اقدام مناسب شده بود. از همین رو، اواخر ماه صفر (بیست‌ودوم صفر مصادف با پانزدهم آبان) عبور از رودخانه آغاز شد. عبور از رودخانه‌ای به عرض بیش از ۶۰۰ متر در شب و نزدیک شدن به دشمن که در سنگرهایش کاملاً بر رودخانه مسلط بود، بسیار مشکل و پرخطر می‌نمود و هر آن احتمال اسارت، یا غرق شدن در رودخانه وجود داشت، باوجوداین، نیروهای شناسایی با آموزش‌هایی که دیده بودند و با روحیه‌ای سرشار از ایمان کاری ناشناخته و پرخطر را آغاز کردند.

در شب اول، فرماندهان از هر ۶ معبر غواص وارد کردند که غواصان یک معبر به‌دلیل انحراف زیاد موفق نشدند معبر خود را بیابند، ولی در ۵ معبر دیگر،

غواصان با وجود داشتن انحراف، توانستند با موفقیت در نقطه مشخص، خود را به ساحل دشمن رسانده، بازگردند. هدف اصلی در ابتدای کار، شناخت دقیق نیروها با معابر بود.

نتایج شناسایی‌ها

در شناسایی‌های انجام‌شده توسط منابع مختلف (غواص، دیده‌بانی، عکس هوایی)، اطلاعاتی درباره موانع، مواضع، استعداد، زمین دشمن و رودخانه به دست آمد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف) موانع

غیر از مانع اصلی رودخانه که با عرض زیاد، شدت جریان آب، ساحل‌ها، چولان و جزرومد شدید، بین نیروهای خودی و عراقی‌ها فاصله انداخته بود، دشمن در ساحل خود اقدام به احداث موانعی در چند رده کرده بود که البته شکل، عمق و ترتیب موانع در هر قسمت با سایر قسمت‌ها تفاوت‌هایی داشت. به‌طور کلی، رده‌های موانع موجود در ساحل دشمن طبق شناسایی‌های انجام‌شده در معابر مربوط به لشکر به این شرح است:

رده اول: میله‌های هشت‌پر خورشیدی.

رده دوم: مجدداً میله‌های هشت‌پر و سیم‌خاردار حلقوی.

رده سوم: در بیشتر نقاط هشت‌پر و سیم‌خاردار.

رده چهارم: از رده چهارم به بعد، از نبشی‌های دوطرفه‌ای استفاده شده بود که بین آنها سیم‌خاردار حلقوی وجود داشت.

رده پنجم: در بعضی مناطق مین هم وجود داشت؛ البته فقط مین منور.

در مجموع، دشمن یک رده مین سراسری داشت، ولی در برخی نقاط بین موانع دیگر مین منور بیشتری داشت.

ب) ساحل دشمن

ساحل دشمن در منطقه مربوط به لشکر ۲۵ کربلا برخلاف سواحل دیگر رودخانه به دلیل وجود شهر و تأسیسات نفتی فاو، چندان پیچیده نبود و فاصله چندانی بین آب و خشکی وجود نداشت. در کل، ساحل بین ۵ الی ۱۰ متر گِل‌ولای داشت که اغلب در هنگام جزر آشکار می‌شد. پس از گِل‌ولای، پوشش ساحل را چولان‌ها تشکیل می‌دادند. عمق منطقه چولانی نیز (بنابه دلایلی که ذکر شد) نسبت به سایر مناطق، بسیار اندک و در برخی نقاط حداکثر به ۲۰ تا ۳۰ متر می‌رسید که این مورد نیز فقط در زمان جزر قابل‌رؤیت است و در هنگام مد، آب تا زیر سنگ‌های خط اول دشمن را (که پس از چولان‌ها قرار دارد) فرا می‌گیرد.

ج) مواضع ساحلی

دشمن در ساحلی که مشخصات آن ذکر شد، مواضعی را در سه تا هشت رده ایجاد کرده بود. پس از سیم‌های خاردار و سایر موانع ذکرشده، یک رده سیل‌بند وجود داشت که با وسایل گوناگون از جمله تنه نخل‌های بریده‌شده منطقه و کیسه‌های شن ساخته شده بود. در نقاط مختلف این سیل‌بند، سنگ‌های بتونی مستحکمی وجود داشت که بعضاً چندین متر جلوتر از سیل‌بند واقع شده بودند. غیر از این خط که در خشکی واقع شده بود، مواضع تیربار و کمین‌های موجود روی اسکله‌ها نیز بخشی از مواضع ساحلی دشمن محسوب می‌شدند که به اطراف خود کاملاً مسلط بودند.

دشمن از اسکله‌های موجود در منطقه برای حضور بیشتر و نظارت دقیق‌تر روی رودخانه استفاده می‌کرد و با احداث سنگ‌های متعدد و دیواره‌های ضخیمی که از گونی‌های پر از خاک تشکیل شده بود، نصب سیم‌خاردار از سطح آب

مختلف پدافندی احداث کرده بود که فاقد نیرو بودند. پشت جاده فاو - البحار نیز یک خاکریز با موانع وجود داشت. سمت راست جاده عمودی منتهی به سه راه ام‌القصر نیز موضعی به طرف خود جاده (جنوب شرقی) ایجاد شده بود. جاده‌های فاو - البحار و فاو - بصره به وسیله جاده‌های فرعی به هم پیوند خورده‌اند و نقطه مهم و اصلی چند راه فاو، جاده بصره - ام‌القصر است که از جهت عملیاتی نیز اهمیت بسیاری دارد. علاوه بر موارد فوق، عراق اقدام به احداث

سیل بند مستطیلی شکل طولی در جنوب تأسیسات نفتی کرده بود که پایگاه موشکی در انتهای آن قرار داشت و با خاکریزهای متعددی احاطه شده بود.

هـ) استعداد دشمن

استعداد دشمن در منطقه مأموریت لشکر ۲۵ کربلا براساس گفته‌های برادر طوسی چنین است: «یگانی که از دشمن در منطقه پدافند می‌کرد تیپ ۱۱۱ از لشکر ۲۶ بود. این تیپ یک گردان تقویت شده در خط

داشت و در عقب نیز باتوجه به وجود شهر و حساسیتی که روی آن داشتند، استحکامات و نیروی زیادی را در شهر داشت. در مجموع، در خط حد عملیاتی لشکر، دو گردان از نیروهای دشمن وجود داشت.»

سازماندهی، آموزش و توجیه نیروهای گردان‌ها

در ماه سوم (اواسط دی ماه و اواخر ربیع الثانی)، اقدامات شناسایی از معابر و جمع‌آوری اطلاعات

ساحل تا روی اسکله (به منظور جلوگیری از بالارفتن غواص) و استقرار سلاح و ادوات مناسب، خط خود را استحکام بیشتری بخشیده بود.

شایان ذکر است که در محدوده لشکر ۲۵ کربلا، ۴ اسکله کوچک و بزرگ وجود داشت که به شکل تی (T) در ساحل رودخانه احداث شده بود. فاصله اسکله‌ها بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ متر بود. وجود این اسکله‌ها و ارتفاع زیاد آنها از سطح آب به دشمن اجازه می‌داد که به راحتی ساحل را تحت پوشش قرار داده، مانع نزدیک شدن هرگونه نیروی مهاجمی به خط شود.

د) زمین دشمن

وجود شهر فاو، تأسیسات نفتی و دو جاده مهم فاو - بصره و جاده فاو - البحار که در این محدوده با هم تلاقی داشتند، به منطقه عملیاتی لشکر اهمیت ویژه‌ای داده بود. زمین دشمن در این منطقه - برخلاف سواحل دیگر - به کلی فاقد نخل بوده، بلافاصله پس از ساحل، شهر و در نقطه‌ای دیگر تأسیسات نفتی وجود دارد.

شهر فاو که تقریباً ۳/۵ کیلومتر مربع وسعت دارد، با نظامی خاص احداث شده و دارای خیابان‌های آسفالت و متعددی می‌باشد که بعضاً نهرها را به وسیله پل قطع می‌کنند. ساختمان‌های شهر عموماً آجری و دارای اسکلت فلزی هستند. برخی از ساختمان‌ها به دلیل استقرار نیروهای نظامی با کسپه‌های شن و... تقویت شده بودند. ساختمان‌های ابتدای شهر کاملاً بر خط اول اشراف داشتند و در بعضی نقاط فاصله‌ای از خط نداشتند.

تأسیسات نفتی و مخازن نفت عراق در دو مجموعه شامل ۲۶ مخزن در امتداد جاده البحار و ۳۰ مخزن در شرق جاده فاو - بصره واقع شده که به وسیله سیل بندهایی شبیه به جاده احاطه شده است. دشمن علاوه بر مواضع محکم و فراوان در خط، موضعی نیز در عقبه خود به عنوان رده‌های

در اواسط دی ماه ۱۳۶۴، لشکر دارای ۱۸ گردان پیاده بود. علاوه بر این، لشکر تقریباً یک تیپ (شامل ۳ گردان منها) زرهی نیز در اختیار داشت.

مربوط به خط دشمن اعم از چگونگی موانع و سنگرها و حضور یا عدم حضور دشمن به اتمام رسیده بود. بنابراین، در مدت زمان باقیمانده تا ماه چهارم (جمادی‌الاول)، همه افرادی که در هر معبر کار کرده بودند (بعضاً به ۵ نفر در هر معبر می‌رسید) به‌عنوان راهنمای شب عملیات در کنار نیروهای خط‌شکن (غواصان گردان‌های پیاده) قرار گرفته تا ضمن کمک در سازماندهی و آموزش نیروها، با روش کار و خلق و خوی یکدیگر آشنا شوند.

تدابیر قرارگاه مرکزی (مأموریت پدافندی)

طرح پدافندی ابلاغ‌شده در تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۸ که به تصویب قرارگاه خاتم و امضای محسن رضایی رسیده بود، به نام "طرح پدافند عاشورایی" (مقاومت تا آخرین نفر) مشهور شد. در این طرح، منطقه عملیات به سه محور عاشورا (جاده شماره ۱)، محور کربلا (جاده شماره ۲) و محور نجف (جاده شماره ۳) تقسیم شده و برای هر محور فرمانده و معاونانی از میان مسئولان لشکرها انتخاب و مشخص گردیده بود. در بند دوم نامه ابلاغی فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیا(ص) چنین آمده است:

«مسئول پدافند محور کربلا (جاده شماره ۲) برادر مرتضی قربانی می باشد و برادر حسین خرازی به عنوان معاون اول وی و برادر احمد کاظمی به عنوان معاون دوم و برادر رئوفی به عنوان معاون سوم وی عمل می نمایند.»

سازمان رزم

قبل از شرح جزئیات مانور لشکر یادآوری می‌شود که لشکر ۲۵ کربلا در این عملیات یک سازمان رزمی مناسب از لحاظ کمی و کیفی داشت. گردان‌های رزمی این یگان در قالب سه محور (تیپ) پیاده و یک محور (تیپ) زرهی سازمان یافته بودند که هر محور، ۳ گردان داشت. نیروهای غواصی که جهت خط‌شکنی می‌بایست از آنها استفاده می‌شد، در داخل دو گردان پیاده جای گرفته و در هر گردان بالغ بر ۴ دسته (یک گروهان به اضافه) بودند. این نیروها ضمن سازمان‌یافتن در قالب گردان‌های خود، تحت نظر مستقیم فرماندهی لشکر و سایر نیروهای کادر یگان بودند. (جدول زیر مشخصات محورهای لشکر را نشان می‌دهد).

طراحی مانور

از اقدامات مهم دیگر لشکر، که فرماندهی نقش تعیین‌کننده‌ای در آن ایفا می‌کرد، طراحی مانور لشکر براساس اهداف، مأموریت و گذارنده و توان لشکر بود. مأموریت، دو مرحله آفندی و پدافندی را شامل می‌شد که مرحله پدافند بستگی کامل به نتایج حاصل از مرحله آفندی داشت و تقریباً در جریان عملیات، محدود و چگونگی آن به‌طور جزئی، مشخص می‌شد. در ادامه، ابتدا مأموریت‌ها و اهداف و گذارنده به لشکر شرح داده می‌شود و سپس با بیان توان و سازمان رزم لشکر به طرح مانور آن پرداخته خواهد شد.

مأموریت آفندی

مأموریتی که در ابتدا به لشکر واگذار شد، حفظ جناح راست عملیات (در محور جنوب خسروآباد) بود که البته پس از تغییراتی که در طرح‌های قرارگاه خاتم انجام شد، لشکر ۲۵ کربلا با مأموریتی جدید در اختیار قرارگاه کربلا قرار گرفت. این مأموریت عبارت بود از: شکستن خط در محدوده مجاور شهر فاو، تصرف و پاک‌سازی شهر فاو، تصرف و پاک‌سازی تأسیسات نفتی فاو و ادامه عملیات تا جاده فاو - بصره.

خط حدی که در این باره مشخص گردید، از ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ متری سمت راست جاده عمودی (تانک فارم‌ها) آغاز می‌شد و تا نهری که در سمت چپ شهر قرار

طرح مانور

بر اساس اهداف و مأموریت‌های تعیین‌شده برای لشکر کربلا و باتوجه به شناسایی‌های انجام‌شده، معابر موجود و عوارض و مشخصات زمین دشمن، طراحی مانور لشکر آغاز شد. فرماندهی لشکر در این باره نقش اصلی را دارد و عملاً طرح‌های ریخته‌شده، در زمان توجیه فرماندهان گردان‌ها درخصوص عملیات، به آنها ابلاغ می‌شد و تنها معاونت لشکر و فرماندهان محورها، مورد مشورت قرار گرفته، از نظرهای آنان استفاده می‌شود.

در مجموع، باتوجه به وجود عوارض متعدد در زمین عراقی‌ها و وضعیت کلی آن، منطقه به چند هدف مستقل تقسیم گردید و مأموریت هریک از آنها به یکی از محورها سپرده شد.

هدف اول: شهر فاو و امتداد آن تا جاده فاو - بصره به اضافه خط‌شکنی در محدوده مربوط. این مأموریت به محور (تیپ) ۱ واگذار شد.

هدف دوم: تأسیسات نفتی و تانک‌فارم‌ها (سمت راست شهر) و امتداد آن تا جاده فاو - بصره، به اضافه خط‌شکنی در محدوده مربوط. مأموریت این هدف به محور (تیپ) ۲ داده شد.

فاصله بین دو اسکله سه و چهار، خط حد دو محور (تیپ) در ساحل رودخانه اروند تعیین شد و از جاده‌های فاو - البحرار و فاو - بصره، می‌شد به عنوان شاخص‌هایی عمده در تفکیک مأموریت گردان‌ها استفاده شود. همچنین مقرر گردید که در هریک از این دو محور، یک گردان خط بشکند و دو گردان دیگر به پاک‌سازی و نفوذ و استقرار در منطقه بپردازند. به دلیل مشخص نبودن مأموریت‌های آتی لشکر از سوی قرارگاه، نداشتن اطلاعات کافی از عمق زمین دشمن و وجود احتمالات گوناگون در دست‌نیافتن به موفقیت صددرصد در اهداف اولیه، مانور محور سوم به طور دقیق مشخص نگردید؛ بنابراین، اقدامات و برنامه‌ریزی‌هایی نیز برای آن انجام نشد. این محور (تیپ ۳) بیشتر در احتیاط کلی لشکر قرار داشت و مانور آن براساس وضعیت عملیات طراحی می‌شد.

شکستن خط

مهم‌ترین موضوع در طراحی مانور، که نقطه مشترک هر دو محور محسوب می‌شد، شکستن خط بود. این موضوع از مباحث اصلی و مهمی بود

توضیحات	نام فرمانده گردان	گردان‌های تحت امر	نام فرمانده	مشخصات تیپ
	نوبخت اکبرنژاد رحیمیان	۱. مالک اشتر ۲. مسلم بن عقیل ۳. امام حسین (ع)	کسائیان	محور ۱
این گردان دارای ۴ دسته نیرو غواص است. این گردان دارای ۴ دسته نیرو غواص است.	بصیر بلباسی مکتبی	۱. یار رسول (ص) ۲. محمد باقر (ع) ۳. حمزه سیدالشهدا	عمرانی	محور ۲
نیروهای این محور از رزمندگان یاسوج بودند و فرمانده محور توانایی و تجربه بسیاری دارد.	کریمی فتحی پرویزی	۱. سیف‌الله ۲. روح‌الله ۳. یدالله	حیدرپور	محور ۳
این محور قبلاً به طور مستقل تحت نام تیپ ۲۸ صفر در سازمان رزم سپاه قرار داشت که پس از عملیات بدر و به دنبال طرح ادغام پیاده با زرهی در لشکر ۲۵ کربلا ادغام شد.	میرزایی قضاوی مقدس	۱. یک زرهی ۲. دو زرهی ۳. سه زرهی ۴. چهار مکانیزه	سرخیلی	محور ۴ (زرهی - مکانیزه)

مقرر گردید که نیروهای این گروهان‌ها سوار بر قایق‌هایشان، آماده درگیری باشند و به محض اعلام آغاز درگیری، حرکت خود را به سمت دشمن طبق طرح مانور آغاز کنند.

حرکت در عمق

اقدام بعدی که بلافاصله پس از پاک‌سازی خط باید انجام می‌شد، پاک‌سازی و تصرف شهر فاو در محور یکم (تیپ ۱) و پاک‌سازی و تصرف تأسیسات نفتی و تانک‌فارم‌ها در محور دوم (تیپ ۲) بود. برای دستیابی به این هدف در هر محور یک گردان در نظر گرفته شد و با دراختیار گذاشتن قایق مقرر گردید که به دنبال قایق‌سواران، گردان‌های خط‌شکن، حرکت کنند و از معابر باز شده وارد عمل شوند و بدون درگیری، خط دشمن را پشت سر گذاشته، خود را به اهداف مورد نظر برسانند و آن را تأمین کنند. براساس توافق‌های انجام شده، گردان مالک از محور یک (تیپ ۱) مأموریت شهر فاو و گردان مسلم از محور دو (تیپ ۲) مأموریت تأسیسات نفتی و تانک‌فارم‌ها را به عهده گرفتند.

دلیل انتخاب گردان مالک برای این مأموریت، نیروها و کادرهای باتجربه در جنگ شهری بود و با ملحق شدن نیروهایی که در جنگ شهری تخصص داشتند، این گردان تقویت شد.

در ادامه تدابیر و طراحی حرکت در عمق، هدف مهم و اساسی در نظر گرفته شده، جاده فاو - بصره بود که می‌بایست ضمن پاک‌سازی حد فاصل دو جاده فاو - البحرار و فاو - بصره، تصرف می‌شد.

محور یکم (تیپ ۱) (سمت چپ لشکر) برای این مرحله به گردان امام حسین^(ع) مأموریت داد که پاک‌سازی منطقه‌ای حد فاصل جاده فاو - البحرار تا فاو - بصره و تانک‌فارم‌های موجود در انتهای آن منطقه را انجام دهد. خط حد این گردان در جناح راست، انتهای سمت راست تانک‌فارم‌ها (روی جاده فاو -

که نه تنها فرمانده لشکر با دقت، جزئیات مربوط به آن را پیگیری می‌کرد، بلکه همه نیروهای حاضر در عملیات نیز به آن توجهی خاص داشتند و از چگونگی اجرا و کیفیت آن اطلاع یافته، به نوعی با آن در ارتباط بودند. فرمانده گردان‌ها و مسئولان قرارگاه نیز به طور فعال در این زمینه شرکت داشتند.

از آنجا که در هریک از معابر احتمال دیده شدن غواصان در آب، موفق نبودن در عبور، لورفتن تک و ... وجود داشت، نیروهای خط‌شکن به دو گروه (یا

به عبارتی دو موج) تقسیم شدند

که گروه اول از نیروهای غواص و گروه دوم از قایق‌سواران تشکیل شده بود. شیوه عبور نیز طبیعتاً بر مبنای نتایج کار نیروهای اطلاعات و تعداد معابری که مشخص شده بود، طرح‌ریزی گردید. بر این اساس و با توجه به محدوده مأموریت محورها (تیپ‌ها)، معابر یک تا چهار به گردان امام محمد باقر^(ع) (محور ۱) و معابر پنج تا هشت نیز به گردان یا رسول (محور تیپ ۲) واگذار شد و فرماندهان این گردان‌ها در حدود یک ماه قبل

از عملیات در خصوص این مأموریت توجیه شدند و آموزش، سازماندهی و سایر آمادگی‌های لازم را براساس معابر محول شده به گردان خود و مانور ابلاغی به گردان، تنظیم کردند.

پاک‌سازی خط اول دشمن

پس از شکسته شدن خط یا آغاز درگیری، موضوع پاک‌سازی و ادامه درگیری مطرح بود که در این زمینه تصمیم گرفته شده بود از گروهان‌های باقیمانده از دو گردان خط‌شکن استفاده شود. به همین منظور،

از اوایل دی‌ماه پس از سازماندهی کامل امور، گردان‌ها موظف شدند بدون هیچ‌گونه توجیهی در خصوص مأموریت آینده یگان، آموزش نیروهای خود را شروع کنند.

نهر	قایق	لاور	۲۳ فوتی بدر	ریجیندر	جمع
خجسته	۲۰	-	-	-	۲۰
بوصدرین	۴۲	۶	۶	۴	۵۲
بوفلفل	۲۲	۶	۶	۴	۳۲
رفیه	۲۰	-	-	-	۲۰
جمع	۱۰۴	۱۲	۸	۱۲۴	

مهندسی

مهندسی از جمله واحدهایی است که در بحث مانور به خصوص در زمینه پدافند، جایگاه ویژه‌ای دارد و در این عملیات، این اهمیت به دلیل نقش این واحد در عبور امکانات از عرض رودخانه به مراتب بیشتر شده و در مجموع بخش مهمی از مباحث را به خود اختصاص داده بود.

واحد مهندسی موظف شده بود که هنگام پدافند، جناح راست عملیات لشکر (سمت راست جاده عمودی) حد فاصل جاده فاو - البجار

تا جاده ام‌القصر را خاکریزی کرده، استحکامات لازم اعم از کانال، مواضع استقرار نیرو (سنگرهای متفاوت و متعدد) و... را در آن احداث کند. همچنین براساس احتمالات، خاکریزهای دیگری در مواضع مختلف در نظر گرفته شد که مسئولان مهندسی درخصوص آنها توجیه شده بودند.

از جمله مأموریت‌های این واحد هنگام عبور از اروند، انتقال وسایل سنگین، احداث پل با کمک مهندسی قرارگاه و... بود. علاوه بر این امور، اقداماتی هم در سواحل دور و نزدیک به این واحد واگذار شده بود.

بصره) و در جناح چپ، دکل رازیت و یا تقاطع جاده فاو - بصره با ضلع مستطیلی (خط حد یگان با لشکر ولی عصر^(عج)) بود.

همان‌طور که قبلاً گفته شد، هنگام طراحی مانور برای مراحل نهایی نبرد، احتمالات زیادی در ذهن طراحان عملیات وجود داشت. مانور در این مرحله به توان لشکر در آن موقعیت و میزان موفقیت‌های به دست آمده در کل منطقه عملیاتی و میزان سرمایه‌گذاری و توان دشمن برای بازپس‌گیری مناطق از دست داده خود بسیار وابسته بود. بنابراین، جز یک ذهنیت کلی و تعیین مشی احتمالی برای این مرحله، کار دیگری نمی‌شد انجام داد. به عبارت دیگر، طرح‌های مانور برای چنین مراحل تنها در یک صورت قابل اجرا خواهند بود و آن اینکه مراحل قبلی عملیات، کاملاً منطبق با طراحی‌های انجام شده پیش رفته باشد و دشمن نیز همچنان در موضعی انفعالی به انتظار اقدامات بعدی ما نشسته باشد.

نقش واحدهای پشتیبانی رزمی در طرح مانور ترابری

لشکر ۲۵ کربلا با قایق‌هایی که در اختیار داشت برای سوارکردن ۴ گردان خود برنامه‌ریزی کرده بود. در تصمیم‌گیری‌ها مقرر شده بود که علاوه بر نیروهای موج دوم گردان‌های خط‌شکن، ۲ گردان دیگر که می‌بایست پشت سر خط‌شکنان وارد عمل شوند، هم‌زمان سوار بر قایق شده، با شروع درگیری به سرعت خود را به خط برسانند. لشکر برای بقیه نیروها قایقی در اختیار نداشت و برخلاف میل فرماندهی قرار شد پس از بازگشت قایق‌های اول، آنان را به مرور به آن طرف رودخانه منتقل کنند. فرمانده لشکر باتوجه به اندوخته و تجربه‌های گذشته‌اش معتقد بود که حداقل باید به استعداد ۶ گردان، قایق در اختیار داشته باشد تا بتواند هم‌زمان این نیرو را وارد عمل کند. طرح تقسیم قایق‌ها در هر نهر به این شکل مصوب شد.

در مرحله تخصصی نزدیک به ۳۰۰ نفر غواص خط‌شکن دوره دیدند و در این آموزش‌ها، تاکتیک و روش‌های گوناگونی در بازکردن معبر و یورش به خط مقدم دشمن آزمایش شد.

خیمپاره م.م ۱۲۰	خیمپاره م.م ۸۱	مینیکاتیوشا	تفنگ ۱۰۶ م.م	تیرباردوشکا
۱۲ قبضه	۴ قبضه	۶ قبضه	۱۲ قبضه	۱۲ قبضه

طرح نارالله، استقرار آتش در خط

همان گونه که ذکر شد، یکی از ویژگی های این حرکت برنامه ریزی و استقرار سلاح های مناسب جهت اجرای تیر مستقیم و کمک به شکستن خط بود. استقرار این سلاح ها در خط، بیشتر به دلیل احتمالاتی که در شکسته نشدن خط وجود داشت، برنامه ریزی شد و پیش بینی گردید که اگر دشمن غواصان را در وسط رودخانه مشاهده کرد و تک به نوعی لو رفت، با اجرای آتش پر حجم به هر ترتیب خط شکسته شود و حتی در صورت موفقیت نیروهای غواص، با آتش سنگین، به آنان کمک شود. برای اجرای این مأموریت که عمدتاً برعهده ادوات بود، تانک هایی از واحد زرهی و قبضه هایی از واحد پدافند هوایی نیز در نظر گرفته شد که با حضور خود به کیفیت آتش می افزودند. در مجموع باتوجه به خط پدافندی ساحل اروند که در اختیار لشکر بود، جهت انتقال سلاح و تجهیزات^۶ به نقاط مشخص شده به ترتیبی که در جدول صفحه بعد آمده است اقدام شد.

در طول جلسات توجیهی فرماندهی جهت هدایت آتش، مأموریت مسئولان و خدمه این سلاح ها چنین تعیین شد:

۱. در صورتی که دشمن، غواص ها را مشاهده کرد، اجرای آتش شود تا غواصان بتوانند زیر این آتش، خود را به خط برسانند و خط را بشکنند.
 ۲. در صورت موفقیت غواصان، آنان را با اجرای آتش تیر مستقیم روی سنگر هایی که مقاومت می کنند، یاری دهند.
- جدول زیر تجهیزاتی را که در احتیاط و عمل کلی

واحد مهندسی با هماهنگی جهاد سازندگی فارس، دستگاه های موجود خود را بر مبنای مأموریت های محول شده سازمان داد و گروه بندی کرد. کل موجودی واحد مهندسی لشکر، ۱۰ دستگاه بلدوزر و ۹ دستگاه لودر بود که این موجودی به اضافه دستگاه های جهاد فارس در ۵ گروه مهندسی به منظور اجرای عملیات خاکی (احداث خاکریز) در جناح راست عملیات و سایر فعالیت ها در منطقه دشمن سازماندهی شد.

آتش پشتیبانی

طرح آتش که شامل توپخانه و ادوات می شود، به منظور پشتیبانی نزدیک و دور از عملیات، تهیه شد. توپخانه لشکر ۲۵ کربلا تعدادی توپ ۱۵۲ م.م در اختیار داشت که در این عملیات، تعدادی از توپ های ارتش نیز به لشکر واگذار شد. لشکر ۲۵ کربلا با در اختیار گرفتن قبضه های مأمور از ارتش و آماده کردن توپ های خود، یک اتاق تطبیق آتش مشترک تشکیل داد که مجموع قبضه های تحت اختیار این لشکر عبارت بود از:

آتشبار	۱۵۵ م.م	۱۰۵ م.م	۱۵۲ م.م	۱۳۰ م.م	۱۲۲ م.م
ارتش سپاه	۲	۲	۱	۱	۱

باتوجه به وضعیت منطقه و نزدیک بودن عقبه های دشمن، پیش بینی می شد که از ادوات به گونه ای مؤثر و مناسب استفاده شود. واحد ادوات علاوه بر پشتیبانی نزدیک عملیات، می توانست با حجم آتش مناسبی وارد میدان شود و حتی در دفع پاتک نیز به طور فعال و مؤثر عمل کند. علاوه بر این امور، مأموریت ویژه ای در این عملیات به واحد ادوات واگذار شد و آن کمک در شکستن خط به وسیله آتش است.

استعداد واحد ادوات در این عملیات به شرح زیر می باشد:

دوشکا	پدافند ۲۳ م.م	پدافند ۱۴/۵	تفنگ ۱۰۶ م.م	تانک (جهت تیر مستقیم)	مینی کاتیوشا	
۲	۱	۱	۲	۳	-	جزیره سلیمان خاطر بین نهر سعدونی و رفیه
۲	-	-	۲	۱	۱	جزیره شهید قلی زاده بین نهر سن و حیمه
۲	۱	۱	۲	۲	-	جزیره شهید دستغیب بین نهر حیمه و بوفلفل
۲	۲	-	۲	۴	۱	جزیره ابوطالب بین نهر بوفلفل و بوسدرین
۲	-	-	۲	۳ و یک تانک احتیاط	۱	جزیره شهید امیر بین نهر بوسدرین و خجسته
۱۰	۴	۲	۱۰	۱۴	۳	جمع

عملیات در اختیار فرمانده لشکر بود نشان می دهد. شرکت در عملیات، بیشتر در پدافند شرکت کند.

در آستانه عملیات

بعد از ظهر روز هجدهم بهمن ماه ۱۳۶۴، از ساعت ۱۴:۵۰ دقیقه، مرتضی قربانی فرمانده لشکر ۲۵ کربلا، در مقر تاکتیکی لشکر جلسه ای برگزار کرد و تا بعد از نماز مغرب و عشا، به ترتیب، همه مسئولان و فرماندهان رزمی و خدماتی و پشتیبانی لشکر را در جلسه فراخواند و ضمن اخذ گزارش آخرین وضعیت عملکرد و آمادگی یگانها، دستورات و راهنمایی های جدید مرتبط به هر یگان را - با وجود اینکه در طول جلسات و بازدیدها و ضرورت های کاری به آنان یادآوری می کرد - در این جلسه به طور جامع، کامل و پیوسته به آنها ابلاغ و اعلام کرد که کارها باید در نهایت دقت، سرعت، غافلگیری، حفاظت و دلسوزانه انجام شود.

همچنین در روز بیستم بهمن ماه (آخرین روز)، فرماندهی عملیات جلساتی را با مسئولان محورها برگزار کرد و از آنها خواست که مشکلات و مسائل احتمالی خود را بیان کنند که مشکل خاصی بیان نشد و بار دیگر فرماندهان محورها و گردانها آمادگی صد درصد خود را به فرمانده عملیات اعلام کردند. ادامه جلسه به بررسی مانور گروهان های گردان حمزه سیدالشهدا^(ع) سپری شد و مرتضی قربانی با هریک از فرمانده گروهانها با استفاده از عکس هوایی و نقشه به بحث و گفت و گو پرداخت و در

احتیاط و عمل کلی در اختیار فرمانده لشکر	
خمپاره ۱۲۰ م.م	۱۲ قبضه
مینی کاتیوشا	۳ قبضه
توپ ۱۰۶ م.م	۲ قبضه
تیربار دوشکا	۲ قبضه
خمپاره ۸۱ م.م	۴ قبضه

پدافند هوایی

واحد پدافند علاوه بر اجرای مأموریت در طرح نارالله موظف شده بود که حتی الامکان پوشش آسمان منطقه محول شده به لشکر را نیز به عهده بگیرد. استعداد این واحد عبارت بود از: ۵ قبضه موشک انداز سهند، ۴ قبضه توپ ۵۷ م.م، ۶ قبضه ۱۴/۵ (چهارلول)، ۵ قبضه ۱۴/۵ (دولول)، ۳ قبضه ۱۴/۵ (تک لول)، ۶ قبضه ۲۳ م.م.

زرهی

این واحد با استعداد ۳ گردان (منها) تانک و یک گردان مکانیزه که مجهز به خشایار بود، در مجموع ۳۲ دستگاه تانک و ۱۰ یا ۱۱ دستگاه نفربر پی.ام.پی. و خشایار در اختیار داشت که علاوه بر شرکت در طرح نارالله و برنامه ریزی به منظور اجرای تیر مستقیم در ابتدای عملیات، مأموریت یافته بود که پس از آغاز عملیات، یک گردان تانک خود را عبور داده، ضمن

انتهای جلسه جمع‌بندی زیر را بیان کرد:

«باید با قدرت هر چه تمام‌تر و همه توان خود در این عملیات وارد شویم. اگر توانستیم تانک‌هایمان را وارد می‌کنیم و اگر نتوانستیم، باید خدمه‌های ما سوار تانک‌های عراقی شوند و در اینجا بجنگند! باید تمام توانمان را در اینجا بگذاریم تا ان‌شاءالله اهداف خودمان را بگیریم. توجه کنید، به‌طورکلی باید هدف لشکر را بگیرید، این یک خیز است و ان‌شاءالله اگر این را گرفتیم، باید محکم این خط را تثبیت کنیم و به‌طرف هدف‌های دیگر که به‌احتمال قوی سمت ام‌القصر می‌شود، برویم. باید به یاد داشته باشید که برای بچه‌ها و فرمانده دسته‌ها توضیح دهید تا توجه شوند.

درمورد مسئله حفاظت، بچه‌ها باید دقت کنند که اگر خدای ناکرده کسی اسیر شد و حتی دست و پایش در اینجا افتاد نباید اسم یگان را لو دهد! در حال حاضر، دشمن و رادیوهای بیگانه تصور می‌کنند که لشکر کربلا در اطراف چزابه است و لذا نباید اسم یگان را در اینجا ببرید! باید بچه‌ها را توجه کنید که

اگر [اسیر شدند و] ناخن آنها را هم کشیدند، به هیچ وجه نباید اسم یگان را ببرند! باید بدون استثنا همه بگویند که از تیپ کوثر هستیم.»

باید سرعت عمل، هماهنگی و پاک‌سازی انجام گیرد. فرمانده گروهان‌ها نسبت به مانور یکدیگر توجه شده‌اند تا اگر خدای ناکرده برای گردان مسلم یا گردان یارسول^(ص) مسئله‌ای پیش آمد، گردان مسلم بتواند هدف گردان دیگر را تأمین کند، گردان حمزه هم همین‌طور است و بعد هم تیپ یاسوجی‌ها

– ان‌شاءالله – این کارها را می‌کنند. برادرها هر چقدر کار دارند ان‌شاءالله تمام کنند. جلسات خود را بگذارید که برادر ما آقای کمیل از فرماندهی با آقای عمرانی می‌آیند و بر کلیه کارهای اینجا نظارت می‌کنند؛ امشب باید همه قایق‌هایتان آماده باشند، باید همه وسایل خود را جمع کنید و داخل قایق‌ها بچینید. فرمانده گردان مسلم باید قایق‌های گردان خود را به‌طرفی که می‌خواهد وارد بشود در جلو بگذارد و سازمان بدهد.

باید سکان‌دارهای خودتان را توجه کنید. باید سکان‌دار و راهنما برای هر قایقی بگذارید تا قایق را هدایت کند. معبر ۶، ۷ و ۸ خصوصاً روی معبر ۷ بیشتر سرمایه‌گذاری کنید. برادرهای زرهی، تانک‌هایی که در این ساحل است، باید هدف‌های این اسکله‌ها اگر ماند شما به‌موقع منهدم کنید، باید بچه‌ها زیاد توجه شوند. ساختمان‌های بلندی که در منطقه است، اگر خدای ناکرده در جایی ماند، آتش کنید. ان‌شاءالله اگر خط شکست. باید بالای ساختمان‌ها را بزنید، باید به‌موقع اسکله‌ها را بزنید، وقتی آتش مستقیم روی تانک اجرا می‌شود، وحشت زیادی به دشمن وارد می‌آورد؛ در روی اینجا آتش منحنی اجرا کنید. به‌خصوص آقای میرزایی که تانک‌هایش روی سکوهاست، باید روی اینجا اجرا کند.»^(۷)

شرح عملیات لشکر ۲۵ کربلا

شب اول عملیات (شکستن خط، پیشروی در عمق و تصرف اهداف)

در ساعت ۱۷:۰۰، نامه‌ای از سوی قرارگاه کربلا، به‌دست مرتضی قربانی رسید که در آن نام عملیات و اسم رمز آن اعلام شده بود. طبق این نامه، نام عملیات "نصرالمسلمین" و رمز آن "یا فاطمة الزهراء^(س)" اعلام شده بود. قبل از آن نیز برادر غلامپور فرمانده قرارگاه

نیروهای خودی باید سه عنصر حفاظت، غافلگیری و فریب را در عملیات علیه دشمن به شیوه‌ای حساب‌شده، دقیق و ابتکاری به کار گیرند تا بتوانند بر بخشی از برتری‌های تجهیزاتی و پشتیبانی‌های جهانی دشمن فائق آیند.

خواست که در کنار اروند، تیراندازی با تفنگ ژ ۳ را ادامه دهند تا دشمن اطمینان یابد که ایرانیان همچنان در حالت پدافندی به سر می‌برند.

در این وضعیت، در تعدادی از معابر، غواصان به ساحل دشمن رسیده و خود را در لابه‌لای چولان‌ها پنهان کرده بودند و بعضاً نیز مشغول عبور از رودخانه بودند. آذردین‌نیا مسئول اطلاعات معبر ۸، در مصاحبه‌ای در تاریخ ۱۳۶۵/۱/۶، این لحظات را چنین توصیف می‌کند:

«همین‌که به ساحل دشمن رسیدیم، یک‌مرتبه عراقی‌ها با دادو فریاد که کاملاً وحشت‌زدگی از صدایشان مشهود بود، همدیگر را صدا کرده و سنگرها را به‌سرعت پر کردند و بلافاصله شروع کردند به تیراندازی و ریختن آتش. ما درست نزدیک [ضد هوایی] دولول بودیم که به‌طور مداوم می‌زد. تیربارها شلیک می‌کردند. با آربی‌جی ۱۱ شلیک می‌کردند. پنج سنگر جلوی ما بود که دائم تیراندازی می‌کردند. ما هم زیر سنگرها خوابیده بودیم؛ یعنی موانع خورشیدی را پشت سر

گذاشته بودیم. وقتی آتش شدید شد، بچه‌ها گفتند شروع کنیم، ولی به فکر من رسید که این نمی‌تواند (نشانه) عملیات باشد، چراکه از طرف خودی، آتشی نبود.»*

* یادآوری می‌شود که هوشیاری غواصان و به‌ویژه خدمه قبضه‌های آتش در خط خودی، عامل مؤثری در جلوگیری از واقعه‌ای بود که هر لحظه بیم وقوع آن می‌رفت. درحالی‌که هنوز یک ساعت به موعد مقرر باقی مانده بود، اگر از طرف خودی نیز آتش شدیدی بیش از آتش پدافندی معمول، در پاسخ دشمن اجرا می‌شد، معلوم نبود چه اتفاق یا اتفاقاتی در دیگر محورهای عملیاتی رخ می‌داد. این امر حیاتی و مهم، موضوعی بود که فرمانده لشکر قبل از آغاز عملیات پیوسته آن را یادآوری و بر آن تأکید می‌کرد.

کربلا، به‌طور حضوری، ساعت شروع عملیات را ۲۲:۰۰ اعلام کرده بود.

قبل از ساعت ۱۹:۰۰، تماس‌های تلفنی پی‌درپی آغاز شد و موضوع اصلی پیگیری در این تماس‌ها حرکت غواص‌ها بود. فرماندهان محورها (تیپ‌ها) در تماس‌هایشان با مرتضی فرمانده لشکر، آمادگی کامل خود را اعلام کردند و از طرف دیگر، قرارگاه نیز برای ایجاد هماهنگی در حرکت غواصان به‌طور مرتب با وی تماس می‌گرفت. اکثر غواصان در محورهای مختلف از بعدازظهر با پوشیدن لباس‌هایشان و خوردن غذای به‌طور سرپایی، آماده شده بودند و با نزدیک شدن غروب آفتاب، راهی خط مقدم شدند، به‌طوری‌که تا قبل از ساعت ۱۹:۰۰ همگی به خط مقدم رسیدند.

در ساعت ۲۰:۱۰، برادر کمیل قائم‌مقام فرماندهی لشکر، که همراه با غواصان معبر ۶ بود، با مراجعه به مقر محور دو [تیپ ۲] موفق به تماس با فرماندهی لشکر شد. وی در این تماس اعلام کرد که غواصان معابر ۵ و ۶ را راهی آب کرده است. با توجه به اینکه ساعت از ۲۰:۰۰ گذشته بود، به‌ترتیب تصمیم به رهایی غواصان در آب گرفته شد و فرمانده عملیات با تماس‌های مکرر از محورها (تیپ‌ها) خواست که با فرستادن پیک، غواصان را راهی آب کنند.

تیراندازی دشمن قبل از عملیات

قبل از آغاز عملیات، دشمن اقدام به تیراندازی و اجرای آتش کرد. به دنبال آن، تعدادی منور نیز در آسمان روشن شد. همه چنین می‌پنداشتند که تک‌لورفته و عملیات آغاز شده است. برادر عمرانی در تماسی ضمن دادن این خبر، از شروع درگیری سخن می‌گفت. برادر کسائی‌ان نیز اعلام کرد که در محور آنان، دشمن اجرای آتش می‌کند. در این لحظات مرتضی قربانی با حفظ خونسردی از سنگر خارج شد و با رفتن به روی سنگر و مشاهده وضعیت، به این نتیجه رسید که وضعیت عادی است؛ بنابراین، از فرماندهان محورها (تیپ‌ها)

در منطقه هورالهویزه، لشکر ۲۵ کربلا تدابیری را به‌منظور فریب دشمن به کار بست و در محور شط‌علی دست به تحرکات فریبنده و ایذایی زد.

باوجود وضعیت مبهم خط دشمن، قایق‌ها در هر محور براساس توجیه قبلی به‌طرف معابر خود حرکت کرده بودند. در تاریکی هوا یافتن معابر بدون راهنمایی غواصان بسیار مشکل بود و غواصان نیز به هر دلیل، علامتی از ساحل مخابره نمی‌کردند.

در محور یک (سمت چپ)، بلافاصله پس از آغاز عملیات، نیروهای گردان مالک که سوار بر قایق و آماده بودند، حرکت خود را آغاز کردند و به هراترتیب خود را به خط رساندند. گردان پس از سازماندهی مجدد (به‌دلیل ازهم‌پاشیدگی موقت و پراکندگی ناشی از عبور) حرکت خود را به‌طرف عمق آغاز کرد. گردان مالک موفق شد تا ساعت ۰۳:۰۰ بامداد در جناح راست شهر، خود را به جاده البحار رسانده، از پیشانی، قسمت عمده شهر را پاک‌سازی کند و باقیمانده نیروهای دشمن را در محاصره قرار دهد.

بنابراین در طول شب گذشته تا ساعت ۹ صبح، لشکر ۲۵ کربلا موفق شد ظرف یک ساعت با استفاده از ۲ گردان، خط ساحلی دشمن را شکسته، آن را پاک‌سازی کند. دراین‌زمینه آتش ساحل‌به‌ساحل که تحت عنوان نارالله از آن یاد می‌شد، تأثیر بسزایی در سرعت‌بخشیدن به شکسته‌شدن خط داشت؛ البته، الحاق با جناحین در خط تا صبح طول کشید. روی‌هم‌رفته، در مدت زمان شکستن خط و پاک‌سازی آن، نیروهای لشکر تلفات زیادی را متحمل نشدند و تعداد شهدا درمجموع شاید به ۲۵ نفر بالغ می‌شد که نصف تعداد مجروحان بود.

گردان مالک شهر فاو را تا اندازه‌ای پاک‌سازی کرده و فقط چند قرارگاه و فرماندهی دشمن در حد تیپ و گردان باقی مانده بود که پاک‌سازی آنها پایان نیافته و درگیری در آنها همچنان ادامه داشت. هم‌زمان، گردان مسلم نیز تانک‌فارم‌ها و شهرک را کاملاً پاک‌سازی کرده و در حاشیه جاده فاو - البحار استقرار یافته بود و فقط یک مقر گردان عراقی روی

درنهایت، با خودداری نیروها از واکنش نشان دادن به اقدام عراقی‌ها، پس از دقایقی، آتش دشمن قطع و منطقه آرام شد. آذردین‌نیا در ادامه مشاهدات خود می‌گوید:

«پس از قطع آتش، سنگرها خالی شد و با شنیدن سروصدای عراقیان و شوخی و خنده آنان احساس کردیم که دشمن مطمئن شده خبری نیست.»^(۸) لحظاتی پس از ساعت ۲۲:۰۰، فردی که مشخص نبود به چه صورت موفق به یافتن سنگر فرماندهی لشکر در آن تاریکی شده است، وارد سنگر شد. وی حامل بسته‌ای ازسوی فرماندهی سپاه برای مرتضی قربانی بود. قربانی پس از بازکردن بسته با پرچم سبز و معطری که نامه‌ای همراه آن بود، مواجه می‌شود. در نامه ضمن مقدماتی نوشته شده بود: این پرچم گنبد حضرت ثامن‌الائمه امام رضا^(ع) می‌باشد و به‌طور امانت به دست شما سپرده می‌شود تا آن را روی بلندترین مناره شهر فاو نصب کنید.

آغاز عملیات

تلاش برای تماس با سایر غواصان ادامه داشت که صدای تیراندازی که از شروع عملیات حکایت می‌کرد، از اطراف شنیده شد. ساعت ۲۲:۱۲ بیسیم بهمن ۱۳۶۴ را نشان می‌داد. قربانی بلافاصله به همه واحدهای خود اعم از توپخانه، ادوات، زرهی و دیگران، دستور شروع عملیات را داد و درپی آن اجرای آتش پرحجم در خط آغاز شد. همچنین از قایق‌سواران در هر دو محور خواسته شد که حرکتشان را آغاز کنند، درحالی‌که هنوز درباره وضعیت غواصان هیچ اطلاع دقیقی وجود نداشت. از سوی دیگر، غواصان به‌محض شروع درگیری و مشاهده تیراندازی‌های شدید از سمت ساحل خودی، متوجه آغاز عملیات شدند و عملیات را از هر نقطه‌ای که حضور داشتند، شروع کردند.



انتقال یک مجروح از داخل گل و لای ساحل اروند به پشت جبهه - عملیات والفجر ۸ - ۱۳۶۴/۱۱/۲۵.

محور ام‌القصر و فاو - بصره دشمن حضور داشت و از آنجا که رزمندگان با سرعت به اهداف خود رسیده بودند، عراقی‌ها هیچ‌گونه تصویری از وضعیت حضور نیروهای ایرانی نداشتند؛ بنابراین، ایفاهای حامل تدارکات یا نیرو بدون اطلاع از حضور نیروهای خودی از طریق جاده‌های بصره و ام‌القصر به طرف فاو حرکت می‌کردند و بدون هیچ مشکلی در دام نیروهای خودی افتاده، منهدم می‌شدند. این امر موجب شد که ارتش عراق در این محور متحمل تلفات و خسارات فراوانی شود.

در محور چپ، الحاق با لشکر ولی عصر (عج) در طول خط انجام شد، اما الحاق اصلی موردنظر در دو جاده فاو - بصره و فاو - البحر، همچنان باقی مانده بود. تعداد تلفات طبق آمار تقریبی که فرمانده گردان‌ها ارائه کردند، تا صبح روز اول عملیات، حدود ۷۰ شهید و ۱۷۰ مجروح بود.

ادامه عملیات لشکر ۲۵ کربلا در روز اول

وضعیت بیان‌شده تقریباً مورد رضایت فرماندهی بود؛ از همین رو، در ساعت ۹:۳۰ روز ۲۱ بهمن

این جاده مانع از الحاق دو گردان فوق شده بود. گردان‌های امام حسین (ع) و حمزه باوجود تأخیری که در انتقالشان وجود داشت، موفق شدند عملیات خود را به‌طور کامل انجام داده، به اهدافشان دست یابند. انتقال نیروهای محور سوم (تیپ ۳) لشکر باتوجه به مشکل کمبود قایق با تأخیر انجام شد و حرکت این محور به روز کشید. در نهایت نیروها در خاکریز مورب وسط مستطیلی متوقف شدند. موضوع مهم، الحاق با جناحین بود. در محور راست، پس از تلاش فراوان و حرکت به داخل محدوده لشکر ۳۱ عاشورا، الحاق نسبی انجام شد. لشکر ۳۱ فقط تا جاده البحر پیشروی کرده بود. در جناح چپ باوجود پیشروی بیش از حد گردان‌ها، هنوز الحاق با لشکر ۷ ولی عصر (عج) انجام نشده بود.

در مجموع، لشکر به ۸۰ درصد از اهداف خود دست یافت؛ در جناح راست تا جاده فاو - البحر پیش آمده و با لشکر عاشورا الحاق کرده و سپس به طرف راست، خط تشکیل داده بود. از حرکت لشکرهای دیگر در جناح راست خبری در دست نبود و فرماندهی نیز چندان به آن اهمیت نمی‌داد. در

به‌همین منظور، قربانی سنگری در ابتدای ضلع غربی مستطیلی انتخاب کرد و در آن مستقر شد.

عملیات در شب و روز دوم

پس از تثبیت وضعیت در روز اول، فرماندهان لشکرهاي ۲۵ کربلا، ۸ نجف، ۱۴ امام حسین^(ع) و ۳۱ عاشورا در قرارگاه تصرف‌شده دشمن که مقر فرماندهی عملیات شده بود، جمع شدند و درباره چگونگی ادامه عملیات به بحث و تبادل نظر پرداختند. نظر فرماندهان بیشتر این بود که چون دشمن دچار ضعف و پراکندگی و ازهم‌پاشیدگی شدید شده است، بهتر است که عملیات را امشب ادامه دهند و تا جاده شنی سمت راست کارخانه نمک پیشروی کنند.

روز دوم عملیات که مصادف با بیست‌ودوم بهمن‌ماه بود، در شرایطی آغاز شد که لشکر ۲۵ کربلا در جناح راست (به‌موازات جاده عمودی و ارتباطی سمت راست تانک‌فارم‌ها)، خط پدافندی اصلی‌اش را تشکیل داده بود و نیروهایی به استعداد یک گردان نیز به‌طور پراکنده، چهار پنج کیلومتر جلوتر در حد فاصل جاده‌های البحار و بصره حضور داشتند.

برنامه‌ریزی برای عملیات در شب و روز سوم

روز دوم نبرد در ساعت ۱۱:۲۰، بار دیگر احمد کاظمی نزد فرمانده لشکر ۲۵ کربلا - که در جاده فاو - بصره (نزدیکی تانک‌فارم‌ها) حضور داشت - آمد و ابزار کرد: «ما در حد فاصل جاده اول و دوم خیلی پیش رفتیم و دیواره کارخانه نمک را می‌بینیم. امشب می‌توانیم تا کارخانه نمک ادامه بدهیم؛ وضع دشمن خراب است، هنوز به آن صورت تانک نیاورده، بچه‌ها با موشک یک ستون ایفا را زدند.»^۹

سخنان کاظمی حاکی از این بود که لشکر نجف پس از ملاقات با رحیم صفوی، یک گردان را وارد عمل کرده و پیشروی خوبی انجام داده

۱۳۶۴، فرمانده لشکر خود وارد منطقه عملیاتی شد. در منطقه، درگیری‌ها همچنان ادامه داشت و نیروها برای تکمیل اهداف و تحکیم موضعی که تصرف کرده بودند، جنگ را ادامه می‌دادند. در فاصله بین گردان مسلم و مالک روی جاده فاو - البحار، یک یا دو ساختمان که احتمال می‌رفت پاسگاه فرماندهی عراق باشد، به‌شدت مقاومت می‌کرد.

قربانی فرمانده لشکر ۲۵ کربلا، با مشاهده ازهم‌پاشیدگی و ضعف دشمن، از گردان‌های مسلم و حمزه خواست که با نیروی اندکی پیشروی را به‌طرف جلو (جناح راست لشکر) ادامه دهند تا لشکر عاشورا بتواند جلوتر بیاید. وی سه موضوع را در مقابل داشت که عبارت بودند از:

۱. تکمیل و پاک‌سازی انتهای مستطیلی و تصرف پایگاه موشکی.
۲. تلاش جهت پاک‌سازی مقرهای دشمن و الحاق با لشکر ولی‌عصر^(عج).
۳. ادامه حرکت در جناح راست با کمک سایر لشکرها و رسیدن به کارخانه نمک.

قربانی در دو مورد اول احساس خطر نمی‌کرد؛ به همین دلیل حل مشکلات مربوط به آنها را به‌عهده گردان‌های عمل‌کننده در آن محورها گذاشت، ولی آنچه که مورد تأکید وی بود و قرارگاه مرکزی خاتم نیز بدان اهمیت می‌داد، ادامه حرکت در جناح راست برای رسیدن به کارخانه نمک بود. این مأموریت در بحث‌های قبل از عملیات از این یگان سلب شده بود، ولی باتوجه‌به وضعیت منطقه، توان لشکر و اهمیت این نقطه راهبردی، فرمانده لشکر بر آن شد که داوطلبانه حرکت در جناح راست را ادامه دهد.

دشمن در محدوده ساحلی [شهر فاو] موضعی را در سه تا هشت رده ایجاد کرده بود. پس از سیم‌های خاردار و سایر موانع ذکر شده، یک رده سیل‌بند وجود داشت.

است همچنین نیروهای این گردان تلفات زیادی به دشمن وارد آورده و تا نزدیکی کارخانه نمک از سمت جنوب پیش رفته و مستقر شده‌اند.

پس از این صحبت‌ها، فرماندهان دو لشکر تصمیم گرفتند که از موفقیت به دست آمده استفاده کنند و در شب پیش از حضور جدی دشمن، خود را به کارخانه نمک برسانند. سپس برادر قربانی در پیامی از گردان‌های یا رسول^(ص)، محمد باقر^(ع)، مسلم و مالک خواست که ضمن تجهیز و سازماندهی نیروهای خود آماده شرکت در عملیات شوند.

در ساعت ۱۳:۳۰، بار دیگر احمد کاظمی و امین شریعتی به محل فرماندهی لشکر آمدند و به گفت‌وگو پرداختند. سپس به مسئولان قرارگاه کربلا نیز اطلاع داده شد تا در این جلسه حاضر شوند. با آمدن غلامپور و محتاج بحث درباره چگونگی ادامه عملیات و بررسی آخرین وضعیت ادامه یافت و به نتایجی رسید. در این جلسه بیشتر امین شریعتی و احمد کاظمی درباره آخرین وضعیت گزارش دادند. در شب سوم، ۴ گردان از لشکرهای نجف و کربلا وارد عمل شدند، اما بنابه دلایلی که ذکر خواهد شد، موفقیتی کسب نکردند و صبح عملیات با ترمیم خاکریز بین دو جاده و شکافتن جاده بصره، در مواضع قبلی خود مستقر شدند. از مجموع اظهارنظرهای بیان‌شده درباره عملیات این شب می‌توان دلایل ناکامی یگان‌ها در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. نداشتن شناسایی دقیق از منطقه عملیاتی.
۲. واردکردن نیروی کم به نسبت منطقه عملیاتی.
۳. ضعف در مانور به‌شکلی که در نظر بود بدون پاک‌سازی در جناحین و فقط با حرکت در محور جاده آسفالت فاو - بصره، پیشروی کرده، به کارخانه نمک برسند.
۴. تسلط دشمن بر منطقه و اجرای آتش پرحجم. همچنین درطول عملیات ضعف شدیدتری در امر تخلیه مجروحان و شهدا مشاهده می‌شد، طوری‌که

تعدادی از شهدا و مجروحان (که بیشتر متعلق به لشکر نجف بودند) به جا ماندند. مشابه این وضعیت در تدارک‌رسانی وجود داشت و در بین ساعت ۴ تا ۵ بامداد فقط یک دستگاه خشیار به کار گرفته شد. با گذشت ۳ روز از آغاز عملیات، نیروها همواره در انتظار برخوردی جدی و محکم از طرف دشمن بودند، اما باوجود آتش پرحجم توپخانه و کثرت بمباران‌های هوایی، هیچ‌گونه حرکت زمینی قابل توجهی در این محور از دشمن مشاهده نشد. این موضوع باتوجه‌به شناختی که در عملیات‌های گذشته

از دشمن به دست آمده بود، تعجب همگان را برانگیخته بود. احتمالاً آرایش و شکل نعلی خطوط پدافندی در ایجاد این حالت مؤثر بوده است، چراکه جاده بصره در عمق این نعل قرار داشت و نیروهای خودی در دو سر آن با قدرت ایستاده بودند و طبیعتاً دشمن تا زمانی که موفق به حل این مشکل در دو سر نعل نمی‌شد، تمایلی به ورود در این قتلگاه نداشت.

در روز سوم، لشکر ۲۵ کربلا با همه نیروهایش به

منطقه فاو منتقل شده بود. واحدهای پشتیبانی‌کننده ازجمله تدارکات و بهداری که دو مأموریت اساسی تدارک‌رسانی و تخلیه شهدا و مجروحان را برعهده داشتند، با انتقال نسبی امکانات خود در روزهای دوم و سوم، مراکزی را برای استقرار خود مشخص و آماده کردند. واحد تدارکات با استفاده از ساختمان‌های موجود، بنه‌های موردنیاز را بر پا کرد و امکانات انتقالی و غنائم جمع‌آوری‌شده را در آنها متمرکز ساخت. بهداری نیز با ایجاد پست امداد، یک قدم خود را به خط مقدم نزدیک‌تر کرد.

وجود شهر فاو، تأسیسات نفتی و دو جاده مهم فاو - بصره و جاده فاو - البحار که در این محدوده با هم تلاقی داشتند، به منطقه عملیاتی لشکر ۲۵ کربلا اهمیت ویژه‌ای داده بود.

عملیات لشکر ۲۵ کربلا در شب چهارم (هجوم به گارد ریاست جمهوری)

راست به کار گیرد و از کاظمی فرمانده لشکر نجف نیز درخواست کرد که گردان تازه‌نفسی را برای انجام دادن الحاق وارد عمل کند.

پس از گذشت زمان کوتاهی، گردان امام حسین^(ع) اعلام کرد که از سمت چپ به سهراهی کارخانه نمک رسیده است. با شنیدن این خبر، مرتضی قربانی در تماس با خرازی فرمانده لشکر امام حسین^(ع) و جعفری فرمانده لشکر علی‌بن‌ابی طالب^(ع)، ضمن اعلام رسیدن این یگان به سهراهی، خواهان تسریع در امر الحاق با این گردان شد.

از ساعت ۰۰:۳۰ بامداد به بعد، اخباری مبنی بر الحاق نیروهای لشکر ۲۵ کربلا و ۱۴ امام حسین^(ع) به فرماندهی داده می‌شد. برقراری الحاق این دو لشکر بدان معنا بود که نیروهای زیادی از دشمن به دلیل موفق نبودن لشکرهای نجف و عاشورا در منطقه باقی مانده و محاصره شده‌اند و این موضوع اهمیت بسیاری داشت. بنابراین، همه تلاش نیروها صرف این موضوع شده بود. اما الحاقی که ساعتی پس از نیمه شب از آن صحبت می‌شد، مورد تأیید نیروهای لشکر امام حسین^(ع) قرار نگرفت. آنها معتقد بودند

در شب چهارم عملیات تا قبل از ساعت ۲۱:۰۰، گردان امام حسین^(ع) با استعداد ۱۸۰ نفر با راهنمایی برادران کمیل و طوسی حرکت خود را از خاکریز آغاز کرد. گردان ۱۴ از لشکر نجف نیز در سمت راست گردان امام حسین^(ع) شروع به حرکت کرد. فرمانده گردان امام حسین^(ع) که هنگام حرکت اطلاع یافته بود گردان حمزه نمی‌تواند طبق قرار قبلی پیشاپیش آنها حرکت کند، از گروهان دوم خود خواست که به جای آنکه در کنار لوله به عنوان احتیاط باقی بماند، به سرعت خود را به دنبال گروهان سوم برساند. این گردان با راهنمایی برادران کمیل و طوسی حدود دو کیلومتر راه پیمایی انجام داد.

گردان امام حسین^(ع) از لشکر ۲۵ کربلا، دقایقی پس از شروع درگیری با دشمن، در ساعت ۲۳:۴۵، اعلام کرد که روی جاده آمده است. فرمانده لشکر بیش از هر چیز به الحاق این گردان با نیروهای لشکر نجف اهمیت می‌داد. به همین دلیل، از رحیمیان خواست که توان خود را برای حرکت به سمت



تعدادی از رزمندگان اعزامی در منطقه عملیاتی که در باتلاق فرو رفته‌اند. عملیات والفجر ۸ - ۱۳۶۴/۱/۲۵.

نیروهای لشکر امام حسین^(ع) موفق به ایجاد شکاف در جاده بصره در مقابل سهرای کارخانه نمک شدند و مشکل این قسمت تا حدود زیادی حل شد. نیروهای باقیمانده دشمن در این منطقه بسیار ضعیف بودند، باوجوداین، پاکسازی کامل دشمن تا بعدازظهر طول کشید و این درحالی بود که بهدلیل حضور دشمن تا این زمان نیروهای خودی موفق به احداث خاکریز نشده بودند.

فرماندهی جدید در منطقه عملیاتی (محور فاو - بصره)

در این روز بنابه دلایلی قرارگاه خاتم تشکیلات جدیدی را برای دفاع و تثبیت عملیات انتخاب می‌کند و مسئولیت محور فاو - بصره را به عزیز جعفری می‌سپارد. لشکرها ۱۴ امام حسین^(ع)، ۸ نجف، ۳۱ عاشورا، ۱۷ علی بن ابیطالب^(ع) و ۲۵ کربلا نیز در اختیار وی قرار می‌گیرند.

با آمدن عزیز جعفری به عنوان فرمانده محور، ارتباط یگان‌ها با قرارگاه بیشتر از قبل شد، چراکه نیروها به وی اعتماد بسیار زیادی داشتند و از طرف دیگر، حضور فعال وی در هدایت عملیات‌ها و شرکت در هماهنگی یگان‌ها تأثیر مثبتی در پیشبرد امور داشت. برخلاف گذشته، جعفری در این عملیات قرارگاه مشخصی نداشت و همواره در کنار فرمانده یگان‌ها در خط حاضر بود. حضور فعال وی در خط بسیاری از نقاط ضعف گذشته را - که بی‌اطلاعی قرارگاه از امور و ناهماهنگی‌های ناشی از آن در بروز آنها نقش داشتند - برطرف کرد.

ساعت ۱۷:۱۵، جلسه‌ای با حضور عزیز جعفری و فرماندهان یگان‌ها در یکی از قرارگاه‌های ارتش عراق در کنار جاده فاو - بصره تشکیل شد. هدف از تشکیل این جلسه رسیدن به طرحی عملی برای تصرف مجدد سهرای کارخانه نمک بود. در این طرح که درنهایت مورد موافقت فرماندهان قرار گرفت، بر پاکسازی منطقه

که نیروی موجود در سهرای (از لشکر ۲۵) نیروی غیرمنسجم و پراکنده‌ای بوده است که از گردان خود جدا شده و پرت بوده؛ بنابراین، الحاق به‌طور صددرصد انجام نشده است.

با روشن شدن هوا، همه نیروهای گردان امام حسین^(ع) از لشکر ۲۵ کربلا بهدلیل مسمومیت قبلی شیمیایی چشم‌هایشان دچار ناراحتی شده بود و بعضی از آنها امکان بازکردن چشم‌هایشان را نداشتند. به‌همین دلیل، این گردان به‌کلی تخلیه شد. بهدلیل حضور گسترده دشمن در منطقه توان نیروهای خودی در امر پاکسازی به‌مراتب افت کرده بود. یگان‌ها نیز از واردکردن نیروهای جدید خودداری می‌کردند.

مرتضی قربانی در ساعت ۰۷:۰۰ صبح (روز چهارم عملیات)، تصمیم جدیدی برای واردکردن نیرو گرفت و یک گروه ویژه را همراه با گروه دیگری از گردان حمزه از پیشانی به‌طرف قرارگاهی که محل مقاومت نیروهای عراقی بود، فرستاد. نیروهای محاصره‌شده عراقی (حدود ۳ گردان) در این منطقه به‌شدت مقاومت می‌کردند و این امر موجب تعجب نیروهای خودی شده بود. با تحقیقاتی که انجام شد، مشخص گردید این نیروها از لشکر گارد ریاست جمهوری عراق می‌باشند. عراقی‌های محاصره‌شده بهدلیل آشنانبودن با منطقه و یافتن راهی برای فرار، ساعت‌ها مقاومت کردند و سرانجام پس از گذشت ساعاتی از روشنایی هوا، در حد فاصل دو جاده البحار و بصره و همین‌طور در سمت چپ، با یورش به نیروهای لشکر ۱۷ و ۱۴ در صد فرار و شکستن محاصره برآمدند.

به‌مرور، با فرار بسیاری از نیروهای دشمن، درگیری در دو نقطه قرارگاه‌مانند محدود شد و در نتیجه همه توجه نیروهای خودی صرف این دو قرارگاه گردید. در ساعت ۱۰:۳۰، چند تانک و خشایار وارد میدان شدند که این عمل در افزایش روحیه نیروها نیز تأثیر مثبتی داشت. در این فاصله،

جاده بصره کار خود را آغاز و به طرف جاده البحار اقدام به زدن خاکریز کردند و از طرف دیگر با سرعت کمتر در امتداد سهراهی مشغول زدن خاکریز بود و در نهایت با روشن شدن هوا، موفق به اتصال آنها به یکدیگر نشدند. لشکر امام حسین^(ع) فقط ۲۰۰ متر با جاده بصره فاصله داشت، اما لشکر کربلا فقط یک کیلومتر خاکریز زده بود و این خاکریز در ۶۰۰ الی ۷۰۰ متری بالای خاکریز حادثاتی لشکر امام حسین^(ع) قرار داشت. با روشن شدن هوا با تلاش هر دو یگان خاکریز حادثاتی لشکر کربلا منحرف شده، به خاکریز لشکر امام حسین^(ع) وصل شد. صبح روز بیست و پنجم با احداث خاکریزهای فوق، همه یگانها پشت خاکریز و مواضع به دست آمده استقرار یافته، پدافند می کردند. لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب در سمت چپ سهراهی مستقر شده بود و لشکر ۸ نجف مسئولیت سهراهی و سمت راست آن را بر عهده داشت. لشکر ۲۵ کربلا نیز به استعداد بسیار اندک، در خط پدافندی قرار گرفت و بیشتر، لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) حد فاصل دو جاده را با ایجاد استحکامات پدافند می کرد.

برنامه ریزی تداوم عملیات برای شب و روز ششم
با دستاوردهای جدید یگانها، احمد کاظمی و مرتضی قربانی همچنان عقیده داشتند که هرچه سریع تر باید عملیات را ادامه داده تا جاده شنی (سمت راست کارخانه نمک) پیشروی کنند. براین اساس، به گردان امام محمد باقر^(ع) از محور ۱ لشکر ۲۵ کربلا اعلام آماده باش داده شد و مسئولان این گردان جهت توجیه به منطقه فراخوانده شدند. نظر فرماندهان به عزیز جعفری فرمانده منطقه، منتقل شد. وی به دلیل اینکه توان لازم را برای این کار کافی نمی دانست با این طرح مخالفت کرد و از طرفی، شوشتری معاون وی معتقد بود که نیروها قادر به نگهداری جاده شنی نیستند.
با رایزنی هایی که انجام شد، لشکرهای ۱۴ و ۲۵

از نیروهای عراقی - که در چند قرارگاه اطراف سهراهی حضور داشتند - و احداث خاکریز مورد نظر تأکید شده بود. لشکر کربلا وظیفه داشت همراه با لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در سمت راست جاده بصره کار پاک سازی را انجام دهد و برای لشکر ۳۱ عاشورا - هنگام احداث خاکریز، تأمین لازم را برقرار کند.

شب و روز پنجم عملیات (تثبیت سهراهی کارخانه نمک)

مرتضی قربانی قبل از ظهر، ضمن توجیه نیروهای محور ۳ (تیپ ۳) از آنان خواسته بود تا گردان سیف الله را راهی منطقه کنند. این گردان نیز با استعداد چهار دسته ۲۵ نفره در ساعت ۲۲:۰۰ نزد قربانی (پشت خاکریز منتهی به پایگاه) رسیدند. در این نقطه، فرمانده لشکر ۲۵ کربلا ضمن بیان وضعیت کلی، از آنان خواست که در وهله اول خود را به نیروهایی که در منطقه مستقر هستند، برسانند.

در مجموع، لشکر ۲۵ کربلا در شب پنجم عملیات (۶۴/۱۱/۲۵)

فعالیت عمده ای نداشت. از سوی دیگر، لشکرهای ۱۴ امام حسین^(ع) و ۱۷ علی بن ابیطالب^(ع) با گذشت زمان کمی از شروع عملیات موفق شدند در سهراهی مورد نظر با یکدیگر الحاق کنند و لشکر ۸ نجف نیز در محور بصره به آنان پیوست. پس از انجام شدن این دو الحاق، نیروهای لشکر ۲۵ کربلا نیز بدون درگیری جدی در کنار آنان قرار گرفتند.

هم زمان با عملیات و انجام نشدن الحاق، لشکر امام حسین^(ع) شروع به احداث خاکریز (از جاده البحار به سمت جاده بصره) کرد. دستگاه های مهندسی نیز از

تأسیسات نفتی و مخازن نفت عراق در دو مجموعه شامل ۲۶ مخزن در امتداد جاده البحار و ۳۰ مخزن در شرق جاده فاو - بصره واقع شده که به وسیله سیل بندهایی شبیه به جاده احاطه شده است.

محمد باقر^(ع)، سیف‌الله و مسلم - که هریک حداقل دو بار وارد عمل شده بودند - به عقب انتقال داده شوند. از سوی دیگر، از روز قبل، برای انتقال سه گردان احتیاط نیز اقداماتی انجام شد و صبح روز بیست‌وششم، گردان مسلم^۲ به‌عنوان اولین گردان احتیاط وارد منطقه شد و در خاکریزهای دوم یا سوم (بین دو جاده) استقرار یافت.

روز هفتم عملیات (آخرین وضعیت لشکر در خط پدافندی)

صبح روز بیست‌وهفتم (روز هفتم عملیات) مشاهده شد که لشکر^{۱۴} امام حسین^(ع) با موفقیت، خاکریز نیم‌دایره‌ای احداث کرده و درحال ایجاد مواضع پدافندی است.

پرویزی فرمانده گردان یدالله نیز صبح همین روز با حداکثر ۶۰ نیرو و گردان روح‌الله با ۱۰۰ نیرو برای رفتن به خط پدافندی اعلام آمادگی کردند. مرتضی قربانی فرمانده لشکر نیز مجموع نیروهای مالک و دو گردان

فوق (از یاسوج) را به خط فرستاد. گردان مالک به‌منظور استقرار در خاکریز جدید و دو گردان یاسوج در محور سمت راست جاده آسفالت در کنار نیروهای لشکر نجف مستقر شدند.

عملکرد لشکر در شب و روز هشتم عملیات (آغاز اقدامات جدی و گسترده دشمن)

در شب هشتم عملیات، مرتضی قربانی دو دسته نیرو از گردان سیف‌الله را به‌منظور تأمین و برادر عبدالله از نیروهای فرماندهی لشکر را جهت هدایت

برای این کار هماهنگی‌های لازم را انجام دادند و در نهایت تصمیم گرفته شد که لشکر^{۱۴} امام حسین^(ع) از سمت راست (جاده البحار) و لشکر^{۲۵} کربلا از چپ (جاده بصره) اقدام به زدن خاکریز کنند. به همین منظور، جهاد مازندران در اختیار لشکر^{۲۵} قرار گرفت و برادر کمیل قائم‌مقام لشکر نیز از طرف فرماندهی مأمور پیگیری این اقدام شد.

ساعت ۱۹:۰۰ با پیگیری و تلاش برادر کمیل، نیروهای جهاد مازندران با امکانات موجود خود به منطقه رسیدند و در صحبتی کوتاه با مرتضی قربانی ابراز کردند که نتوانسته‌اند بیش از دو دستگاه بلدوزر تهیه کنند. احداث خاکریز با توجه به این توان مشکل به نظر می‌رسید. اندکی بعد با آمدن ابوشهاب جانشین فرماندهی لشکر^{۱۴} امام حسین^(ع) و مشاهده این مشکل، وی پذیرفت که کل خاکریز موردنظر را لشکر^{۱۴} امام حسین^(ع) احداث کند. بنابراین، دستگاه‌های دیگر نیز در اختیار وی قرار گرفت و به این ترتیب مسئولیت احداث خاکریز از لشکر^{۲۵} کربلا سلب شد و فقط پاک‌سازی محدوده‌ای از منطقه به منظور تأمین دستگاه‌های مهندسی تنها مأموریت لشکر در شب ششم بود. صبح روز بیست‌وششم با احداث خاکریزهای موردنظر، لشکر^{۲۵} کربلا عملاً مسئولیتی در خط نداشت، اما با امکانات و آتش ادوات خود سایر یگان‌ها را یاری می‌کرد. ضمن آنکه فرمانده لشکر همچنان در منطقه حضور داشت و بدین طریق با انتقال تجربیات خود و همفکری با سایرین، تأثیر بسیاری در پیشرفت کار داشت.

جایگزینی نیروهای احتیاط

مرتضی قربانی روز قبل با اتمام تقریبی مأموریت لشکر از مسئول ستاد خود (برادر نوریان) خواسته بود با انتقال گردان‌های عمل‌کننده به عقب اقدامات لازم را انجام دهد. صبح روز جاری نیز تأکید شد گردان‌های یا رسول^(ص)، حمزه، امام حسین^(ع)،

مأموریت لشکر^{۲۵} کربلا عبارت بود از: شکستن خط در محدوده مجاور شهر فاو، تصرف و پاک‌سازی شهر فاو، تصرف و پاک‌سازی تأسیسات نفتی فاو و ادامه عملیات تا جاده فاو - بصره.

دستگاه‌ها مشخص کرد. در این شب، علاوه بر ۳ دستگاه موجود در لشکر، ۲ دستگاه مهندسی دیگر نیز از جهاد نجف‌آباد در اختیار لشکر قرار گرفت. در طول شب، بدون اینکه اشکال مهمی پیش آید، نیروها موفق به احداث خاکریز موردنظر شدند و از آنجا که دشمن در شب فاصله بیشتری نسبت به روز از خط خودی می‌گرفت، این مأموریت به راحتی به انجام رسید. البته، لشکر ۲۵ کربلا به دلیل وجود نیروهای کمین دشمن با درگیری‌های جزئی مواجه شد که به طور کلی عامل مؤثری در کندی کار نبودند. صبح روز بیست و هشتم، گردان‌های مالک و روح‌الله - که در مجموع، ۱۵۰ نفر نیرو داشتند - در خاکریز احداث شده استقرار یافتند و شروع به ایجاد مواضع کردند. از سوی دیگر، گردان سیف‌الله نیز به منظور انتقال یافتن به عقب از خط بیرون آمد. گردان مسلم ۲ نیز همچنان به عنوان احتیاط منطقه در خطوط دوم یا سوم مستقر بود. تلاش عمده مسئولان و کادر لشکر متوجه ایجاد استحکامات در خط و تدارک آن بود، چراکه خبرهایی مبنی بر احتمال شدت یافتن پاتک‌های دشمن در این محور به گوش می‌رسید. محسن رضایی، فرمانده قرارگاه، در ساعت ۰۸:۰۰ صبح اطلاع داد که دشمن با استعداد ۳ لشکر قصد پاتک دارد. علاوه بر آن، گزارش‌های دیده‌بانی نیز این اخبار را تأیید می‌کرد. آرایش جدید و تعداد تانک‌های دشمن گویای حرکات احتمالی آنها بود.

تلاش عراقی‌ها به طور مستمر ادامه داشت و با وجود تلفات سنگین، پی‌درپی پاتک می‌کردند و این حرکت مرتب تکرار می‌شد.

ظهر همان روز (روز هشتم)، دشمن بار دیگر با تجدید سازمان و تغییر محور اصلی حمله، اقدام به پاتک کرد که این بار نیز ناکام ماند. در مجموع، در این روز، نیروهای لشکر نجف اشرف، ۲۵ کربلا و امام حسین^(ع) پیوسته مورد هجوم عراقی‌ها قرار می‌گرفتند و نیروهای دشمن گاه به طور پیاده و حتی با نفربر وارد خاکریز می‌شدند و در جنگ تن‌به‌تن با نارنجک و سلاح سبک به هلاکت می‌رسیدند.

روز نهم عملیات (توقف و پدافند)

صبح روز بیست و نهم همه یگان‌ها به ترتیب از چپ به راست؛ لشکرهای ۸ نجف، ۲۵ کربلا، ۳۲ انصارالحسین و ۱۴ امام حسین^(ع) در خط مستقر بودند. با مشاهده این وضعیت، عزیز جعفری (احتمالاً پس از مشورت با قرارگاه مرکزی هدایت عملیات) نزد نیروها آمد و تصمیم جدیدی را به معنای تثبیت خط فعلی اعلام کرد. وی در عین حال از فرماندهان لشکرها خواست برای اجرای عملیاتی به منظور تأمین خط پدافندی بهتر و شکافتن دیواره کارخانه نمک در همین شب (شب دهم)، آماده شوند. همچنین، خاکریز ناتمامی که نوک نیم‌دایره را به جاده بصره وصل می‌کرد می‌بایست تکمیل می‌شد. بر این اساس، هماهنگی‌ها و مشورت‌هایی که با احمد

از ساعت ۱۰:۳۰ صبح، آتش دشمن رو به فزونی گذاشت و به تدریج بر شدت آن افزوده شد. هنوز ۱۰ الی ۱۵ دقیقه از شدت آتش نگذشته بود که حرکت عراقی‌ها به طرف خط گزارش شد. ارتش عراق با شلیک گلوله‌های تانک از عقب، نیروهای خود را به وسیله نفربر به طرف خاکریز گسیل کرد، اما از یک سو به دلیل توجیه نبودن نیروهایش و از سوی دیگر، حجم آتش پشتیبانی خودی و روحیه خوب رزمندگان در خط، با تحمل تلفات بسیار و

چگونه پس از یک دوره افول در کارایی و عملکرد در طول سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳، با ورود فرماندهی جدید از اوایل سال ۱۳۶۴ با ایجاد همبستگی و پیوندهای عمیق در میان کادرهای نظامی و ستادی و پشتیبانی چنان تحول یافت که همان رزمندگان منفعل دوره‌های قبل قبول مسئولیت کرده، سنگین‌ترین مأموریت این عملیات را به عهده گرفتند (و تا پایان جنگ نیز به همین ترتیب عمل کردند) و فرمانده کل سپاه پاسداران نیز یک تیپ زرهی و یک تیپ پیاده در اختیار این لشکر - که از نظر کارایی و عملکرد به سطح یگان‌های درجه ۲ نزول پیدا کرده بود - قرار داد و بدین ترتیب این لشکر به یگان ویژه ارتقا پیدا کرد.

به همین منظور، در بخش اول مقاله، به اختصار، سابقه لشکر و مأموریت‌های قبلی آن بیان شده و سپس با ورود به مقطع جدید، مأموریت و منطقه واگذار شده به لشکر ذکر گردیده و حساسیت‌ها و مشکلات آن بر شمرده شده است.

فرمانده لشکر برای اجرای این عملیات بزرگ و حساس باید اقدامات بسیاری باید انجام می‌داد،

کاظمی و مرتضی قربانی شد، مقرر گردید لشکر ۲۵ کربلا پاک‌سازی دشمن در محور کارخانه نمک را انجام دهد و ضمن آن دیواره کارخانه را بشکافد و لشکر ۸ نجف نیز خاکریز مورد نظر را احداث کند.

تثبیت محور فاو - بصره

مانور شب دوم که به دلیل بارندگی متوقف شد، در نهایت در شب یازدهم با موفقیت به انجام رسید. پس از احداث خاکریز، دیواره سمت راست کارخانه با تلاش گروه تخریب شکافته شد و آب به جلوی خاکریز روانه گردید. با روان شدن آب در این منطقه، عملاً مانع مهمی در مقابل حرکات دشمن ایجاد شد و خط در این محور تثبیت گردید. یگان‌های درگیر در این محور نیز پس از ده شبانه‌روز عملیات، نفسی تازه کردند.

در این مقطع، لشکر ۲۵ کربلا تنها با دو گردان جندالله و حزب‌الله به‌طور دست‌نخورده حضور فعال خود را در منطقه حفظ کرده بود.

نتیجه‌گیری

این مقاله در پی آن بود که نشان دهد لشکر ۲۵ کربلا



نیروهای لشکر ۲۵ کربلا در حال پاک‌سازی موانع دشمن

[illegible]

همه امور را از نزدیک بررسی و کنترل می کند. عملیات آغاز می شود؛ غواص ها عبور می کنند؛ خط نارالله به کمک می آید؛ موج اول حرکت می کند؛ خط دشمن شکسته می شود؛ موج دوم عبور می کند؛ خط پاک سازی می شود؛ لشکر وارد می شود. شهر فاو... تانک فارم ها... قرارگاه دشمن... پایگاه موشکی... جاده آسفالت اول و دوم... و کارخانه نمک تصرف می شود.

در بخش آخر مقاله تلاش شده است حاصل این سرمایه‌گذاری مادی و معنوی چندماهه لشکر به‌خوبی و به‌طور ملموس بیان شود.

درحالی که نیروها نباید مطلع می شدند که این کارها به چه منظوری انجام می شود. افراد کمی باید توجه می شدند و افراد بسیاری نباید در جریان امور قرار می گرفتند.

طراحی عملیات اغلب با رده بالاتر و تعداد انگشت‌شماری از فرماندهان لشکر انجام می‌شده و این موضوع نیمی از مقاله را به خود اختصاص داده است.

در ادامه مباحث بیان شده که واحدهای یگان در منطقه عملیات یا در عقبه چطور با رعایت حفاظت در حال آماده‌سازی، برنامه‌ریزی و سازماندهی برای اجرای عملیات هستند و فرماندهی لشکر جزء به جزء

منابع و مأخذ:

- ۱ سند شماره ۱۴۴۶۴۲، گزیده اسناد عملیات والفجر ۸، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس صص ۷ و ۶
- ۲ سند شماره ۲۴۰ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: عملیات والفجر ۸ قرارگاه کربلا (مجید مختاری)، صص ۱۳۱ - ۱۱۹
- ۳ سند شماره ۱۸۴۱۶/ن مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس؛ لشکر ۲۵ کربلا در عملیات والفجر ۸ (۱۳۶۴/۱۱/۱۸)، نوار شماره ۱۸۴۱۶
- ۴ سند شماره ۱۸۴۴۲/ن مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس؛ لشکر ۲۵ کربلا در عملیات والفجر ۸، راوی داوود رنجبر (۱۳۶۴/۱۲/۱۱)، نوار شماره ۱۸۴۴۲ پیشین.
- ۵ (سند شماره ۹/۱۴۴۶۴۲، پیشین.
- ۶ سند شماره ۱۱۵۹/د مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: دفترچه ثبت جنگ راوی لشکر ۲۵ کربلا در عملیات والفجر ۸ (داوود رنجبر).
- ۷ سند شماره ۱۷۴۸۶/ن مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: لشکر ۲۵ کربلا در عملیات والفجر ۸ (۱۳۶۴/۱۱/۱۹)، نوار شماره ۱۸۴۲۰.
- ۸ سند شماره ۱۸۴۴۹ و ۱۸۴۵۰ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس؛ لشکر ۲۵ کربلا در عملیات والفجر ۸ (داوود رنجبر) (۱۳۶۵/۱/۶)، نوار شماره ۱۸۴۴۹ و ۱۸۴۵۰
- ۹ سند شماره ۱۷۴۸۶/ن مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس؛ قرارگاه کربلا در عملیات والفجر ۸ (مجید مختاری) (۱۳۶۴/۱۱/۲۲)



گزارش نبرد تیپ مستقل ۳۳ المهدی (ع) در عملیات والفجر ۸

راویان: محمد سمیع زاده* و الیاس حضرتی**

تهیه و تنظیم: محمد محمدپور***

چکیده		
تیپ ۳۳ المهدی (ع) در عملیات والفجر ۸ با کمک نیروهای ویژه غواص مأموریت عبور از رودخانه، شکستن خط اول دشمن و پاک سازی سرپل به دست آمده را برعهده داشت و تحت امر قرارگاه نوح عمل می کرد. مأموریت این یگان در مرحله بعد مقابله با پاتک های یگان های ارتش عراق، جلوگیری از پیشروی آنها و حفظ دستاوردهای مرحله اول عملیات بود که این تیپ به همراه چند یگان دیگر سپاه پاسداران با تشکیل خط پدافندی به تثبیت منطقه تصرف شده پرداختند.		
راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ در تیپ مستقل المهدی (ع) (سمیع زاده) می باشد که با حضور در مقرهای فرماندهی و همراهی شبانه روزی با فرمانده این تیپ (جعفر اسدی) اقدام به ثبت و ضبط مراحل مختلف عملیات از طرح ریزی، شناسایی، هدایت و اجرای عملیات کرده و پس از عملیات نیز به جمع آوری اسناد و مصاحبه با تعدادی از دست اندرکاران مؤثر تیپ ۳۳ المهدی پرداخته است. وی سپس با استفاده از یادداشت ها، نوارها و اسناد جمع آوری شده گزارش این عملیات را تدوین کرده است. اصل گزارش با شماره سند ۶۵۰ در بانک اطلاعات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس فعلی) نگهداری می شود.		
مقاله زیر شرح عملکرد تیپ ۳۳ المهدی (ع) در عملیات والفجر ۸ می باشد که براساس گزارش عملیات راوی این تیپ و گزارش عملیات راوی قرارگاه نوح در عملیات والفجر ۸ (الیاس حضرتی) تهیه و تنظیم شده است.		
واژه های کلیدی: عملیات والفجر ۸، قرارگاه نوح، فاو، رأس البیشه، جاده فاو - ام القصر.		

مقدمه

در یکی از این جلسات، فرمانده نیروی زمینی ارتش اعلام آمادگی کرد که مسئولیت تکی را برعهده بگیرد؛ مشروط بر اینکه تعدادی از یگان های سپاه تحت امر وی قرار گیرند. در این زمینه قرارگاه نوح با چند یگان مأمور این موضوع شدند و قرارگاه مشترکی موسوم به "کمیل" تشکیل شد. باتوجه به نظرها و دیدگاه های مختلف فرماندهان سپاه و ارتش، پس از چند ماه کار مشترک، قرارگاه مذکور منحل شد.

باتوجه به وضعیتی که در پی عدم الفتح عملیات بدر در جبهه های نبرد حاکم شده بود و آثار سوء این موضوع بر نیروهای خودی، همه مسئولان کشور بر اجرای فوری یک عملیات اتفاق نظر داشتند. در همین خصوص جلسات متعددی در سطح فرماندهان یگان های سپاه و ارتش به منظور بحث درخصوص چگونگی و شیوه اجرای عملیات آتی برگزار شد.

* راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ در تیپ مستقل المهدی (ع) در عملیات والفجر ۸

** راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ در قرارگاه نوح در عملیات والفجر ۸

*** کارشناس ارشد تاریخ انقلاب اسلامی و پژوهشگر مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

دریای آزاد متصل بوده و منتهی‌الیه خشکی عراق در جنوب‌شرقی این سرزمین محسوب می‌شده است. این منطقه موقعیت سیاسی - نظامی خاصی داشته و نقش قابل‌ملاحظه‌ای را در جریان جنگ بازی کرده است؛ حساس‌ترین معابر وصولی عراق در دریا از آنجا می‌گذرد و عراق از آن به‌عنوان یک برگ برنده به‌منظور تهدید و هدف قراردادن کاروان‌های تجاری، نفتکش‌ها، چاه‌های نفتی جزیره و اسکله‌های نفتی و نیز اعمال قدرت بر شیخ‌نشین‌های حوزه خلیج‌فارس و درنهایت تغییر سرنوشت جنگ استفاده کرده است.

باتوجه‌به این ویژگی‌ها و مشکل عبور وسایل سنگین از منطقه، نقش منطقه عملیاتی قرارگاه نوح در موفقیت کل عملیات اهمیت بسیاری دارد؛ بدین‌ترتیب که قرارگاه مأموریت داشت منطقه عملیاتی خود را سریع‌تر پاک‌سازی کند تا وسایل سنگین از طریق خلیج‌فارس به‌وسیله هاورکرافت در رأس‌البیشه پیاده شود تا برای ایجاد و استحکام‌بخشیدن به خط پدافندی و مقابله با پاتک‌های عراق در کل تک استفاده شود. در اجرای این هدف، تیپ المهدی (عج) نقش مؤثری ایفا می‌کرد. فرمانده قرارگاه نوح در این باره می‌گوید: «اگر المهدی منطقه دهانه را سریع پاک‌سازی نماید، هیچ مانعی برای استفاده‌کردن از هاورگراف نداریم و می‌توانیم کلی وسایل سنگین از پایین وارد نماییم. اصلاً کل تک خاتم بیشتر بستگی به این دارد [که] سریع منطقه را آماده نماییم و وسایل سنگین را برای پشتیبانی آنها وارد عمل نماییم.»^(۱)

بررسی وضعیت قرارگاه نوح

قرارگاه دریایی نوح به فرماندهی حسین علایی، قبل از انتخاب منطقه فاو برای عملیات، کار مهندسی و اطلاعاتی قابل‌توجهی در این منطقه انجام داده بود. به‌دلیل رفتن تعدادی از کادرهای قرارگاه بعد از

بعد از انحلال قرارگاه کمیل، جلسه‌ای با حضور فرماندهان مناطق، قرارگاه‌ها و یگان‌های سپاه در تهران تشکیل شد. قرارگاه نوح سپاه باتوجه‌به اینکه در منطقه فاو خط پدافندی داشته و در این منطقه اقداماتی انجام داده بود و به استدلال اینکه فاو محل اتصال عراق به دریاست و از این نقطه می‌تواند برای مقابله با حضور ایران در دریا فعالیت‌هایی انجام دهد و بنادر ایران را تهدید کند، بر لزوم عملیات در منطقه فاو تأکید داشت. باوجود طرح مشکلاتی مانند عقبه، عبور، کمبود یگان و لزوم غافلگیری به‌واسطه ویژگی‌های خاص منطقه، درنهایت، با اصرار آقای هاشمی رفسنجانی* در خردادماه ۱۳۶۴، منطقه فاو به‌عنوان منطقه اصلی عملیات انتخاب شد.

در همین خصوص باید به حکم حضرت امام درباره تشکیل نیروهای سه‌گانه اشاره کرد که تحول‌شگرفی در سازمان سپاه به وجود آورد. درواقع، موفقیت نیروی دریایی سپاه در اجرای مأموریت محول‌شده در این عملیات اعم‌از؛ کنترل و عبورناپذیرکردن خور عبدالله برای دشمن، راه‌اندازی کاروان‌های طویل دریایی و تاکتیک عبور از رودخانه و... نشانه‌های این تحول بود. متن زیر عمده‌تأ براساس گفته‌های مسئولان یگان و مصاحبه با آنان استوار شده است و از مشاهدات و نظرهای راوی و جمع‌بندی‌ها و تحلیل‌های وی در گزارش استفاده نشده است. اطلاعات تکمیلی تیپ ۳۳ المهدی (عج) نیز از گزارش قرارگاه نوح استخراج شده است.

اهمیت منطقه عملیاتی والفجر ۸

منطقه عملیاتی تیپ ۳۳ المهدی (عج) که قرارگاه نوح مسئولیت اجرای تک در آن را برعهده داشت، بین رودخانه اروند - خور عبدالله - رأس‌البیشه و پایگاه موشکی مستطیلی قرار دارد که از دو طرف به

* فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص) و فرمانده عالی جنگ و نماینده امام در شورای عالی دفاع

مصنوعی خاصی داشت که به شرح آنها خواهیم پرداخت:

زمین منطقه

منطقه عملیات رأس البیشه نام دارد که از شمال به اروندرود، از شرق به خلیج فارس و از جنوب و غرب به خور عبدالله محدود می‌شود. حاشیه اروندرود که از شمال به این ناحیه به سمت شرق امتداد پیدا کرده است، باتلاقی و پوشیده از چولان و نیزار است.

عرض باتلاق‌ها از ۵۰ متر در شمال شروع و به بیش از ۳ کیلومتر در نزدیکی‌های دهانه می‌رسد. قسمت‌هایی از جنوب شرقی، جنوب و غرب منطقه عملیاتی را نیز زمین‌های باتلاقی و گل‌ولای در بر گرفته که وسعت آن از ۴ کیلومتر در حاشیه خور عبدالله تا ۱۵ کیلومتر در قسمت دهانه و داخل خلیج فارس گسترش یافته است.

نخلستان

بین نیزارهای رودخانه اروند و باتلاق‌های حاشیه خور عبدالله

نخلستان‌های انبوهی وجود دارد که روستای منطقه را در بر گرفته است. جنگ در نخلستان مشکلاتی دارد که به دلیل تجربه نکردن، برای رزمندگان چندان ملموس نبوده است، چنان‌که فرمانده تیپ ۳۳ المهدی (عج) در این باره می‌گوید: «این عملیات چیزی نیست که بگوییم در عملیات رمضان این کار را کردیم و در فتح المبین ... این یک کار نو است و حتی برای اولین بار است که نیروهای ما در نخلستان با این وسعت می‌جنگند. پشت نخلستان‌های منطقه زمین باتلاقی نسبتاً وسیعی با عرض ۱/۵ و طول بیش از ۴ کیلومتر قرار دارد.»

عملیات بدر مسئولان قرارگاه با ضعف‌ها و مشکلات فراوانی مواجه بودند؛ نداشتن اعتماد به نفس و تردید درباره موفقیت عملیات، نامشخص بودن وضعیت تشکیلاتی قرارگاه و اینکه قرارگاه نوح تجربه عملیاتی نداشته و این عملیات اولین مأموریت محول شده به قرارگاه بوده، نگرانی‌هایی در میان مسئولان و حتی فرمانده قرارگاه ایجاد کرده بود. موضوع دیگر، طولانی شدن تخلیه نیروهای ژاندارمری از منطقه بود که ۴ ماه طول کشید.

مأموریت‌های محول شده به این قرارگاه عبارت بود از: (۲)

۱. مأموریت اول: عمل کردن در زمینی که به رأس البیشه تا ضلع جنوبی پایگاه موشکی اول (واقع در مستطیلی جنوب فاو) محدود می‌شد و در ادامه، عمل کردن روی جاده فاو - ام‌القصر تا جنوب دریاچه نمک. تیپ ۳۳ المهدی (عج) از جمله یگان‌هایی بود که در مأموریت اول وارد عمل شد. (۳)

۲. مأموریت دوم: پشتیبانی (ترابری دریایی) از یگان‌ها، سازماندهی و جمع‌آوری همه امکانات نیروی دریایی سپاه و ارتش تا به محض آزاد شدن اروندرود، همه وسایل سنگین مورد نیاز مانند لودر، بلدوزر، بالگرد کبری و... را به منظور پشتیبانی از عملیات و مقابله با پاتک‌های عراق از طریق دریا وارد منطقه کند.

۳. مأموریت سوم: تصرف اسکله الامیه هم‌زمان و هماهنگ با نیروی دریایی ارتش که مأموریت تصرف اسکله البکر را داشتند.

۴. مأموریت چهارم: تأمین خور عبدالله که قرار بود نیروی دریایی ارتش آن را برعهده بگیرد که در عمل به دلیل حضور نیافتن آنها نیروی دریایی سپاه وارد میدان شد.

وضعیت عوارض طبیعی و مصنوعی منطقه

منطقه‌ای که برای عملیات یگان در نظر گرفته شده بود خصوصیات، عوارض و ویژگی‌های طبیعی و

قرارگاه نوح مأموریت داشت منطقه عملیاتی خود را سریع‌تر پاک‌سازی کند تا وسایل سنگین از طریق خلیج فارس به وسیله هاورکرافت در رأس البیشه پیاده شود تا برای ایجاد و استحکام بخشیدن به خط پدافندی و مقابله با پاتک‌های عراق استفاده شود.

نهرها

در منطقه عملیاتی یگان ۳۳ المهدی (عج) در مجموع ۷ نهر وجود دارد که با تلاش واحدهای مهندسی عراق نیمی از ۳ نهر پر شده و ۴ نهر باقی مانده بود. نهرها هنگام مد کامل، آبی به عمق حداکثر ۲/۵ و عرض ۲۰ متر را در خود جای می‌دهند و طول هریک از آنها تا جاده عرضی دشمن تقریباً ۲ کیلومتر است.^(۴) بین خط خودی و دشمن، اروندرود در طول ۶ کیلومتر و عرض ۱۶۰۰ متر در محور راست و ۲۰ کیلومتر در محور چپ منطقه عملیاتی یگان واقع شده است که عمق آب آن در جزر ۳ الی ۴ متر است که هنگام مد کامل به ۸ متر می‌رسد. همچنین هنگام جزر ۵۰ متر از ساحل دشمن را آب فرامی‌گیرد که در زمان مد کامل بعضی از نقاط تا ۸۰۰ متر زیر آب می‌رود.^(۵)

جزرومد

وضعیت آب در رودخانه اروندر که تیپ ۳۳ المهدی (عج) می‌بایست پس از عبور از آن وارد عمل می‌شد، ویژگی‌های خاصی داشت. عرض زیاد رودخانه از خط خودی تا ساحل دشمن، شدت امواج آب، عمق دهانه و... که بستگی به چگونگی جزرومد دارند، از جمله مشکلاتی بودند که یگان‌های دیگر با آن مواجه نبودند. جعفر اسدی فرمانده تیپ، در این باره می‌گوید: «منطقه وضعیتش عجیب است، بعضی مواقع رودخانه در یک جایش مد است، جلو می‌روی جزر، دوباره می‌روی می‌شود مد.»

صالح از مسئولان اطلاعات تیپ نیز وضعیت جزرومد را این‌گونه توصیف می‌کند: «در منطقه وضعیت خاصی داریم، موقعی که جزر است شدت آب زیاد است، موقعی که مد است خیلی از نهرها پر از آب است. خیلی تلاش کردیم، تقریباً هر شب داریم [تلاش می‌کنیم]، ولی در خیلی از موارد به ساحل دشمن نتوانستیم برسیم. جزرومد روی قطب‌نما اثر دارد. اگر با کانو بخواهیم به طرف خور عبدالله برویم،

گم می‌شویم.

منطقه محول‌شده به تیپ المهدی (عج) مشخصه‌ها و ویژگی‌هایی داشت که سایر مناطق یا فاقد آن بودند یا حد پایین‌تری از آن را داشتند، از جمله: عریض بودن رودخانه (حدود ۲ کیلومتر)، شدیدتر بودن جریان آب، عریض‌تر بودن منطقه باتلاقی در طرفین و اختلاف زمان جزرومد با منطقه بالایی که عبور از رودخانه را مشکل کرده بود.^(۶)

حسین علایی فرمانده قرارگاه نوح نیز وضعیت تیپ را برای عمل در این منطقه دشوار توصیف کرده، می‌گوید: «اسدی، کارش خیلی مشکل است، فاصله‌اش زیاد است.»^(۷)

سابقه و وضعیت تیپ مستقل ۳۳ المهدی (عج)

تیپ مستقل ۳۳ المهدی (عج) در اوایل جنگ تحمیلی تأسیس شده و در عملیات‌های گوناگون از جمله خیبر، بدر، قادر و والفجر ۸ شرکت کرده و تجارب نظامی خوبی به دست آورده است. در جلسات قرارگاه‌ها اغلب به‌عنوان یک یگان رزمی خوب روی این تیپ حساب باز می‌کردند. این تیپ در عملیات والفجر ۸ به‌همراه لشکرهای فجر و ثارالله تحت امر قرارگاه نوح (محور جنوبی) قرار گرفت.^(۸)

برخوردهای نسبتاً سنجیده و جدید و نفوذ معنوی فرمانده تیپ از عوامل مؤثر در حل و فصل امور بوده و در غیبت او به‌دلیل وجودنداشتن تشکیلات لازم و کادری کارآزموده، کارها معمولاً کند پیش می‌رفته است.

در عملیات والفجر ۸، دو مأموریت به تیپ ۳۳ المهدی (عج) واگذار شد. گزارش حاضر شرح وظایف و عملکرد یگان مذکور در این عملیات است که به‌تفکیک در دو بخش مستقل (مأموریت اصلی و مأموریت جدید) ذکر خواهد شد.^(۹)

باتوجه به اینکه یگان مدت زیادی در موقعیت‌های پدافندی قرار داشت، نیروها پس از دوره آموزش

و عرض ۵ کیلومتر، آماده مأموریت جدید باشد. اهداف خودی در این عملیات عبارت بودند از:

۱. آزادسازی نزدیک به ۳۵ کیلومتر از اراضی دشمن.
۲. پاکسازی کامل رأس البیشه تا هاورکرافت‌ها و شناورهای سنگین خودی در اسرع وقت بتوانند پهلو بگیرند و تدارکات و مهمات نیروها را پیاده کنند.
۳. ممانعت از هلی‌برن احتمالی دشمن.
۴. جلوگیری از تحرکات و تهدیدهای احتمالی دشمن.

خط یگان قبل از عملیات

همه واحدهای تیپ قبل از عملیات در کناره اروند حدفاصل بین نه‌های نشمین تا قاسمیه مستقر شده بودند. تمامی وسایل تدارکاتی و تسلیحاتی نیز از ۱۳۶۴/۱۱/۱۵ الی ۱۳۶۴/۱۱/۱۸ به دستور فرماندهی به این منطقه هدایت شد. در این محدوده کلاً ۱۰ نفر عمیق و نسبتاً طولانی وجود دارد که مسئولان یگان، دو نفر پرآب علم و حاج محمد را - که دارای ۳ متر عمق، ۱۰۰ متر عرض (در زمان مد کامل) و ۲ کیلومتر طول از جاده عرضی تا اروند هستند - برای عبور در نظر گرفتند.

عمومی در پادگان امام خمینی اهواز آموزش‌های عملی و فشرده‌ای شامل قایقرانی، شنا، غواصی، ش.م.ر، رزم شبانه و... را گذرانده بودند. همچنین یک مانور آمادگی در بهمن‌شیر انجام شد که نتیجه آن موفقیت‌آمیز بود و تأثیر مطلوبی بر اعتماد به نفس و روحیه نیروها گذاشت.^(۱۰)

ابلاغ مأموریت و خط حد

پس از ابلاغ مأموریت‌های متعدد در مناطقی مانند هور، خرمشهر و... در نهایت، از طرف قرارگاه نوح به تیپ اعلام شد که در حد فاصل بین نه‌های نشمی تا قاسمیه، در منطقه خودی مستقر شده، از انتهای رأس البیشه تا نه‌های ابن علیوی (ابوعلی) در منطقه دشمن را شناسایی کند تا پس از دستور قرارگاه خاتم در مجاورت یگان‌های دیگر وارد عمل شود.

مأموریت تیپ ۳۳ المهدی (عج) در عملیات والفجر ۸ این بود که از رأس البیشه تا نه‌های العمار (عراق) تک کرده، خود را به خور کوچک اولی برساند و سپس اقدام به پاک‌سازی و ایجاد مواضع خود کند؛ یعنی پس از آزادسازی و تثبیت اراضی دشمن به طول ۶/۵



ستون نیروهای خودی در حال عبور از کنار تاسیسات نفتی شهر فاو - منطقه عملیاتی والفجر ۸.

همچنین نخلستان‌ها - که عامل مؤثری در استتار عقبه خودی است - با طول ۴ الی ۷ کیلومتر و عمق ۶ کیلومتر در این محدوده گسترش یافته‌اند.^(۱۱)

استعداد یگان

تیپ ۳۳ المهدی (ع) در آستانه مأموریت اول خود ۴۰۰۶ نفر نیرو در اختیار داشت که نیمی از آنها در گردان‌های رزمی و نیمی دیگر در واحدهای پشتیبانی سازماندهی شده بودند. ۶۸۴ نفر از این نیروها سپاهی و ۱۲۱۰ نفر مشمول و بقیه از نیروهای بسیج بودند.

سازمان رزم تیپ در آستانه عملیات از ۵ گردان به شرح زیر تشکیل شده بود که ۴ گردان عمل‌کننده و یک گردان احتیاط بود: گردان کمیل ۲۹۴ نفر؛ گردان فجر ۲۶۰ نفر؛ گردان مالک ۱۰۰ نفر؛ گردان الفتح ۲۸۶ نفر؛ گردان ابوذر ۲۱۶ نفر.

شناسایی

کار شناسایی عملیات والفجر ۸ تقریباً از نیمه دوم آبان‌ماه توسط نیروهای اطلاعات عملیات

تیپ که در گروه‌های متعدد برای تک در محورهای گوناگون سازماندهی شده بودند، آغاز شد.

از آنجا که نیروهای واحد اطلاعات عملیات تیپ مکالمات دشمن را که غالباً بدون کد و رمز با یکدیگر تماس می‌گرفتند با بی‌سیم شنود می‌کردند، تعداد یگان‌ها و نیروهای دشمن در منطقه، نوع و میزان تجهیزات، زمان و مدت مرخصی نیروها، همچنین میزان آگاهی آنها را در شناسایی‌ها، زمان و مکان حمله یگان‌های خودی و... به دست آورده بودند؛ بنابراین، با تسلط و اعتماد بیشتری توانستند برای انهدام دشمن

مأموریت تیپ ۳۳ المهدی (ع)
در عملیات والفجر ۸ این بود
که از رأس البیشه تا نهر العماری
(عراق) تک کرده، خود را به
خور کوچک اولی برسانند و
سپس اقدام به پاک‌سازی و
ایجاد مواضع خود کند.

برنامه‌ریزی کنند.^(۱۲)

اطلاعات عملیات تیپ دو محور حلی ۱ (راست) و حلی ۲ (چپ) را برای شکستن خط و عبور نیروها در نظر گرفته بود. شناسایی‌ها اغلب به دلیل تسلط دشمن به منطقه در تاریکی شب انجام می‌شد. در شب‌های مهتابی به دلیل احتمال هوشیاری دشمن امکان شناسایی به حداقل می‌رسید. شناسایی در محدوده مشخص شده برای تیپ تابع وضعیت جوی بود و به دلیل جزرومد شدید و دائمی آب در اغلب اوقات با موفقیت همراه نبود. در همین خصوص مسئول اطلاعات عملیات می‌گوید: «باتوجه به اینکه منطقه ما با تمام مناطق اینجا فرق می‌کند، آب در منطقه ما هیچ‌گونه سکونی ندارد و همیشه یا در حال جزر است یا در حال مد ... ما حدوداً ۵۰ بار برای شناسایی رفتیم که ۳۰ موردش بدون آنکه دستمان به هدف برسد، به دریا رفتیم و یا به ساحل خودی آمديم.»^(۱۳)

بنابراین، باتوجه به عواملی مانند؛ جزرومد شدید آب که امکان موفقیت در شناسایی‌ها را به ۳۰ درصد کاهش می‌داد، وسعت رودخانه به خصوص در قسمت دهانه که ۱/۵ کیلومتر عرض داشت و همچنین وجود گل‌ولای و باتلاق‌های وسیع که حرکت نیروها را با مشکل مواجه می‌کرد، اطلاعات عملیات تیپ موفق به شناسایی در عمق نشد، ولی شناسایی مواضع و موانع دشمن تا خط مقدم به‌طور کامل انجام شد.

موانع و استحکامات دشمن

ارتش عراق براساس راهبرد پدافندی در پیش گرفته پس از عملیات بدر، مبادرت به ترمیم و تکمیل مواضع خود در غرب رودخانه اروند از مقابل جزیره ام‌الرصاص تا رأس البیشه کرد. در این منطقه مواضع دشمن جهت ممانعت از نفوذ نیروی پیاده، عبور قایق و هاورکرافت و نیز پهلوگرفتن شناورهای

طرح مانور

قرارگاه نوح فرماندهی محور جنوبی جبهه عملیات و تصرف سایت‌های موشکی ساحل به دریا و نیز تصرف منطقه رأس البیشه و تأمین جاده ساحلی ام‌القصر و ساحل خور عبدالله را برعهده داشت. از سوی دیگر، این قرارگاه مأموریت پدافند در مقابل حمله احتمالی دشمن از طریق دریا و نیز پشتیبانی عملیات با کمک شناورهای سنگین را پذیرفته بود. پس از اجرای این مأموریت، قرار بود این قرارگاه خط دفاعی خود را در اطراف محور جاده فاو - ام‌القصر تا دریاچه نمک تشکیل دهد و در برابر پاتک‌های دشمن از این سو پدافند کند.^(۱۹)

البته، حالت دیگری در طرح مانور در نظر گرفته شده بود که در صورت دست‌نیافتن به منتهی‌الیه منطقه خور عبدالله، تیپ المهدی باید با توجه به کم عرض بودن منطقه‌اش در شب اول کار را تمام می‌کرد و لشکرهای ثارالله و فجر هماهنگ با هم در شب اول به جاده آسفالت می‌رسیدند.^(۲۰)

موضوع دیگری که کل طرح

مانور قرارگاه را با مشکل اساسی مواجه کرده بود در نظر گرفتن موفق نشدن تیپ المهدی^(عج) در عبور از رودخانه، ناکامی‌اش در رسیدن به سرپل‌ها و بالا بودن تلفات نیروها بود که راه‌حل‌های زیر در بررسی این مشکلات مطرح شد:

۱. حمله به خطوط دشمن از پشت سر و از طریق خور عبدالله با استفاده از خشایار.
۲. حمله به خط از طریق منطقه ثارالله.
۳. حذف تیپ المهدی^(عج) به عنوان یگان خط‌شکن و به کارگیری آن به عنوان نیروی احتیاط قرارگاه.

سنگین طراحی شده بود.^(۱۴)

عراق علاوه بر موانع طبیعی (رودخانه، باتلاق و چولان و...)، سنگرها و موانع مصنوعی متنوع و متعددی ایجاد کرده بود. حد فاصل سنگرهای دشمن تا آب از چولان و گل‌ولای تشکیل شده و در مناطق مختلف متفاوت بود. بیشترین فاصله در منطقه تیپ المهدی^(عج) و حدود یک کیلومتر بود. دشمن علاوه بر مین‌گذاری، این فاصله را ۶ ردیف موانع خورشیدی و هشت‌پری با ترکیبی از سیم‌خاردهای حلقوی - رشته‌ای و فرشی پشت‌سرهم چیده بود تا از حرکت قایق‌ها جلوگیری کند.^(۱۵)

موانع دشمن قبل از شروع خط اول، نیروهای کمین و مین‌های منور تعبیه شده بود. پس از آن، سنگرهای انفرادی و تجمعی قرار گرفته بود که به سلاح‌های چهارلول، تک‌لول، دولول و تیربار مجهز بودند. در خطوط بعدی که بیشتر مقرهای گروهان، گردان و تیپ بود، عموماً سلاح‌های ضد هوایی به کار گرفته شده بود و از سلاح‌های تیربار فقط برای حفاظت مقر استفاده می‌شد.^(۱۶)

ارتش عراق همچنین احداث جاده‌ای بسیار پهن را از رأس البیشه به طرف شمال شروع کرده بود - که نیمه‌تمام ماند - تا بتواند در پشت این جاده مواضع مستحکمی بسازد و نقش اصلی را درخصوص اروند بازی کند. در ساحل خور عبدالله، چند ماه قبل از عملیات، دشمن خاکریز جدیدی به ارتفاع ۱/۵ الی ۲ متر احداث کرد و روی آن سنگرهای پیش‌ساخته بتونی برای تیربار، کمین و تجمع نفرات قرار داد که سنگرهای تیربار کاملاً مشرف بر دریا بودند. یک جاده سراسری نیز از نخلستان و فاو می‌گذشت و تا خور عبدالله امتداد می‌یافت. ارتش عراق تا آخر نخلستان به طرف اروند خط پدافندی داشت.^(۱۷)

عراق همچنین دیوار دفاعی جدیدی را از جزابه تا فاو احداث کرده بود که در تبلیغات خود آن را "حصون" می‌نامید.^(۱۸)

در شب‌های مهتابی به دلیل احتمال هوشیاری دشمن امکان شناسایی به حداقل می‌رسید. شناسایی در محدوده مشخص شده برای تیپ تابع وضعیت جوی بود و به دلیل جزرومد شدید و دائمی آب در اغلب اوقات با موفقیت همراه نبود.



مخازن و تانک فارم‌های تأسیسات نفتی شهر فاو- منطقه عملیاتی والفجر ۸

کرده، آماده باشند که هم‌زمان با یگان‌های دیگر پس از دستور قرارگاه، خط اول دشمن را بشکنند تا گردان‌ها بتوانند مأموریت خود را انجام دهند.

نیروهای غواص مجموعه‌ای از نیروهای رزمی گردان‌های تخریب و اطلاعات عملیات بودند که به دو گروه تقسیم می‌شدند که یکی در محور راست و دیگری در محور چپ وارد عمل می‌شد. شکستن خط و استقرار در خط اول و دوم از جمله وظایفی بود که برای غواص‌ها در نظر گرفته شده بود.^(۲۲)

علاوه بر نیروهای غواص، قرار بود ۲۰۰ نفر از نیروها (در هر محور ۱۰۰ نفر) برای کمک و پشتیبانی آنها عبور کرده، با هم به خط بزنند. بدین ترتیب، تعداد نیروهایی که در منطقه عملیاتی تیپ المهدی (عج) اقدام به شکستن خطوط مقدم دشمن می‌کردند، به یک گردان می‌رسید.

گردان کامل با استعداد ۲۹۴ نفر مأموریت داشت بعد از شکستن خط توسط غواص‌ها در محور راست، با قایق‌هایی که یگان دریایی فراهم کرده بود نیروهای خود را به غواص‌ها برساند و پس از پاک‌سازی در خط اول و دوم مستقر شود و با نیروهای لشکر ثارالله

باوجود تردیدها و ابهامات موجود در طرح مانور تیپ المهدی (عج) و اصرار فرماندهان عالی جنگ بر عمل کردن این یگان، درنهایت قرار شد تیپ المهدی (عج) از منطقه خودش وارد عمل شود و اگر با مشکل مواجه شد از منطقه ثارالله عبور کند. البته، درخصوص چگونگی، تقدم و تأخر یگان‌ها و استفاده از نهر مناسب هماهنگی انجام نشده بود.

تلاش اصلی در طرح مانور قرارگاه نوح، لشکر ثارالله بود که می‌بایست با یک تک رخنه‌ای در وسط یگان‌ها به خط می‌زد و لشکر ۱۹ فجر و تیپ المهدی (عج) تلاش‌های طرفینی بودند که با تاکتیک رخنه‌ای به چند نقطه از خط می‌زدند و در صورت موفقیت آنجا را گسترش می‌دادند. قرارگاه براساس همین طرح، مانور خود را اجرا کرد.^(۲۱)

درمجموع، نیروهایی که تیپ ۳۳ المهدی (عج) برای این عملیات در نظر گرفته بود، شامل ۵ گردان می‌شد که هر گردان ۴۰ نیروی غواص داشت. قرار بود غواص‌ها در هریک از دو محور با علامت‌هایی خبر عبور خود را به اطلاع فرماندهان خود برسانند و سپس مقدمات سقوط خط اول دشمن را فراهم

تلاش‌های واحد مهندسی و بهداری

واحد مهندسی در این عملیات وظیفه داشت پس از خط اول و دوم، ۳ خاکریز در جناح راست و جناح چپ و بین دو جناح به طول دو کیلومتر ایجاد کند. آماده‌کردن سطوح‌ها، انتقال ۱۲ اسکله سیار به ساحل دشمن، تهیه ورتورگ برای کشیدن شناورها، تشکیل یک گروه ویژه برای راه‌اندازی وسایل مهندسی که به غنیمت گرفته می‌شدند و مسئولیت کل ترابری یگان از دیگر وظایف این واحد بود.

به‌طور کلی مهندسی تیپ از یک‌سو وضعیت خوبی نداشت (از نظر وسایل) و از سوی دیگر، زمانی عقبه‌سازی را شروع کرده بود که همه واحدها نیاز به اقدامات مهندسی داشتند. به همین دلیل، با وجود همکاری فعال جهاد مازندران که به یگان مأمور شده بود، تقریباً هم‌زمان با آغاز عملیات کارهای اساسی مهندسی اعم از: راه و اسکله‌سازی، آماده‌سازی مواضع تانک، پدهای اورژانس، خمپاره و قبضه‌های ادوات، سوله و سنگرسازی و... به پایان رسید.^(۲۵)

واحد بهداری یگان که معروف به گردان رزمی تیپ بود، متشکل از ۴ گروهان بود:

۱. گروهان پدافندی ش.م.ر. که رساندن کمک‌های اولیه به مصدومان، پاک‌سازی مناطق آلوده و امور مربوط به مسمومیت‌های شیمیایی را برعهده داشت.
۲. گروهان پشتیبانی و امداد که تخلیه مجروحان به پست‌های امداد پشت جبهه را برعهده داشت.
۳. گروهان بهداشت و درمان که بر امور بهداشتی منطقه، تغذیه و... نظارت داشت.
۴. گروهان امداد و درمان متشکل از پزشکیاران و بهیاران عملیاتی و عادی که تأمین نیازهای درمانی مجروحان و فوریت‌های پزشکی را برعهده داشت.

تردید درباره میزان موفقیت عملیات

درخصوص عملیات دو تحلیل کاملاً متضاد در بین مسئولان تیپ وجود داشت. فرمانده عملیات باوجود

در سمت راست الحاق کند.

گردان ابوذر با ۲۱۶ نفر مأموریت داشت جاده‌های آنتنی دشمن را - که بعد از جاده ارضی قرار داشتند به‌طرف منازعه‌ای که از دور مشخص بود، به‌علاوه محدوده باز پشت نخلستان تا کنار خور عبدالله پاک‌سازی و تثبیت کرده، سپس با نیروهای لشکر ثارالله در جناح راست و نیروهای خودی در جناح چپ الحاق کند.

گردان فجر نیز باید هم‌زمان با محور راست، پس از شکستن خط توسط غواص‌ها، نیروهای خودی را با قایق‌هایی که در اسکله نهر حاج محمد مستقر شده بودند، به ساحلی در محور چپ می‌رساند و پس از انهدام نیروها و سنگرهای دشمن منطقه را به‌طرف رأس و دهانه اروند پاک‌سازی می‌کرد.^(۲۳)

گردان الفتح با استعداد ۲۸۶ نفر مأموریت داشت پاک‌سازی محدوده رأس را کامل کند و سپس از کناره خور عبدالله به‌طرف راست حرکت کند تا به نیروهای محور راست برسد و با آنها الحاق کند.

گردان مالک که بیشتر نیروهایش پایان خدمت گرفته و ترخیص شده بودند، با استعداد نزدیک به ۱۰۰ نفر، احتیاط خط‌حد تیپ المهدی^(عج) بود که درصورت بروز مشکلاتی برای گردان‌های دیگر و کمبود نیرو از این نیروها استفاده می‌شد.

یگان دریایی نیز وظیفه داشت علاوه بر قایق‌هایی که به گردان‌ها مأمور کرده بود، حمل و نقل تدارکات و مهمات همه گردان‌ها را انجام دهد و اگر قایق‌های مانور دچار سانحه شدند نیروها را در اسرع وقت به ساحل دشمن برساند و قایق‌های دیگری را جایگزین آنها کند. ادوات هم با ۹ قبضه سلاح منحنی (۳ قبضه خمپاره ۱۲۰، ۳ قبضه موشک ۱۰۷، ۳ قبضه خمپاره ۸۱) و ۲۱ قبضه سلاح مستقیم (۷ قبضه تفنگ ۱۰۶ و تفنگ ۸۲، سه سکوی پرتاب موشک مالیوتکا، ۷ قبضه دوشکا) موظف بود در هر نقطه از خط حد یگان که نیاز بود اجرای آتش کند.^(۲۴)

مطرح شده در قرارگاه را جز از افراد مورد اعتماد باور نمی کرد، اما در عمل چنین می پنداشت که قرارگاه خاتم در اروند کنار برای فریب دشمن اقدام به کار مهندسی کرده است و قصد عملیات ندارد. چنان که فرماندهی قرارگاه نوح در این باره به محسن رضایی فرمانده قرارگاه خاتم الانبیا (ص)، می گوید: «اسدی شروع کرده و الآن سخت مشغول است. فعلاً هم در منطقه است، ما به اسدی می گفتیم [عملیات است] باور نمی کرد و می گفت طرح فریب است.»^(۲۷)

سرانجام، حدود یک ماه قبل از عملیات، فرماندهی و مسئولان تیپ اقدام به فراهم کردن امکانات و نیروها کردند و در تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۱۹ یک روز قبل از عملیات همه واحدهای این یگان آماده عملیات شدند.

آماده باش، توجیه و انتقال نیروها

به دلیل مشخص نبودن زمان دقیق حمله، در سه مرحله پیاپی از یگان ها خواسته شد آمادگی خود را به اطلاع قرارگاه برسانند. فرماندهی قرارگاه از تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۱۲ با اعلام آماده باش صد درصد، دستور داد هیچ کس حق خروج از منطقه را ندارد. در تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۱۹ نیز به نیروها دستور استراحت کامل برای عملیات ابلاغ شد.^(۲۸)

به طور کلی، به جز نیروهای عمل کننده یگان که قبل از آماده شدن منطقه آموزش های عمومی و تخصصی را گذرانده بودند، همه واحدهای یگان از یک هفته تا روز قبل از عملیات امکانات لازم را فراهم کرده، آماده نبرد شدند.

نیروها طبق دستور قرارگاه سه شب قبل از عملیات پس از توجیه توسط فرماندهی، با کامیون به عقبه تیپ (چوبیده) منتقل شدند. برای توجیه نیروهای عمل کننده از اسلاید، فیلم و ماکت استفاده شده بود، ولی در رده های مختلف فرماندهی طبق دستور قرارگاه آنها را به منطقه می آوردند که از روی دکل ها، عکس های هوایی، نقشه و کالک توجیه شوند.

اینکه هنگام توجیه نیروها به آنها روحیه می داد و تأکید می کرد که: « برای ما یقین حاصل شده است که شما هدف نهایی را که ما در نظر داریم خواهید گرفت. برادران علاوه بر اماکنی که فتح می شود، باید خاطرات تلخ حملات گذشته (خیبر و بدر) را نیز جبران کنند. این عملیات به مراتب مشکل تر از عملیات بدر است؛ لذا برادران تمام توان خودشان را بگذارند»، درباره شکسته شدن خط دشمن چنین اظهار نظر می کرد:

«به عنوان کسی که از ابتدای جنگ در رکاب این برادران رزمنده بوده و مسائل را از نزدیک مشاهده کرده، خوب برآورد می کردیم ... به حساب های مادی به یقین می رسیدیم که کسی خودش را نمی تواند به دشمن برساند و دشمن موانع را چنان رده به رده چیده، آنچنان سد کرده که آن کسی که می رود تا بخواند برساند خودش را به سنگرهای تیربار از پا درآمده، توی گل ها گیر کرده، توی چولان ها مانده و ... یا شهید است یا مجروح.»^(۲۹)

مسئول طرح و عملیات و دیگر مسئولان نیز با تعبیر

مشابهی که به کار می بردند، وضعیت منطقه را مناسب ایستادن و در نتیجه اجرای عملیات نمی دانستند. در این میان، قنبری مسئول ادوات تیپ، از جمله مسئولان خوش بین به موفقیت در عملیات بود و می گفت: «... در این قسمت احتمال دارد که دشمن توانایی خودش را تقویت کند و توانایی پیدا کند ما را عقب بزند، مشروط بر اینکه ما خلوص در کار و اعتقاد به خداوند و نصرت خداوند داشته باشیم.»

فرماندهی در برخورد با نیروها همواره به آنها وعده پیروزی قطعی و موفقیت می داد و موضوعات

تلاش اصلی در طرح مانور قرارگاه نوح، لشکر ثارالله بود که می بایست با یک تک رخنه ای در وسط یگان ها به خط می زد و لشکر ۱۹ فجر و تیپ المهدی (عج) تلاش های طرفینی بودند که با تاکتیک رخنه ای به چند نقطه از خط می زدند و در صورت موفقیت آن را گسترش می دادند.

موجب اختلال در عبور غواص‌ها، نیروها و امکانات می‌شد. در شب اول عملیات فقط یک نفر از غواص‌ها توانست به‌موقع (بعد از ۲ ساعت) خود را به ساحل دشمن برساند و بقیه یا برگشتند یا ساعت‌ها گرفتار جریان‌های متفاوت آب بودند تا سرانجام نیروهای محور چپ در قسمت‌های پایانی رأس‌البیشه در دهانه و نیروهای محور راست در محدوده لشکر ثارالله به ساحل رسیدند و فرماندهی تا روز بعد از سرنوشت آنها بی‌اطلاع بود.^(۳۱)

غواص‌های تیپ ۳۳ المهدی^(عج)

تحلیل فرماندهی این بود که دشمن از ضعف‌های عملیات خیبر و بدر دچار غرور شده است و یقین دارد که ما نمی‌توانیم از اروند عبور کنیم و به‌دلیل آنکه در جزابه از ما اسیر گرفته است، به‌توجه به شلوغی‌های هور، به‌رغم مشاهده تحرکات شبانه‌روزی ما واکنشی نشان نمی‌دهد.

به‌طور هم‌زمان از دو نهر ابتر (محور چپ) و نشمی (محور راست) به‌سوی ساحل دشمن حرکت کردند. پس از گذشت یک ساعت و نیم درحالی‌که همه غواص‌های یگان‌های مجاور به خط دشمن رسیده بودند، فرمانده محور چپ* در تماسی اعلام کرد: «غواص‌ها در گرداب‌های ناشی از جزرومد شدید آب گرفتار شده‌اند، امواج آب طناب را از دست آنها گرفته و به پای آنها پیچیده و با سرعت زیاد به‌سمت دریا برده

می‌شوند.» پس از لحظاتی، فرمانده محور راست** نیز طی تماسی گفت: «غواص‌ها در اثر جزرومد شدید آب از خط حد یگان خارج شده و به‌طرف شمال اروند در حرکت‌اند.» در ساعت ۲۱:۵۰ درحالی‌که فقط چند ساعت به آغاز عملیات باقی مانده بود، تماس غواص‌ها با فرماندهان هر دو محور قطع شد

* فرمانده محور چپ تیپ ۳۳ المهدی^(عج) در این عملیات، سیدحسین اسلامی بود که در ادامه عملیات به شهادت رسید.
** فرمانده محور راست تیپ ۳۳ المهدی^(عج) در این عملیات، حاج اکبر رحمانیان بود که وی نیز در ادامه عملیات به شهادت رسید.

تحلیل فرماندهی این بود که دشمن از ضعف‌های عملیات خیبر و بدر دچار غرور شده است و یقین دارد که ما نمی‌توانیم از اروند عبور کنیم و به‌دلیل آنکه در جزابه از ما اسیر گرفته است، به‌توجه به شلوغی‌های هور، به‌رغم مشاهده تحرکات شبانه‌روزی ما واکنشی نشان نمی‌دهد. بنابراین، ما باید فرصت را مغتنم دانسته، با دقت فراوان دشمن را غافلگیر کنیم.

شرح عملیات مرحله اول عملیات

روز بیستم بهمن‌ماه برخوردها، جلسات و صحبت‌ها حالت ویژه‌ای یافته بود؛ بدین‌ترتیب که فرمانده قرارگاه نوح آخرین جلسات را با فرماندهان یگان‌ها برگزار کرد و آخرین وضعیت یگان‌ها را جویا شد و سفارش‌هایی در زمینه‌های مختلف به آنان کرد از جمله: توکل به خدا، حفظ ارتباط در تمامی لحظات، انتخاب معاونان اول و دوم و سوم در همه رده‌ها و استفاده از فرصت و تلاش برای اینکه امشب کار تمام شود. در پایان جلسه، رزمندگان یکدیگر را در آغوش گرفتند و برای هم آرزوی موفقیت و توفیق شهادت و شفاعت کردند. البته، آنان دلهره و نگرانی هم داشتند؛ مبدا این عملیات هم به سرنوشت بدر و خیبر دچار شود!^(۲۹)

براساس مرحله‌بندی طرح‌ریزی‌شده، در این مرحله، نیروها می‌بایست ضمن عبور از رودخانه و شکستن خط اول دشمن به پاک‌سازی سربل به‌دست‌آمده از عراقی‌ها با کمک نیروهای ویژه غواص می‌پرداختند.^(۳۰) در شب عملیات، قرارگاه ساعت معینی را برای عبور یگان‌های عمل‌کننده در نظر گرفته بود (ساعت ۱۰:۰۰ شب)، ولی این ساعت برای تیپ ۳۳ المهدی^(عج) که در دهانه عمل می‌کرد اصلاً مناسب نبود، زیرا ابتدای مد بود و آب دهانه در لحظات آغازین مد در حالت‌های متفاوت به جهت‌های مختلف حرکت می‌کند؛ شدت جریان آب زیاد است و معمولاً طوفان‌ها به دهانه منتقل می‌شود. در مجموع، این عوامل و موانع

تیپ المهدی (عج) وارد عمل شده بود، متحمل تلفات زیادی شد. نیروهای باقیمانده هم انسجام خود را از دست دادند؛ گروهی به طرف لشکر ثارالله رفتند در مخمصه افتادند، بقیه نیز در وسط، زمین گیر شدند. از آنجا که دشمن استحکامات و مقرهای زیادی داشت، پاکسازی تا صبح فردا ادامه یافت.

در محور تیپ المهدی (عج) بعد از پاکسازی خط اول، حادثه‌ای پیش‌بینی‌نشده رخ داد. گروهی از رزمندگان غواص این تیپ که به دلیل شرایط نامساعد دهانه داخل اروند از محوری دیگر عبور کرده و خط را شکسته بودند، هدف تیربار کماندوهای دشمن که در بالای کشتی به گل‌نشسته‌ای کار گذاشته شده بود و به منطقه احاطه داشت، قرار گرفتند و پیشروی‌شان سد شد و این امر به یک موضوع حاد در منطقه قرارگاه نوح تبدیل گردید. (۳۳) البته، یک تیربار دیگر هم روبه‌روی نهر معاتج قرار داشت که برای تیپ ۳۳ المهدی (عج) مزاحمت ایجاد کرد. این مشکل تا فردای عملیات حل نشد، تا اینکه برادر علایی (فرمانده قرارگاه نوح) از قرارگاه خاتم برای خاموش کردن آن درخواست بالگرد کرد. علت بروز این مشکل این بود که اسدی فرمانده تیپ، اعتقاد چندانی به نقش تانک نداشت؛ بنابراین بیشتر وقت و توان یگان صرف احداث جاده شده بود و فرصت نیافته بود که مواضع تانک‌هایش را تکمیل کند.

سرانجام، با استفاده از محور چپ که تا کناره خور عبدالله پاکسازی شده بود، استحکامات دشمن درهم شکست و الحاق نهایی با لشکر ثارالله نیز که در جناح راست عمل می‌کرد، انجام شد.

عامل دیگر در تأخیر پاکسازی، نخلستان‌های انبوه منطقه بود که تا یک هفته بعد از تسلط نیروهای خودی نیز هر روز از نخلستان اسیر بیرون می‌آمد و شاید تنها عامل مؤثر بعد از الطاف خداوند و تلاش نیروها، اقدام عراق در بمباران شیمیایی منطقه بود که موجب شد نیروهای عراقی، گروه‌گروه از نخلستان‌ها

و از محور چپ، یکی از غواص‌ها خودش را به فرماندهی رساند و خبر داد که بچه‌ها گفته‌اند فعلاً به امید ما نباشید و برای عملیات چاره‌ای بیندیشید.

با پیام غواص‌ها، نیروهای حاضر در سنگر فرماندهی مهوت و مأیوس شده و از اتخاذ تصمیم عاجز مانده بودند. پس از ۴۰ دقیقه، فرماندهی دو دسته زبده از نیروهای تخریب و رزمی را برای شکستن خط در نظر گرفت. این نیروها به‌وسیله چند فروند قایق به ساحل دشمن منتقل شدند تا پس از عبور از سنگرهای کمین و موانع مأموریت خود را انجام دهند. (۳۴)

شکستن خط، پاک‌سازی و الحاق با یگان مجاور

درحالی‌که هنوز مشکل تیپ المهدی (عج) حل نشده بود، یکی از محورها را آب برده و از محور دیگر هنوز خبری نبود و قرارگاه کربلا مرتب اعلام آمادگی می‌کرد. در ساعت ۲۲:۱۵، فرمانده قرارگاه دستور حمله و شروع عملیات را به یگان‌ها بدین‌ترتیب صادر کرد: «بسم الله الرحمن الرحیم، لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم، قاتلوهم یعذبهم الله بالهیم، یا فاطمه الزهرا»

درپی صدور فرمان حمله، حال‌وهوایی خاص و توصیف‌نشده بر سنگرها حاکم شد؛ صدای گریه، نماز، دعای توسل و قرآن از سنگرها به گوش می‌رسید.

سرانجام، انتقال نیروهای تیپ المهدی (عج) در ساعت ۲۲:۲۰ به پایان رسید و دشمن در موج اول نتوانست قایق‌ها را منهدم کند و درنهایت، رزمندگان موفق شدند در ساعت ۲۲:۵۵ در محور چپ و در ساعت ۲۳:۰۷ در محور راست با دشمن درگیر شوند. بعد از مشکلاتی که برای غواص‌ها پیش آمد و خط با تلاش نیروهای رزمی گردان‌ها شکسته شد، برنامه اولیه تقریباً به‌هم ریخت و به‌کارگیری نیروها با کمیت و کیفیت قبلی دیگر ممکن نبود. لذا گردان کمیل که در محور راست منطقه عملیاتی

بیرون بیایند و تقسیم شوند.

لشکر ۴۱ ثارالله بعد از پاکسازی و رسیدن به همه اهداف، باتوجه به نیاز کل منطقه به وسایل سنگین مهندسی که باید از منطقه تیپ المهدی^(عج) - که هنوز پاکسازی نشده بود - به سایر نقاط می رسید، به کمک تیپ المهدی^(عج) در طرف چپ آمد و در ساعت ۱۱:۰۰ روز ۱۳۶۴/۱۱/۲۱، جلسه ای بین یگان های ثارالله و المهدی^(عج) با حضور آستانه (معاون طرح و عملیات قرارگاه نوح) برگزار شد تا هماهنگی لازم برای اتمام کار در منطقه تیپ المهدی^(عج) (رأس البیشه) و الحاق یگان ها انجام شود.^(۳۴)

بنابراین، لشکر ۴۱ ثارالله با کمک تیپ ۳۳ المهدی^(عج) تا قبل از ظهر ۱۳۶۴/۱۱/۲۱ موفق به پاکسازی محور چپ عملیات - منطقه رأس البیشه تا شهر فاو - شدند و دو گروهان از نیروهای دشمن که از موفقیت نیروهای خودی در عبور از اروند متحیر شده بودند و توان و روحیه جنگیدن با نیروهای خودی را نداشتند، برای نجات جان خود قصد فرار از کناره خور عبدالله را داشتند که به اسارت نیروهای لشکر ثارالله درآمدند و در نتیجه وسایل زیادی از آنان به غنیمت گرفته شد،

اما مقاومت تیربار دشمن همچنان ادامه داشت.^(۳۵)

موضوع مقاومت تیربار دهانه اروند، تا ظهر روز ۱۳۶۴/۱۱/۲۲ در منطقه تیپ المهدی^(عج) همچنان حل نشده باقی مانده بود که ساعت ۱۱:۴۶ این روز، فرمانده تیپ اعلام کرد پاکسازی کامل منطقه به پایان رسیده است. مشکل تیپ مانند اکثر یگان های دیگر جاده وسط نخل ها بود که مقرر فرماندهی گردان و تیپ ارتش عراق در آنجا استقرار داشت و پاکسازی آن دو روز طول کشید. در روز سوم عملیات، همه یگان ها در کنار خور عبدالله مستقر شدند.

در مجموع، در این مرحله از عملیات، منطقه رأس البیشه عراق که از طرف شمال به اروندرود، از جنوب به خور عبدالله، از شرق به خلیج فارس و از غرب به نهر العماری محدود شده است، با مساحت تقریبی ۳۵ کیلومتر مربع آزاد شد. در حین عملیات، در مجموع ۱۰۹ نفر از نیروهای یگان شهید و حدود ۲۰۰ نفر مجروح شدند که ضربه ای اساسی برای یگان محسوب نمی شد. اما هنگامی که تیپ المهدی^(عج) پدافند منطقه را عهده دار بود، بر اثر بمباران های پی در پی شیمیایی و... بیش از هزار نفر از نیروها مجروح و برای



سنگر فرماندهی قرارگاه نوح در جریان عملیات والفجر ۸ برادران حسین علایی فرمانده قرارگاه، فدوی مسئول اطلاعات، عساکره مسئول ادوات قرارگاه خاتم الانبیا و آقای الیاس حضرتی راوی مرکز در سمت چپ تصویر و تعدادی از برادران حضور دارند.

درخصوص ادامه تک در محور جاده ام‌القصر و ضلع غربی کارخانه نمک واگذار کرد. بنابراین، محور جدیدی که برای اجرای عملیات به لشکرها ۲۷ حضرت رسول (ص)، ۱۷ علی بن ابیطالب (ع) و تیپ ۳۳ المهدی (عج) (به‌عنوان سازمان رزم جدید قرارگاه) پیشنهاد شد، ضلع غربی کارخانه نمک بود. در این منطقه وضعیت زمین ایجاب می‌کرد که نیروها فقط روی جاده عمل کنند، زیرا خارج از جاده در سمت شرق، دریاچه نمک قرار داشت و غرب جاده نیز به‌دلیل باتلاقی بودن قابل عبور نبود.

در جلسه‌ای که در تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۲۶ با حضور فرماندهان قرارگاه نوح برگزار شد، مأموریت لشکر حضرت رسول (ص) و تیپ ۳۳ المهدی (عج) مشخص گردید و باوجود اینکه در همان روز ۷۰۰ نفر از نیروهای تیپ ۳۳ المهدی (عج) شهید شده بودند و توانش تحلیل رفته بود، طرح قرارگاه را برای عملیات روز بعد پذیرفت. در این طرح مقرر شده بود که نیروهای تیپ المهدی از ابتدای جاده‌ای که در ضلع غربی دریاچه نمک امتداد یافته بود تا زاویه شمال‌غربی آن نقطه حرکت و در این قسمت پیشروی کنند و در ادامه با ایجاد شکاف خود را به کانال برسانند؛^(۳۸) یعنی قسمتی از کانال آب را هم که در امتداد جاده بود پاک‌سازی کنند و در آخرین جاده دریاچه نیز ۳ کیلومتر از غرب به‌طرف شرق پیشروی کرده، جاده را منفجر کنند و تا صبح روز بعد مواضع خود را در این قسمت تثبیت کنند. نیروهای لشکر حضرت رسول (ص) هم بایستی جاده آسفالت‌ه را تا ۳ کیلومتر بعد از پل پاک‌سازی کنند و قبل از کانال، انهدام دشمن را در طرف راست ادامه دهند تا با نیروهای المهدی (عج) الحاق کنند.^(۳۹)

نیروهای یگان در عصر ۱۳۶۴/۱۱/۲۷ به سهراهی کارخانه نمک منتقل و منتظر دستور برای آغاز عملیات شدند. لشکر حضرت رسول (ص) نیز در دو کیلومتری سهراهی کارخانه نمک روی جاده آسفالت‌ه مستقر شده بود.

مداوا به پشت جبهه منتقل شدند. از نیروهای باقیمانده، ۲ گردان ناقص (گردان کمیل با استعداد ۱۵۰ و گردان فجر با استعداد ۱۷۰ نیرو) برای اجرای مأموریت جدید به جاده فاو - ام‌القصر انتقال یافتند و بقیه نیز برای حفظ اراضی آزادشده و پدافند در رأس البیشه باقی ماندند تا ارتش برسد و در منطقه مستقر شود. فقط یک گردان ناقص ۹۰ نفره به‌عنوان احتیاط در منطقه باقی ماند که در ادامه مأموریت جدید بنابر ضرورتی که پیش آمد به کار گرفته شد.^(۳۶)

طبق دستور رحیم صفوی جانشین نیروی زمینی سپاه پاسداران، خط پدافندی تیپ المهدی (عج) به لشکر ۳۰ گرگان (ارتش) تحویل شد. اسدی در این باره می‌گوید: «قبل از اینکه قرارگاه نوح در جریان باشد، قرارگاه خاتم این (تحویل خط به ارتش) را به ما ابلاغ کرده. وقتی من به قرارگاه نوح گفتم که به من چنین ابلاغی شده، گفتند ما در جریان نیستیم، منتها چون خود برادر رحیم رأساً سفارش کرده بودند و ایشان

(فرمانده لشکر ۳۰ گرگان) را معرفی کرده بودند، ما هم بلافاصله آنجا را تحویل دادیم و تقریباً تا چند روز اول ترابری کامل آنها به‌عهده یگان دریایی ما بود و قریب چند هزار نیرو برای آنها ترابری کردیم.»^(۳۷)

مرحله دوم عملیات مأموریت جدید یگان

بعد از پایان یافتن مأموریت قرارگاه نوح در قسمت جنوبی رأس البیشه، قرارگاه خاتم مأموریت جدیدی

در شب اول عملیات تیپ، فقط یک نفر از خواص‌ها توانست به‌موقع (بعد از ۲ ساعت) خود را به ساحل دشمن برساند و بقیه یا برگشتند یا ساعت‌ها گرفتار جریان‌های متفاوت آب بودند.

صبح بود که قرارگاه دستور داد باقیمانده نیروهای که جلو رفته بودند و از سمت راست تأمین نداشتند، برگردند. ... نیروها را چون در محاصره دشمن بودند نتوانستیم برگردانیم.»

موضوع مهمی که قبل از عملیات کاملاً مشهود بود، اینکه به همان اندازه که فرماندهی تیپ المهدی (عج) برای ادامه عملیات - باوجود آمادگی نداشتن و تأخیر در اعزام نیروهایش به منطقه - اعتقاد و شوق داشت، فرمانده لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) دچار تردید بود (یا اصلاً اعتقاد نداشت) و تردیدش

را ابراز می کرد، ولی درنهایت با اصرار فرماندهی قرارگاه نوح مجبور شد در عملیات شرکت کند.

این عامل و وجود عوارض بسیاری که در مسیر این لشکر بود، سبب شد تا این یگان باوجود تلفات فراوانی که به دشمن تحمیل کرد، نتواند به پل برسد و درنتیجه الحاق بین دو یگان تا صبح محقق نشد و قرار شد تیپ المهدی (عج) نیز در زاویه شمالی کارخانه پدافند کند. البته، تیپ المهدی (عج) نیز

برخلاف طرح مانور به جای اینکه در ضلع شمالی کارخانه پیشروی کند، از پیچ کانال عبور کرد و خود را به پل و ابتدای جاده فاو - ام القصر رساند. بر اثر آتش شدید توپخانه عراق، یک گروهان از نیروهای تیپ المهدی (عج) که خودشان را به پل رسانده بودند، به دلیل منفجر شدن مهماتی که برای انفجار پل برده بودند، در محاصره ماندند و درنهایت شهید یا اسیر شدند. بدین ترتیب باوجود تلفات و ضرباتی که در این محور به ارتش عراق وارد شد، اهداف موردنظر قرارگاه تأمین نشد.^(۴۱)

ناوتیپ امیرالمؤمنین (ع) از تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۲۷ به تیپ المهدی (عج) مأمور شد تا پدافند منطقه ضلع غربی دریاچه نمک را برعهده بگیرد. خلیل مطهرنیا درباره شناسایی های انجام شده و توجیه نیروها در منطقه جدید می گوید: «زمان بسیار کم بود؛ حدود ۵ الی ۶ ساعت بیشتر وقت نداشتیم برای توجیه و شناسایی منطقه. ما برادران مسئول دو گردان را بردیم و در منطقه توجیه کردیم و آماده شدیم همان شب عملیاتمان را شروع بکنیم.»^(۴۰)

شب و روز اول (۱۳۶۴/۱۱/۲۷)

در آغاز نخستین شب مرحله دوم عملیات، تعدادی از نیروهای زنده تیپ به همراه گروهی دیگر بر اثر اصابت خمپاره دشمن به خودروشان به شهادت رسیدند. فرمانده عملیات منطقه جدید (حاج اکبر رحمانیان معاون اول طرح و عملیات) و معاون دوم طرح و عملیات (سیدحسین اسلامی) ازجمله شهدا بودند. پس از شهادت نیروها، مسئول طرح و عملیات بی درنگ برای هدایت عملیات عازم محل استقرار نیروها شد.

خلیل مطهرنیا شب اول عملیات را این گونه شرح می دهد: «با هماهنگی ای که با لشکر حضرت رسول (ص) شد، عملیات را شروع کردیم. در محوری که به ما واگذار شده بود، در ضلع سمت چپ [و ضلع غربی دریاچه نمک] به طرف کانال، عملیات را شروع کردند و به سرعت توانستند خودشان را به اهدافی که تعیین کرده بودیم برسانند و حتی برای کمک به لشکر حضرت رسول (ص)، نیرویی از همان گردان جلویی مان را به طرف مقر فرماندهی نیروهای عراقی در پشت پل روی کانال آبی که از خور عبدالله به دریاچه نمک می ریزد فرستادیم. نیروها تا آنجا رفتند و هرچه منتظر بودند... نیرویی از سمت چپ (که حد لشکر حضرت رسول بود) به آنها نرسید و الحاق صورت نگرفت. نزدیکی های

در محور تیپ المهدی (عج) بعد از پاک سازی خط اول، گروهی از رزمندگان غواص تیپ که خط را شکسته بودند، هدف تیربار کماندوهای دشمن که در بالای کشتی به گل نشسته کار گذاشته شده بود و به منطقه احاطه داشت، قرار گرفتند.



لشکر ۳۳ المهدی در حال انتقال رزمندگان در یکی از جاده‌های فاو به سمت خط مقدم - ۱۳۶۴/۱۱/۲۲.

عملیات گرفتند. به همین منظور نیروهای تیپ المهدی (عج) خودشان را به پیچ کانال رساندند، ولی به دلیل ضعف آشکار در سطوح فرماندهی و کادر تیپ امام حسن (ع)، این یگان حاضر به پیشروی نشد و با به جا گذاشتن تعدادی شهید و مجروح، به خط پدافندی شب قبل (جاده منهای ضلع شمالی دریاچه نمک) عقب‌نشینی کرد. (۴۳) اسدی فرمانده تیپ المهدی (عج)، در گفت‌وگو با علایی فرمانده قرارگاه نوح، مشکل هماهنگ نبودن نیروهای این یگان را به عنوان مشکل اصلی مطرح کرده است.

خلیل مطهرنیا عملیات تیپ را در شب دوم چنین تشریح می‌کند: «به خاطر کمبود نیرویی که مسئولین لشکر اعلام کردند، از تیپ امام حسن (ع) باز نیرو آمد آنجا وارد عمل شود. در آن منطقه با وجود نیروهای تیپ امام حسن (ع) باز تعدد فرماندهی به وجود آمد. نیروی جدید اصلاً به منطقه توجیه نبودند و عده‌ای از این نیروها تا قبل از اینکه نیروی اولشان از مقابل نیروی ما عبور بکنند در حال عقب‌نشینی بودند، کنترل فرماندهی آنها بسیار ضعیف بود. ... حتی در شب دوم مجدداً ما نیرویی فرستادیم، رفتند هدفی را که قرار بود بگیرند گرفتند با تعدادی مجروح و شهید، اما به خاطر

شب و روز دوم (۱۳۶۴/۱۱/۲۸)

در شب دوم، بار دیگر در نشستی با حضور فرماندهی قرارگاه نوح و فرماندهان لشکرهای ۲۷ حضرت رسول (ص)، تیپ ۳۳ المهدی (عج) و تیپ امام حسن (ع) مقرر شد که تیپ المهدی (عج) در ادامه ضلع غربی مانند شب قبل (پاک‌سازی جاده سمت راست تا ۵ کیلومتر و سپس انفجار آن و پاک‌سازی ضلع غربی تا کانال اصلی) عمل کند. به دلیل اینکه دو گردان از نیروهای لشکر حضرت رسول (ص) در بهمن شیر بودند و آمادگی اجرای عملیات را نداشتند، این یگان کار تثبیت خطوط پدافندی منطقه را برای روز بعد به عهده گرفت. همچنین مقرر شد تیپ امام حسن (ع) با دو گروهان نیرو در جاده فاو - ام‌القصر وارد عمل شود و دو گروهان را نیز از محور المهدی وارد کند تا پس از پاک‌سازی محور جنوبی کانال از سمت راست وارد جاده آسفالت‌شده، سرپلی را تصرف کنند و پس از انهدام دشمن، گروهان‌ها با هم الحاق کنند. (۴۴)

در شب دوم، مسئولان یگان با وجود اینکه یقین داشتند موفقیتی به دست نخواهد آمد تصمیم به اجرای

المهدی (عج) هم با به‌کارگیری نیروهای رزم‌ناو امیرالمؤمنین مانند شب‌های قبل، جاده آخر را تا ۴ کیلومتر پاک‌سازی و منفجر کند و تا انتهای ضلع غربی دریاچه نمک و قسمتی از کانال آب که در امتداد آن قرار داشت، به پیشروی و پاک‌سازی پردازد تا با نیروهای لشکر علی بن ابیطالب الحاق کند. لشکر حضرت رسول (ص) هم پاک‌سازی سنگرها و استحکامات بعد از کانال آب را تا ۳ کیلومتر به عهده گرفت.

در این شب، نیروهای لشکر ۳۳ المهدی (عج) و ناوتیپ امیرالمؤمنین که به این یگان مأمور شده بود، موفق شدند اهداف تعیین شده را تصرف کنند، اما به دلیل مشکلی که برای نیروهای لشکر علی بن ابیطالب (ع) پیش آمد؛ شهادت فرماندهان گردان و گروهان و معاونان آنها، سازمان نیروها از هم پاشید و قرارگاه دستور داد لشکر حضرت رسول (ص) از مأموریت اصلی خود که پاک‌سازی بعد از کانال آب بود، صرف‌نظر کند و به ادامه مأموریت لشکر علی بن ابیطالب (ع) پردازد. تلاش نیروهای این یگان به این دلیل مؤثر واقع نشد که نتوانسته بودند به پل برسند و به‌اشتباه به دکل واقع در جاده ام‌القصر رسیده و تعداد زیادی از کادرهای گردان عمل‌کننده این لشکر شهید یا مجروح و پراکنده شده بودند. دشمن که به حساسیت منطقه پی برده بود، آتش شدیدی روی نیروهای خودی اجرا کرد و به همین دلیل، آنان مجبور به عقب‌نشینی شدند و برای سومین بار، عملیات در محور فاو - ام‌القصر بی‌نتیجه ماند.^(۴۶)

در ساعت ۰۲:۰۰ بامداد ۱۳۶۴/۱۱/۲۹، قرارگاه خاتم اطلاع داد که ارتش عراق با ۳ تیپ و به‌کارگیری همه تجهیزات خود قصد پاتک از محور ام‌القصر را دارد، بنابراین، همه یگان‌ها کل قوای خود را بسیج کرده، برای مقابله آماده باشند. خلیل مطهرنیا در خصوص هوشیاری و آمادگی دشمن می‌گوید: «دشمن با ضعف‌هایی که در این عملیات از ما دید، اسیر از ما گرفت. تعدادی از شهدا

عدم الحاق، مجدداً تعدادی در منطقه اسیر دادیم که اینها به‌خاطر همین ناهماهنگی‌ها بود که در منطقه موجود بود. به نظر ما تصرف منطقه کار ساده‌ای بود و اگر یک توان صحیح و یک فرماندهی صحیح اعمال می‌شد، این پل و خط در کمترین زمان تصرف می‌شد و مشکل چندانی در رابطه با خود منطقه وجود نداشت، چون دشمن استحکامات و مواضع از پیش تعیین شده زیادی در آنجا نداشت، امکانات زرهی‌اش زیاد در آن محور نبود، به‌خاطر محدود بودن عقبه‌اش و ترس از اینکه عقب بسته شود، جرئت نمی‌کرد به اندازه کافی در منطقه نیرو وارد کند و موقعیت مناسبی بود که این الحاق صورت بگیرد. متأسفانه به‌خاطر همان مسائلی که اشاره شد، در شب دوم از موفقیتی که بچه‌های ما به دست آوردند، هیچ استفاده‌ای نشد.»^(۴۷)

وضعیت تیپ المهدی (عج) در پایان روز به این ترتیب بود که باوجود تلفاتی که در حمله شیمیایی عراق داده بود (حدود ۱۰۰۰ نفر) و تعداد قابل‌توجه اسیر، شهید و مجروح در شب‌های قبل، مسئولان یگان روحیه خوبی داشتند، اما دیگر نیرویی برایشان باقی نمانده بود. اسدی فرمانده تیپ، در این باره می‌گوید: «رفتم نیروها را جمع کردم، با خودم و محمدآقا (سمیع‌زاده راوی تیپ) شدیم ۱۲ نفر و به اندازه یک گردان می‌توانیم کار کنیم.»^(۴۸)

شب و روز سوم (۱۳۶۴/۱۱/۲۹)

باتوجه به موفق‌نبودن عملیات در روز دوم، عصر ۱۳۶۴/۱۱/۲۸، جلسه‌ای با حضور فرمانده قرارگاه نوح (حسین علایی) و فرماندهان لشکرهای ۲۷ حضرت رسول (ص) (محمد کوثری)، ۱۷ علی بن ابیطالب (ع) (غلامرضا جعفری) و تیپ ۳۳ المهدی (عج) (جعفر اسدی) برگزار و مقرر شد که لشکر علی بن ابیطالب (ع) به جای تیپ امام حسن (ع) تا آن طرف پل و پس از جنوب کانال آب به طرف راست تیپ المهدی (عج) را پاک‌سازی کند. تیپ ۳۳

را حفظ کند تا نیروی کمکی برسد، اما فرماندهی لشکر حضرت رسول (ص) آن را نمی پذیرفت. سرانجام، ارتش عراق از ساعت ۰۸:۰۰ صبح ۱۳۶۴/۱۱/۳۰ از محور فاو - ام القصر و سپس ضلع غربی دریاچه نمک که فقط ۱۲ نفر از نیروهای تیپ المهدی (عج) (در سه راهی جاده سوم عرضی) در آن مستقر شده بودند، پاتک خود را آغاز کرد. فرمانده تیپ در تماس با نیروها آنها را به استقامت تشویق می کرد، آنان نیز با همه توان مقاومت می کردند و عراقی ها هر چقدر کوشیدند که از ضلع غربی کارخانه پیشروی کنند، نتوانستند. ارتش عراق پس از آنکه از گشودن این محور کاملاً مأیوس شد، نیروها و امکانات خود را به جاده آسفalte (محور حضرت رسول (ص)) منتقل کرد. (۴۹) عراقی ها در این محور با به کارگیری همه امکانات زرهی و نیروهای خود، آتش شدیدی اجرا کردند و توانستند چند کیلومتر در محور لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) پیشروی کنند. نیروهای تیپ ۳۳ المهدی (عج) در تماسی نظر فرمانده عملیات را باتوجه به این وضعیت جویا شدند و وی نیز گفت: «شما به تکلیفتان عمل کنید، مسئله آن طور که باید بشود می شود. شما نگران این مسائل نباشید.» (۵۰)

به دلیل طولانی شدن عملیات (۳ شبانه روز) و باتوجه به اینکه نیرویی برای یگان ۳۳ المهدی (عج) باقی نمانده بود و از طرفی قرارگاه نوح به ضرورت اجرای عملیات مجدد در این منطقه اصرار داشت، یک گروهان از نیروهای ناوتیپ امیرالمؤمنین* در سومین شب عملیات به کار گرفته شدند. هنگام عقب نشینی این نیروها، ۴۰ تا ۵۰ نفر شهید، مجروح یا اسیر در منطقه باقی ماند. این موضوع به علاوه آتش شدیدی که دشمن روز بعد هنگام اجرای پاتک می ریخت، سبب شد تا این نیروها که کارایی چندانی نیز نداشتند به فرمانده یگان فشار بیاورند تا آنها را به عقب برگرداند. وی نیز بدون اطلاع قرارگاه و حتی

* فرمانده ناو تیپ امیرالمؤمنین (ع)، حسین کارگر بود.

مانند تعدادی مجروح آنجا ماندند و با اطلاعاتی که از اینها می گرفت از وضعیت ما تقریباً مطلع شده بود و علت پاتکش شاید همین بود. (۴۷)

تیپ المهدی (عج) با دو گروهانی که از ناوتیپ امیرالمؤمنین (ع) در اختیار داشت، موفق شد تا زاویه قائمه کانال، پیشروی کند، اما مشکل عمده فرماندهی تیپ المهدی (عج) در روز سوم، عقب نشینی خودسرانه نیروهای ناوتیپ امیرالمؤمنین (ع) بود، درحالی که سایر نیروها مشغول حفظ خط بودند. با مشکلاتی که در جاده ام القصر پیش آمده بود، تیپ هم مجبور شد به جای قبلی اش برگردد.

پاتک دشمن و استقامت نیروها

پاتک دشمن از ساعت ۰۸:۰۰ صبح شروع شد. پس از دستور قرارگاه و اطلاع فرماندهان یگان های مستقر در منطقه از پاتک قریب الوقوع دشمن از جاده فاو - ام القصر، هریک از یگان ها به گونه ای از مسئولیت شانه خالی می کردند. فرمانده لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص)

می گفت: «خط اصلی ما پایین کارخانه نمک است، ما برمی گردیم همان جا پدافند می کنیم.» فرماندهی تیپ المهدی (عج) نیز می گفت: «با اینکه ادواتم اینجا نیست، هیچ چیز ندارم، با همین ۱۲ نفر این محور را حفظ می کنم؛ در صورتی که شما نگذارید دشمن از محور شما پیشروی کند و از پشت نیروهای ما را هدف قرار دهد.» (۴۸)

نظر مسئولان قرارگاه این بود که لشکر حضرت رسول (ص) با به کارگیری نیروهای تیپ امام حسن (ع) خط را حفظ کند و تیپ المهدی (عج) نیز محور خودش

در حین عملیات، در مجموع ۱۰۹ نفر از نیروهای یگان شهید و حدود ۲۰۰ نفر مجروح شدند. اما هنگامی که تیپ المهدی پدافند منطقه را عهده دار بود، بر اثر بمباران های پی در پی شیمیایی و... بیش از هزار نفر از نیروها مجروح و برای مداوا به پشت جبهه منتقل شدند.

که یک فرمانده گردان و یک فرمانده گروهان در بین شهدا بودند. ۳ فرمانده گروهان نیز مفقود شدند. همچنین ۳ دستگاه تانک، ۲ فروند هواپیما، ۱۴ دستگاه خودرو، ۶ فروند قایق و چند دستگاه موتور منهدم و تعدادی سلاح سبک نیز مفقود شد.

از نیروهای دشمن هم در خطوط اول و دوم ۲۰۰ نفر و هنگام پاک‌سازی نخلستان و مقرها تعداد زیادی کشته شدند و ۶۰ نفر نیز به اسارت درآمدند که در بین اسرا یک فرمانده تیپ و چند افسر و درجه‌دار وجود داشتند.

غنائم به‌دست‌آمده در این عملیات زیاد بود، اما در بسیاری از موارد به‌دلیل وضعیتی که در هر عملیاتی طبیعی است، دسترسی به همه اقالام امکان‌پذیر نبود. از جمله اقالام غنیمتی که یگان المهدی (عج) آنها را ثبت کرده، ۴ دستگاه تانک، ۱۳ قبضه توپ ضد‌هواپی به‌همراه مهمات و وسایل یدکی، ۶ دستگاه بی‌سیم، ۱۵ دستگاه خودرو سبک و سنگین و مقدار زیادی تجهیزات مربوط، وسایل تأسیساتی و برقی، دارو و... می‌باشد.

در مجموع، از تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۲۱ الی ۱۳۶۴/۱۱/۳۰،

از نیروهای تیپ ۳۳ المهدی (عج) ۱۲۰ نفر شهید، ۱۰۰۰ نفر مجروح و ۱۱۱ نفر اسیر و مفقود شدند. از میان کل شهدا، مجروحان و مفقودشدگان و اسرا، ۴۷ نفر فرمانده گردان، گروهان و معاونان آنها بودند.^(۵۳)

در مرحله دوم، نزدیک به یک کیلومتر مربع از اراضی دشمن در ضلع غربی کارخانه نمک با تلاش نیروهای خودی آزاد شد. از قوای دشمن نیز در کل دو مأموریت، بیش از ۱۰۰۰ نفر کشته، ۹۴ نفر اسیر و تعدادی نزدیک به ۳ گردان مجروح شدند.

فرمانده تیپ المهدی (عج) اقدام به تخلیه نیروها کرد و زمانی که از وی سؤال شد که آیا قرارگاه از تخلیه نیروها مطلع است یا فرماندهی قرارگاه خود آن را به شما ابلاغ کرده است؟ گفت: تاکنون از طرف قرارگاه به ما ابلاغ نشده، ولی چون بسیجی‌ها مأموریت‌شان پایان یافته بود و همکاری نمی‌کردند آنها را به عقب منتقل کردیم. در پایان مأموریت دوم، تعداد بسیار کمی از نیروهای یگان که باقی مانده و ۸ شبانه روز متوالی جنگیده بودند، برای بازسازی به اهواز منتقل شدند، ولی فرمانده یگان با توجه به حساسیت منطقه و ادامه فشاری که از طرف دشمن وجود داشت، به درخواست قرارگاه در منطقه باقی ماند.^(۵۱)

در پی فشار وارد شده از پاتک دشمن و آتش شدید توپخانه عراق در محور جاده ام‌القصر، لشکر ۲۷ تلفات زیادی را متحمل می‌شود. در این وضعیت، قرارگاه خاتم با حضور فرماندهان یگان‌ها به سرعت تشکیل جلسه داده، مرتضی قربانی را به‌عنوان فرمانده ارشد عملیات سهراهی کارخانه نمک معرفی می‌کند. با این اقدام، آرامش و تمرکز به نیروهای خودی باز می‌گردد و بارش باران سبب وحشت دشمن شده، شروع به عقب‌نشینی می‌کند.^(۵۲)

در پی این جلسه، تیپ انصارالحسین (ع) خط را از لشکر ۲۷ حضرت رسول تحویل گرفت تا با پشتیبانی ادوات حضرت رسول (ص)، ۲۵ کربلا و ۳۱ عاشورا بتواند خود را به خط قبلی (۱/۵ کیلومتری کانال) برساند. عراق نیز چند بار در ۱۳۶۴/۱۲/۳، ۱۳۶۴/۱۲/۱۱ و ۱۳۶۴/۱۲/۱۷ اقدام به پاتک کرد که در هر مرحله با دادن تلفاتی مجبور به عقب‌نشینی شد و به این نتیجه رسید که فشار خود را روی دریاچه نمک که تحت امر قرارگاه نجف قرار گرفته بود، بگذارد.

آمار تلفات و ضایعات

در مرحله اول عملیات، از نیروهای تیپ ۳۳ المهدی (عج) ۱۰۹ نفر شهید و نزدیک به ۲۰۰ نفر مجروح شدند

به همان اندازه که فرماندهی تیپ المهدی (عج) برای ادامه عملیات - با وجود آمادگی نداشتن و تأخیر در اعزام نیروهایش به منطقه - اعتقاد و شوق داشت، لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) دچار تردید بود.

تیپ‌های ثارالله و المهدی (عج) در پایان جلسه خود در ۱۳۶۴/۱۱/۱۹، بر این موضوع تأکید کردند.

باوجود نفوذ شدید فرماندهی روی نیروها که در پیشبرد کارها مؤثر بود، ضعف تشکیلات و نظم سبب کندی تحرک واحدها و انجام‌نشدن کارهای اساسی می‌شد. علاوه‌براین، غیبت فرماندهی - که تصمیم‌گیرنده نهایی حتی در امور جزئی محسوب می‌شد - موجب بلاتکلیفی نیروها و بن‌بست شده بود. از طرف دیگر، شهادت مسئولان باتجربه واحدها که با جبهه و جنگ آشنا بودند، یگان‌ها را با کمبود نیروهای کارآزموده مواجه می‌کرد.

همکاری و هماهنگی واحدها به دلیل مقبولیت و نفوذ معنوی فرماندهی و ترکیبی که مسئولان از نظر اخلاقی و سیاسی داشتند، بسیار خوب بود، طوری که برخی واحدها گاه از ابراز نارسایی‌های موجود به فرماندهی خجالت می‌کشیدند.

موضوع دیگر رعایت نکردن ملاحظات حفاظتی در مکالمات بی‌سیم بود. باوجود اینکه کشف مکالمات بی‌سیم مسئولان ضربات سختی را در جنگ متوجه جمهوری اسلامی کرده بود، می‌بایست از تجارب به‌دست‌آمده بهترین استفاده ممکن می‌شد، اما کم‌توجهی و بی‌دقتی برخی واحدها و مسئولان آن ضربات دیگری را متوجه یگان‌های عمل‌کننده می‌کرد، طوری که دشمن با شنود مکالمات بی‌سیم فرماندهان پی برده بود که نیروها از کدام محور حرکت می‌کنند و قصد انفجار کدام نقطه را دارند.

نتیجه‌گیری

درنتیجه عملیات گسترده والفجر ۸ دو هدف مهم تصرف زمین راهبردی و انهدام گسترده دشمن به نفع جمهوری اسلامی ایران محقق شد. علاوه‌بر اسرا و تلفاتی که ارتش عراق در این عملیات متحمل شد و غنائمی که از عراقی‌ها به دست آمد، با پذیرش شکست ضربه روحی و روانی سختی به ارتش این

همچنین یک دستگاه لودر، یک دستگاه کمپرسی، ۳ دستگاه ایفا، ۵ دستگاه ماشین سبک، ۱۳ قبضه سلاح ضدهوایی، ۲ قبضه تفنگ ۸۲ میلی‌متری، ۳ دستگاه دوربین دید در شب و چند دستگاه مرکز تلفن دشمن به غنیمت گرفته شد و بیش از ۱۰ دستگاه تانک و نفربر نیز منهدم گردید.

ارزیابی و جمع‌بندی

مشکلات و نارسایی‌های اصلی تیپ ۳۳ المهدی (عج) در عملیات والفجر ۸ عبارت بودند از: کمبود نیروی زنده و باتجربه و مسئولیت‌پذیر، کمبود امکانات لازم برای بعضی واحدها، کمبود وسایل نقلیه به‌ویژه خودرو، کمبود مهمات بعضی اسلحه‌ها مانند ۱۰۷ و ۱۲۰ م.م، کمبود امکانات شناسایی، کمبود وسایل عبور از رودخانه.

در بعضی موارد با اتخاذ تدابیری مشکلات فوق در خود یگان حل‌شدنی بود و برخی هم با هماهنگی قرارگاه برطرف می‌شد. در مواردی مانند عبور از رودخانه نیز قرارگاه خاتم سپاه می‌بایست برنامه‌های میان‌مدتی را در پیش می‌گرفت تا به‌تدریج مشکلات حل شوند. البته، گاهی نیز ضعف‌ها و تصمیمات قرارگاه بر مشکلات می‌افزود.

یکی از موضوعات مهم و حساس در این عملیات لزوم توجه به امر حفاظت بود که طبق گفته‌های فرماندهان، کیفیت مطلوب‌تری نسبت به عملیات‌های گذشته داشت. مهم‌تر از آن اعتقاد همه نیروها به امور حفاظتی بود که رعایت آن را واجب و بی‌توجهی به آن را گناهی بزرگ و خیانت به اسلام می‌دانستند. هماهنگی تیپ با قرارگاه باتوجه‌به برخوردهای عاطفی و صبورانه فرماندهان تیپ و قرارگاه دربرابر یکدیگر، بسیار مطلوب بود، اما بی‌توجهی واحد مهندسی قرارگاه به رعایت امور حفاظتی - طبق اظهارنظرهای مسئولان - موجب هوشیارشدن دشمن و درنتیجه بمباران منطقه زادصالح قبل از عملیات شد، طوری که فرماندهان



نیروهای لشکر ۳۳ المهدی در حال انتقال آب و تجهیزات و آذوقه و مهمات به ساحل فاو جهت پشتیبانی نیروهای رزمنده - ۱۳۶۴/۱۱/۲۵.

مغرور نشدن به استعداد های نظامی، امکانات و تجربیات و...؛ رعایت موضوع حفاظت؛ استفاده از عامل فریب؛ استقرار نیرو و فعالیت مهندسی در نقاط دیگر به منظور منحرف کردن توجه دشمن از محور اصلی؛ آموزش مناسب نیروها با توجه به مأموریت های ابلاغی؛ وضعیت بد جوی و باران که سبب شد دشمن هرگز تصور نکند مورد حمله قرار می گیرد؛ غافلگیری کامل و صد درصد دشمن در رده های بالای نظامی، طوری که براساس اطلاعات شنود به نیروهای در خط مرخصی داده بودند؛ کمیت (حجم) و کیفیت آتش ادوات خودی، به گونه ای که تحرک و اقدامات حساب شده ادوات یگان توانست مشکل کمبود مهمات تانک های مأمور را جبران کند و آتش مورد نیاز نیروها را به حدی تأمین کند که نیازی به استفاده از توپخانه ارتش نباشد.

کشور وارد شد. مهم ترین نتیجه این عملیات آزادسازی شهر فاو، انهدام سکوهای پرتاب موشک، قطع امکان تردد عراق به خلیج فارس، تأمین خور موسی و تردد کشتی ها به بندر امام خمینی، تسلط بر جنوب اروند و هم مرز شدن با کویت بود.

در طول عملیات والفجر ۸، بسیاری از نیروهای تیپ ۳۳ المهدی (عج)، اعم از کادر، وظیفه و بسیجی در حملات زمینی و به ویژه شیمیایی و پاتک های دشمن آسیب دیدند، طوری که در ادامه عملیات، بنابر ضرورت، نیروهای ناوتیپ امیرالمؤمنین (ع) تحت امر این یگان قرار گرفتند.

عوامل موفقیت نیروهای خودی از نظر فرمانده تیپ ۳۳ المهدی (عج) و خلیل مطهرنیا مسئول طرح و عملیات یگان، عبارت بود از: توجه به خداوند و

گزارش نبرد تیپ مستقل ۳۳ المهدی (عج)
در عملیات والفجر ۸



گزارش نبرد لشکر ۴۴ قمر بنی هاشم^(س) در عملیات والفجر ۸

راوی: سید محمد فاطمی*
تهیه و تنظیم: حجت الله کریمی**

چکیده		

تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم^(س) براساس مأموریتی که در اوایل دی ماه ۱۳۶۴ به این یگان ابلاغ شد، با ۶ گردان و با هدف تأمین و حفظ جناح راست عملیات، در عملیات والفجر ۸ شرکت کرد. این یگان یکی از موفق ترین یگان ها در محور عملیاتی البحرار بود و موفق شد در شب اول عملیات با ۳ گردان، صد درصد اهداف را تصرف کند. در ادامه عملیات نیز نیروهای این یگان با مقاومت در برابر پاتک های دشمن به مدت ۲۱ روز، از پیشروی نیروهای ارتش عراق جلوگیری کردند تا اینکه خط پدافندی تثبیت شد. مقاله پیش رو، عملکرد تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم^(س) را در عملیات والفجر ۸ از زمان ورود به منطقه عملیات و شروع اقدامات شناسایی، مهندسی و... تا تثبیت خط پدافندی در خط حد محول شده به این یگان بررسی می کند.

واژه های کلیدی: عملیات والفجر ۸، تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم^(س)، جاده استراتژیک، لشکر گارد ریاست جمهوری عراق.

مقدمه

فشار بودند، بتوانند با موضعی برتر در مذاکرات صلح شرکت کنند. در چنین فضایی، عملیات بزرگ والفجر ۸ پس از طی مراحل پیچیده و طولانی و مباحث فراوان نظامی و سیاسی طراحی شد.

این عملیات در تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۲۰ با هدف تصرف فاو و تهدید بصره از جنوب آغاز شد و تا ۱۳۶۵/۲/۹ ادامه یافت. در عملیات والفجر ۸، قوای خودی به استعداد ۱۴۰ گردان پیاده و ۱۶ گردان توپخانه وارد کارزار شدند. دشمن نیز ۱۲۶

پس از اجرای عملیات های بدر و خیبر، در صحنه نظامی، ایران ابتکار عمل را به دست گرفت، اما موفقیت این عملیات ها به اندازه ای نبود که در میدان سیاست نیز ابتکار عمل را در اختیار مسئولان سیاسی کشور قرار دهد. بنابراین، می بایست یک عملیات بزرگ طراحی و اجرا می شد تا تصمیم گیران سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که به شدت از سوی مجامع بین المللی برای پذیرش صلحی غیر شرافتمندانه تحت

* راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ در تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم^(ع) در عملیات والفجر ۸

** کارشناس و پژوهشگر مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

سال دوازدهم □ شماره چهل و هشتم □ بهار ۱۳۹۳

۳۱ عاشورا برای تحقق طرح مانور می‌بایست وارد عمل می‌شدند. در مرحله چهارم نیز همه یگان‌های اشاره‌شده حضور داشتند.^(۳)

تیپ مستقل ۴۴ قمر بنی هاشم^(ع) جزء یگان‌هایی بود که می‌بایست در مرحله اول عملیات حضور می‌یافت. این یگان مأموریت داشت ضمن عبور از منطقه لشکر ۵ نصر، حد فاصل رودخانه اروند و جاده آسفالت فاو - البحار را در جناح راست منطقه عملیات پوشش دهد. پاک‌سازی دشمن در امتداد رودخانه اروند به طرف شمال، حدفاصل اروندرود و جاده فاو - البحار از وسط نخلستان و پدافند این فاصله در امتداد و روبه‌روی نهر خرم مأموریت این یگان در مراحل بعدی بود. گزارش عملکرد این یگان که یکی از موفق‌ترین یگان‌های شرکت‌کننده در عملیات والفجر ۸ بوده موضوع این نوشتار است. این مقاله براساس گزارش عملیات سید محمد فاطمی راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ در تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم^(ع) در عملیات والفجر ۸ تهیه و تدوین شده است.

پیشینه تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم^(ع)

نیروهای تیپ قمر بنی هاشم^(ع) عمدتاً از شهرهای زرین شهر، قمشه و سمیرم در استان اصفهان و بروجن، شهرکرد و لرستان در استان چهارمحال و بختیاری تأمین و پشتیبانی می‌شدند. در این تیپ به غیر از فرمانده تیپ و چند نفر از اطرافیان وی که از اهالی شهر اصفهان بودند، بقیه از پایگاه‌های شهرهای مورد اشاره اعزام شده و با لهجه‌های مختلف صحبت می‌کردند.

قبل از عملیات، نیروهای این یگان در اردوگاه‌های چهارده معصوم، سرشوق و شهید باغبان مستقر بودند و آموزش‌های لازم (عقیدتی و نظامی) را فرا می‌گرفتند. در این اردوگاه‌ها، دانش آموزان - که بیشترین تعداد نیروهای بسیجی یگان را تشکیل می‌دادند - علاوه بر آموزش‌های فوق در کلاس‌های درس نیز شرکت می‌کردند.^(۴)

منطقه عملیاتی تیپ ۴۴

منطقه عملیاتی تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم^(ع) در ۱۱ کیلومتری

گردان پیاده، ۳۳ گردان زرهی، ۳۳ گردان مکانیزه، ۲۹ گردان کماندو و ۲۰ گردان گارد ریاست جمهوری را به کار گرفت. در نتیجه این عملیات، بیش از ۵۰۰۰۰ عراقی کشته یا زخمی شدند و حدود ۲۱۰۵ نفر از آنها به اسارت نیروهای خودی درآمدند. همچنین ۳۹ فروند هواپیما، ۵ فروند بالگرد، ۵۴ تانک و نفربر، ۱۵۰ قبضه توپ صحرایی، ۵۵ قبضه پدافند هوایی، ۵ دستگاه مهندسی، ۲۵۰ دستگاه خودرو و ۲ ناوچه موشک‌انداز دشمن منهدم گردید. علاوه بر این، ۹۵ دستگاه تانک و نفربر، ۲۰ قبضه توپ پدافند هوایی، ۳۰ دستگاه مهندسی و ۱۸۰ دستگاه خودرو نیز به غنیمت گرفته شد.^(۱) فاو به عنوان منطقه انتخاب‌شده برای اجرای عملیات والفجر ۸ ویژگی‌های منحصر به فردی داشت. «مهم‌ترین علت انتخاب منطقه فاو برای عملیات، نوع و ویژگی‌های زمین منطقه بود. وجود آب در سه جناح عملیات و رویارویی با دشمن تنها در یک پیشانی جنگی و همچنین امکان اجرای آتش سبک و پر حجم توپخانه موجب انتخاب آن شد.»^(۲) در طرح عملیات، ۴ مرحله پیش‌بینی شده بود که می‌بایست بدین ترتیب انجام می‌شد:

۱. عبور از رودخانه اروند، شکستن خط و پاک‌سازی سرپل به دست آمده.

۲. تصرف شهر فاو، رسیدن به خور عبدالله و استقرار در مثلث شمال شهر که از تقاطع سه جاده البحار، فاو - بصره و ام‌القصر تشکیل شده بود. همچنین استقرار در پایگاه موشکی در شمال غربی شهر فاو.

۳. پیشروی تا ابتدای کارخانه نمک و تشکیل خط دفاعی به موازات این نقطه از ساحل تا خور عبدالله.

۴. رسیدن به زمین انتهایی کارخانه نمک و کانال انتهایی کارخانه که روی جاده ام‌القصر تا ساحل اروندرود واقع شده بود.

لشکرهای ۷ ولیعصر^(عج)، ۵ نصر، ۴۱ ثارالله، ۳۱ عاشورا، ۲۵ کربلا و تیپ‌های ۴۴ قمر بنی هاشم^(ع) و ۳۳ المهدی^(عج) انجام مأموریت مرحله اول عملیات را برعهده داشتند. در مرحله دوم، لشکرهای ۲۷ حضرت رسول^(ص) و ۱۷ علی بن ابیطالب^(ع) و در مرحله سوم، لشکرهای ۸ نجف و



حسین خرازی فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین^(۷) - علی زاهدی فرمانده تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم^(۸) در جمع سه تن از نیروهای لشکر ۱۴ (منطقه فاو).

۸۰۰ متر بود. دو طرف ساحل اروند نیز در منطقه عملیاتی تیپ ۴۴ قمر به عرض بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ متر از چولان* پوشیده شده بود. چولان‌ها که در زمین باتلاقی سبز شده بودند، هنگام مد رودخانه معمولاً به زیر آب می‌رفتند. حاشیه اروند نیز از انبوه نخلستان‌ها پوشیده شده بود. در محدوده یگان به‌طور میانگین، عمق آنها به حدود ۳/۵ کیلومتر می‌رسید که به‌وسیله نهرهای منشعب از اروند در هنگام مد آبیاری می‌شدند.^(۹)

نهرها: در محدوده خط حد یگان تقریباً ۱۶ نهر وجود داشت که از میان آنها فقط دو نهر فرعی ۲ و کبیر در این منطقه برای استفاده در عملیات انتخاب شد. جزرومد آب در کم و زیاد شدن حجم آب در نهرها تأثیر بسیاری داشت. عرض و طول و عمق نهرها در طول مسیر متفاوت بود.^(۱۰)

عوارض مصنوعی

عوارض مصنوعی محدوده یگان را تعدادی جاده، سیل‌بند و

* چولان یا جگن گیاهی است بدون ساقه با برگ‌های نوک‌تیز و با مقطع مثلثی که گاو میش‌ها به خوردن آن رغبت دارند.

جنوب جاده خسروآباد و جناح راست محدوده عملیاتی قرارگاه کربلا به عرض ۳ کیلومتر واقع شده بود.^(۵) تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم^(۶) در عملیات والفجر ۸ با استعداد ۶ گردان عمل‌کننده در منطقه‌ای به طول ۳/۵ و عرض ۳ کیلومتر در دو محور با خط حد زیر وارد عمل شد. محدوده ساحل خودی مابین نهر فرعی ۲ تا جاده گشایش در حدود ۳ کیلومتر بود و در ساحل دشمن خط حد یگان از محدوده تک‌درخت (شاخص منطقه) شروع شده، از یک طرف به جاده شنی (۵۰۰ متر بالاتر از نهر الخشی) و از سمت دیگر به جاده آسفالت (فاو - البحار) منتهی می‌شد.^(۱)

عوارض طبیعی منطقه

رودخانه اروند: رودخانه اروند یا اروندرود از تلاقی سه رود بزرگ دجله، فرات و کارون تشکیل شده است و با حرکت آب از طرف شمال به جنوب به خلیج فارس می‌ریزد. آب این رودخانه که از دریا تأثیر می‌پذیرد، اغلب دارای دو حرکت جزرومد می‌باشد که در طول شبانه‌روز، ۴ بار تکرار می‌شود.^(۷) ارتفاع آب در عمیق‌ترین قسمت رودخانه به ۱۵ متر می‌رسد.^(۸)

عرض رودخانه اروند در منطقه عمومی تیپ نزدیک به

در مرحله دوم، یک گروه موتورسوار و یک گروه استراق سمع تشکیل شد که هر دو تحت امر فرمانده یگان بودند و با وی وارد منطقه شده، فعالیت‌های شناسایی را آغاز کردند. در مرحله سوم، یک گروه تجسس تشکیل شد که وظیفه‌اش جست‌وجو در داخل نخلستان‌ها برای یافتن مقرها، انبارها، قبضه‌های خمپاره‌انداز و نیز گرفتن اسیر بود. در مرحله چهارم نیز یک گروه شناسایی (پشتیبانی) تشکیل شد که می‌بایست در ادامه عملیات وارد منطقه شده، وضعیت دشمن را بررسی می‌کرد.^(۱۲)

با وجود تلاش فراوان نیروهای اطلاعات - عملیات تیپ ۴۴ قمر برای انجام دادن یک شناسایی کامل، شناسایی‌های انجام‌شده کاستی‌های نیز داشت که سبب نگرانی نیروهای واحد اطلاعات - عملیات شده بود. در این میان، مهم‌ترین موضوع، آگاهی نداشتن از عمق خاک دشمن بود. برای حل این مشکل، مسئول اطلاعات یگان در تماسی با علی زاهدی فرمانده تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم^(ع)، اعلام کرد: «ما برای اینکه از عمق خاک دشمن هم اطلاعاتی داشته باشیم چند نقطه را شناسایی کرده، برای [این کار] مسیر رفت و برگشت و حتی امکانات مورد نیاز را هم فراهم کرده‌ایم.» در همین خصوص، برادر زاهدی از فرماندهی قرارگاه کربلا استعلام کرد که پاسخ قرارگاه منفی بود. بنابراین، شناسایی عمق خاک دشمن میسر نشد. از دیگر ضعف‌های اطلاعاتی یگان، اطلاع اندک از سرعت، جریان و حالت جزرومد ارون‌دود بود. اطلاعات یگان از این موارد فقط به گزارش‌های ارسالی از یگان‌های دیگر یا جداول جزرومد محدود می‌شد.^(۱۳)

وضعیت ارتش عراق منطقه عملیاتی دشمن

منطقه عملیاتی ارتش عراق در محدوده یگان ۴۴ قمر بنی هاشم^(ع)، از نظر وضع طبیعی، رودخانه و ساحل آن مانند منطقه خودی بود. بستر رودخانه پوشیده از موانع سیم خاردار و خورشیدی بوده، بعد از آن سنگ‌های بتونی و تعدادی سنگر

خاکریز تشکیل می‌دادند. منطقه عملیاتی لشکر به جز موارد یادشده از هرگونه عارضه دیگری خالی بود. تردد وسایل نقلیه سبک و سنگین در فصل زمستان محدود به این جاده‌ها و سیل‌بندها بود، ولی در تابستان از اکثر نقاط منطقه استفاده می‌شد.^(۱۱)

شناسایی

پس از ابلاغ مأموریت به تیپ از سوی قرارگاه کربلا و مشخص شدن منطقه عملیاتی این یگان در تاریخ ۱۳۶۴/۱۰/۱۰، واحد اطلاعات - عملیات تیپ کار خود را آغاز کرد، اما به دلیل آشنان نبودن با منطقه که دلیل آن حضور نداشتن نیروهای این واحد در منطقه بود، ابتدا با یگان‌های مستقر در منطقه درباره موضوع شناسایی مشورت شد و به منظور آگاهی و توجیه نیروها در خصوص منطقه، اطلاعاتی در حد سطح آب و سنگ‌های جلوی دشمن در اختیار آنان قرار گرفت. سپس، نیروهای شناسایی با استفاده از منابع اطلاعاتی نظیر دکل دیدبانی، عکس هوایی، مجموعه‌ای از اطلاعات و گزارش‌های رسیده از لشکر ۵ نصر و قرارگاه کربلا از وضعیت دشمن

«مهم‌ترین علت انتخاب منطقه فاو برای عملیات، نوع و ویژگی‌های زمین منطقه بود. وجود آب در سه جناح عملیات و رویارویی با دشمن تنها در یک پیشانی جنگی و همچنین امکان اجرای آتش سبک و پرحجم توپخانه موجب انتخاب آن شد.»

اطلاع یافتند.

علاوه بر این، واحد اطلاعات تیپ در چند مرحله اقدام به جمع‌آوری اطلاعات کرد؛ در مرحله نخست، گروهی از نیروها در قالب گروه‌های ۳ نفره بین گردان‌ها تقسیم شدند. این افراد اقدام به جمع‌آوری اطلاعات از منطقه گردان کردند. با گردان اول علاوه بر گروه ۳ نفره، یک گروه دیگر وارد منطقه شد. وظیفه این نیروها شناسایی جاده اصلی و تقاطع‌های منطقه بود. آنها همچنین موظف بودند برای هدایت گردان‌هایی که در مراحل بعدی وارد منطقه می‌شدند، با چراغ قوه‌ای به رنگ سبز علامت دهند.

از لشکر ۲۶ پیاده تحت امر سپاه هفتم عراق گسترش یافته بود. در حوزه مأموریت تیپ، یک گردان جیش الشعبی مأمور به سپاه هفتم و در پیشانی آنها هم یک گردان کماندویی مستقر بود.^(۱۶)

سازمان رزم تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم^(ع)

سازمان رزم تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم^(ع) در عملیات والفجر ۸ از ۶ گردان شامل ۳ گردان تک‌کننده و ۳ گردان احتیاط به شرح زیر تعیین شده بود:

۱. گردان امام حسین^(ع) به استعداد ۲۷۰ نفر و دارای ۳ گردان با نام‌های شهید مدنی، شهید دستغیب و شهید صدوقی.
۲. گردان یا زهرا^(س) دارای ۳ گروهان با نام‌های شهید بهشتی، شهید رجایی و شهید باهنر.
۳. گردان حضرت رسول^(ص) به استعداد ۳۰۰ نفر و دارای ۳ گروهان با نام‌های میثم، ابوذر و مالک.
۴. گردان امام حسن^(ع) به استعداد ۲۴۰ نفر دارای ۳ گروهان با نام‌های شهید چمران، شهید مطهری و شهید مفتح.
۵. گردان امام سجاد^(ع) به استعداد

۲۱۰ نفر دارای ۳ گروهان با نام‌های هجرت، جهاد و فتح.

۶. گردان امیرالمؤمنین^(ع) به استعداد ۲۵۰ نفر دارای ۳ گروهان با نام‌های امام حسین^(ع)، ابوالفضل^(ع) و امام حسن^(ع).

شایان ذکر است، برای هر گردان، گروه‌های ۳ نفری اطلاعات و گروه تخریب ۴۰ نفری برآورد شده بود.^(۱۷)

طرح مانور

تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم^(ع) در عملیات والفجر ۸ مأموریت

نیز با نخل‌های بریده‌شده از منطقه و گِل ساخته شده بود. در طول محدوده یگان، این سنگرها به شکل پله‌پله قرار داشتند. بعد از سنگرها، دو دژ دشمن که به شکل «ب» طراحی شده و به موانع «ب» شکل شهرت داشتند، به طول ۵۰۰ الی ۶۰۰ متر و ارتفاع ۴ الی ۵ متر قرار گرفته بودند. ضلع‌های کوچک این دژها در حدود ۲۰۰ متر و حدفاصل بین آنها حدود یک کیلومتر بود.

حاشیه اروندرود در ساحل دشمن از نخل پوشیده شده بود. عمق نخلستان‌ها به‌طور نسبی حدود ۳ الی ۳/۵ کیلومتر برآورد می‌شد. این نخلستان‌ها به‌وسیله نهرهای متعدد منشعب از اروندرود در هنگام مد آبیاری می‌شدند که عرض، طول و عمق نهرهای منطقه متفاوت بود.

کل منطقه برای تردد وسایل نقلیه سبک و سنگین دارای جاده، سیل‌بند و خاکریز بود. همه جاده‌ها شن‌ریزی شده و قابل تردد بودند و در فصل زمستان هم از آنها استفاده می‌شد. مهم‌ترین جاده دشمن در محدوده یگان ۴۴ قمر، جاده آسفالت فاو - البحرار بود.^(۱۴)

خطوط پدافندی عراق

دشمن در منطقه عملیاتی تیپ ۴۴ قمر یکی از محکم‌ترین خطوط پدافندی را تشکیل داده بود. خطوط پدافندی دشمن در این منطقه به‌صورت پاسگاه - پاسگاه و در یک خط مستقیم قرار داشت. این خط با سنگرهای فشرده به فاصله تقریبی ۵۰ الی ۶۰ امتداد می‌یافت و دژی «ب» شکل بعد از آن احداث شده بود. دشمن در طراحی خطوط پدافندی خود این موضوع را لحاظ کرده بود که به فرض شکسته‌شدن خط و عبور نیروهای ایرانی بتواند عقبه آنها از دو سر مواضع «ب» شکل با آتش سنگین سد کند و برای تأمین آن نیز در پشت جاده آسفالت (فاو - البحرار) سکوی تانک را به‌موازات خط اول آرایش داده بود.^(۱۵)

استعداد دشمن در محدوده تیپ قمر بنی هاشم^(ع)

در محدوده منطقه عملیاتی تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم^(ع)، تیپ ۱۱۰

تیپ مستقل ۴۴ قمر بنی هاشم^(ع) جزء یگان‌هایی بود که می‌بایست در مرحله اول عملیات حضور می‌یافت. این یگان مأموریت داشت ضمن عبور از منطقه لشکر ۵ نصر، حد فاصل رودخانه اروند و جاده آسفالت فاو - البحرار را در جناح راست منطقه عملیات پوشش دهد



جیب مجهز به تفنگ ۱۰۶ در حال اعزام به خط مقدم - ۱۳۶۴/۱۱/۳۰

می بایست در محور راست منطقه عملیات روی مواضع دشمن اقدام به تک می کرد. از این رو، مقرر شده بود که ابتدا یک گروهان از این گردان بعد از شکسته شدن خط توسط لشکر ۵ نصر، تک خود را آغاز و ۳۰۰ متر به سمت راست منطقه عملیات را پاک سازی کند. جهت ادامه عملیات نیز می بایست گروهان های دیگر به سرعت وارد منطقه می شدند و در امتداد دژ اول و جاده حرکت کرده، کار پاک سازی را انجام می دادند و سپس ۵۰۰ متر بالاتر از نهر الخشی، پشت جاده شنی، به ارتفاع نیم متر و دژ دوم به صورت یک زاویه ۹۰ درجه به پدافند می پرداختند.

گردان حضرت رسول (س)

این گردان بایستی با ۳ گروهان ۳ دسته ای تک خود را آغاز و از تک درخت منطقه از جاده سمت راست نهر خنمان به طرف عمق منطقه عملیاتی حرکت می کرد و خود را به جاده اصلی - که متصل به مقر شماره ۳ بود - رسانده، بعد از پاک سازی و تأمین جاده اصلی، ۳۰۰ متر به سمت بالا در پشت دژ سوم عراق ۱۵ متر به سمت راست - که در کل یک کیلومتر بود - پدافند می کرد.^(۲۱)

داشت ضمن عبور از منطقه لشکر ۵ نصر، حذفاصل رودخانه اروند و جاده آسفالت فاو - البحار را در جناح راست منطقه عملیات پوشش دهد. در مراحل بعدی عملیات، مأموریت محول شده به تیپ این بود که دشمن را در امتداد رودخانه اروند به طرف شمال حذفاصل اروندرود و جاده فاو - البحار از وسط نخلستان پاک سازی و این فاصله را در امتداد و روبه روی نهر خرم پدافند کند. این مأموریت - به گفته فرمانده تیپ - اوایل دی ماه ۱۳۶۴ به یگان ابلاغ شد.^(۱۸)

اهداف در نظر گرفته شده برای تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم^(۲) عبارت بود از: «پدافند و تأمین جناح راست عملیات به طول ۳/۵ کیلومتر و پاک سازی به عرض ۳ کیلومتر تا جاده فاو - البحار»^(۱۹) محسن رضایی فرمانده کل سپاه، درباره هدف اصلی تیپ ۴۴ قمر می گوید: «تیپ قمر بنی هاشم^(۲) را گذاشتیم در سمت راست برای پدافند؛ برای دراز مدت پدافند می کند»^(۲۰) بنابراین، تأمین و حفظ جناح راست عملیات اصلی ترین هدف تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم^(۲) در عملیات والفجر ۸ بود.

طرح مانور گردان های عمل کننده

گردان امام حسین (ع)

براساس طرح مانور اعلام شده، گردان امام حسین (ع)

گردان بازهرا^(۳)

این گردان پدافند در محور میانی منطقه عملیاتی مابین گردان امام حسین^(ع) و حضرت رسول^(ص) را برعهده داشت. مانور تعیین شده برای گروهان‌های این گردان عبارت بود از: ۱. از چهارراه، آخرین حد گردان امام حسین^(ع) و نصف جاده مقابل مقر (شماره ۱) ۲. از دژ سوم و مقر شماره ۵ به طرف پایین و پشت جاده شنی تا چهارراهی که از تقاطع دو جاده شنی به وجود آمده بود و آخرین گروهان حدفاصل بین دو گروهان اول و دوم با انجام دادن الحاق بین آن دو وارد عمل می‌شد.

به‌منظور تقویت این گردان، در هر دسته، ۳ نفر برای شلیک آر.پی.جی ۷ و نارنجک تفنگی با اسلحه کلاشینکف در نظر گرفته شده بود.^(۲۲)

مانور گردان‌های احتیاط

در طرح عملیاتی مقرر شده بود ۳ گردان امام حسن^(ع)، امام سجاد^(ع) و امیرالمؤمنین^(ع) برای ادامه عملیات یا احتمالاً در صورت نیاز، برای تکمیل مرحله اول عملیات (ترمیم خط و الحاق بین یگان‌ها) به کار گرفته شوند. در غیر این صورت، باید طبق مانور مشخص شده برای آنها با تمام توان عملیات می‌کردند.

درباره به‌کارگیری این گردان‌ها و احتمالاتی که ممکن بود برای آنها بروز کند، زاهدی فرمانده تیپ ۴۴ قمر بنی‌هاشم^(ع) می‌گوید: «در رابطه با احتمالاتی که شاید برای گردان‌های اول پیش بیاید و آن وضعیت خط پدافندی که یک خط مستقیم نیست و تلفات زیادی از ما خواهد گرفت، باید سعی کنیم که از آنها استفاده کنیم و یا اینکه لشکر امام حسین^(ع) چون که در دشت بازی می‌خواهد خاکریز بزند، پشتیبان آن هم باشیم که مأموریت خودش را خیلی خوب بتواند انجام بدهد.»^(۲۳)

مانور گردان امام حسن^(ع)

گردان امام حسن^(ع) می‌بایست بعد از اتمام عملیات گردان‌های اول و رسیدن به خط پدافندی، وارد منطقه شده،

از محور میانی از روی جاده، یک کیلومتر پیشروی می‌کرد. سپس، حرکت خود را به سمت چپ ادامه داده، از پشت، داخل نخلستان به نیروهای عراق حمله می‌کرد تا ضمن ازهم‌پاشیدن سازمان آنها، قدرت پاتک را از آنان بگیرد و تانک‌های موجود در منطقه را منهدم کند.

مانور گردان امام سجاد^(ع)

این گردان بایستی بعد از وارد شدن به منطقه، برای اجرای عملیات در محور راست، جلوی دو مقر شماره ۴ و ۵، تانک‌های موجود در منطقه را منهدم می‌کرد.

مانور گردان امیرالمؤمنین^(ع)

برای گردان امیرالمؤمنین^(ع) به دلیل اینکه هنوز نیروهای خود را برای انجام دادن تک آماده نکرده بود، مانوری در نظر گرفته نشد و مقرر گردید فقط به عنوان پشتیبان در منطقه در مواقع اضطراری مورد استفاده قرار گیرد.^(۲۴)

آماده‌سازی منطقه عملیاتی تیپ ۴۴ در عملیات والفجر ۸

۱. واحد زرهی

قبل از پرداختن به عملکرد واحد زرهی تیپ ۴۴ در عملیات والفجر ۸ یادآوری می‌شود که پس از انحلال واحدهای زرهی لشکرها و تیپ‌های سپاه که به دنبال تشکیل تیپ زرهی ۲۸ صفر انجام شد، تیپ ۴۴ قمر بنی‌هاشم^(ع) به صورت واحد مکانیزه باقی مانده بود. قبل از شروع عملیات والفجر ۸ با توجه به ضرورت وجود تانک در ساختار تیپ، دو دسته تانک تحویل این یگان شد.^(۲۵)

برای واحد زرهی، سه نوع مأموریت مشخص و به آن محول شده بود. مأموریت نخست این واحد انهدام سنگرهای بتونی و تیربارهای ساحل دشمن در شب عملیات در محدوده عملیاتی تیپ بود. مأموریت دوم، پشتیبانی بعد از عملیات بود که به این واحد واگذار شده بود و مأموریت سوم شامل به‌کارگیری تانک‌های به غنیمت گرفته شده از دشمن می‌شد.^(۲۶)

شما بود که همه را فراری داد.»^(۲۹)

هنگام پاتک عراق نیز عملکرد واحد توپخانه بسیار خوب بود و با حداقل شهید و زخمی از نیروهای خودی، موجب انهدام وسیع دشمن و وارد آمدن تلفات فراوان به آنان شد. در این باره مسئول واحد توپخانه می گوید: «کلاً توپخانه، آتش خوبی روی مواضع دشمن اجرا نمود و بیشترین حجم آتش ما در زمان اجرای پاتک بود.»^(۳۰)

۳. واحد تخریب

واحد تخریب موظف بود در شب عملیات پس از انهدام پل های دشمن و قطع نخل های منطقه (خودی و دشمن) کار مین گذاری را آغاز کند. این واحد برای انجام دادن مأموریت محول شده ۳ گروه ۸ نفری را برای انفجار پل ها و یک گروه ۴۰ نفری مین کار را تحت امر گردان ها به کار گرفته بود. یک گروه ۶ نفری نیز موظف بود موانع خورشیدی را منهدم کند. همچنین یک گروه ۵ نفری به منظور پاک سازی منطقه دشمن و یک گروه ۴ نفری برای پشتیبانی در نظر گرفته شده بودند.^(۳۱)

این واحد با شروع عملیات، گروه های مورد اشاره را به همراه گردان های عمل کننده وارد منطقه کرد. این گروه ها به منظور احداث اسکله و تردد قایق ها اقدام به عریض کردن معابر کردند، اما با وجود تلاش فراوان در ساعت های اولیه عملیات موفقیت چندانی کسب نکردند. از دیگر اقدامات واحد تخریب هنگام عملیات انهدام دژ اول و دوم دشمن در مقابل خط پدافندی گردان اول و شکاف در جاده فاو - البحرار، انهدام پل ها و کاشت مین های ضد تانک، ضد نفر و ضد خودرو در دشت باز کناره جاده آسفالت و نخلستان بود.^(۳۲)

۴. واحد مهندسی

واحد مهندسی در مجموع دو مأموریت را بر عهده داشت: مأموریت نخست، آماده سازی منطقه از هر جهت برای اجرای عملیات و مأموریت دوم، ورود به منطقه دشمن و زمینه سازی برای تداوم و تثبیت عملیات بود. واحد مهندسی برای انجام دادن مأموریت نخست، چهار

این واحد با ۲ دسته تانک در تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۲۰ در ساعت ۲۰:۳۰ شب، روی سکوهای خود مستقر شده، براساس مأموریت محول شده کار خود را از ساعت ۲۲:۱۰ شب آغاز کرد. در محور راست عملیات، هر سنگر تیربار دشمن که روی نیروهای خودی اجرای آتش می کرد، با تلاش مداوم تانک های خودی و اجرای آتش روی آنها از کار انداخته شده و همین امر سبب گردید عبور نیروها به سهولت انجام شود.

همان گونه که اشاره شد، مأموریت دیگر واحد زرهی

اجرای آتش پشتیبانی هنگام پاتک های دشمن بود که این مأموریت را نیز در زمان اجرای پاتک های دشمن در مقابل خط پدافندی یگان به نحو احسن انجام داد.

براساس آمار ارائه شده در این عملیات، واحد زرهی از شروع عملیات تا زمان اجرای آتش پشتیبانی حدود ۱۶۰۰ گلوله شلیک کرد.^(۳۳)

۲. واحد توپخانه

واحد توپخانه تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم (ع) به همراه واحدهای توپخانه لشکر ۵ نصر و لشکر ۱۴ امام

حسین (ع) واحد مشترکی به نام کربلا ۴ تشکیل داده و با یکدیگر هماهنگ شده بودند تا علاوه بر وحدت فرماندهی، در صورت نیاز به تمرکز آتش در یک منطقه در کمترین زمان و با هماهنگی کامل اجرای آتش کنند. مأموریت تیپ ۴۴ اجرای آتش روی عقبه ها، مراکز تجمع، قرارگاه ها و توپخانه دشمن بود.^(۳۴)

واحد توپخانه هنگام عملیات عملکرد بسیار مناسبی داشت، به گونه ای که یکی از اسرای عراقی که نیروهای تیپ ۴۴ وی را به اسارت گرفته بودند اقرار کرد: «به نظر می رسد مسئله ای که همه را ناراحت کرده بود آتش توپخانه

منطقه عملیاتی تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم (ع) در ۱۱ کیلومتری جنوب جاده خسروآباد و جناح راست محدوده عملیاتی قرارگاه کربلا به عرض ۳ کیلومتر واقع شده بود

قسمت جداگانه را به شرح زیر مشخص کرده بود.

الف) استحکامات

قسمت استحکامات می‌بایست قبل از عملیات مجموعه‌ای از سوله‌ها را برای استقرار نیروها و واحدها در منطقه عملیات یگان در محدوده جاده ولی زارع، نهر کبیر و نهر فرعی ۲ احداث می‌کرد.

ب) اسکله‌سازی

برای اسکله‌سازی، گروهی از نیروها تعیین و پس از فراگیری آموزش‌های غواصی به دو دسته تقسیم شدند. دسته اول موظف بود در ساحل خودی در کنار نهر کبیر نقطه‌ای را شناسایی کرده، اسکله برپا کند و دسته دوم نیز وظیفه داشت بلافاصله پس از شروع عملیات، به ساحل دشمن اعزام شده، محل مناسبی را شناسایی و در همان جا اقدام به احداث اسکله کند.

پ) جاده‌سازی

بخش جاده‌سازی بایستی در محدوده جاده خواجه ابراهیم و گشایش تا جاده اراضه، جاده‌هایی را در کنار آب، احداث می‌کرد. همچنین، ضمن تعریض جاده ولی زارع، جاده خواجه ابراهیم را به گشایش متصل می‌ساخت.

ت) سکوسازی

نیروهای بخش سکوسازی موظف بودند برای ادوات، زرهی، توپ ۱۰۶ م.م و توپ پدافند هوایی سکوهایی را احداث کنند، اما به دلیل وضعیت نامناسب زمین منطقه و باتلاقی بودن آن و نیز به دلیل حساسیت فعالیت دستگاه‌های مهندسی با مشکلاتی مواجه شدند و فقط توانستند تا ۲۰۰ متری آب، سکوهایی را احداث کنند.

درخصوص مأموریت دوم نیز واحد مهندسی برای عملیات، یک گروه نجات تشکیل داده بود که به همراه گردان‌ها در شب عملیات وارد منطقه شده، جهت استفاده از ادوات مهندسی دشمن اقدامات لازم را انجام دهند. در این طرح دو گروه عبور و یک گروه عملیات آبی - خاکی پیش‌بینی شده

بود که به همراه نیروهای جهاد وسایل مهندسی را از آب عبور می‌دادند و از آنها برای انجام دادن امور استفاده می‌کردند.^(۳۳)

شرح عملیات

در تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۱۳، گردان امام حسین^(ع) و روز بعد (۱۳۶۴/۱۱/۱۴)، دو گردان حضرت رسول^(ص) و یا زهرا^(س) وارد منطقه شدند و در سوله‌ها استقرار یافتند. شایان ذکر است که گروهان شهید مدنی از گردان امام حسین^(ع) با توجه به اینکه این گروهان می‌بایست قبل از گردان‌های دیگر برای گرفتن سرپل با خط‌شکن‌های لشکر ۵ نصر حرکت می‌کرد، قبلاً وارد منطقه شده بود.

پیش از آغاز عملیات، علی زاهدی فرمانده تیپ ۴۴، مجموعه‌ای از دستورات ضروری را به منظور کسب آمادگی برای اجرای عملیات صادر کرد که نیروها نیز آنها را اجرا کردند؛ از جمله به مسئول زرهی تیپ دستور داده شد: «تانک‌ها را حرکت داده و به مواضع از پیش ساخته ببرید»^(۳۴) همچنین آخرین هماهنگی‌ها با قرارگاه و واحدهای عمل‌کننده انجام شد تا آمادگی لازم برای شروع عملیات به وجود آید.^(۳۵)

ساعت ۲۰:۰۰ روز ۱۳۶۴/۱۱/۲۰، گروهان اول از گردان امام حسین^(ع) بعد از خواندن نماز مغرب و عشا به طرف نهر فرعی ۲ و بقیه گروهان‌ها به طرف نهر کبیر حرکت کردند و در آنجا منتظر شروع عملیات و عبور گروهان اول بعد از شکسته شدن خط توسط لشکر ۵ نصر شدند.^(۳۶)

پس از آنکه نیروهای خط‌شکن لشکر ۵ نصر با دشمن درگیر شدند، نیروهای پشتیبانی با یک گروهان از تیپ ۴۴ قمر حرکت کرده، به سمت ساحل دشمن به پیش رفتند. سپس زاهدی فرمانده تیپ، با واحد زرهی تماس گرفته،

اهداف در نظر گرفته شده برای تیپ ۴۴ قمر بنی‌هاشم (ع) عبارت بود از: «پدافند و تأمین جناح راست عملیات به طول ۳/۵ کیلومتر و پاک‌سازی به عرض ۳ کیلومتر تا جاده فاو - البحار».

دستور داد تانک‌ها به طرف دشمن شلیک کنند. وی همچنین به اداوات دستور اجرای آتش داد.

نیروهای گروهان اول، ساعت ۲۲:۴۵، به ساحل دشمن رسیدند و به سمت محل مأموریت خود حرکت کردند. پس از اعلام این خبر، فرمانده تیپ در تماسی با واحد توپخانه گفت: «منطقه دشمن را به آتش بکشید.» اما آتش سنگین آن‌گونه که مورد انتظار بود، ازسوی واحد توپخانه اجرا نمی‌شد. در تماس فرمانده تیپ با این واحد مشخص شد که هنوز همه تانک‌ها در محل خود استقرار نیافته‌اند. در چنین وضعیتی، برادر زاهدی دستور داد با دو تانک مستقرشده اجرای آتش را انجام دهند.^(۳۷)

ساعت ۰۰:۱۵ دقیقه بامداد، زاهدی فرمانده تیپ ۴۴ قمر بنی‌هاشم^(ع)، از فرمانده گردان حضرت رسول^(ص) خواست نیروهایش را برای عبور از آب آماده کند، اما در این میان مشکلی بروز کرده بود که انتقال نیروها را با مشکل مواجه می‌ساخت؛ «تعدادی از قایق‌هایی که [وظیفه] انتقال نیرو را به عهده داشتند، در ساحل دشمن در میان موانع (سیم خاردارها و خورشیدی‌ها) گیر کرده و یک سری هم ترکش خورده و خراب شده [بودند].» بروز این مشکل برای قایق‌ها به آن دلیل بود که نیروهای تخریب که براساس برنامه می‌بایست قبل از نیروهای عمل‌کننده به سمت دشمن پیش رفته، اقدام به بازکردن معبر می‌کردند، موفق به انتقال نشده بودند. از این رو، موضوع انتقال نیرو با مشکل مواجه شده

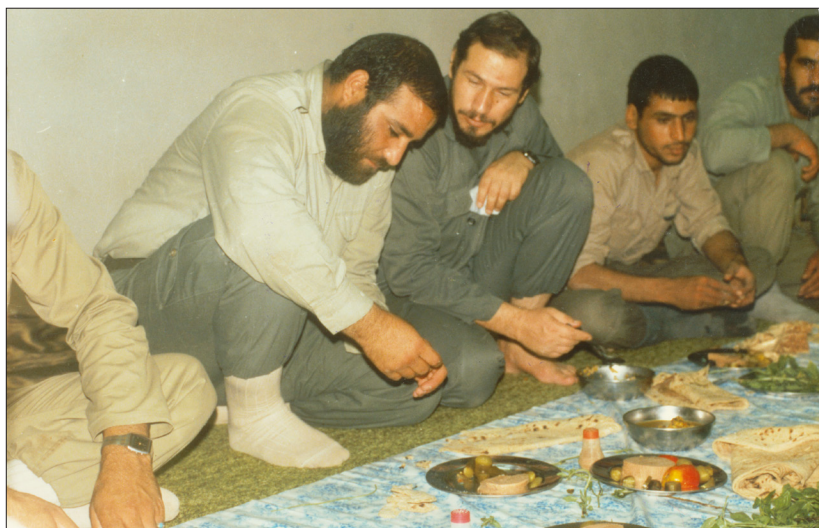
نیروهای تخریب همراه، گردان حضرت رسول (ص) هم برای کاشت مین جلوی خط پدافند آنها به این طرف آب آمده‌اند. اولین گروهان از گردان حضرت رسول (ص) هم به قرارگاه کوچک داخل جنگ رسیده‌اند و پاک‌سازی را شروع کرده و یک سری دیگر از آنها به طرف قرارگاه بزرگ نزدیک جاده (فاو - البحار) حرکت کرده‌اند.

گزارش بعدی فرمانده گردان حضرت رسول (ص) از درگیری نیروهای این گردان با قرارگاه بزرگ در نزدیک جاده فاو - البحار حکایت می‌کند. ساعت ۰۳:۳۰، یکی از گروهان‌های گردان حضرت رسول (ص) به طرف جاده آسفalte حرکت کرده، نزدیک آنجا می‌شود.

باوجود اینکه پیشروی نیروهایی که در ساحل دشمن پیاده شده بودند، به سمت اهداف بسیار مثبت و امیدوارکننده بود، هنوز گروهی از نیروها (به‌طور مشخص قریب به نیمی از نیروهای گردان با زهرا^(س))، به دلیل کمبود قایق موفق به انتقال به ساحل دشمن نشده بودند. برادر زاهدی که شخصاً برای بررسی موضوع به محل سوارشدن نیروها رفته بود، تلاش می‌کرد ضمن تماس با مسئول لشکر امام حسین^(ع) هماهنگی لازم را برای استفاده از نه‌های موجود در منطقه عملیاتی این لشکر انجام دهد، اما این پاسخ را

از وضعیت نیروهای تخریب نیز خبر می‌رسد: این نیروها به محل مأموریت خود رسیده، مشغول اجرای مأموریت خود (کار گذاشتن مین) در جلوی خط پدافندی در نخلستان می‌باشند و پل‌ها و دژهای منطقه را هم منفجر کرده‌اند و ارتفاع جاده‌ای که نیروها در پشت آن پدافند کرده‌اند در حدود ۲۵ سانتی‌متری یک متر است.

ساعت ۰۲:۰۰ بامداد، برادر شاهمراد (مسئول محور) در گزارشی از وضعیت عبور نیروها به مقر فرمانده تیپ اعلام کرد: «گردان امام حسین^(ع) و حضرت رسول^(ص) به دنبال مأموریت خودشان رفته‌اند و گردان یا زهرا^(س) هم فعلاً در حد دو دسته از آن به ساحل دشمن پیاده شده‌اند که آنها را فرستاده‌ایم دنبال انجام مأموریت محوله تا اینکه گروهان‌های بعدی آنها برسند. یک سری هم وسایل و ادوات پدافند هوایی در منطقه سالم مانده، نیروهای این واحدها را به منطقه بفرستید که بتوان از آنها استفاده کرد و وسط نخلستان هنوز پاک‌سازی کامل نشده و به طرف نیروها تیراندازی می‌شود. به لشکر ۵ نصر بگویند که کار پاک‌سازی را بهتر انجام بدهند.» برادر شاهمراد در گزارش بعدی خود در ساعت ۰۲:۴۵ بامداد، اعلام کرد: «گروهان اول و نصف از گروهان دوم از گردان یا زهرا^(س) به ساحل دشمن پیاده [شده] و دنبال



علی زاهدی فرمانده تیپ ۴۴ قمر بنی‌هاشم در کنار سید یحیی صفوی جانشین نیروی زمینی سپاه و گروهی از رزمندگان سر سفره غذا - ۱۳۶۴/۱۱/۱۰.

علاوه بر موضوع کمبود قایق‌ها و مشکل انتقال آنها که مهم‌ترین موضوع در این سوی میدان به شمار می‌رفت، در طرف دیگر، یعنی در ساحل دشمن نیز مشکلاتی بروز کرده بود. مسئول محور ساعت ۰۵:۰۰ بامداد، در گزارشی اعلام کرد: «مقر بزرگ نزدیک جاده (فاو - البحار) به‌طور کامل سقوط نکرده و گردان حضرت رسول^(ص) هنوز درگیر می‌باشد و نیروها به جاده آسفالت نرسیده و الحاق با لشکر ۵ نصر انجام نشده است. گردان امام حسین^(ع) هنوز با [گردان] یا زهرا^(س) الحاق نکرده و تمام نیروهای [گردان] یا زهرا^(س) نتوانستند از آب عبور کنند و همه آن به‌علت کمبود قایق می‌باشد.»

اما نیم ساعت بعد، اخبار امیدوارکننده‌ای مخابره می‌شود؛ گردان حضرت رسول^(ص) بعد از چند ساعت جنگ با نیروهای دشمن در مقر فرماندهی آنها موفق می‌شود و نیروها را برای الحاق با لشکر ۵ نصر گسیل می‌کند. ساعت ۰۶:۰۰ صبح نیز الحاق بین گردان‌های امام حسین^(ع)، یا زهرا^(س) و حضرت رسول^(ص) انجام می‌شود. در این میان، فقط گردان امام حسین^(ع) به‌دلیل اینکه گردان پیشرو بود و بالطبع تلفات بیشتری داشت، درخواست می‌کند گردان امام حسن^(ع) (گردان احتیاط) برای کمک به آنها اعزام شود تا صبح بتواند پاسخ پاتک دشمن را بدهد.

با درخواست گردان امام حسین^(ع) موافقت می‌شود و پس از انجام‌شدن هماهنگی‌های لازم، نیروهای این گردان با استفاده از نهر صبور و همه قایق‌های باقیمانده، به‌طرف ساحل دشمن اعزام می‌شوند. اعزام نیروهای این گردان تا ساعت ۰۸:۰۰ صبح به‌طور کامل انجام می‌شود. این نیروها مأموریت داشتند: «دو گروهان آنها به‌طرف گردان حضرت رسول^(ص) و یک گروهان به‌طرف گردان امام حسین^(ع) حرکت کنند.» ساعت ۱۷:۰۰ بعدازظهر نیز گردان امام سجاد^(ع) - که در احتیاط قرار داشت - وارد منطقه شده، در محور میانی به کمک گردان یا زهرا^(س) فرستاده می‌شود.^(۴۰)

مقاومت در برابر پاتک‌های دشمن

همان‌گونه که پیش‌بینی می‌شد، با روشن‌شدن

می‌شنید: «نهرهای ما هم شبیه به شما می‌باشد و در دهانه آنها گلوله‌های کاتیوشا می‌خورد و امکان عبور و مرور را برای نیروهای خودمان سخت کرده [است].»

این وضعیت درحالی بود که برادر شاهمراد (مسئول محور) در تماس با برادر زاهدی اعلام می‌کند: «دسته کوچک گردان یا زهرا^(س) به‌طرف اهداف تعیین‌شده حرکت کرده‌اند و اگر سریع انتقال نیروها صورت نگیرد آب اروند درحال جزر می‌باشد و خیلی پایین رفته است» وی تأکید می‌کند که برای اعزام گردان امام حسن^(ع) (گردان احتیاط) هم از نهرهای دیگر استفاده شود.

مسئول واحد مهندسی نیز در تماس با فرمانده تیپ ۴۴ از موفق‌نبودن انتقال دستگاه‌های مهندسی به ساحل دشمن خبر می‌دهد. وی تأکید می‌کند: «در ساعت ۴:۳۵، دو دستگاه مهندسی از لشکر ۵ نصر عبور داده شده، ولی ما هنوز موفق نشده‌ایم.» باوجود همه تلاش‌های فرمانده تیپ برای حل مشکل کمبود قایق‌ها، این موضوع همچنان اصلی‌ترین مشکل عملیات بود. در این زمان، فرمانده گردان یا زهرا^(س) در تماس با فرمانده تیپ از کمبود

شدید قایق شکایت می‌کند. هم‌زمان، پیک فرمانده تیپ که برای بررسی مشکل قایق‌ها اعزام شده بود، به مقر مراجعت کرده، می‌گوید: «بیشتر قایق‌ها ترکش خورده و یا خراب هستند و یک سری هم سالم‌اند، ولی حرکت نمی‌کنند.» گزارش مسئول یگان دریایی وضع را پیچیده‌تر می‌کند. وی در تماسی با فرمانده تیپ ۴۴ اعلام می‌کند: «دیگر نمی‌شود از نهرها استفاده کرد و آب کاملاً جزر می‌باشد و تا ساعت یک بعدازظهر هم آب بالا نمی‌آید. برای سوارشدن نیروها هم اسکله احداث نشده است و یک سری از نیروهای گردان یا زهرا^(س) هنوز مانده‌اند و عبور داده نشده‌اند.»

در محور راست عملیات، هر سنگر تیربار دشمن که روی نیروهای خودی اجرای آتش می‌کرد، با تلاش مداوم تانک‌های خودی و اجرای آتش روی آنها از کار انداخته شده و همین امر سبب گردید عبور نیروها به سهولت انجام شود

۱۳۶۴/۱۱/۲۳، با آتش سنگین توپخانه و شلیک تانک به همراه نیروهای پیاده تیپ کماندویی سپاه ۷ اقدام به پاتک کردند. در این پاتک که به درگیری‌های تن به تن نیز انجامید و در طول آن طرفین اقدام به پرتاب نارنجک، شلیک تیر کلاشینکف و... کردند، مقاومت نیروی پیاده خودی و آتش ضدآتشبار توپخانه و ادوات برای چندمین بار پاتک قوای عراقی را ناکام گذاشت و آنان را به عقب راند. دشمن که از این پاتک سنگین و نبرد نزدیک نتیجه نگرفته بود، سنگرهای تعجیلی نیروهای خودی را زیر آتش سنگین توپخانه و تانک قرار داد تا با از بین بردن سنگرها و جان‌پناه‌های

نیروهای خودی به مواضع آنها رخنه کرده، منطقه تصرف شده را بازپس گیرد، اما این ترفند که تا ساعت ۰۴:۰۰ بامداد طول کشید، نتیجه مورد انتظار را در پی نداشت.

نیروهای ارتش عراق در تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۲۴، یعنی صبح روز چهارم عملیات نیز پاتک دیگری را اجرا کردند. این بار، همه فشار دشمن و آتش گسترده‌اش به همراه نیروهای پیاده تیپ کماندویی سپاه ۶ روی نخلستان کنار رودخانه اروند، مقابل مواضع پدافندی گردان امام حسین^(ع)

تمرکز یافت و اما بار دیگر آتش سنگین توپخانه و ادوات خودی دشمن را مجبور به عقب‌نشینی کرد. پس از چند روز وقفه در اجرای پاتک، نیروهای ارتش عراق که قصد بازپس‌گیری منطقه عملیاتی و پیشروی در خطوط پدافندی نیروهای تیپ ۴۴ قمر بنی‌هاشم^(ع) را داشتند، در تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۲۸ ساعت ۱۵:۳۰ بعدازظهر، همه قدرت آتش خود را در محور میانی - که وظیفه پدافند از آن به عهده لشکر فجر گذاشته شده بود - متمرکز کردند. نیروهای گردان امام حسین^(ع) با مشاهده این وضعیت، برای کمک به محل اعزام شدند. این

هوا، پاتک‌های دشمن نیز آغاز می‌شود. صبح روز ۱۳۶۴/۱۱/۲۱، نیروهای عراقی مستقر در منطقه عملیاتی تیپ ۴۴ قمر بنی‌هاشم^(ع)، اولین پاتک خود را با تعداد معدودی تانک در مقابل خط پدافندی تیپ آغاز کردند. اقدام دشمن در اعزام ورود تعداد اندکی تانک به منطقه ناشی از این برداشت بود که بازپس‌گیری منطقه با فشار اندک میسر خواهد شد، اما مقاومت نیروهای خودی نه تنها پاتک دشمن را ناکام گذاشت، بلکه چندین تانک دشمن منهدم و یک تانک نیز به غنیمت گرفته شد.

بعدازظهر این روز، دومین پاتک دشمن با تجهیزات و نفرات بیشتر آغاز شد. در ساعت ۱۷:۰۰ بعدازظهر، ابتدا واحد زرهی دشمن مرکب از ۳۰ دستگاه تانک و باقیمانده نیروهای پیاده تیپ ۱۱۰، از انتهای نخلستان و دومین دژ پاتک کرد، اما مقاومت و آتش توپخانه خودی سازمان دشمن را که در حال پیشروی بود برهم زد و آنها را به عقب راند.

روز دوم (۱۳۶۴/۱۱/۲۲)، پس از ناکامی پاتک‌های روز نخست، دشمن بار دیگر اقدام به پاتک کرد. حوالی ساعت ۰۶:۰۰ صبح، نیروهای زرهی دشمن، به استعداد ۳۰ تانک به پاتک پرداختند. براساس اطلاعات به دست آمده از واحد استراق‌سمع، نیروهای عراقی دستور داشتند از دور روی مواضع تیپ ۴۴ اجرای آتش کنند و تمرکز آنها روی محور میانی خط پدافندی و نزدیک جاده فاو - البحرار باشد. این اجرای آتش حدود ۲ ساعت طول کشید.

در طول روز، دشمن پاتک دیگری اجرا کرد. در ساعت ۱۵:۳۰ بعدازظهر، نیروی مرکب از ۴۷ تانک با پشتیبانی آتش توپخانه و نیروهای پیاده تیپ ۴۱۴ در حد یک گروهان به سوی مواضع پدافندی تیپ قمر بنی‌هاشم^(ع) اقدام به پیشروی کردند. بیشترین فشار حملات دشمن در این پاتک باز هم روی خط میانی (خط حد گردان یا زهرا^(س)) متمرکز شده بود. نیروهای خودی برای مقابله با دشمن، با هماهنگی دیدبانی، آتش توپخانه را روی نیروهای پاتک‌کننده متمرکز کرده، دشمن را مجبور به عقب‌نشینی کردند.

پاتک‌های دشمن در روزهای سوم و چهارم نیز ادامه یافت. نیروهای عراقی حوالی ساعت ۰۳:۰۰ بامداد

مأموریت تیپ ۴۴ اجرای آتش روی عقبه‌ها، مراکز تجمع، قرارگاه‌ها و توپخانه دشمن بود.

منطقه دشمن به تیپ قمر بنی هاشم^(ع) محول شد،^(۴۲) اما چند روز بعد، در تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۲۹ تیپ قمر بنی هاشم^(ع) که بر اثر پاتک‌های شدید دشمن با کمبود نیرو به خصوص کادر فرماندهی مواجه شده بود، خط پدافندی خود را به لشکر ۵ نصر تحویل داد و برای بازسازی و کسب آمادگی برای ادامه عملیات به عقب بازگشت.^(۴۳) زاهدی فرمانده تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم^(ع) در حالی که در روزهای اخیر تعداد زیادی از نیروها به‌ویژه کادرهای لشکر را از دست داده بود، پس از بازگشت به عقب اظهار کرد: «ما باید خودمان را با هر توانی که داریم آماده کنیم؛ البته، باید در نظر داشت که وضعیت واحدها و گردان‌ها با آن تلفاتی که داده مشخص می‌باشد. ما نمی‌خواهیم که با ۶ یا ۵ گردان آماده بشویم و هر اندازه که بتوانیم در ۲۴ الی ۴۸ ساعت خودمان را آماده می‌کنیم، در حد یک گردان، دو گردان، هر چه شد و کادر گردان‌ها و واحدهایی که سالم هستند، مسئولیت‌ها را مشخص می‌کنیم. اولین یگانی که در منطقه برای بازسازی آزاد شده فقط ما هستیم و اگر ما در حد یک گردان [بودیم] که دست نخورده بود، به‌هیچ‌وجه خط را تحویل نمی‌دادیم و حتما خودمان را در خط نگه می‌داشتیم.»^(۴۴) فرمانده تیپ در حالی این سخنان را بیان می‌کرد که فرمانده کل سپاه در

نیروها با هماهنگی دیدبانی و توپخانه خودی، روی نیروهای پاتک‌کننده اجرای آتش کردند که بر اثر آتش توپخانه در همان لحظات اولیه، تعدادی از تانک‌های دشمن به آتش کشیده شد. در چنین وضعیتی، مسئول محور (برادر شاه‌مراد) از پشت بی‌سیم فریاد الله اکبر سر می‌داد و می‌گفت «بزنید، همه آنها عقب‌نشینی کردند. شلیک کنید. الله اکبر، الله اکبر»

در روزهای پنجم، ششم و هفتم عملیات، پاتک‌های دیگری با روش‌های فوق با استفاده از نیروهای پیاده تیپ کماندویی سپاه سوم عراق، تیپ ۵۶۸ و تیپ کماندویی سپاه چهارم انجام شد که قدرت آتش و ادوات و توپخانه خودی مانع موفقیت آنها شدند.

در هفته دوم عملیات نیز در منطقه عملیاتی تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم^(ع)، دشمن با تیپ ۲۹ مکانیزه لشکر ۶ و تیپ ۱۹ پیاده و تیپ ۶۰۱ پیاده پاتک‌های ناموفقی را انجام داد که موفقیت چندانی برای او به‌همراه نداشت.^(۴۱)

تلاش برای بازسازی یگان و استمرار پدافند

در جلسه‌ای که در تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۲۵ در قرارگاه کربلا برگزار شد، پدافند از رودخانه اروند تا سیل‌بند اول در



شلیک ضد هوایی برای دفع حملات هواپیماهای عراقی در منطقه عملیاتی والفجر ۸.

حدود ۳ قبضه خمپاره ۶۰ م.م، ۳ قبضه تیربار ۱۴/۵، یک قبضه مینی کاتیوشا و ۳ دستگاه پی.ام.پی، ۳ دستگاه تانک تی ۷۲ و تی ۵۵، ۴ قبضه خمپاره ۱۲۰ م.م، ۴ قبضه خمپاره ۸۱ م.م و ۲ قبضه توپ ۱۲۲ م.م که زیر نظر قرارگاه کربلا اجرای آتش می‌کردند.

این یگان از نظر خط پدافندی در وضعیت خوبی به سر می‌برد و وظایف محول شده را به خوبی انجام می‌داد. از جمله فعالیت‌هایی که نیروهای تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم^(ع) در هنگام پدافند انجام دادند، دوجداره کردن خاکریز، سنگ‌سازی و مین‌گذاری در جلوی خط ذکر شده بود.^(۴۸)

جمع‌بندی

در مجموع، تیپ قمر بنی هاشم^(ع) یکی از موفق‌ترین یگان‌ها در محور عملیاتی خود بود. هرچند این یگان - همان‌گونه که در صفحات پیشین اشاره شد - در شب اول عملیات، با مشکل عبور نیروی انسانی مواجه بود، در مرحله اول و در همان شب، موفق شد با ۳ گردان، ۱۰۰ درصد اهداف ازپیش تعیین شده را تصرف کند.

در ادامه عملیات نیز این یگان با همین گردان‌های عمل‌کننده، به

اضافه ۳ گردان دیگر که به عنوان احتیاط در نظر گرفته شده بودند، در محور خود تا ۱۲ روز در مقابل پاتک‌های سنگین دشمن مقاومت کرد تا اینکه خط پدافندی تثبیت شد.

تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم^(ع) در طول عملیات، غنائم بسیاری به دست آورد که از جمله آنها می‌توان به یک دستگاه تانک و چند قبضه ضد هوایی چهارلول و تکلول با مهمات بسیار اشاره کرد.^(۴۹)

از نیروهای تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم^(ع) در کل عملیات والفجر ۸، ۲۱۴ نفر شهید، ۱۲۴۸ نفر مجروح، ۱ نفر اسیر و ۳ نفر مجروح شدند.^(۵۰)

نامه‌ای به برادر زاهدی اعلام کرد: «به دنبال تأکیدات گذشته مبنی بر بازسازی یگان ابلاغ می‌شود آن یگان موظف است تعداد ۳ گردان تا تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۳۰ آماده انجام مأموریت داشته باشد.»^(۴۵) درخصوص این ابلاغ فرماندهی سپاه، برادر شاهمراد می‌گوید: «جلسه‌ای در قرارگاه خدمت برادر محسن بودیم و ایشان خیلی تأکید می‌کرد که باید ما در منطقه حضور داشته باشیم و این قدر جدی حرف می‌زد که گفت اگر کلیه مسئولین واحد و گردان‌ها بیایند در خط و ایستادگی کنند در حد یک گردان یا یک دسته هم بشود کافی است، چون که ما به شماها یک اطمینان زیادی داریم و می‌دانیم که می‌توانید با آن همه فشار دشمن در خط مقاومت کنید. اگر در حفظ اینجا کوشا نباشیم دیگر نمی‌توانیم نیرویی به منطقه بیاوریم و خبری از راهیان کربلا و قدس نمی‌باشد.»^(۴۶)

به هر تقدیر، در ادامه بحث و بررسی برای کسب آمادگی و تحویل خط پدافندی به منظور ادامه عملیات، جلسه‌ای در ساختمان انرژی اتمی (در آبادان) با حضور همه فرماندهان گردان‌های باقی‌مانده و واحدها برگزار شد. در این جلسه برادر زاهدی ضمن تأکید بر ضرورت داشتن خط پدافندی گفت: «ما باید حتماً یک الی دو کیلومتر خط را در منطقه تحویل بگیریم.» در پایان جلسه مقرر شد گردان یا زهر^(س) با ۲۱۰ نفر نیرو در خط پدافندی قرار گیرد. گردان امام سجاده^(ع) با ۹۰ نفر نیرو در احتیاط گردان اول باشد و گردان امام حسین^(ع) نیز با ۱۲۰ نفر نیرو در مقر چهارده معصوم واقع در جاده اهواز - آبادان مستقر و آماده باشد.^(۴۷)

تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم^(ع) بعد از انتقال به انرژی اتمی و تجدید سازمان و پذیرش تشکیل گردان برای ادامه پدافند، بار دیگر نیروهای خود را در تاریخ ۱۳۶۴/۱۲/۲ به منطقه منتقل کرد و در همان محدوده خط پدافندی قبلی حدود ۸۰۰ متر و ۲۰۰ متر هم از جناح رودخانه را مورد پوشش قرار داد.

سلاح‌هایی که تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم^(ع) در محدوده خط پدافندی مستقر کرده بود عبارت بودند از: ۲ قبضه تیربار ۱۴/۵، یک قبضه آر.پی.جی ۱۱، یک قبضه تفنگ ۱۰۶ م.م و ۶ قبضه خمپاره ۶۰ م.م. در شرق اروندرود نیز در

با وجود همه تلاش‌های فرمانده تیپ برای حل مشکل کمبود فایده‌ها، این موضوع همچنان اصلی‌ترین مشکل عملیات بود

گزارش نبرد لشکر ۴۴ قمر بنی هاشم (س)
در عملیات والفجر ۸



عملکرد تویخانه در عملیات والفجر ۸

سرتیب یاسدار یعقوب زهدی*

عملیات والفجر ۸ در بیستم بهمن‌ماه ۱۳۶۴ در منطقه عملیاتی اروندرود اجرا شد و به فتح شهر و شبه جزیره فاو انجامید و ارتباط عراق را با خلیج فارس به‌طور کامل قطع کرد. این عملیات به دلیل عبور یگان‌های عمده رزمی از رودخانه پهنارو اروند، در نوع خود بی‌نظیر بود و موجب شگفتی تحلیل‌گران نظامی شد. این موفقیت عظیم حاصل ماه‌ها کار و تلاش در زمینه‌های گوناگون تخصصی مانند اطلاعات عملیات، مهندسی، توپخانه، مخابرات، بهداری و... بود که به دلیل اهمیت تعیین‌کننده اصل غافلگیری، در خفا و با رعایت کامل اصول حفاظتی انجام می‌شد. طرح‌ریزی مبتکرانه و خلاقانه این عملیات متکی به بررسی دقیق منطقه و تجربیات حاصل از عملیات‌های گذشته به‌خصوص عملیات‌های آبی - خاکی مثل خیبر و بدر بود. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طرح‌ریزی و هدایت عملیات را به‌عهده داشت. توپخانه سپاه نیز طرح‌ریزی و هدایت آتش پشتیبانی از عملیات را با به‌کارگیری ۱۷ گردان توپخانه سازمانی و ۱۵ گردان توپخانه مأمور از ارتش انجام می‌داد. در طرح مانور، به‌منظور ایجاد فرصت و فراهم کردن چتر آتش عبور یگان‌های مانوری اتکای زیادی به توپخانه بود، طوری‌که فرمانده عملیات (برادر محسن رضایی) سه روز اول عملیات را متعلق به توپخانه می‌دانست. از سوی دیگر، وضعیت زمین دشمن و شکل و امتداد جاده‌های عقبه نیروهای پاتک‌کننده امکان زیر آتش قراردادن عمق دشمن و انهدام یگان‌های درحال حرکت از بصره به فاو را برای توپخانه خودی ایجاد کرده بود. فرماندهان و طراحان آتش توپخانه سپاه با حداکثر استفاده از موقعیت به‌دست‌آمده و بهره‌گیری مبتکرانه از مقدرات موجود توانستند با انهدام و اختلال در حرکات یگان‌های دشمن ضمن وارد آوردن تلفات سنگین از ده روز عملیات آفندی و هفتادوپنج روز عملیات پدافندی نیروهای خودی پشتیبانی کنند طوری‌که تحلیل‌گران نظامی به‌اتفاق، توپخانه را یکی از ارکان موفقیت عملیات والفجر ۸ می‌دانند.

واژه‌های کلیدی: عملیات والفجر ۸، منطقه فاو، جاده استراتژیک فاو-بصره، توپخانه سپاه، انهدام لشکر گارد، حسن: شفعه زاده.

چکیده

مقدمه

آگاهی و بهره‌برداری نسل حاضر و آیندگان می‌باشد.

رزمندگان اسلام در عملیات افتخارآفرین و پیروزمندانه والفجر، با عبور از مانع آبی گستردهٔ ارون‌درو، که در باور صاحب‌نظران نظامی غیرممکن می‌نمود، و فتح شبه جزیرهٔ فاو، اوج بلوغ نظامی خود را به نمایش گذاشتند و این درحالی بود که دشمن بعضی از نظر تعداد نفرات و تسلیحات و تجهیزات دارای برتری بود.

مطالعه کتب و مقالات و بررسی سخنان فرماندهان عملیات فتح فاو نشان‌دهنده این حقیقت می‌باشد که سه عامل نقش سر نوشت‌سازی در موفقیت این عملیات داشتند

تجربیات نظامی و تخصصی دفاع مقدس بخشی از دستاوردهای ارزشمند و گران قیمتی است که حاصل تلاش و مجاهدت رزمندگان و ایثارگران در عرصه‌های مختلف رزمی و عملیاتی می‌باشد. مطالعه و تدوین این تجربیات، تکلیف و رسالتی است که بر دوش مراکز پژوهشی و آموزشی و رزمندگانی قرار دارد که در آن عرصه‌ها حضور داشتند. بررسی و تجزیه و تحلیل ابعاد تاکتیکی و تکنیکی و تخصصی عملیات‌های دفاع مقدس و تنظیم و مستندسازی آنها گامی بلند در ماندگارسازی این گنجینه عظیم برای

* جانشین تو یخانه سیاه یاسداران در عملیات والفجر ۸



توپ ضد هوایی ۵۷ م.م در میان نخلستان - اسفند ماه ۱۳۶۴ منطقه عملیاتی والفجر ۸

که عبارت‌اند از:

۱. غافلگیری دشمن. ۲. عبور از اروندرود. ۳. آتش پشتیبانی.

به عبارت دیگر، هر کدام از این سه عامل با مشکل مواجه می‌شد قطعاً ناکامی عملیات را در پی داشت.

طرح ریزی و هدایت آتش پشتیبانی این عملیات به وسیله توپخانه سپاه انجام شد. توپخانه سپاه در سال دوم جنگ متعاقب پیروزی‌های درخشان در عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس و به دست آمدن قریب ۲۰۰ قبضه توپ غنیمتی از دشمن بعثی، با تلاش افراد خلاق و دوراندیشی چون شهید حسن تهرانی مقدم و شهید حسن شفیع‌زاده و... بنیان‌گذاری شد. توپخانه سپاه مراحل رشد و شکل‌گیری خود را در کنار توپخانه ارتش در عملیات‌های مشترک ارتش و سپاه، از جمله رمضان، مسلم‌بن‌عقیل، محرم، والفجرهای مقدماتی، ۱، ۲، ۳ و ۴ طی کرد و از عملیات خیبر تشکیل مرکز تطبیق آتش و هدایت آتش توپخانه را به‌طور مستقل تجربه نمود.

وضعیت و موقعیت منطقه عملیات

زمین منطقه عملیات والفجر ۸ شامل شبه جزیره فاو می‌شد که بین رودخانه اروندرود واقع در جنوب استان خوزستان و خلیج فارس و خور عبدالله در کنار مرز کشور کویت قرار گرفته است. این سرزمین تحت تأثیر جزرومد آب خلیج فارس و رطوبت دائم حاصل از آن و نیز نهرهای منشعب از اروندرود قرار داشت. به همین دلیل، قسمت عمده‌ای از زمین منطقه

تأسیس مرکز آموزش توپخانه در اصفهان و بهره‌گیری از برادران پاسداری که دوره عالی توپخانه را در دانشکده توپخانه ارتش گذرانده بودند، سبب شد که در فاصله حدود دو ساله بین عملیات خیبر تا والفجر ۸، کادرهای توپخانه سپاه در گروه‌های توپخانه و توپخانه‌های لشکری در حال تشکیل، آموزش‌های لازم را طی کنند.

طراحی آتش پشتیبانی علاوه بر فن، مستلزم تسلط به

می پذیرفت، به طور متوسط به ۸ متر می رسید، طوری که امکان کشتیرانی در آن را فراهم می آورد. گفتنی است که کشتی های تا ۳۰ هزار تن قبل از آغاز جنگ در اروندرود تردد می کردند، ولی به دلیل بروز جنگ، سال ها بود که در این رودخانه کشتیرانی انجام نشده و چون لای رویی هم نشده بود، تردد کشتی ها در آن، مستلزم آب نگاری جدید بود، اما در عین حال برای عبور یک کشتی های سبک و بارج های باربری و نیز لنج های محلی به شرطی که ناخدای آنها آشنا به وضع رودخانه می بود، مشکلی ایجاد نمی کرد. عرض این رودخانه در منطقه مورد نظر برای عملیات، بین ۶۰۰ تا بیش از ۱۰۰۰ متر بود و پل زدن روی آن، شرایط ویژه ای را می طلبید. جزرومد، ۴ بار در رودخانه اروند و نهر های منشعب از آن اتفاق می افتاد. بررسی وضعیت دقیق جزرومد برای عملیات بسیار ضروری بود. هنگام مد رودخانه، همه نهر ها و نخلستان ها پر از آب می شد که این وضعیت حدود ۶ ساعت ادامه داشت، ولی زمان جزر، همه نهر ها خشک شده، عبور قایق از آنها ممکن نبود. در ساحل رودخانه، پوششی از چولان (بوت های بلند) و نیزار وجود داشت. ارتفاع چولان ها به حداکثر ۱/۵ متر و ارتفاع نی ها به ۳ تا ۴ متر می رسید، به گونه ای که رزمندگان به راحتی می توانستند در میان آنها مخفی شوند، ولی همین امر از گسترش یگان های مانوری در فضای آنها جلوگیری می کرد. همچنین، نخلستان های بزرگی در دو طرف ساحل اروندرود در سمت خودی و دشمن وجود داشت که عمق آن بین ۲ تا ۵ کیلومتر متغیر بود و زمین اطراف آن نخلستان ها نیز اغلب سست و نامناسب برای تردد واحدهای رزمی بود. این نخلستان ها زمین منطقه عملیات را به دو قسمت مجزا، استتار شده و بدون پوشش تقسیم می کرد و برای یگان های رزمی محدودیت فراوانی را به وجود می آورد. از این پوشش گیاهی جهت استتار و اختفای نیروهای خودی استفاده می شد، ولی از دو روز مانده به عملیات، نیزارهای کنار اروندرود خوابانده شد تا امکان دید روی مواضع دشمن افزایش یابد و فضا برای نیروهای خودی آماده شود.

بر آورد استعداد قوای دشمن در منطقه عملیاتی

منطقه عملیاتی والفجر ۸، در حوزه استحفاظی سپاه هفتم ارتش بعثی قرار داشت. مسئولیت این سپاه از منطقه ابوالخصیب در جنوب شهر بصره تا رأس البیشه در دهانه اروندرود تعیین

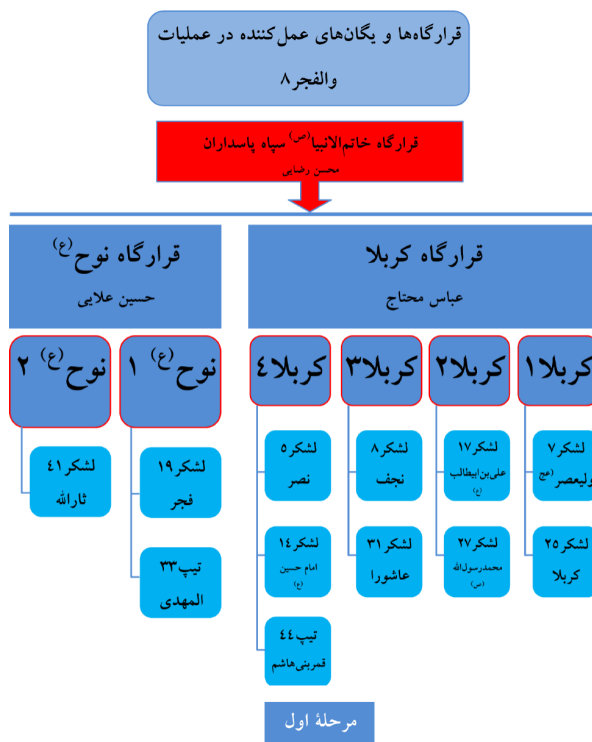
عملیات، باتلاقی، نمکزار و سست بود و در نتیجه برای تردد خودروها و نیز تانک ها و نفربرها و حرکت ستون های زرهی و نیز مانور یگان های پاتک کننده دشمن مناسب نبود. بخش دیگری از زمین منطقه عملیات، پوشیده از نخلستان و نهرهایی بود که نخل های موجود در کنار ساحل را آبیاری می کردند. بنابراین، تردد خودروهای رزمی و زرهی منحصراً از طریق سه جاده اصلی آسفالتی؛ جاده ساحلی رأس البیشه به ام القصر، جاده بصره - فاو به نام البحار و جاده استراتژیک فاو انجام می شد و سایر نقاط برای تردد خودروها و ادوات جنگی و حتی برای رفت و آمد نفرات پیاده، مناسب نبودند و امکان گسترش یگان های رزمی زیاد، به دلیل وضع موجود و عواض زمین، وجود نداشت. از طرفی، تراکم بیش از حد یگان های نظامی در این منطقه موجب آسیب پذیری آنها می شد. بنابراین، زمین منطقه عملیات، یکی از سرزمین های پیچیده جنگی و عملیاتی در آن زمان محسوب می شد، طوری که شامل انواع عوارض طبیعی از جمله رودخانه، نهر، نخلستان، باتلاق، چولان، جاده، روستا، شهر، ساحل، نمکزار، دشت، اسکله و بندرگاه می شد.

برای طراحی عملیات در این منطقه، علاوه بر آنکه باید توانایی ها و شیوه گسترش و آرایش دفاعی دشمن در نظر گرفته می شد، جنگ با عوارض طبیعی زمین نیز بایستی مورد توجه قرار می گرفت؛ عوارضی مانند رودخانه، نهر، نخلستان، باتلاق و همچنین طرح ریزان عملیات، لازم بود تا جنگ با عوارض مصنوعی ایجاد شده در زمین را هم مدنظر قرار می دادند؛ عوارضی مانند انواع موانع، سیم خاردار، میله های خورشیدی شکل و میدان های مین مختلف با مین های متنوع و از سوی دیگر، از آنجا که مهم ترین موضوع پس از شکستن خط مقدم دشمن و تصرف منطقه عملیاتی و رسیدن به اهداف مورد نظر، انتخاب منطقه ای مناسب برای تشکیل خط دفاعی مطمئن جهت مقابله با پاتک های وسیع دشمن بود، در طرح ریزی عملیات باید در گزینش منطقه پدافندی، دقت زیادی به خرج داده می شد تا با استفاده از حداکثر عوارض طبیعی زمین، مثل دریاچه نمک و نیز با ایجاد خاکریزهای مناسب، بتوان منطقه تصرف شده را برای مدت معینی حفظ کرد.

وضعیت رودخانه اروند و ساحل آن

عمق آب رودخانه اروند، که از دریای خلیج فارس تأثیر

عملکرد تویخانه در عملیات والفجر ۸



گروه توپخانه ۶۳ خاتم الانبیا (ص)

مأموریت عقبه دشمن

ارتش

سپاه پاسداران

۲ گردان ۱۵۵ خودکشی
۲ گردان ۱۳۰ م.م.
یک آتشبار کاتیوشایک گردان ۱۳۰ م.م.
یک آتشبار کاتیوشا

جمع:

۵ گردان توپخانه
یک گردان (۱ -) کاتیوشا

در مرحله چهارم نیز همه یگان‌ها برای اجرای عملیات و مقابله با پاتک‌های دشمن مدنظر بودند.

توپخانه

توجیه مأموریت و بررسی منطقه عملیات

در اواسط تابستان ۱۳۶۴، حسن شفیع‌زاده (شهید) فرمانده توپخانه سپاه، و نگارنده جانشین توپخانه سپاه، توسط فرمانده کل سپاه درخصوص عملیات فاو توجیه شدیم و بلافاصله بررسی منطقه عملیات را در وهله اول روی نقشه و عکس‌های هوایی موجود و سپس روی زمین آغاز کردیم. در ادامه، وضعیت جو و زمین و دشمن از نظر مقدرات و محدودیت‌ها به‌منظور استفاده از توپخانه مورد ارزیابی قرار گرفت. و جمع‌بندی زیر حاصل شد:

۱. در فصل زمستان، آب و گل زمین‌های دو سوی اروندرود را فرامی‌گیرد و امکان تردد وسایل ترابری و اجرای مانور زرهی وجود ندارد. حرکت ستون‌های دشمن نیز محدود به جاده‌ها می‌باشد.
۲. به‌دلیل فوق، یگان‌های توپخانه نیز برای استقرار، نیاز به زیرسازی و شن‌ریزی (پدسازی) دارند.

مرحله بندی عملیات

مرحله اول: عبور از رودخانه اروند و شکستن خط اول دشمن و پاک‌سازی سرپل به‌دست آمده از عناصر دشمن با کمک نیروهای ویژه غواص.

مرحله دوم: تصرف شهر بندری فاو؛ رسیدن به خور عبدالله و استقرار در پایگاه دوم موشکی در شمال غربی شهر.

مرحله سوم: پیشروی یگان‌های خط‌شکن و یگان‌های دنبال پشتیبان تا ابتدای کارخانه نمک و تشکیل خط دفاعی به موازات این منطقه از ساحل اروندرود تا خور عبدالله.

مرحله چهارم: رسیدن به انتهای کارخانه نمک و کانال انتهای آن واقع در جاده ام‌القصر تا ساحل رودخانه اروند.

مأموریت مرحله اول و عبور از اروندرود برعهده لشکرهای ۷ ولی عصر (عج)، ۵ نصر، ۴۱ ثارالله (ع)، ۱۹ فجر، ۳۱ عاشورا، ۲۵ کربلا، ۱۴ امام حسین (ع) و تیپ‌های ۴۴ قمر بنی‌هاشم (ع) و ۳۳ المهدی (عج) گذاشته شد.

در مرحله دوم، لشکرهای ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) و ۱۷ علی بن ابیطالب (ع) نیز اضافه شدند.

در مرحله سوم، لشکرهای ۸ نجف و ۳۱ عاشورا نیز برای کمک به سایر یگان‌ها انتخاب شدند.

ردیف	نام یگان	کالیبر	تابعیت	تعداد قبضه
۱	گردان ۳۹۴	۱۳۰ م.م.	لشکر ۱۶	۱۰
۲	گردان ۳۱۳	۱۵۵ م.م.	لشکر ۲۱	۶
۳	گردان ۳۲۷	۱۰۵ م.م.	لشکر ۲۱	۱۰
۴	گردان ۳۳۶	۱۳۰ م.م.	لشکر ۳۰	۸
۵	گردان ۳۱۶	۱۵۵ م.م.	لشکر ۷۷	۱۲
۶	گردان ۳۸۳	۱۳۰ م.م.	لشکر ۷۷	۱۰
۷	گردان ۸۵۰	۲۰۳ م.م.	لشکر ۷۷	۹
۸	گردان ۳۱۷	۱۵۵ م.م.خ.ک	لشکر ۸۱	۱۳
۹	گردان ۳۴۰	۱۵۵ م.م.خ.ک	لشکر ۸۱	۹
۱۰	گردان ۳۱۲	۱۵۵ م.م.خ.ک	لشکر ۹۲	۱۶
۱۱	گردان ۳۵۲	۱۰۵ م.م.	تیپ هواپرد	۱۴
۱۲	گردان ۳۳۳	۱۳۰ م.م.	گروه ۲۲	۹
۱۳	گردان ۳۴۱	۱۳۰ م.م.	گروه ۲۲	۹
۱۴	گردان ۳۴۳	۱۳۰ م.م.	گروه ۳۳	۱۳
۱۵	گردان ۳۷۲	کاتیوشا	گروه ۳۳	۱۰

جدول یگان‌های توپخانه مأمور از ارتش در عملیات والفجر ۸

یگان‌های پاتک‌کننده قبل از اخذ تماس با نیروهای خودی شایستگی رزمی خود را از دست بدهند.

۳. توپخانه بایستی یک جنگ مجزا و خارج از خط حد قرارگاه‌های عمل‌کننده (خسروآباد تا آبادان) با دشمن طراحی کند و برای این منظور، باید استعداد توپخانه برآورد شود تا با دیده‌بانی از دکل‌های مستقر در نخلستان حاشیهٔ اروند با دقت لازم این مأموریت را انجام دهد.

۴. توپخانه برای استقرار نیاز به مواضع وسیع با حجم عملیات خاکی زیاد دارد و این امر موجب کشف‌شدن عملیات می‌شود. قابلیت کاربرد گستردهٔ توپخانه در مقابل محدودیت احداث مواضع، پارادوکسی را ایجاد کرده بود که حل آن نیاز به فکر و ابتکار داشت.

۵. عملیات متکی به اصل غافلگیری بوده و هر اقدامی که موجب ازبین‌رفتن آن شود اجرای عملیات را غیرممکن خواهد ساخت.

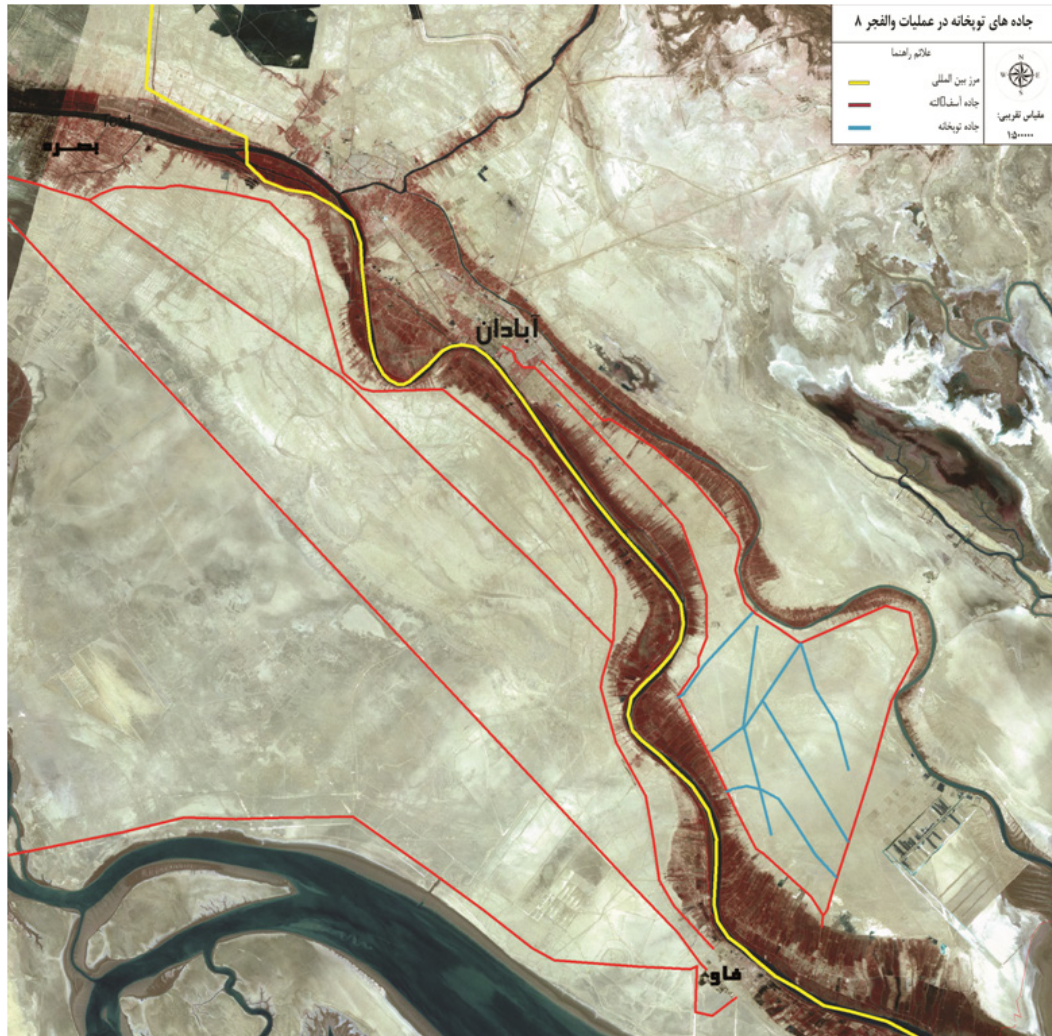
۶. آسیب‌پذیری یگان‌های توپخانه در برابر تک‌های هوایی و شیمیایی گستردهٔ دشمن متصور می‌باشد؛ بنابراین،

آواکس عربستان و اطلاعات ماهواره‌ای امریکا پیوسته تحت مراقبت بود و کوچکترین تحرک نظامی و تغییرات روی زمین می‌توانست موجب کشف عملیات شود.

تجزیه و تحلیل عملیاتی

۱. عملیات عبور از رودخانه آن هم رودخانهٔ عریضی مانند اروندرود نیاز به پشتیبانی آتش انبوه و مستمر دارد، چنان‌که محسن رضایی، فرمانده کل سپاه، در همان ابتدا تأکید کرد: «سه روز اول عملیات متعلق به توپخانه است.» یعنی تا برقراری ارتباط زمینی برای عبور عمده‌قوای مانوری و تجهیزات سنگین به‌منظور آمادگی برای نبرد کامل در آن‌سوی اروندرود، بایستی آتش توپخانه، پیشروی دشمن را سد و مانور او را خنثی کرده، فرصت لازم را برای عبور فراهم کند.

۲. باتوجه‌به اینکه بخش عمدهٔ منطقهٔ مانور دشمن و محورهای مواصلاتی او در قطاع آتش توپخانهٔ خودی قرار گرفته، لذا بیشترین انهدام و تلفات را می‌توان وارد کرد تا



نقشه جاده‌های واحد توپخانه در عملیات والفجر ۸

برآورد اولیه، ۵۲ گردان توپخانه بود که با بحث‌هایی که در حضور فرماندهی انجام شد، به ۴۵ گردان تقلیل یافت و باتوجه به اینکه موجودی توپخانه سپاه ۱۷ گردان بود، درخواستی مبنی بر ۳۰ گردان تنظیم و به قرارگاه خاتم‌الانبیا (ص) ارسال شد که پس از برگزاری جلسات در آن قرارگاه و بحث‌های کارشناسی با حضور برادران متخصص ارتشی در نهایت مقرر گردید ۱۵ گردان از توپخانه ارتش برای اجرای این عملیات به سپاه مأمور شوند و تحت امر و با طرح‌ریزی آتش توپخانه سپاه اجرای مأموریت کنند.

استحکامات مناسب و پدافند شیمیایی لازم است. ۷. چون سپاه مسئول طرح‌ریزی و هدایت این عملیات بود، بایستی توپخانه سپاه نیز عهده‌دار طرح‌ریزی آتش و هدایت یگان‌های توپخانه سازمانی و مأمور از ارتش می‌شد.

برآورد توپخانه و مهمات

قبل از هر اقدامی بایستی یگان‌های توپخانه و مهمات موردنیاز برآورد می‌شد تا فرصت کافی برای تأمین آنها و اجرای عملیات مهندسی برای احداث مواضع و تهیه استحکامات وجود داشته باشد.

بر آورد اولیه توپخانه ومهمات

طرح احداث مواضع توپخانه

برای آماده کردن مواضع توپخانه با حجم و وسعت زیاد و باتوجه به ملاحظات حفاظتی برای رعایت اصل غافلگیری، تدابیر زیر اتخاذ شد:

۱. مسئولان یگان های توپخانه تا آستانه زمان عملیات به منطقه توجیه و وارد نشدند و همه امور شناسایی، طراحی و نظارت بر احداث مواضع و استحکامات توپخانه را چند نفر محدود از فرماندهان توپخانه انجام دادند.

۲. مواضع توپخانه به شکل جاده با عرض ۳۰ متر و به موازات اروندرود در دو رده احداث و در شانه طرف دشمن، جاده خاکریز سراسری به ارتفاع ۳ متر ایجاد شد. که در شب عملیات با اختصاص یک لودر به هر گردان در زمان کوتاهی تکمیل و آماده شد.

۳. در نخلستان های حاشیه دو سوی رودخانه بهمنشیر پدهایی با ابعاد ۲۰ در ۲۰۰ متر با خاکریز جانبی برای موضع هر آتشبار احداث شد که جهت اجرای آتش روی عقبه دشمن مأموریت داشتند.

۴. اقدامات فوق شامل احداث ۳۰ کیلومتر جاده توپخانه و ترمیم و تعریض ۱۵ کیلومتر دیگر و احداث ۲۰ پد توپخانه می شد که با تلاش یگان های مهندسی سپاه و واحدهای مهندسی جهاد سازندگی ظرف مدت حدود چهار ماه ساخته شد.

۵. به موازات احداث مواضع، برای سنگر نفرات نیز سوله هایی با ابعاد ۲ در ۶ متر از پروفیل قوطی و پوشش تخته ای که به سرعت و سهولت قابل نصب بود طراحی و ۱۵۰۰ عدد آن به جهاد سازندگی سفارش داده شد.

۶. یک ماه مانده به آغاز عملیات، فرماندهان گردان های گروه ۱۵ خرداد به همراه ۵۰ نفر بسیجی وارد منطقه شدند و با کار شبانه، سوله های مذکور را با فاصله معینی در زیر خاکریز جانبی جاده های توپخانه تعبیه کردند، طوری که عکس برداری روزانه دشمن امکان تشخیص سنگرها را در نمای عمودی از خاکریزها نداشت. گفتنی است که این افراد قرنطینه بودند و تا

آغاز عملیات اجازه خروج از جزیره آبادان را نداشتند. در تصویر ماهواره ای ارائه شده، مرز با رنگ زرد و جاده با رنگ قرمز و جاده توپخانه با رنگ آبی مشخص شده است.

عملیات پوشش و فریب

یکی از اقدامات مهم و مؤثر حفاظتی، اجرای عملیات فریب است. برای این منظور منطقه عملیاتی هورالهویزه انتخاب شده بود. باتوجه به اینکه توپخانه از عوامل شاخص اجرای عملیات است، لذا اقدامات زیر انجام شد.

- همه یگان های توپخانه مأمور از ارتش برای موضع انتظار به منطقه جفیر منتقل و در آنجا مستقر شدند.

- سکوهایی که ستاد فوریت های جنگ حین عملیات بدر برای استقرار توپخانه در هور ساخته بود، به منطقه نزدیک هور منتقل شدند.

- دکل های دیده بانی در آن منطقه احداث گردید.

- یگان های توپخانه ستون کشی های شبانه را انجام دادند.

- برخی یگان های توپخانه اقدام به ثبت تیر در منطقه هور کردند.

مجموعه اقدامات فوق کمک بسیاری به مجاب شدن دشمن در مورد اجرای عملیات در منطقه هور و در نتیجه فریب وی کرد، طوری که دشمن برای برخی مشاهدات خود از فعالیت های نیروهای خودی در منطقه اروند اهمیتی قائل نشد که این امر موجب غافلگیری وی گردید.

تاکتیک تمرکز سازماندهی توپخانه

برای استفاده مؤثر از آتش توپخانه روش تمرکز در سازمان برای رزم به کار گرفته شد، بدین ترتیب که توپخانه دو لشکر مجاور، در یک تطبیق آتش، هدایت می شد و یک گردان توپخانه از ارتش نیز برای تقویت به آنها اضافه گردید.

عرض پدافندی یک لشکر که حدود دو کیلومتر بود، وقتی در معرض پاتک قرار می گرفت، به سرعت با ۳ گردان توپخانه واکنش نشان می داد و توپخانه های

مجاور و عمل کلی نیز به تقویت آن می‌پرداختند. با این تاکتیک، دشمن در هر نقطه‌ای که اجرای پاتک می‌کرد، حداقل با آتش ۸ گردان توپخانه مواجه می‌شد. به‌خصوص در منطقه واقع بین اروند و کارخانه نمک که توپخانه خودی بیشترین پوشش آتش را داشت، پاتک‌های متعدد ارتش بعثی با تلفات زیاد و شکست مواجه می‌شد.

دیدهبانی

دیده‌بانی از مهم‌ترین عوامل برای دقت آتش و اثربخشی توپخانه است. در این عملیات، تدبیر بر این بود که حتی‌المقدور اجرای آتش دیده‌بانی شده باشد و با وجود محدودیت در مهمات، به یگان‌های توپخانه ابلاغ شده بود که اجرای آتش دیده‌بانی شده محدودیت ندارد. اصطلاحی بین توپچی‌ها رایج شده بود که "بیین و بزَن". برای این منظور، دکل‌های مرو که یک‌شبه قابل نصب بودند در اختیار یگان‌ها قرار گرفتند.

توپخانه سپاه توانست در عملیات والفجر ۸، ده مرکز تطبیق آتش تشکیل دهد و ۳۲ گردان توپخانه را هدایت کند.

بخشی از این دکل‌ها با ارتفاع کوتاه‌تر در نخلستان‌های حاشیهٔ اروند و چند دکل بالای ۵۰ متر با فاصلهٔ بیشتر برای دیده‌بان‌های عمل کلی نصب شد. البته، زیرسازی این دکل‌ها قبل از عملیات و نصب آنها هم‌زمان با شروع عملیات انجام شد.

انتقال توپخانه از موضع انتظار به موضع تیر، حساس‌ترین و مشکل‌ترین مرحله اقدامات بود. برای این منظور دو فاز طراحی شد.

فاز اول: یگان‌های توپخانه سپاه در خیز اول، شب قبل از عملیات به نخلستان‌های حاشیه اروند منتقل و در خیز دوم، شب عملیات به مواضع تیر خود منتقل و آماده اجرای آتش شدند.

وارد شد.

پاتک‌های متوالی و مکرر دشمن در روزهای ابتدایی در محور جادهٔ البحار در نزدیکی اروندرود انجام می‌شد. به دلیل اینکه این منطقه در برد بیشتر یگان‌های توپخانه خودی قرار داشت و بهره‌گیری از تاکتیک تمرکزی توپخانه که پیش‌تر توضیح داده شد، موجب گردید که هرگونه تحرک دشمن به‌سوی مواضع پدافندی هر لشکر بلافاصله با آتش سنگین توپخانهٔ رزمندگان اسلام با استعداد بیش از ده گردان توپخانه مواجه شود و دشمن با دادن تلفات سنگین مجبور به عقب‌نشینی گردد.

این سناریو در دو هفتهٔ اول عملیات بارها تکرار شد و دشمن ناامید از کسب کوچک‌ترین موفقیتی در محور البحار، دو اقدام را انجام داد:

اول اینکه، به دلیل ضعف توپخانهٔ خودش در این منطقه که آماده‌سازی مواضع و انتقال یگان‌های توپخانه به دلیل آب‌گرفتگی زمین نیاز به زمان طولانی‌تری داشت این خلأ را با آتش هوایی پر کرد و هواپیماهای زیادی را روانهٔ منطقه کرد که روزانه چند صد نوبت پرواز انجام می‌دادند که بیشتر آن‌هم بمباران مواضع توپخانهٔ سپاه اسلام با مهمات جنگی و شیمیایی بود.

دوم اینکه، دشمن برای دورشدن از آتش پر حجم توپخانهٔ اسلام پاتک‌های خود را به محور جادهٔ استراتژیک فاو - بصره منتقل کرد که در مرکز شبه‌جزیرهٔ فاو امتداد داشت. این ترفند دشمن نیز موفقیتی را برای وی به همراه نداشت، زیرا: اولاً، از قبل از عملیات، فشار بمباران دشمن روی توپخانه پیش‌بینی شده بود؛ بنابراین، سنگر اجتماعی مستحکم در زیر سه متر خاکریز برای نفرات هر قبضه توپ تعبیه شده بود که هنگام حملات هوایی دشمن در آنجا پناه می‌گرفتند و آسیب چندانی به آنان وارد نمی‌شد.

استفادهٔ دشمن از سلاح شیمیایی نیز قبلاً برآورد شده بود؛ بنابراین، نیروها به تجهیزات انفرادی پدافند شیمیایی مجهز بودند و خودروهای رفع آلودگی نیز در نزدیکی یگان‌های توپخانه مستقر بودند که بلافاصله وارد عمل می‌شدند.

تدبیر دیگر این بود که گردان‌های توپخانه حداقل

افراد را در موضع تیر داشته باشند و بخشی از آنان را به شکل آماده در مقرهای عقب و خارج از منطقهٔ عملیاتی نگهداری کنند تا در صورت آسیب دیدگی شیمیایی افراد پای قبضه، مجروحان به بیمارستان عقبه، تخلیه و نیروهای دیگری جایگزین آنان شوند و خللی در آتش توپخانه به وجود نیاید.

گفتنی است که سایت موشکی ضد هوایی نیز با ابتکارات تاکتیکی و استفاده از پوشش نخلستان موفق شد ضربات مؤثری بر نیروی هوایی عراق وارد آورده، مانع از عملیات مؤثر هوایی دشمن بشود.

دوم اینکه، جادهٔ استراتژیک فاو - بصره نیز در برد توپخانهٔ برد بلند و برد متوسط و کاتیوشا قرار داشت و پاتک‌های دشمن در آن محور نیز بی‌درنگ با حجم سنگین آتش ۸ گردان توپخانه پاسخ داده می‌شد که به تدریج به وسیله توپخانهٔ عمل کلی افزایش نیز می‌یافت.

بدین ترتیب، تلاش‌های دشمن در این محور نیز بی‌نتیجه ماند و پاتک‌های خود را به محور جادهٔ ام‌القصر منتقل کرد. این محور نیز همچنان در برد توپخانهٔ برد بلند ایرانی‌ها قرار

داشت و چندین گردان توپخانه نیز با استفاده از فرصت به آن‌سوی رودخانهٔ اروند منتقل شده بودند که مجموع اینها آتش پشتیبانی مناسب و مؤثری را برای مقابله با حرکات عراقی‌ها در محور جادهٔ ام‌القصر فراهم کرده بود که موجب شد دشمن در این منطقه نیز ناکام بماند. چگونگی انتقال توپخانه و مهمات به آن‌سوی اروندرود در شرایطی که پلی وجود نداشت خود مقوله‌ای مفصل و جذاب و شنیدنی است که در این مقاله نمی‌گنجد.

هفتادوپنج روز پاتک‌های مستمر دشمن با مقاومت دلیرانهٔ رزمندگان اسلام و آتش پشتیبانی سنگین و متمرکز و مؤثر و دیگر اقدامات پدافندی مانند انتقال

منطقه عملیاتی والفجر ۸، در حوزه استحفاظی سپاه هفتم ارتش بعثی قرار داشت. مسئولیت این سپاه از منطقه ابوالخصیب در جنوب شهر بصره تا رأس البیشه در دهانه اروندرود تعیین شده بود و قرارگاه تاکتیکی آن نیز در شهرک ابوالخصیب قرار داشت.

عملکرد توپخانه در عملیات والفجر ۸

جدول مهمات مصرفی ماه اول - عملیات والفجر ۸

ردیف	نوع جنگ افزار	۵ روز، ۱ عملیات	۵ روز، ۲ عملیات	۵ روز، ۳ عملیات	۵ روز، ۴ عملیات	۵ روز، ۵ عملیات	جمع یک ماه
۱	هویتزر ۱۰۵ م.م.	۱۷۴۳۷	۱۴۴۶۴	۸۸۳۶	۶۳۶۰	۱۰۴۹۱	۷۰۵۲۰
۲	هویتزر ۱۲۲ م.م.	۹۵۶۱	۱۵۸۸	۵۴۷	۹۱۱	۱۸۲۱	۱۶۵۶۳
۳	توپ ۱۳۰ م.م.	۲۵۲۱۳	۱۵۴۵۷	۱۰۹۵۰	۹۴۲۷	۱۲۹۴۳	۸۴۱۱۴
۴	هویتزر ۱۵۲ م.م.	۱۵۴۴	۹۵۲	۱۰۵۵	۱۰۷۷	۵۸۹	۵۲۹۸
۵	هویتزر ۱۵۵ م.م.	۱۴۵۰۹	۱۵۳۸۸	۶۷۴۸	۸۹۸۶	۱۲۳۰۵	۷۲۴۴۶
۶	هویتزر ۲۰۳ م.م.	۱۱۸۸	۲۴۵۱	۲۳۰۲	۲۷۷۳	۲۰۹۵	۱۲۹۳۶
۷	کاتیوشا	۸۸۵۰	۷۰۸۲	۵۳۴۹	۴۷۶۸	۷۴۳۹	۳۰۱۹۴
جمع کل پنج روز		۷۸۳۰۲	۵۷۳۲۴	۳۵۷۳۵	۳۴۳۰۲	۴۷۶۸۸	۴۸۶۶۳
جمع کل یک ماه		۳۰۲۰۱۴					

جدول مهمات مصرفی ماه دوم - عملیات والفجر ۸

ردیف	نوع جنگ افزار	۵ روز، ۷ عملیات	۵ روز، ۸ عملیات	۵ روز، ۹ عملیات	۵ روز، ۱۰ عملیات	۵ روز، ۱۱ عملیات	جمع یک ماه
۱	هویتزر ۱۰۵ م.م.	۱۵۷۰۰	۱۳۲۱۶	۷۴۸۹	۱۱۱۲۲	۵۴۰۷	۵۷۵۶۷
۲	هویتزر ۱۲۲ م.م.	۱۸۵۶	۲۰۶۴	۱۲۹۳	۱۵۷۱	۱۰۱۲	۸۴۸۵
۳	توپ ۱۳۰ م.م.	۱۲۱۵۹	۷۷۴۵	۳۲۸۷	۶۰۳۵	۲۹۶۳	۳۶۵۸۱
۴	هویتزر ۱۵۲ م.م.	۱۵۴	۴۵۰	۶۴	۵۳۰	۵۰۹	۱۸۶۵
۵	هویتزر ۱۵۵ م.م.	۲۳۴۴	۱۸۸۳	۶۵۷	۱۴۹۲	۷۸۳	۸۴۲۸
۶	هویتزر ۲۰۳ م.م.	۱۴۶۷۲	۱۲۴۹۴	۷۲۹۴	۸۲۲۷	۶۰۴۱	۵۱۹۳۵
۷	کاتیوشا	۵۶۱۳	۷۵۱۳	۳۲۸۵	۶۰۵۸	۵۶۷۳	۳۱۳۵۱
جمع کل پنج روز		۵۲۴۹۸	۴۵۳۶۵	۲۳۴۷۲	۳۵۰۳۵	۲۱۳۸۸	۱۹۴۵۹
جمع کل یک ماه		۱۹۷۲۱۷					

جدول مهمات مصرفی ماه سوم - عملیات والفجر ۸

ردیف	نوع جنگ افزار	۵ روز، ۱۳ عملیات	۵ روز، ۱۴ عملیات	جمع یک ماه
۱	هویتزر ۱۰۵ م.م.	۵۴۲۶	۷۴۳۸	۱۲۵۶۴
۲	هویتزر ۱۲۲ م.م.	۱۱۶۶	۱۲۷۲	۲۴۳۸
۳	توپ ۱۳۰ م.م.	۱۴۰۵۸	۱۳۴۹۹	۲۷۵۵۷
۴	هویتزر ۱۵۲ م.م.	۳۸۶	۸۷۴	۱۲۶۰
۵	هویتزر ۱۵۵ م.م.	۶۹۳۴	۸۹۸۷	۱۵۹۲۱
۶	هویتزر ۲۰۳ م.م.	۹۰۵	۱۱۴۶	۲۰۵۱
۷	کاتیوشا	۵۰۷۷	۶۶۲۳	۱۱۷۰۰
جمع کل پنج روز		۲۳۹۵۲	۳۱۸۳۱	۵۵۷۸۳
جمع کل یک ماه		۵۵۷۸۳		

جدول مهمات مصرفی سه ماه - عملیات والفجر ۸

زمان	تعداد مهمات مصرفی
ماه اول	۳۰۲۰۱۴
ماه دوم	۱۹۷۲۱۷
ده روز ماه سوم	۵۵۷۸۳
جمع کل	۵۵۵۲۰۵

متخصص طراح آتش امکان تشکیل بیش از ده مرکز تطبیق آتش برای به کارگیری ۳۲ گردان توپخانه از سپاه و ارتش را فراهم کرد.

- طراحی ابتکاری مواضع توپخانه به شکل جاده برای رعایت اصل غافلگیری که از حدود چهارماه قبل از عملیات، اجرای آن شروع شد.

- طراحی و سفارش ساخت ۱۵۰۰ سنگر اجتماعی نفرات برای یگان‌های توپخانه که سه ماه قبل از عملیات انجام شد.

- برآورد توپخانه و مهمات و پیگیری تصویب و تحویل آن از طریق قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) که چند ماه به طول انجامید.

- سازماندهی و آماده کردن یگان‌های توپخانه سپاه.

- طراحی و اجرای عملیات فریب در منطقه هور برای انحراف تشخیص دشمن در شناخت منطقه عملیات اصلی.

- برنامه‌ریزی چگونگی آماده کردن مواضع و سنگرهای توپخانه در شرایط سخت و طاقت‌فرسای رعایت حفاظت اطلاعات برای غافلگیری دشمن.

- پیش‌بینی و چاره‌اندیشی برای حملات هوایی و شیمیایی دشمن علیه توپخانه.

- استقرار مواضع انتظار توپخانه در منطقه جفیر و برنامه‌ریزی شیوه انتقال آنان به مواضع تیر در شرایط غافلگیری دشمن.

- اختصاص توپخانه با مأموریت مستقل در جنوب آبادان برای زیر آتش گرفتن عقبه دشمن در مسیر تردد از بصره به فاو.

- تربیت و آماده کردن تعداد زیادی دیده‌بان و استقرار آنان در خطوط مقدم و دکل‌های دیده‌بانی استتار شده در نخلستان‌های حاشیه اروندرود که تأثیر تعیین‌کننده‌ای در دقت و اثر آتش توپخانه داشت.

با درود به ارواح مطهر شهدای توپخانه سپاه به‌ویژه پاسدار شهید حسن شفیع‌زاده.

آب اروند به مقابل خطوط دفاعی موجب ناکامی دشمن و حفظ و تثبیت منطقه تصرف‌شده شبه‌جزیره فاو شد. در اینجا لازم است به نقش و تأثیر آن بخش از توپخانه تأکید شود که با استفاده از پوشش نخلستان‌های حاشیه رودخانه بهمن‌شیر در جنوب آبادان مستقر و ستون‌های یگان‌های دشمن را که از بصره به طرف فاو در حرکت بودند، زیر آتش قرار می‌داد، چرا که با وارد آوردن تلفات و ضایعات موجب کاهش قابل‌ملاحظه توان رزمی، به‌خصوص افت روحی آنان می‌شد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بی‌تردید آتش پشتیبانی مناسب و مؤثر توپخانه، یکی از ارکان موفقیت عملیات والفجر ۸ به شمار می‌رود و این حقیقت مورد اتفاق نظر قاطبه کارشناسان نظامی داخلی و خارجی می‌باشد، طوری که در طول سال‌ها نقل محافل و ضرب‌المثلی در میان نظامیان و رزمندگان بوده و از آن به عنوان شاهکاری از عملیات توپخانه یاد می‌کردند. این مهم در وهله اول مرهون نصرت الهی است که ذره‌ای از آتش دوزخ را به لشکریان باطل که جبهه حق را مورد هجمه قرار داده بودند، چنانند (وما رمیت اذ رمیت ولكن الله رمی) و در وهله بعدی تدبیر، خلاقیت و ابتکار عمل فرماندهان توپخانه سپاه به‌ویژه در رأس آنان شهید حسن شفیع‌زاده فرمانده توپخانه سپاه، بود که بعد از عملیات بدر، در طول سال ۱۳۶۴، چندین تلاش را به موازات هم سازماندهی و مدیریت کرد که حاصل این برنامه‌ها در عملیات والفجر ۸ مانند قطعات پازل به همدیگر ملحق شدند و آن موفقیت عظیم را شکل دادند. این برنامه‌ها عبارت بودند از:

- طراحی و برگزاری دوره فشرده طرح‌ریزی آتش توپخانه در مرکز آموزش توپخانه سپاه در اصفهان و اعزام فرماندهان و مسئولان عملیات توپخانه لشکرها و گروه‌های توپخانه به آن دوره که با تربیت کادر

چگونگی تصمیم‌گیری ایرانیان در یک درگیری نظامی عمده است که ما در اختیار داریم. بسیاری از فرماندهان نظامی ارشد امروز ایران خود از پیش‌کسوتان این جنگ هستند و جنگ برای آنها و برای جامعه ایران برهه سرنوشت‌سازی بود که نوای آن همچنان طنین‌انداز است.

• دوم، اگرچه این جنگ با جنگ احتمالی ایران با آمریکا یا یکی از متحدانش چندان قابل‌مقایسه نیست، دست‌کم از نظر ماهیت ناهمطرازی دو طرف درگیر می‌توان آنها را با هم مقایسه کرد. زیرا ایران در جنگ با عراق عملاً با دشمنی روبه‌رو بود که از نظر فناوری در موضع برتری قرار داشت و در نبرد با آمریکا نیز همین گونه خواهد بود.

• سوم، جنگ ایران و عراق کاملاً مستندسازی شده، به‌گونه‌ای که عملیات‌های ایرانیان را می‌توان به‌دقت تجزیه و تحلیل کرد.

• چهارم، ایرانیان خودشان همچنان وقایع جنگ را به‌طور جدی دنبال می‌کنند. آنها جنگ را در پژوهشکده‌ها و دانشکده‌های نظامی‌شان مستندسازی و مطالعه می‌کنند تا هم یاد صدها شهید و پیش‌کسوت جنگ را زنده نگه داشته و به آنها احترام بگذارند و هم نگاهی به آموزه‌های مفید آن برای آینده داشته باشند.^(۳)

عملیات‌های سال ۱۹۸۲م [۱۳۶۱هـ.ش]

ایرانیان در خرداد ۱۳۶۱، شهر بندری خرمشهر را که از اکتبر ۱۹۸۰م [آبان ۱۳۵۹ش] به اشغال نیروهای عراقی درآمده بود آزاد کردند. این فتح برای رهبران ایران یک پیروزی بزرگ و به‌منزله تأیید الهی انقلاب و اهداف آن بود. ایرانیان در یک رشته عملیات پرهزینه و درنهایت موفقیت‌آمیز که به فرماندهی سپاه پاسداران اجرا شد، نیروهای عراقی را از بیشتر مناطقی که در خاک ایران اشغال کرده بودند بیرون راندند، دو لشکر از چهار لشکر زرهی

معادل ستاد مشترک ارتش امریکاست) چه می‌گذرد و از این‌رو تقریباً نمی‌توانیم براساس پیشینه رفتاری حکومت ایران و ارزیابی منافع و منابض در یک سناریوی خاص حدس بزنیم که در درگیری‌های احتمالی ممکن است چه کاری انجام دهد.

این مشکلات هنگام تحلیل فرایند تصمیم‌گیری نظامی ایرانیان به‌ویژه در سطح عملیاتی، از این هم پیچیده‌تر می‌شود. از این‌رو، تعجبی ندارد که اطلاعات آشکار چندان درمورد چگونگی تصمیم‌گیری دو تشکیلات نظامی عمده ایران یعنی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش وجود نداشته باشد. همچنین هیچ اطلاعات مهمی از سوابق و تمایلات فرماندهان نظامی برجسته ایران و فرایندهای تصمیم‌گیری، طرح‌های احتمالی و وضعیت نیروهایشان در اختیار ما نیست و در مواجهه با این مسئله بغرنج اطلاعاتی باید به‌صورت اتفاقی به بررسی موضوع تصمیم‌گیری نظامی آنها بپردازیم و با استفاده از منابع و شیوه‌های نامتجانس هر آنچه را می‌توانیم گلچین کنیم.

این مقاله فرایند تصمیم‌گیری ایرانیان را با تکیه بر مطالعات موردی تاریخی بررسی می‌کند و به‌طور خاص به تحلیل عوامل و فرایندهای تأثیرگذار در فرماندهان ایرانی در دو مقطع عمده از جنگ می‌پردازد: نخست، تصمیم ایران برای حمله به عراق پس از آنکه نیروهای عراقی را از بخش اعظمی از خاک اشغال‌شده‌اش بیرون رانده بود (۱۳۶۱)؛ و دوم، تصرف شبه‌جزیره فاو (۱۳۶۴) که نقطه اوج عملیات‌های جنگی ایران بود.^(۴)

استفاده از مطالعات موردی تاریخی در این زمینه مشکلات خاص خود را دارد، به‌ویژه اینکه عملیات‌های ایران در شرایطی ویژه و در گذشته انجام شده است، با این حال، همین مطالعات هم برداشت‌های جالبی درباره فرایند تصمیم‌گیری امروز ایرانیان در سطح عملیاتی به دست می‌دهد.

• نخست، جنگ ایران و عراق تنها نمونه عینی از

و غیرنظامی ایران فرصتی فراهم شد تا اهداف نهایی و راهبرد کلی زمان جنگ کشورشان را بازنگری کنند. در ماه ژوئن (خرداد) جلسه عمومی شورای عالی دفاع برای بررسی مزیت‌های نسبی ادامه جنگ در خاک عراق تشکیل شد. بیشتر فرماندهان نظامی بلندپایه و رهبران غیرنظامی شاخص ایران در این جلسه که در حضور آیت‌الله خمینی رهبر معظم ایران و فرمانده کل نیروهای مسلح این کشور، تشکیل گردید، حاضر بودند.^(۸) [آقای] رفسنجانی در این باره می‌گوید:

«نیروهای ما در آن موقع تازه نفس و سرحال بودند. آنها می‌خواستند هرچه سریع‌تر دشمن را در داخل خاکش دنبال کنند و اجازه ندهند با احداث سنگر و ایجاد خطوط دفاعی، روند پیروزی ما را بر نیروهایش با مشکل مواجه نماید. جلسه شورای عالی دفاع در حضور امام تشکیل شد. فرماندهان ارشد نظامی سپاه و ارتش به همراه آیت‌الله خامنه‌ای که در آن زمان رئیس‌جمهور بود و من که رئیس مجلس بودم در این جلسه حضور داشتیم و درمورد آنچه باید انجام دهیم بحث کردیم. یکی از

عراق را تارومار کردند و ۱۲ هزار سرباز عراقی را به اسارت گرفتند.^(۹) پس از آن، صدام پیشنهاد داد که بقیه نیروهایش را از خاک ایران خارج می‌کند به شرط اینکه این اقدام به دشمنی‌ها پایان دهد.* اما در آن هنگام ایرانیان احساس اعتماد به نفس می‌کردند و رهبرانشان تمایل چندانی به سازش با بغداد نداشتند. سرلشکر محسن رضایی فرمانده وقت سپاه پاسداران، در این مورد می‌گوید:

«پس از فتح خرمشهر، امریکایی‌ها قصد داشتند یک آتش‌بس موقت و به عبارتی یک حالت "نه جنگ، نه صلح" بر ما تحمیل کنند که می‌توانست تا ۲۰ سال هم طول بکشد. همان چیزی که بین سوریه و رژیم اسرائیل وجود دارد. اگر پس از فتح خرمشهر آتش‌بس موقت را پذیرفته بودیم، دست‌کم چندین استان مرزی مان برای سال‌ها ویران می‌ماند و نمی‌توانستیم آنها را بازسازی کنیم و دوونیم میلیون نفر ساکنان این استان‌ها همچنان بی‌خانمان بودند.»^(۱۰)

علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس وقت مجلس ایران، به‌طور رسمی پیش‌شرط‌های ایران برای موافقت با آتش‌بس را این‌گونه برشمرد: قبول متجاوز بودن عراق؛ پرداخت ۱۰۰ میلیارد دلار غرامت جنگی به ایران؛ تأیید مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر؛^(۱۱) کنارگذاشتن صدام از قدرت و محاکمه‌اش به دلیل ارتکاب جنایات جنگی.^(۱۲) از سوی دیگر، عراق نیز همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد این درخواست‌ها را رد کرد و به این ترتیب اولین فرصت برای پایان دادن به جنگ بر باد رفت.

پس از بیرون راندن نیروهای عراقی از خاک ایران و بحث‌های متعاقب آن درباره آتش‌بس، یک توقف راهبردی [در جنگ] پیش آمد و برای رهبران نظامی

* در واقع پیشنهاد عراق این بود که ابتدا آتش‌بس برقرار شود و سپس آنها اقدام به عقب‌نشینی کنند که این از نظر ایران که بخش عمده‌ای از خاکش در اشغال دشمن قرار داشت پذیرفتنی نبود. (مترجم)

طرفداران حمله به خاک عراق به رهبری رفسنجانی و رضایی استدلال می‌کردند که ایران هر چالشی را با شور و شوق انقلابی نیروهایش خنثی می‌کند و معتقد بودند که این عامل نقش عمده‌ای در پیروزی‌های ایران در جبهه‌های جنگ داشته است

گزینه‌های پیش روی ما این بود که ابتدا وارد خاک عراق شویم و سپس از موضع قدرت آتش‌بس را بپذیریم.^(۱۳) اعضای شورای عالی دفاع ایران به اتفاق آرا با ادامه جنگ تا آزادسازی همه سرزمین‌های اشغالی موافق بودند، ولی در این مورد که ایران باید به عراق حمله کند یا نه، کمی باهم اختلاف داشتند. وقایع پس از جنگ بیانگر این است که خیلی زود دیدگاه‌های اعضای شورا در این زمینه به دو نگرش نهادی (institutional) و عقیدتی (ideological) تقسیم گردید. استدلال کسانی که



محسن رضایی فرمانده کل سپاه و حضرت آیت الله خامنه‌ای رئیس‌جمهور و رئیس شورای عالی دفاع.

خنثی می‌کند و معتقد بودند که تا آن موقع هم این عامل نقش عمده‌ای در پیروزی‌های ایران در جبهه‌های جنگ داشته است. آنها در سطوح عملی‌تر این مباحث نیز به این نکته اشاره می‌کردند که تنها راه خاموش کردن آتش توپخانه عراق - که در آن زمان همچنان مناطق مسکونی مرزی ایران را گلوله‌باران می‌کرد - پیشروی به داخل خاک عراق و ایجاد یک منطقه تأمین (buffer zone) است. آنها بر این باور بودند که صدام اگر هم با آتش‌بس موافقت کند، همچنان برای ایران یک تهدید نظامی خواهد بود و از این رو بهتر است ایران ابتدا بخشی از خاک عراق و از جمله میدان‌های نفتی مرزی با ارزش این کشور در جنوب را بگیرد و سپس از موضع قدرت وارد مذاکره شود.^(۱۳) برخی اعضای شورا از جمله [آقای] رفسنجانی استدلال می‌کردند که اگر ایران در اوج پیروزی از جنگ دست بکشد، این اقدام تأثیر ویرانگری بر روحیه نیروهای نظامی و مردم خواهد داشت. درواقع، جنگ با ایجاد احساس وحدت ملی در برابر متجاوز

مخالف ادامه جنگ در خاک عراق بودند - یعنی [آیت‌الله] خامنه‌ای، علی‌اکبر ولایتی و میرحسین موسوی - این بود که اگر ایران به عراق حمله کند، طرف متجاوز قلمداد می‌شود و در نتیجه اعتبار اخلاقی‌اش را از دست می‌دهد، نفوذش در میان ملت‌های مسلمان کاهش می‌یابد و حتی ممکن است از حمایت تنها متحدان عربش، یعنی لیبی و سوریه هم محروم شود.^(۱۴) آنها با اشاره به وضعیت بحرانی اقتصاد ایران و آشوب‌های جاری در مناطق مرزی کشور و به‌ویژه کردستان، معتقد بودند که ایران منابع لازم را برای ادامه یک عملیات تهاجمی پرهزینه در اختیار ندارد.^(۱۵) افسران ارشد ارتش از جمله تیمسار ظهیرنژاد نیز با تأیید این نگرانی‌ها عقیده داشتند که نیروهای ایران از آموزش، تحرک، قدرت آتش و پوشش هوایی لازم برای کشاندن جنگ به داخل خاک عراق بی‌بهره‌اند.^(۱۶)

طرفداران حمله به خاک عراق به رهبری رفسنجانی و رضایی استدلال می‌کردند که ایران هر چالشی را با شور و شوق انقلابی نیروهایش

خارجی، به نوعی نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران را تقویت کرده بود.^(۱۴)

به نظر می‌رسد [امام] خمینی ابتدا از نظر کسانی که مخالف حمله به عراق بودند حمایت کرده است. [آقای] رفسنجانی در این زمینه می‌گوید:

«ایشان [امام خمینی] در این زمینه استدلال محکمی داشت. نخست، استدلال می‌کردند که مردم عراق نظر مثبتی نسبت به ایران دارند و اگر ما به خاک این کشور وارد شویم، احساس عربیت آنها سبب می‌شود دست به دست صدام بدهند و در برابر ما مقاومت کنند. دوم، معتقد بودند که کشورهای عرب که تا آن موقع حساسیت زیادی [نسبت به جنگ ایران و عراق] نشان نداده بودند، حساس‌تر می‌شوند و همکاری نزدیک‌تری با صدام می‌کنند. سوم، اعتقاد داشتند که نظام بین‌المللی و جهانی ورود ما به داخل خاک عراق را نمی‌پذیرد.»^(۱۵)

اما فرماندهان سپاه پاسداران که در شورای عالی دفاع بودند جداگانه با [امام] خمینی دیدار کردند و توانستند ایشان را متقاعد کنند که راهکار [آیت‌الله] خامنه‌ای و دیگران - یعنی ادامه جنگ بدون حمله به خاک عراق - امکان‌پذیر نیست. استدلال آنها این بود که عراق در نهایت از آرامشی که در مرزهایش برقرار می‌شود برای بازسازی و تجهیز مجدد نیروهایش بهره می‌برد تا بار دیگر به خاک ایران تجاوز کند.

[امام] خمینی با توضیحات منطقی آنها قانع شد و به فرماندهان ارشد نظامی دستور داد طرح‌ریزی برای این حمله را آغاز کنند و در عین حال تأکید کرد که باید از حمله به مناطق پرجمعیت خودداری شود.^(۱۶)

علت تغییر نظر [امام] خمینی در این زمینه تا اندازه‌ای به این برمی‌گشت که وی متقاعد شده بود رژیم صدام در آستانه سقوط است و شیعیان عراق از ایرانیان به مثابه نیروهای آزادی‌بخش استقبال خواهند کرد، از این رو تأکید داشت از وارد آمدن هرگونه خسارت جنبی ناخواسته که

ممکن است این حمله در پی داشته باشد اجتناب شود.^(۱۷) نظرهای [امام] خمینی در مورد عراق تا حدی تحت تأثیر اطلاعاتی بود که از ایرانی تبارها و رهبران در تبعید عراق دریافت می‌کرد، افرادی مانند [آیت‌الله سید محمد] باقر حکیم رئیس مجلس اعلاي انقلاب اسلامی عراق که از حامیان نظریه "حکومت اسلامی" [امام] خمینی بود. در آن زمان، مجاهدین شیعه مرتبط با مجلس اعلاي انقلاب اسلامی عراق و حزب الدعوة^(۱۸) نیز مبارزه مسلحانه‌شان علیه رژیم عراق

را در ماه می [اردیبهشت و خرداد ۱۳۶۱] و با یک رشته حملات پرهیاهو به مقرهای آماج و پشتیبانی نظامی عراق تشدید کرده بودند.^(۱۹) [امام] خمینی پس از اعلام موافقت اولیه‌اش با حمله سپاه و ارتش به خاک عراق در ماه جولای [تیر ۱۳۶۱]، به [آیت‌الله] محمد باقر حکیم دستور داد به جبهه برود و به سپاه پاسداران در تلاش برای جذب شیعیان عراق کمک کند.^(۲۰)

ایران در ۱۳ جولای [۲۲ تیر

۱۳۶۱]، به خاک عراق حمله کرد و جنگ وارد مرحله جدیدی شد. اهداف نهایی ایران از این حمله در قالب این شعار انقلابی مردمی بیان شد که "راه قدس از کربلا می‌گذرد."^(۲۱) عراق اکنون جاپایی برای صدور انقلاب ایران به کل منطقه به شمار می‌آمد.

عملیات رمضان المبارک

ایران از جولای تا نوامبر ۱۹۸۲ [تیر تا آبان ۱۳۶۱] سه عملیات عمده جداگانه در خاک عراق اجرا کرد: رمضان، مسلم بن عقیل و محرم.

استدلال کسانی که مخالف ادامه جنگ در خاک عراق بودند ... این بود که اگر ایران به عراق حمله کند، طرف متجاوز قلمداد می‌شود و در نتیجه اعتبار اخلاقی‌اش را از دست می‌دهد، نفوذش در میان ملت‌های مسلمان کاهش می‌یابد.

این عملیات با ایجاد یک سدّ آتش متقاطع توپخانه که چندین روز ادامه داشت ابتدا فضای لازم را برای نبرد آماده کرد و سپس نیروهای نظامی‌اش در شب ۱۳ جولای [۲۲ تیر ۱۳۶۱] با رمز عملیاتی "یا صاحب‌الزمان"^(۲۵)، که از همه بسامدهای رادیویی پخش شد، حمله را آغاز کردند. بیشتر درگیری‌ها در زمین باتلاقی هورالهویزه و محور شلمچه در شرق بصره رخ داد. نیروهای پیاده سبک از جمله بسیجی‌ها در نوک حمله قرار داشتند و با استفاده از حملات موج انسانی خطوط دفاعی عراقی‌ها را درهم کوبیده و در برخی موارد نیز میدان‌های مین آنها را پاک‌سازی می‌کردند. نیروهای ارتش هم با جنگ‌افزارهای سنگین پشت سر آنها قرار داشتند و هرجا نیروهای بسیج و سپاه شکاف‌هایی در خطوط عراقی‌ها ایجاد می‌کردند، ارتشی‌ها پیروزی آنها را تکمیل می‌کردند.^(۲۶) نیروهای ایرانی که در [منطقه عملیاتی رمضان] به زرهی دسترسی نداشتند، تانک‌های عراقی را با استفاده از گروه‌های سه‌نفره مسلح به آرپی.جی و در نبردی نزدیک از کار می‌انداختند.

ایرانی‌ها ابتدا به سرعت پیشروی کردند و در چندین نقطه خطوط عراقی‌ها را شکستند. آنها تا روز هشتم عملیات حدود ۱۵ کیلومتر در خاک عراق پیش رفتند و نیروهای خط حمله‌شان توانستند چراغ‌های شهر بصره را از دور ببینند.^(۲۷) اما به تدریج با ضعیف شدن خطوط پشتیبانی ایران، عملیات متوقف گردید. ایران با اینکه [در زمینه آماد و پشتیبانی] تحرک لازم را نداشت، همواره بر حفظ جریان عملیات تأکید می‌کرد و معمولاً نمی‌توانست با تقویت نیروهایش در خطوط مقدم و احداث سنگر برای آنها از دستاوردهایشان پاسداری کند. از سوی دیگر، نیروهای عراقی با به‌کارگیری مؤثر بالگردهای توپداری که خدمه‌شان در آلمان شرقی [سابق] آموزش دیده بودند، عملیات تجدید آماد را برای ایران پیچیده می‌کردند. از همه مهم‌تر اینکه عراق برای اولین بار از جنگ‌افزارهای

اولین عملیات که عملیات رمضان بود در جبهه جنوب و در منطقه بین بصره و العماره متمرکز شد و هدف اصلی آن ظاهراً تصرف بصره و در صورت تحقق نیافتن این هدف، دورزدن شهر به سمت شمال و قطع خطوط مواصلاتی جنوب عراق و بغداد بود. عملیات پدافند از این منطقه را سپاه سوم ارتش عراق برعهده داشت که از ۷ لشکر مرکب از تیپ‌های پیاده، پیاده مکانیزه و زرهی تشکیل شده بود و با تیپ‌های مستقل و واحدهای عملیات ویژه نیز پشتیبانی می‌شد. ۵ لشکر از ۷ لشکر عراق نزدیک مرز استقرار یافته و دو لشکر دیگر نیروی احتیاط بودند. خود بصره هم با خاکریزها، میدان‌های مین و کانال‌های وسیعی مستحکم شده بود، عراقی‌ها داخل این کانال‌ها را پر از آب کرده بودند تا راه نیروهای مهاجم ایرانی را سد کرده، آنها را به داخل مناطق کشتار از پیش تعیین‌شده هدایت کنند.^(۲۸)

در مقابل، ایران حدود ۱۰۰ هزار نیروی نامنظم را گرد آورده بود که عمدتاً از نیروهای سپاه و بسیج بودند و با ۵ لشکر ارتش (۳ زرهی و ۲ پیاده)^(۲۹) و یک لشکر احتیاط پشتیبانی می‌شدند.^(۳۰) در مجموع، تعداد نیروهایی که ایران بسیج کرده بود حدود ۱۵۰ هزار تن با سطوح کیفی و آموزشی متفاوت بود که هنوز با نسبت معیار ۳ به ۱ که معمولاً نظریه پردازان نظامی برای نیروهای مهاجم توصیه می‌کنند فاصله زیادی داشت.

عملیات در ماه مبارک رمضان آغاز گردید و به همین علت رمضان نامیده شد. ایران پیش از آغاز

فرماندهان سپاه پاسداران که در شورای عالی دفاع بودند جداگانه با [امام] خمینی دیدار کردند و توانستند ایشان را متقاعد کنند که راهکار ... ادامه جنگ بدون حمله به خاک عراق - امکان‌پذیر نیست.

شیمیایی و عمدتاً از گاز اشک‌آور برای متوقف کردن حملات موج انسانی ایران استفاده کرد.

موج حمله دوم نیروهای ایران در ۲۲ جولای [۱۳۶۱] ۳۱ تیر ۱۰ کیلومتری شمال منطقه عملیاتی رمضان آغاز شد، ولی هیچ حاصلی نداشت. این بار، عراقی‌ها موفق شده بودند با نیروهای احتیاط خود اقدام به پاتک کنند و ایرانیان را از دو جناح بی حفاظشان مورد حمله قرار دهند. از طرفی، چون با حرکت گازانبری ناشی از این حمله خطر آن وجود داشت که عراقی‌ها بتوانند واحدهای نظامی پیشرو ایران را در نزدیکی بصره از دو طرف قیچی کنند، نیروهای ایران عقب‌نشینی کردند.^(۲۸) ایران تا ۳ اوت [۱۲ مرداد ۱۳۶۱] که پایان این عملیات را اعلام کرد تنها به ۵۰ کیلومتر مربع از خاک عراق دست یافته و حدود ۲۰ هزار نفر تلفات داده بود.^(۲۹) قیام مورد انتظار شیعیان عراق که رهبری ایران به آن امید بسته بود نیز محقق نشد. البته، عراقی‌ها هم تلفات سنگینی را متحمل شدند؛ برای نمونه، لشکر نهم زرهی عراق به‌حدی تحلیل رفته بود که فرماندهان عراقی تصمیم گرفتند آن را منحل کنند و تجهیزات باقیمانده‌اش را به لشکرهای دیگر بدهند.

از نظر ایران تنها مزیت عینی اولین عملیاتش در خاک عراق این بود که برای اولین بار یکی از مراکز پرجمعیت عراق یعنی بصره در بُرد توپخانه ایران قرار گرفت و باوجود دستور [امام] خمینی مبنی بر خودداری از واردآوردن تلفات بر غیرنظامیان، نیروهای ایران به تلافی اقدامات بی‌رحمانه‌ای که عراقی‌ها در خرمشهر مرتکب شده بودند شروع به گلوله‌باران شهر بصره کردند، اما عراق با اعلام یک منطقه ممنوعه در شمال خلیج فارس و حمله به تأسیسات نفتی، مراکز صدور نفت و نفتکش‌های ایران حتی مزیت محدودی را که با قرارگرفتن بصره در بُرد توپخانه ایرانیان، برایشان حاصل شده بود خنثی کرد، به‌گونه‌ای که صادرات نفت ایران پس از گذشت چند ماه تا ۵۵ درصد کاهش یافت.^(۳۰)

اگرچه رهبران ایران هنوز هم سرسختانه معتقدند که عملیات رمضان چون عزم و اراده ایران را به نمایش گذاشت، برایشان یک پیروزی بوده است،^(۳۱) نمی‌توان این واقعیت را نادیده گرفت که به‌رحال اهداف این عملیات محقق نشد. افزون‌براین، ایران تلفات سنگینی را متحمل شده و درعوض به مناطق بسیار محدودی از خاک عراق دست یافته بود. به‌قول محقق ممتاز راب جانسون (Rob Johnson)، «عملیات رمضان با هر معیاری که سنجیده شود تنها یک شکست در حوزه فرماندهی و راهبرد است.»^(۳۲)

عملیات مسلم‌بن عقیل

عملیات بعدی ایران در خاک عراق، عملیات مسلم‌بن عقیل بود که در اول اکتبر [۹ مهر ۱۳۶۱] در بخش میانی جبهه اجرا شد و اهداف آن دامنه محدودتری داشت.^(۳۳) نیروهای ایران در این عملیات قصد داشتند تپه‌های سومار و به‌عبارتی ارتفاعات راهبردی و مشرف بر شهر مرزی مندلی عراق و نیز خطوط

مواصلاتی بغداد و کرکوک را تصرف کنند. بیشتر درگیری‌های این عملیات در منطقه کوهستانی شرق مندلی و در امتداد مرزهای مشترک دو کشور صورت گرفت. ایران ۷۰ هزار نیرو متشکل از ۳ لشکر پیاده، یک تیپ زرهی مستقل و یک واحد وابسته هوابرد برای این حمله تدارک دیده بود که عمدتاً از نیروهای سپاه و بسیج بودند.^(۳۴) عراق هم ۳ لشکر و در مجموع حدود ۳۰ هزار نیرو در منطقه داشت. نیروهای ایران در این عملیات هم مانند عملیات گذشته قصد داشتند با استفاده از

کشمکش میان ارتش و سپاه به شدت عملیات جنگی ایران را تحت تأثیر قرار می‌داد و پس از عملیات رمضان به اوج خود رسید.

از خاک عراق را در امتداد مرزهای مشترک تصرف کند، ولی این بار هم به‌طور کامل به اهدافش دست نیافت و شهر مندلی و ارتفاعات اطرافش همچنان در دست عراق باقی ماند. در این مقطع، بین فرماندهان شاخص سپاه و ارتش درخصوص تاکتیک‌های به‌کار گرفته‌شده در این عملیات اختلاف افتاد. فرماندهان سپاه معتقد بودند که نیروهای ارتش شور و شوق انقلابی کافی ندارند و درمقابل، فرماندهان ارتش عقیده داشتند که نیروهای سپاه غیرحرفه‌ای بوده و آموزش‌های لازم را طی نکرده‌اند. به‌دنبال این کشمکش‌ها، [آقای] رفسنجانی اعلام کرد که سیاست جدید ایران باید بر راهبرد "ضربه‌زدن به دشمن با حملات محدود" استوار باشد.^(۳۸)

عملیات محرم الحرام

سومین عملیات ایران در سال ۱۹۸۲ [۱۳۶۱]، عملیات محرم بود که به‌نوعی موفق‌ترین عملیات ایران در آن مقطع به شمار می‌آمد.^(۳۹) این عملیات در شب ۳۱ اکتبر [۹ آبان ۱۳۶۱] و از دو محور آغاز شد؛ محور اول در جبهه جنوب نزدیک شهر العمارة و محور دوم در جبهه میانی در اطراف نفت‌شهر در شمال مندلی. اهداف این عملیات در مقایسه با عملیات‌های پیشین محدود بود و بیشتر ماهیت اقتصادی داشت. نیروهای ایران از یک‌سو می‌خواستند ضمن عقب‌راندن نیروهای خطوط مقدم عراق از داخل خاکشان، جاده شریانی - زبیدات را (که یکی از خطوط مواصلات اصلی بین بصره و بغداد بود) قطع و ارتفاعات اطراف شهر مندلی را تصرف کنند و از سوی دیگر قصد داشتند به حوزه‌های نفتی عراق ازجمله حوزه نفتی بزرگ بیات (Bayat) و شهرهای صنعتی عراق در هر دو منطقه عملیاتی شامل طیب (Tib)، زبیدات و ابوقراب (Abu Qarrab) دست یابند.^(۴۰) مقامات شورای عالی دفاع ایران ظاهراً به این نتیجه رسیده بودند که بعدها می‌توانند بر سر میز مذاکره از این موارد به‌مثابه

حملات موج انسانی گسترده منافذی در خطوط عراقی‌ها برای عبور واحدهای زرهی و مکانیزه احتیاط ایجاد کنند، اما این ترفندها برای زمین عملیاتی کوهستانی اطراف مندلی چندان مناسب نبود.

نیروهای ایران حمله‌شان را در سحرگاه ۱ اکتبر [۹ مهر ۱۳۶۱] از ۱۸ نقطه و در جبهه‌ای به‌طول حدود ۳۰ کیلومتر آغاز کردند.^(۴۱) آنها موفق شدند مدافعان عراقی را از رشته‌کوه‌های اطراف سومار در خاک ایران پاک‌سازی کنند، ولی سرعت پیشروی‌شان کند بود، زیرا زمان زیادی برای بسیج نیرو صرف کرده و عراقی‌ها هم برای مقابله با حمله آنها آماده بودند. نیروهای عراق با استفاده از پشتیبانی هوایی نزدیک بالگردها و جنگنده‌های میگ-۲۵ در امتداد جاده مندلی - سومار اقدام به پاتک کردند، ولی این پاتک موفقیت‌آمیز نبود. نیروهای ایران در بامداد ۲ اکتبر [۱۰ مهر ۱۳۶۱] بار دیگر حمله کردند و تا روز سوم عملیات با حدود پنج کیلومتر پیشروی در خاک عراق به حومه شهر مندلی رسیدند، اما به‌علت نداشتن پوشش هوایی کافی مجبور به عقب‌نشینی شدند.

ایران درحالی‌که هنوز این عملیات ادامه داشت بخش عمده‌ای از واحدهای نظامی‌اش را به جبهه جنوبی اعزام کرد تا وانمود کند که حمله اصلی‌اش در جنوب انجام می‌شود، به این امید که صدام نیز تعدادی از نیروهای ذخیره متحرکش را از مندلی بیرون آورد.^(۴۲) اما عراقی‌ها به‌جای واکنش نشان‌دادن به این عملیات فریب، بخش میانی جبهه‌شان را با اعزام یک تیپ از نیروهای عملیات ویژه گارد ریاست‌جمهوری تقویت کردند.^(۴۳) درنتیجه، حملات بعدی ایران در روزهای ۵ و ۶ اکتبر [۱۳ و ۱۴ مهر ۱۳۶۱] دفع شد و این عملیات سرانجام در حدفاصل خطوط مرزی و شهر مندلی به بن‌بست رسید.

ایران در عملیات مسلم‌بن‌عقیل موفق شد بخشی از اراضی اشغالی‌اش را آزاد کرده و ۶۵ کیلومتر مربع

این شهر دست می‌یافت، در جبهه میانی راهی به سوی بغداد باز می‌کرد. از این رو، فرماندهی عالی ارتش عراق نیروهای ذخیره باقیمانده‌اش را بسیج کرد؛ این نیرو از یک سپاه نیروی زمینی مستقر در جنوب پایتخت، ۲ تیپ ناقص در شمال حوزه‌های نفتی منطقه و واحدهای نخبه گارد ریاست‌جمهوری^(۴۲) تشکیل می‌شد که به تازگی به تانک‌های تی ۷۲ ساخت اتحاد شوروی [سابق] مجهز شده بودند^(۴۳) و مقابله با این تانک‌ها برای نیروهای ایرانی مشکل بود.^(۴۴) عراق با اقدام به پاتک، شهر مندلی را از خطر سقوط نجات داد و ایران را مجبور کرد مناطق طیب و زبیدات را هم رها کند. با این حال، نیروهای ایرانی توانستند منطقه ابوبیات (Abu Bayat) و ۲۱۰ کیلومتر مربع از خاک عراق را همچنان در تصرف خود نگه دارند و تا اواسط این ماه - که عملیات‌های جنگی بر اثر باران‌های سیل‌آسا پایان یافت - نیز موفق شده بودند ۳ هزار سرباز عراقی را اسیر کنند و حدود ۴۰ دستگاه تانک را به غنیمت بگیرند.^(۴۵)

براساس اطلاعات نویسنده و دلپ هیرو (Dilip Hiro) از تحلیل‌گران این حوزه، محافل

برگ‌های برنده استفاده کنند.

ایران برای این عملیات ۴ لشکر ارتش، ۵ تیپ مستقل سپاه که با نیروهای بسیج تقویت شده بودند و ۲ گردان بالگرد تهاجمی را بسیج کرد.^(۴۱) عملیات شب‌هنگام در جنوب و در جبهه‌ای به طول حدود ۲ کیلومتر آغاز شد. نیروهای ایران این بار آمادگی بهتری داشتند و با وجود تحمل تلفات سنگین، توانستند در هردو منطقه عملیاتی با استفاده از حملات جبهه‌ای تاکتیکی گسترده، بسیاری از خطوط دفاعی عراقی‌ها را بشکنند؛ آنها در جبهه جنوب موفق شدند هشت کیلومتر در خاک عراق نفوذ کنند و شهرهای طیب و زبیدات را به تصرف درآورند و در جبهه میانی هم گرچه سرعت پیشروی‌شان کندتر بود ولی توانستند حوزه نفتی بیات و تأسیسات نفتی ابوشریب (Abu Shirib) را اشغال و یک تیپ زرهی عراق را هم منهدم کنند.

اکنون اوضاع برای بغداد بسیار حساس بود. از یک سو سرعت پیشروی ایران زنگ خطر را برای رژیم عراق به صدا درآورده بود و از سوی دیگر شهر مندلی در آستانه سقوط قرار داشت و اگر ایران به



سرهنگ علی صیاد شیرازی فرمانده نیروی زمینی ارتش و برادر محسن رضایی فرمانده کل سپاه.

داشت. آنها همچنین نتوانسته بودند اهداف اصلی‌شان را محقق کرده و با متزلزل کردن رژیم عراق، جنگ را به نفع خود پایان دهند.

نگاه دقیق‌تر به عملیات‌های رمضان، مسلم‌بن عقیل و محرم نشان می‌دهد که عملیات‌های جنگی ایران در سطوح عملیاتی و تاکتیکی تحت‌تأثیر عوامل زیادی بوده‌اند که در اینجا برخی از آنها را بررسی می‌کنیم.

نبود تحرک، قدرت آتش و پشتیبانی هوایی نزدیک

همان‌گونه‌که تیمسار ظهیرنژاد در جلسه شورای عالی دفاع در ژوئن ۱۹۸۲ [تیر ۱۳۶۱] به‌درستی اشاره کرده بود، در آن زمان ارتش ایران آن‌قدر مجهز نبود که بتواند در خاک عراق دست به حمله بزند. اگرچه ایران موفق شده بود نیروهای عراقی را از بخش عمده‌ای از خاکش بیرون براند و این موفقیت بر نگرش بسیاری از اعضای شورای عالی دفاع سایه انداخته بود، تاکتیک‌ها و منابعی که ایران برای این عملیات به میدان آورده بود چندان برای نیروهایش قابل‌استفاده نبود. از نظر آمار و ارقام، ایرانیان تجهیزات زرهی و توپخانه سنگین موردنیاز برای اجرای این عملیات را در اختیار نداشتند و عراق در برابر ۹۰۰ دستگاه تانک و ۹۰۰ قبضه توپ ایران، به‌ترتیب ۳۰۰۰ دستگاه تانک و ۱۸۰۰ قبضه توپ داشت.^(۵۰) همچنین ایران فقط ۱۲۰ فروند جنگنده و هواپیمای تهاجم زمینی عملیاتی داشت، درحالی‌که عراق ۳۰۰ فروند داشت.^(۵۱) باوجودی‌که تا اواخر سال ۱۹۸۲ [اواسط ۱۳۶۱]، دو طرف از نظر تجهیزات به‌شدت در مضیقه بودند، ولی عراقی‌ها در آن زمان به‌دلیل بهره‌مندی از پشتیبانی قابل توجه اتحاد شوروی، فرانسه و کشورهای عرب خلیج [فارس]، از نظر تجدید آماد نیروهایشان وضعیت بهتری داشتند.

رژیم عراق زمانی که عملیات محرم در جریان بود بر صدام فشار می‌آوردند که به خواست اصلی ایران گردن نهد و با کناره‌گیری از قدرت از تجاوز گسترده ایران به خاک عراق جلوگیری کند و به جنگ پایان دهد.^(۴۶) اما صدام گوشش به این حرف‌ها بدهکار نبود و درعوض در ۱۳ نوامبر [۲۲ آبان ۱۳۶۱] تظاهرات گسترده‌ای در حمایت از خودش در پایتخت به راه انداخت که چهار میلیون نفر در آن شرکت داشتند.^(۴۷)

زمانی که عملیات محرم به‌تدریج به پایش نزدیک شد، دیکتاتور عراق موفق شده بود از مخالفان داخلی‌اش زهرچشم بگیرد و تلاش‌های ایران را برای پیشروی به‌سوی بغداد ناکام بگذارد.

تجزیه و تحلیل عملیات‌های ایران در سال ۱۳۶۱

در آن زمان، [آقای] رفسنجانی اعلام کرد که عملیات محرم راه را برای اجرای عملیات‌های بعدی هموار کرده است، ولی درواقع سال ۱۹۸۲ [۱۳۶۱] با بن‌بستی راهبردی پایان یافت که عمده‌تاً در چهار سال بعدی نیز ادامه داشت.^(۴۸) البته ایران در سطح تاکتیکی به موفقیت‌هایی دست یافته و از جمله صدها کیلومتر مربع از خاک عراق را تصرف کرده بود. هریک از فرماندهان ایرانی نیز ابتکار عمل‌های قابل‌توجهی از خود نشان داده و در استفاده بهینه از زمین عملیات، شرایط جوی و پوشش تاریکی شب برای جبران کمبود تجهیزاتی‌شان خبره شده بودند. رهبران ایران هم به مردم خود نشان داده بودند که می‌توانند جنگ را به داخل خاک عراق بکشانند. با این‌حال، دست‌یافتن به این امتیازهای ناچیز ارضی برای ایرانیان تلفات غیرقابل‌تحملی را به همراه

عملیات‌های رمضان، مسلم‌بن عقیل و محرم نشان داد که نیروهای نظامی این کشور [ایران] برای انتقال عملیات‌های آفندی به داخل خاک عراق چندان آماده و مجهز نیستند.

مشکل همیشگی آماد و پشتیبانی

عملیات‌های رمضان، مسلم‌بن‌عقیل و محرم‌الگوی کلی عملیات‌های ایران در مراحل اولیه جنگ را نشان می‌دهد. در هریک از این عملیات‌ها ایران ابتدا موفق می‌شد خطوط دشمن را بشکند و به‌سرعت پیشروی کند، ولی چند روز بعد از ادامه عملیات، نیروهای آفندی ایران به‌طور اجتناب‌ناپذیری تحلیل می‌رفت و مجبور می‌شدند به همان سرعت که پیشروی کرده بودند دست به عقب‌نشینی بزنند. در نتیجه، ایران برای دست‌یافتن به بخش‌های کوچکی از خاک عراق تلفات سنگینی را متحمل می‌شد و از تثبیت متصرفات خود نیز عاجز بود و این به عوامل متعددی برمی‌گشت، عواملی مانند: نبود طرح‌ریزی پیشرفته؛ بسیار مبهم‌بودن اهداف تعیین‌شده؛ ناتوانی از پراکنش تاکتیکی نیروها و سنگرسازی برای آنها پس از پیشروی اولیه و بی‌توجهی و تخصیص‌ندادن منابع کافی برای حفظ پشتیبانی آمادی. عامل آخر بسیار مهم بود، زیرا نیروهای پیاده ایران معمولاً خودشان اقلام آمادی موردنیازشان را حمل می‌کردند و سامانه تجدید آماد ایران به‌ویژه در هنگام عملیات که واحدهای پیشرو از رده‌های پشتیبانی جلوتر بودند، حتی در بهترین حالت هم نواقص زیادی داشت. کردزمن و واگنر [در کتابشان] در این‌مورد می‌گویند: «مبنای کار سامانه [تجدید آماد ایران] این بود که تدارکات لازم را به‌گونه‌ای برای واحدهای ایران تأمین کند که مجبور به عقب‌نشینی یا تغییر طرح عملیاتی‌شان نشوند، ولی وقتی این واحدها مجبور به تجدید سازمان یا افزایش سرعت پیشروی‌شان می‌شدند، معمولاً این سامانه از هم می‌پاشید.»^(۵۲)

سرسختی دائمی ارتش و سپاه

کشمکش میان ارتش و سپاه به‌شدت عملیات

جنگی ایران را تحت تأثیر قرار می‌داد و این موضوع پس از عملیات رمضان به اوج خود رسید. هریک از این دو نیروی نظامی، دیگری را مقصر شکست‌های ایران در جبهه‌ها می‌دانست. افسران ارتش با انتقاد از همتایان سپاهی‌شان، آنها را غیرحرفه‌ای و آموزش‌ندیده می‌خواندند و از موقعیت برتر پاسداران در سلسله‌مراتب نظامی و جایگاه ویژه‌شان در عرصه تصمیم‌سازی نظامی ناراحت بودند، تا آنجا که حتی تیمسار ظهیرنژاد در عملیات رمضان یک بار تهدید کرد که «اگر افراد فاقد صلاحیت همچنان در اداره جنگ دخالت کنند»، استعفا می‌دهد.^(۵۳) فرماندهان ارشد سپاه نیز همواره از همتایان ارتشی‌شان برای نداشتن شور انقلابی و درگیرنشدن در عملیات‌های جنگی انتقاد می‌کردند. ذهنیت پاسداران در این زمینه با تلاش‌های مختلف ارتش برای کودتا^(۵۴) و پشتیبانی ضعیفی که در برخی موارد از واحدهای مستقر در میدان جنگ انجام می‌داد^(۵۵)، تیره‌تر می‌شد.

نبود سازوکارهای مؤثر برای هماهنگ کردن عملیات‌ها در سطوح عملیاتی و تاکتیکی

سپاه و ارتش نه‌تنها از نظر آموزش‌ها، سازمان و رهنما (دکترین) باهم تفاوت داشتند، بلکه هریک ستاد مشترک جداگانه‌ای داشتند و از طریق دو سلسله‌مراتب فرماندهی جداگانه به دو وزیر کابینه گزارش می‌دادند.^(۵۶) از این‌رو، برای این دو سازمان نظامی مشکل بود که عملیات‌هایشان را با یکدیگر هماهنگ کنند. امور فرماندهی و کنترل در سپاه تا رده‌های پایین تعمیم می‌یافت و فرماندهان معمولاً به‌شکلی مستقل عمل می‌کردند و برای تأمین آتش پشتیبانی هماهنگی ضعیفی بین واحدهای پیاده و توپخانه وجود داشت.^(۵۷)

ضعف ایران در زمینه حفظ امنیت عملیاتی

ایرانیان پیش از اجرای هریک از عملیات‌های سال ۱۹۸۲ [۱۳۶۱]، نشانه‌های زیادی بروز می‌دادند که حاکی از تصمیم آنها برای اجرای عملیات در جبهه‌ها بود و این امر به عراقی‌ها امکان می‌داد حملات مؤثری را برای مقابله با آنها تدارک ببینند. البته ایرانیان با توجه به وضعیت و ساختار نیروهای نظامی‌شان در آن زمان احتمالاً نمی‌توانستند از اختصاص زمانی طولانی به بسیج نیرو و استقرار نیروهای انبوه در مناطق مرزی - که به راحتی در تصاویر ماهواره‌ای مشهود بود - اجتناب کنند.^(۵۹) از طرفی، آنها هنوز در اجرای عملیات‌های ممانعتی و فریب، آن‌گونه که بعدها برای استتار تحرکات جنگی‌شان از این عملیات‌ها بهره می‌بردند، مهارت نداشتند. ایرانیان در موارد متعدد و از جمله در عملیات رمضان حتی پیش از عملیات آشکارا اعلام می‌کردند که قصد دارند عملیات جدیدی انجام دهند.

بسیاری از عوامل پیش‌گفته تا پیش از عملیات‌های سال ۱۹۸۲ [۱۳۶۱] که نیروهای ایران هنوز در خاک خودشان عملیات می‌کردند موانع مهمی برایشان به شمار نمی‌آمد. تاکتیک‌هایی مانند اجرای حملات جبهه‌ای انبوه، که ایرانیان در آن زمان به کار می‌گرفتند، در منطقه خوزستان بسیار مهم بودند، زیرا در آنجا می‌توانستند نیروهایشان را در امتداد نوار کم‌عرضی از جبهه علیه مواضع ثابت عراقی‌ها متمرکز کنند. در آن زمان، خطوط تدارکاتی ایران کوتاه‌تر و امن‌تر بود و به‌ویژه در مناطق مسکونی مانند آبادان و خرمشهر نیاز چندانی به تحرک بیشتر نداشتند. ارتش و سپاه نیز هماهنگی مؤثرتری با یکدیگر داشتند و در حالی که ارتش بر عملیات‌های متعارف متمرکز شده بود، سپاه یک رشته عملیات چریکی علیه نیروهای متجاوز عراقی اجرا می‌کرد. افزون‌براین، نیروهای نظامی ایران می‌توانستند به حمایت مردم بومی خوزستان نیز پشت گرم باشند،

اعتقاد رهبران ایران مبنی بر جبران کمبودهای آمادی و آموزشی سپاه با ایمان و شور انقلابی پاسداران

خاستگاه این دیدگاه تاحدی بنیان‌های ایدئولوژیک نظامی ایران بود که از مفاهیمی مانند شهادت و جانبازی ریشه می‌گرفت و از طرفی با نگرش عمومی نیروهای انقلابی این کشور به ارتش نیز مرتبط بود، زیرا آنها اعتقاد داشتند ارتش کاملاً غربی بوده و علقه‌های تنگاتنگی با رژیم سابق دارد، البته برخی ملاحظات عملی آن زمان هم این نگرش‌ها را تقویت می‌کرد. پیش از عملیات‌های سال ۱۹۸۲ [۱۳۶۱] ایران، رهبری حاکم بر شورای عالی دفاع [بنی‌صدر و همفکرانش] براساس دلایلی - که شاید هم کاملاً بی‌پایه نبود - به این جمع‌بندی رسیده بودند که ایران می‌تواند نیروی انسانی عظیم ذخیره‌اش را آماده کند و عراقی‌ها را در یک جنگ فرسایشی عمومی

از پا در بیاورد. بنابراین، سپاه پاسداران (و به‌ویژه بسیج) حملات جبهه‌ای گسترده به مواضع کاملاً دفاعی عراقی‌ها را بر تاکتیک‌های نظامی متعارف که مستلزم آموزش‌های بیشتری بود، ترجیح می‌دادند و از این‌رو، حملات موسوم به "حملات موج انسانی" در عملیات‌های سال ۱۹۸۲ [۱۳۶۱] جایگاه ویژه‌ای داشت و تا مدت‌ها از نظر ایرانیان رویکرد ارزشمندی به شمار می‌آمد تا اینکه در نیمه دوم جنگ و به دلیل افزایش تلفات سرانجام آن را کنار گذاشتند.^(۵۸)

ایران در چنین اوضاعی و احوالی که به نظر می‌رسید نمی‌تواند دست به عملیات عمده‌ای بزند... عملیات والفجر ۸ را آغاز کرد که یکی از بلندپروازانه‌ترین و در نهایت موفق‌ترین عملیات‌های ایران در طول جنگ به شمار می‌آید.

باوجود این اصلاحات، ایرانیان در فاصله سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۶ [۱۳۶۱ تا اواخر ۱۳۶۴]، نتوانستند ضربه قاطعی به رژیم عراق بزنند و ورود به خاک عراق برای آنها دستاوردهایی نسبتاً اندک به همراه داشت که برجسته‌ترین آنها آزادسازی برخی نواحی ایران در جبهه میانی بود که از پیش از سال ۱۹۸۲ [۱۳۶۱] در اشغال عراق باقی مانده بود. ایرانیان همچنان از تلفات زیاد در جبهه رنج می‌بردند و باوجودی که عمق راهبردی سرزمینشان از عراقی‌ها بیشتر بود و جمعیتشان تا سال ۱۹۸۶ [۱۳۶۵] بیش از دو برابر آنها بود، فقط می‌توانستند حدود یک میلیون نفر را بسیج کنند، درحالی‌که توان عراق برای بسیج نیرو تا ۸۰۰ هزار نفر هم می‌رسید.^(۶۳)

عراق همچنین بدون هیچ محدودیتی از حمایت بین‌المللی برخوردار بود و در فاصله سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۶ [۱۳۶۱ تا ۱۳۶۵]، با بهره‌گیری از سیل وام‌ها و اعتبارات کشورهای عرب خلیج [فارس] و ایالات متحده، با دست باز خریدهای عمده نظامی و تهیه جنگ‌افزار از تولیدکنندگان مختلف بین‌المللی و از جمله اتحاد شوروی، فرانسه و چین را آغاز کرد. عراقی‌ها فقط در سال ۱۹۸۴ [۱۳۶۳]، حدود ۷/۷ میلیارد دلار جنگ‌افزار و مهمات وارد کردند^(۶۴) و در سال ۱۹۸۵ [۱۳۶۴] نیز توانستند برای اولین بار پس از سال ۱۹۸۲ [۱۳۶۱] دست به یک رشته عملیات‌های متقابل بزنند. درمقابل، ایران که در یک انزوای نسبی قرار داشت، علاوه بر افزایش تلفات نیروهایش برای تهیه اقلام موردنیازش نیز با موانع عمده‌ای مواجه بود به‌گونه‌ای که در مقابل چهار هزار و پانصد دستگاه تانک رزمی عراق، فقط توانسته بود حدود هزار دستگاه تانک به میدان بیاورد. برتری عراق در هوا حتی از این هم بیشتر بود و درحالی‌که ایران تنها ۶۰ تا ۸۰ فروند هواپیمای جنگی عملیاتی داشت، عراقی‌ها ۵۰۰ فروند داشتند.^(۶۵) اما ایران در چنین اوضاعی و احوالی که به نظر می‌رسید نمی‌تواند

مردمی که گرچه عمدتاً عرب بودند و تحرکات جدایی‌طلبانه‌ای نیز در میان آنها وجود داشت، ولی حول پرچم کشورشان گرد آمده و علیه متجاوزان عراقی می‌جنگیدند.^(۶۰) درمجموع، ایران در آن زمان از امتیاز اجرای عملیات‌های دفاعی برخوردار بود.

آزادسازی خرمشهر و بیشتر مناطق اشغالی خوزستان اطمینان بیش از اندازه‌ای برای رهبران شورای عالی دفاع ایران ایجاد کرده بود ولی عملیات‌های رمضان، مسلم‌بن‌عقیل و محرم نشان داد که نیروهای نظامی این کشور برای انتقال عملیات‌های آفندی به داخل خاک عراق چندان آماده و مجهز نیستند. بااین‌حال، ایرانیان نتوانستند خود را با این شرایط تطبیق دهند و درس‌های برگرفته از این سه عملیات و عملیات‌های پس از آن را برای اجرای عملیات‌های موفق‌تر بعدی در جنگ به کار گیرند.

نبرد فاو (۱۳۶۴)

اوایل سال ۱۹۸۶ [بهمن ۱۳۶۴]، نقطه عطف عمده‌ای در جنگ ایران و عراق است. رهبران شورای عالی دفاع ایران از عملیات رمضان به بعد، متقاعد شده بودند که زمان به نفع ایران است و اگر با اعمال فشار لازم بتوانند اقدامات جنگی عراق را تحت‌تأثیر قرار دهند، رژیم صدام سرانجام سرنگون می‌شود^(۶۱) ایرانیان برای تحقق این هدف عملیات‌های متعددی را در امتداد ۱۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک بین دو کشور اجرا کردند و به‌مرور موفق شدند از ناکامی‌های پیشین خود تجربه کسب کنند. آنها با تأسیس قرارگاه عملیاتی مشترکی موسوم به قرارگاه خاتم‌الانبیا به‌طور خاص کوشیدند شرایط حاکم بین ارتش و سپاه را بهبود بخشند.^(۶۲) ایرانیان همچنین با سازماندهی آموزش‌های گسترده برای پاسداران به‌ویژه در زمینه عملیات‌های آب‌خاکی و مرکب تلاش کردند سپاه پاسداران را به یک نیروی رزمی متعارف مؤثرتر تبدیل کنند.

داشت. ایرانیان بخش عظیمی از نیروهایشان یعنی حدود نیمی از نیروهای ارتش و دوسوم نیروهای سپاه را برای این عملیات بسیج کرده بودند.^(۷۰) آنها در اکتبر ۱۹۸۵ [آبان ۱۳۶۴]، برای اولین بار به‌کارگیری زنان را در مشاغل نظامی پشت جبهه آغاز کردند تا مردان بیشتری را برای اعزام به جبهه آزاد کنند.^(۷۱) همچنین تمهیداتی برای اعزام کارمندان غیرنظامی دولت به جبهه نیز در نظر گرفتند.^(۷۲) ایران برای عبور نیروهایش از نواحی کم‌عمق‌تر شط‌العرب [اروندرو] در سطح وسیعی اقدام به برگزاری دوره‌های آموزش عملیات آب‌خاکی کرده و این نوع عملیات‌ها را در ساحل دریای خزر در شمال کشور، شبیه‌سازی کرد. ایرانیان همچنین انتقال قایق‌های کوچک و تجهیزات پل‌سازی‌شان را به آبادان آغاز کردند و در آخر هم واحدهای تکاوری ویژه‌ای را که برای جنگیدن در مناطق باتلاقی آموزش داده بودند به میدان آوردند.^(۷۳)

ایران به‌جای اینکه نیروهایش را در یک منطقه متمرکز کند، آنها را برای حمله در دو جبهه آماده کرد: عملیات اصلی گرفتن شبه‌جزیره فاو در جنوبی‌ترین منطقه جبهه بود و عملیات فرعی در منتهالیه شمال جبهه جنگ بر بصره متمرکز شد که احتمالاً عملیات فریبی بود که ایرانیان از طریق آن می‌خواستند توجه عراقی‌ها را از عملیات اصلی منحرف کنند و جلوی تقویت واحدهای عراقی مستقر در فاو را بگیرند. عملیات فرعی در قالب سه حمله جداگانه در شمال بصره اجرا شد. حمله اول در ۹ فوریه [۲۰ بهمن ۱۳۶۴] در نزدیکی منطقه قرنه (Qurnah) در منتهالیه جنوب منطقه هورالهویزه آغاز شد و در آن نیروهای ایران تلاش کردند ارتباط بین مناطق مسئولیت سپاه‌های سوم و چهارم عراق را قطع کنند ولی از بخت بد با مواضع بسیار مستحکم عراقی‌ها مواجه شدند و باوجود سه روز حملات موج‌انسانی مداوم با تحمل تلفات سنگین عقب‌نشینی کردند.^(۷۴)

دست به عملیات عمده‌ای بزنند. در ۹ فوریه ۱۹۸۶ [۲۰ بهمن ۱۳۶۴] عملیات والفجر ۸ را آغاز کرد که یکی از بلندپروازانه‌ترین و درنهایت موفق‌ترین عملیات‌های ایران در طول جنگ به شمار می‌آید.

عملیات والفجر ۸

هدف اصلی عملیات والفجر ۸ گرفتن شبه‌جزیره فاو در جنوب بصره و قطع دسترسی بغداد به دریا بود. البته ایران در این عملیات نیز مانند بسیاری دیگر از عملیات‌هایش انگیزه‌های اقتصادی هم داشت. بعدها [آقای] رفسنجانی در مصاحبه‌ای گفت: «فاو به چند دلیل برای ما مهم بود: نخست، دسترسی عراق به دریا قطع می‌شد و تنها راه دسترسی‌اش از طریق خور عبدالله به‌صورت پنهانی با قایق و با استفاده از تاریکی شب بود، ولی دیگر حضور نظامی در دریا نداشت. افزون‌براین، عراق دیگر نمی‌توانست از دو پایانه نفتی‌اش در جنوب فاو یعنی اسکله‌های العمیه (al-Amayah) و البکر (al-Bakr) استفاده کند.»^(۷۵)

اکنون عراق باید نفتش را عمدتاً از پایانه‌های نفتی البصره و خورالعمیه (Khawr al - Amayah) صادر می‌کرد.^(۷۶) قطع دسترسی عراق به دریا نه تنها بغداد را از بخش اعظمی از درآمدهای موردنیازش محروم می‌کرد، بلکه ایران هم می‌توانست قیمت نفت را به‌طورکلی افزایش دهد (در آن زمان، قیمت نفت به‌علت اضافه تولید عربستان سعودی و کویت بسیار پایین بود)^(۷۷)

عملیات والفجر ۸ از نظر گستره، حجم طرح‌ریزی‌ها و آمادگی‌های لازم با عملیات‌های پیشین ایران فرق

عملیات والفجر ۸ از نظر گستره، حجم طرح‌ریزی‌ها و آمادگی‌های لازم با عملیات‌های پیشین ایران فرق داشت. عملیات اصلی گرفتن شبه‌جزیره فاو در جنوبی‌ترین منطقه جبهه بود و عملیات فرعی در منتهالیه شمال جبهه جنگ بر بصره متمرکز شد... عملیات فرعی در قالب سه حمله جداگانه در شمال بصره اجرا شد

زمانی که حمله بزرگ ایران در شب ۱۰ فوریه [۲۱ بهمن ۱۳۶۴] صورت گرفت، نیروهای عراقی مدافع شبه‌جزیره اندک بودند و پادگان شهر هم خالی از نیرو بود.

عملیات اصلی ایران با حمله‌ای آب‌خاکی و در شبی طوفانی و بارانی آغاز شد.^(۷۶) نیروهای ایران با استفاده از تاریکی شب از عرض هزارمتری شط‌العرب [اروندرو] گذشتند و ۶ سرپل جداگانه در منطقه ایجاد کردند. ایران با به‌کارگیری مردان قورباغه‌ای [نیروهای غواص] جزیره ام‌الرصاص (Umm al-Rassas)

را که در وسط اروند قرار دارد تصرف و سپس از آن به‌مثابه یک منطقه تجمع آمادی استفاده کرد. نیروهای ایران سرانجام توانستند پل شناوری بر روی رودخانه برپا کنند و تانک‌ها و توپخانه سنگین خود را از طریق آن به شبه‌جزیره انتقال دهند. در این میان، پیشروی ایران در جبهه‌ای به وسعت ۶۵ کیلومتر ادامه یافت. نیروهای ایران در شمال به حرکتشان به‌سوی شاهره اصلی فاو-بصره ادامه دادند، ولی با مقاومت شدید نیروهای عراقی مواجه شده، از

حرکت بازماندند. ایران در جبهه‌های میانی و جنوبی با مقاومت اندکی روبه‌رو شد که به‌سرعت بر آنها فائق آمد و بخش اعظم شبه‌جزیره فاو را تصرف کرد. شهر فاو که پیش از این عملیات تا حد زیادی تخلیه شده بود در همان روز اول عملیات سقوط کرد. نیروهای ایران همچنین توانستند مرکز اصلی پیش‌هشدار و کنترل هوایی عراق را، که منطقه خلیج [فارس] را پوشش می‌داد، تصرف کنند و ترس و اضطرابی موقتی در پایتخت‌های کشورهای عرب خلیج [فارس] به وجود آورند. ایران تا ۱۲ فوریه [۲۳ بهمن ۱۳۶۴] به

نیروهای ایران دو روز بعد، حمله دیگری را در ۶۰ کیلومتری جنوب و در منطقه عملیاتی نسبتاً بازی در حاشیه جنوبی این منطقه هورالهویزه آغاز کردند. این عملیات که از عملیات اول محدودتر بود، به‌سرعت به صحنه نبرد رودرروی نیروهای زرهی دو طرف متخاصم تبدیل شد. عراق که نیروی زرهی‌اش از نظر کمی و کیفی بر ایران برتری داشت حمله ایرانیان را دفع کرد، ولی تلفات سنگینی به دو طرف وارد آمد. سومین حمله و به عبارتی آخرین مرحله عملیات فرعی در ۱۴ فوریه [۲۵ بهمن ۱۳۶۴] در منطقه هورالهویزه انجام شد که در آن نیروهای ایران برای گرفتن شمالی‌ترین نقطه جزیره مجنون اقدام به اجرای یک تهاجم آب‌خاکی کردند.^(۷۷) البته این بار هم ایران تلفات سنگینی را متحمل شد و حمله‌اش هم موفق نبود.

گرچه عملیات فرعی ایران در جبهه شمالی از نظر تاکتیکی شکست خورد و نیروهای این کشور در همه موارد عقب رانده شدند، ولی این عملیات در نهایت عملیات فریب موفقی بود. چندین روز طول کشید تا عراقی‌ها بفهمند که عملیات اصلی ایران در جنوبی‌ترین نقطه جبهه در شبه‌جزیره فاو اجرا می‌شود و زمانی که فرماندهی عالی عراق نیروهای ذخیره‌اش را به این جبهه اعزام کرد، نیروهای ایران به دستاوردهای بسیار مهمی دست یافته و مواضع خود را کاملاً تثبیت کرده بودند. فرماندهان صدام به آسیب‌پذیری یا اهمیت راهبردی شبه‌جزیره فاو پی نبرده بودند. شاید عراقی‌ها توانمندی آب‌خاکی ایران را برای حمله از طریق شط‌العرب [اروندرو] که مانع مؤثری به شمار می‌آمد، دست کم گرفته بودند. همچنین ممکن است آنها با در نظر گرفتن الگوهای عملیات‌های گذشته ایران دچار نوعی آسودگی خاطر کاذب شده بودند. هیچ‌یک از عملیات‌های عمده ایران در شش سال گذشته، در جنوبی‌تری نقطه جبهه صورت نگرفته بود. به‌هر حال

فرماندهی عالی عراق که فریب خورده و گمان کرده بود حمله اصلی ایران در منطقه بصره انجام می‌شود، در واکنش به این مسئله و در به‌کارگیری نیروهای ذخیره‌اش برای دفاع از فاو سریع عمل نکرد.

داشت که نیروها و تدارکات موردنیاز را به داخل شبه‌جزیره منتقل کند.

در ۲۴ فوریه [۵ اسفند ۱۳۶۴] صدام یکی از بهترین فرماندهانش به نام ژنرال ماهر عبدالرشید را فرستاد تا برای بازپس‌گیری فاو پاتک جدیدی را آغاز کند. ۳ تیپ مستقل از سپاه هفتم عراق که با نیروهایی از گارد ریاست‌جمهوری تقویت شده بودند از سه محور جداگانه حرکت کردند: یک

تیپ در امتداد ساحل خورعبدالله، تیپ دوم در وسط شبه‌جزیره و تیپ سوم در امتداد شط‌العرب [اروندرو] عراقی‌ها با بهترشدن وضعیت آب‌وهوا و بهبود قابلیت دید توانستند از ظرفیت کامل برتری هوایی‌شان علیه نیروهای ایران استفاده کنند. این شرایط همچنین به عراقی‌ها امکان داد به‌طرز مؤثری از موشک‌اندازهای کاتیوشا استفاده کنند که ظاهراً برای شلیک به اهداف منطقه‌ای بهتر از توپ‌های لوله‌ای معمولی بودند.^(۸۱) در ادامه، دور جدیدی از درگیری‌های شدید آغاز شد که در آن دو طرف بسیاری از تجهیزات اصلی‌شان را به صحنه نبرد آوردند. در طول چهار روز درگیری، عراق ۱۰ هزار و ایران احتمالاً حدود ۳۰ هزار نفر تلفات دادند.^(۸۲) پافشاری صدام بر بازپس‌گیری شبه‌جزیره فاو را از تعداد پروازهای عملیاتی هواپیماهای عراقی در آن زمان می‌توان فهمید که از ۹ فوریه تا ۲۵ مارس ۱۹۸۶ [۲۰ بهمن ۱۳۶۴ تا ۵ فروردین ۱۳۶۵] به ۱۸ هزار و ۵۴۸ مورد رسیده بود، درحالی‌که این رقم در کل سال ۱۹۸۵ [۱۳۶۴]، حدود ۲۰ هزار و ۱۱ مورد برآورد می‌شد.^(۸۳)

عراقی‌ها خطوط مقدم جبهه‌شان را تثبیت کرده و جلوی پیشروی ایران را گرفته بودند، ولی درزمینه تجهیزات زرهی و هوایی متحمل تلفات سنگینی شده و در بازپس‌گیری بیشتر مناطقی که در اشغال نیروهای ایران بود نیز ناکام مانده بودند. آنها به‌ویژه تحرک و جابه‌جایی نیروهایشان دچار مشکل بودند،

آبراه خورعبدالله در مرز عراق با کویت دست یافت، ولی نتوانست پایگاه دریایی اصلی عراق را که در شمال جزیره ام‌القصر (Umm Qasr) و در آن‌سوی این آبراه قرار داشت تصرف کند. نیروهای ایران که می‌دانستند عراق ناگزیر دست به ضدحمله می‌زند، پس از تثبیت دستاوردهایشان در منطقه عملیاتی پراکنده شدند و شروع به احداث سنگر کردند.

فرماندهی عالی عراق که فریب خورده و گمان کرده بود حمله اصلی ایران در منطقه بصره انجام می‌شود، در واکنش به این مسئله و در به‌کارگیری نیروهای ذخیره‌اش برای دفاع از فاو سریع عمل نکرد. در این مدت، ایران توانست ۲۰ هزار نفر از نیروهایش را به داخل شبه‌جزیره فاو منتقل کند.^(۸۷) سرانجام عراق در ۱۲ فوریه [۲۳ بهمن ۱۳۶۴] اقدام به پاتک کرد ولی این پاتک از نظر سازماندهی و تجهیزاتی بسیار ضعیف بود و پس از یک هفته درگیری مداوم با شکست مواجه شد. به نظر می‌رسید شرایط جوی و زمین عملیات عامل عمده‌ای بود که بسیاری از برتری‌های عراق را خنثی کرد. زرهی و توپخانه عراق در زمین باتلاقی فاو و به‌ویژه در مقابل نیروهای پیاده ایران که در سنگر مستقر شده و به موشک‌های هدایت‌شونده ضدتانک و آرپی‌جی ۷ مسلح بودند کاربرد زیادی نداشت.^(۸۸) افزون‌براین، کاهش دید نیز کارایی نیروی هوایی عراق را محدود می‌کرد و خلبانان عراقی مجبور بودند برای بمباران مواضع ایران در ارتفاع پایین پرواز کنند و این سبب آسیب‌پذیری‌شان در مقابل سامانه‌های ضدهوایی ایرانیان می‌شد. ازاین‌رو، عراق متحمل تلفات سنگینی شد و در طول حمله ۵۵ فروند از هواپیماها و بالگردهایشان را از دست داد.^(۸۹) بارش باران شدید نیز از کارایی حملات شیمیایی - که از مشخصه‌های بارز ضدحمله‌های عراق به شمار می‌آمد - کاست.^(۹۰) تا ۲۲ فوریه [۳ اسفند ۱۳۶۴] که شرایط آب‌وهوایی به‌تدریج بهتر شد، ایران بیش از یک هفته فرصت



محسن رضایی فرمانده کل سپاه پاسداران در دوران دفاع مقدس

بن بست جنگ را بشکند" نشان داده بود.^(۸۴) اگرچه ایران نتوانسته بود دسترسی عراق به دریا را به طور کامل قطع کند (و عراقی ها از طریق ام القصر همچنان دسترسی محدودی به خلیج فارس) داشتند ولی با گرفتن فاو و حفظ آن ضربه بزرگی به اعتبار صدام وارد آورده بود. نیروهای ایران موفق شده بودند تعداد زیادی از نیروهای عراق را کشته یا اسیر کنند، حجم بالایی از جنگ افزارهای این کشور را منهدم یا به غنیمت بگیرند، منطقه تجمع موشکی عراق در فاو را که اهواز و خرمشهر را تهدید می کرد تصرف کنند و ایستگاه هشدار اولیه عراق را - که پیش تر به آن اشاره شد - به اشغال درآورند. با وجودی که میزان کلی تلفات عراق از نظر نیروی انسانی شاید معادل نصف تلفات ایران بود، ولی همین نسبت هم برای بغداد پذیرفتنی نبود، زیرا تلفات عراق عمدتاً شامل خلبان ها و نیروهای متخصصی بود که به راحتی نمی شد آنها را جایگزین کرد و از طرفی توازن جمعیتی مناسبی هم بین دو کشور وجود نداشت.^(۸۵) افزون بر این حضور نیروهای ایران در خور عبدالله برای کویت نوعی تهدید بود و زنگ خطر را برای

زیرا جاده های اصلی که برای تسریع حرکتشان به داخل شبه جزیره فاو احداث کرده بودند با بارش های اخیر به مرداب های گل آلود تبدیل شده بود. عراق با وجود پانکی که در ۱۱ مارس [۲۰ اسفند ۱۳۶۴] انجام داد، در پایان سه هفته درگیری، فقط موفق شده بود هفت کیلومتر به داخل شبه جزیره پیشروی کند. از طرفی، ایران که توانسته بود بیشتر مناطق تصرف شده در شبه جزیره را حفظ کند به تدریج خطوط دفاعی اش را هم تثبیت کرد.

تجزیه و تحلیل عملیات والفجر ۸

عملیات والفجر ۸ نقطه اوج عملیات های نظامی ایرانیان بود و معمولاً از آن به عنوان موفق ترین عملیاتشان یاد می کنند. این عملیات بار دیگر این امید را در دل رهبران ایران شعله ور ساخت که رژیم صدام در آستانه سقوط است. در آن زمان، ایران پس از دو سال برای اولین بار توانسته بود بخشی از خاک عراق را گرفته و حفظ کند و به قول هیرو (Hiro) از این طریق نادرستی "باور غالب میان ناظران محلی و خارجی را که عقیده داشتند ایران نمی تواند

به اصلاح راهکارهای عملیاتی بزنند. در این زمینه، آنها با تأسیس قرارگاه مشترک خاتم‌الانبیا مسلماً از تلاش‌هایشان برای بهبود روند هماهنگی بین سپاه و ارتش در سطح عملیاتی و میان نیروهای خودشان در سطح تاکتیکی سود جسته بودند.

تجربه‌اندوزی ایرانیان در استفاده از شرایط جوی و زمین عملیات

فرماندهان ایرانی برتری‌های آشکار نیروهای عراقی را در زمینه زرهی، قدرت هوایی و توپخانه دیده بودند و برای کاهش برتری عراق در این زمینه‌ها در انتخاب منطقه عملیاتی‌شان دقت زیادی می‌کردند و حمله‌های خود را در مناطقی انجام می‌دادند که تردد وسایل نقلیه در آنها دشوار بود و بیشتر برای نیروهای پیاده مناسب بودند. این مناطق در عملیات والفجر ۸ شامل: شبه جزیره فاو که با موانع طبیعی و مصنوعی متقاطع احاطه شده بود، آبراه شط‌العرب [اروندرو] و مناطق مردابی هورالهویزه می‌شد. نیروهای ایران پس از استقرار [در فاو] با استفاده مؤثر از زمین عملیات، پاتک‌های عراق را به داخل مناطق گشتار سوق دادند. ژنرال [سرلشکر پاسدار] رحیم صفوی پس از جنگ در مصاحبه‌ای به توضیح نقش حساس زمین عملیات در طرح‌ریزی‌های جنگی ایران پرداخته، با اشاره به عملیات والفجر ۸ و دو عملیات پیش از آن می‌گوید: «اغلب مناطقی را انتخاب می‌کردیم که برای نیروهایمان، که عمدتاً نیروی پیاده بودند، مناسب باشد و دشمن نتواند با نیروهای زرهی‌اش با آنها مقابله کند و اگر هم بتواند در شرایط دشواری با نیروهای ما درگیر شود و در عوض ما با نیروهای پیاده‌مان بر آنها برتری داشته باشیم»^(۸۶) ایران همچنین اجرای عملیات والفجر ۸ را تعمداً برای زمانی طرح‌ریزی کرد که مصادف با فصل بارش در شمال خلیج [فارس] باشد تا از این عامل برای

بسیاری از کشورهای عرب همسایه هم به صدا درآورد.

عملیات والفجر ۸ برخلاف دیگر عملیات‌هایی که پیش از این شرح داده شد، بیانگر بلوغ تاکتیکی ایرانیان بود. در این عملیات از حملات موج انسانی که مشخصه برجسته عملیات‌های رمضان و مسلم‌بن‌عقیل به شمار می‌آمد به‌ندرت و آن هم در کنار برخی تاکتیک‌های نظامی متعارف استفاده شد. با بررسی بیشتر عملیات والفجر ۸ می‌توان دلایل دیگری هم برای موفقیت این عملیات برشمرد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

بهبود فرماندهی و کنترل عملیاتی و هماهنگی بین ارتش و سپاه در میدان جنگ

ایران در عملیات والفجر ۸ برای اولین بار موفق شده بود عملیات‌هایی را به‌طور هم‌زمان در چند جبهه انجام دهد: یک عملیات فرعی در شمال بصره، عملیات اصلی در مجاورت فاو و عملیات دیگری در ارتفاعات کردستان در شمال عراق با نام والفجر ۹ که پس از فروکش کردن عملیات والفجر ۸ همچنان ادامه داشت. فرماندهان ایرانی در طول این عملیات‌ها هرگاه یکی از خطوط دفاعی [دشمن] را می‌شکستند با نشان‌دادن نوعی انعطاف‌پذیری، نیروها و منابعشان را از نقطه‌ای به نقطه دیگر منتقل می‌کردند تا پیروزی به‌دست‌آمده را تقویت کنند، درحالی‌که همین فرماندهان در عملیات‌های پیشین مانند عملیات رمضان نمی‌توانستند یا نمی‌خواستند در میدان جنگ دست

[۵ اسفند ۱۳۶۴] صدام یکی از بهترین فرماندهانش به نام ژنرال ماهر عبدالرشید را فرستاد تا برای بازپس‌گیری فاو پاتک جدیدی را آغاز کند

کاهش هرچه بیشتر قدرت تحرک نیروهای زرهی و توان نیروی هوایی عراق در اجرای عملیات‌های پشتیبانی نزدیک هوایی علیه واحدهای زمینی‌اش استفاده کند.

استفاده گسترده و مؤثر ایران از ترفندهای ممانعتی و فریب پیش از عملیات والفجر ۸ و در طول آن

ایران برای اینکه عراقی‌ها را فریب داده و به آنها القا کند که حمله اصلی به بصره انجام می‌شود، چادرهای زیادی در اطراف مناطق مردابی هورالهوریزه برپا کرد و با استقرار تعداد انبوهی کشتی در نزدیکی این مناطق، که درواقع شناورهای قدیمی و ازکار افتاده‌ای بودند که به‌مثابه اهداف کاذب از آنها استفاده می‌شد، وانمود کرد که برای اجرای یک عملیات آب‌خاکی بزرگ در این منطقه آماده می‌شود.^(۸۷) ایران همچنین نیروهایش را برای استقرار در مناطق مرزی اطراف آبادان و آماده‌شدن برای اجرای عملیات اصلی، به‌جای کامیون‌های نظامی با کامیون‌های باری غیرنظامی جابه‌جا می‌کرد^(۸۸) و عملیات آمادگاری‌اش را هم عمدتاً در تاریکی شب انجام می‌داد. ایرانیان مواضع ثابت نیروهایشان را در امتداد شط‌العرب [اروندرو] نیز استتار کردند و برای اینکه مقاصد اصلی‌شان را از دید عراقی‌ها پنهان کنند شروع به پخش اطلاعات کاذب کرده و اطلاعات نظامی غلطی را از طریق عوامل اطلاعاتی دوجانبه به فرماندهی عالی عراق تزریق کردند.^(۸۹) ایران با این اقدامات آرایش نظامی‌اش را از چشم عراقی‌ها که به‌شدت به شناسایی‌های هوایی و اطلاعات جاسوسی عوامل انسانی و مخابراتی وابسته بودند - و از آمریکایی‌ها که تصاویر ماهواره‌ای را در اختیار عراق قرار می‌دادند، پنهان کرد و در جریان عملیات والفجر هم با اجرای عملیات‌های فریب مکرر در منطقه هورالهوریزه توانست عراق را غافلگیر کند.

البته بعدها عراقی‌ها بخش اعظمی از شکست فاو را به گردن واشنگتن انداختند و ادعا کردند که آمریکایی‌ها اطلاعات جاسوسی غلط یا گمراه‌کننده در اختیارشان قرار داده‌اند.^(۹۰) اما درواقع این ایرانیان بودند که با عملیات‌های ممانعتی و فریب توانستند همه و ازجمله آمریکایی‌ها را غافلگیر کنند. در دوره چهارساله بین عملیات‌های رمضان و والفجر ۸، عملکرد ایران در زمینه امنیت عملیات هم بهتر شده بود. برای نمونه، در عملیات والفجر ۸

برای ارسال پیام به فرماندهان خط مقدم به‌جای بی‌سیم بر استفاده از پیک‌های موتوری استفاده می‌شد. بنابراین، عراق و متحدانش دیگر نمی‌توانستند پیام‌های ایرانیان را از طریق رصد مخابراتی کشف کنند.^(۹۱)

طرح‌ریزی و آموزش گسترده نیروهای ایرانی برای عملیات والفجر ۸

برخلاف مراحل پیشین جنگ که رهبران ایران معتقد بودند ایمان و شور انقلابی نیروهای پیاده عادی کشورشان می‌تواند

کمبدهای آموزشی و تجهیزاتی‌شان را جبران کند، این بار سپاه و ارتش وقت زیادی را به آموزش و کسب آمادگی نیروهایشان برای اجرای عملیات والفجر ۸ اختصاص دادند و در ماه‌های منتهی به عملیات تمرین‌های آب‌خاکی متعددی را در شمال ایران انجام دادند. آنها واحدهای نظامی جدیدی ایجاد کردند که در جنگ نامتعارف دریایی و آب‌خاکی تخصص داشتند. ایرانیان همچنین اقدام به تهیه تجهیزات مخصوص عملیات‌های آب‌خاکی ازجمله قایق‌های کوچک برای استفاده در شط‌العرب [اروندرو] کردند.

عملیات والفجر ۸ نقطه اوج عملیات‌های نظامی ایرانیان بود و معمولاً از آن به‌عنوان موفق‌ترین عملیات‌شان یاد می‌کنند.

بهبود ساختار پشتیبانی ایران

اما ایران با همه این پیشرفت‌ها، در نهایت نتوانست کاری از پیش ببرد، زیرا عراق هم از نظر تجهیزات بر ایران برتری داشت و هم این بار در موضع دفاعی قرار گرفته بود که به‌طور ذاتی برایش نوعی برتری به شمار می‌آمد. از طرفی، کشورهای عربی و غربی نیز پس از عملیات والفجر ۸ بر میزان حمایتشان از عراق به‌شدت افزودند. در این میان، ایران هم با وجود رجزخوانی‌های گسترده مبنی بر اجرای "عملیات نهایی" نتوانست به گفته‌هایش جامه عمل بپوشاند و جنگ بار دیگر به یک جنگ فرسایشی کاملاً ایستا تبدیل شد. در نهایت، ایران در ماه‌های پایانی جنگ از بیشتر مناطقی که در عراق اشغال کرده بود و از جمله شبه‌جزیره فاو بیرون رانده شد.

درس‌هایی برای دوران معاصر

از بررسی نمونه‌های پیشین می‌توان فهمید که نیروهای نظامی ایران قادرند خود را با شرایط مختلف تطبیق دهند و درس‌هایی را که از عملیات‌های گذشته فراگرفته‌اند، به کار گیرند. آنها همچنین در مراکز آموزشی و دانشگاه‌های نظامی‌شان توجه

همان‌گونه‌که پیش از این گفته شد، عملیات‌های ایران در مراحل اولیه جنگ پس از سه یا چهار روز به‌تدریج متوقف می‌شد و با فاصله افتادن بین واحدهای پیشرو و خطوط پشتیبانی ابتدایی‌شان این واحدها در نهایت از هم می‌پاشید. در نتیجه، ایران معمولاً نمی‌توانست دستاوردهایش را تثبیت کند و این در آن زمان برای ایران نوعی درج‌ازدن یا برگشتن به خانه اول بود. اما تا سال ۱۹۸۶ [۱۳۶۵]، نیروهای ایران در زمینه ساختارهای پشتیبانی و آمادگی‌شان پیشرفت قابل‌توجهی کردند و در عملیات والفجر ۸ برای انتقال نیروها و تجهیزات و به‌ویژه توپخانه سنگینشان به داخل شبه‌جزیره فاو روش‌های هوشمندانه‌ای را به کار بردند. برای نمونه، پل شناوری بر روی شط‌العرب [اروندرو] احداث کردند که در طول روز به زیر آب می‌رفت و در هنگام شب بر روی آب شناور می‌شد. همچنین واحدهای نظامی ایران پس از ورود به داخل شبه‌جزیره به‌سرعت متفرق شده، شروع به احداث سنگر کردند تا به‌راحتی در تیررس عراقی‌ها نباشند.



سرهنگ علی صیادشیرازی فرمانده نیروی زمینی ارتش

زمان جنگ، همچنان آزادی عمل بالایی برای اجرای عملیات‌های مستقل دارند.^(۹۳)

ادامه مشکلات هماهنگی در نیروهای نظامی ایران، آگاهی ایرانیان از این مشکلات و برداشتن گام‌هایی برای کاهش اختلافات میان سپاه و ارتش

ایرانیان در طول جنگ و به‌ویژه در مراحل اولیه آن، از ناهماهنگی بین سپاه و ارتش و رقابت‌های میان آنها رنج می‌بردند. این مشکلات که نتیجه اجتناب‌ناپذیر داشتن دو نیروی نظامی موازی با مأموریت‌های مشابه و مسئولیت‌های دارای هم‌پوشانی است، احتمالاً تا آینده قابل پیش‌بینی همچنان وجود خواهد داشت. باین‌حال، باید به این نکته اشاره کرد که ایرانیان ظاهراً به این مسائل فکر کرده و در برخی موارد برای کاهش اختلافات دو سازمان عمده نظامی‌شان دست به اقداماتی هم زده‌اند. برای نمونه، شورای عالی دفاع ایران در سال ۱۹۸۴ [۱۳۶۳]، قرارگاه فرماندهی مشترک خاتم‌الانبیا را تأسیس کرد تا امور میان این دو سازمان نظامی را در سطح منطقه‌ای رصد و هماهنگ کند. پس از جنگ، در سال ۱۹۸۹ [۱۳۶۸] نیز ایران با منحل کردن وزارت سپاه، استقلال پاسداران را در این زمینه از آنها گرفت و امور وزارتی هر دو سازمان نظامی را به وزارتخانه‌های آماد و پشتیبانی نیروهای مسلح سپرد. اکنون روند هماهنگی بین سپاه و ارتش همچنان ادامه دارد و اخیراً نیروهای دریایی سپاه و ارتش در تلاش برای تعیین مناطق عملیاتی مربوط به خود، به ترتیب مسئولیت خلیج فارس و دریای عمان را برعهده گرفته‌اند.^(۹۴)

ادامه استفاده ایران از زمین، زمان و شرایط جوی برای جبران کمبودهای تجهیزاتی و تقویت استقامت نیروهایش

ایرانیان در جنگ با عراق مجبور بودند کمبود

فراوانی به مطالعه عملیات‌های دوران جنگ دارند و باوجود گذشت زمانی طولانی از جنگ، هنوز هم بسیاری از فرماندهان ارشد ایران از پیشکسوتان جنگ تحمیلی هستند که تجربه جنگی‌شان نیز عمدتاً به همین جنگ برمی‌گردد. از این‌رو، باید پرسید که از عملیات‌هایی مانند والفجر ۸ چه چیزی درباره طرح‌ریزی‌های عملیاتی و تصمیم‌گیری‌های نظامی امروز ایران می‌توان فهمید؟ در این زمینه به نکات زیر می‌توان اشاره کرد:

امکان انعطاف‌پذیری نسبی فرماندهان نظامی ایران و اتخاذ برخی ابتکار عمل‌ها در جنگ

عملیات‌هایی که بررسی کردیم نشان می‌دهد که اگر ایرانیان هیچ چیز نداشته باشند، ابتکار عمل بالایی دارند. سی سال تحریم در کنار انگیزه انقلابی رسیدن به خوداتکایی سبب شده که ایرانیان عادت کنند با کمترین امکانات به کارشان ادامه دهند. نیروهای نظامی در سپاه و ارتش ایران برخلاف برخی همتایان منطقه‌ای‌شان از جمله عراقی‌ها، در طول جنگ نه زیاد به اصول آموزه‌ای سفت و سخت جنگ محدودند و نه به سازوکارهای تصمیم‌گیری متمرکز که در آنها جایی برای تفکر مستقل وجود ندارد، وابسته‌اند.^(۹۵) این انعطاف‌پذیری تاحدی به ماهیت انقلاب اسلامی برمی‌گردد که تأثیر متعادل‌کننده‌ای بر نیروهای نظامی و درکل بر جامعه ایران داشته و از طرفی ممکن است زائیده این ضرورت نشئت گرفته باشد که نیروهای نظامی حکومت نوپای جمهوری اسلامی برای بقای این نظام مجبور بوده‌اند از خود نوآوری‌هایی داشته باشند؛ برای نمونه، فرماندهان خط مقدم ایران در عملیات‌هایی مانند عملیات والفجر ۸ اگر عملیات آن‌گونه که باید پیش نمی‌رفت، طرح‌های عملیاتی‌شان را در میانه راه کنار گذاشته یا تغییر می‌دادند. تحولات اخیر سپاه و ارتش نیز حاکی از این است که فرماندهان محلی آنها، دست‌کم در

ایرانیان در طول جنگ به سرعت هنر اجرای عملیات‌های ممانعتی و فریب را فراگرفتند و این قابلیت در سال‌های پایانی جنگ به مشخصه ثابت عملیات‌هایشان تبدیل شد. آنها در عملیات والفجر، که مسلماً موفق‌ترین عملیاتشان بود، در استفاده از اهداف مصنوعی، عملیات‌های فریب و اطلاعات کاذب چنان موفق عمل کردند که نه‌تنها عراقی‌ها بلکه امریکایی‌ها را هم غافلگیر کردند. احتمالاً دیگران هم درس‌هایی را که ایرانیان از این

کل نیروهای مسلح آغاز شد و آثار آن در جریان اخیر تمرکززدایی اختیارات تصمیم‌گیری در سپاه و ارتش نمود یافته است.

بی‌تردید بسیاری از عناصر تصمیم‌گیری ایرانیان در سطح عملیاتی ماهیتی موقعیت - محور دارند. برای نمونه، استفاده ایران از تاکتیک موج انسانی در مراحل اولیه جنگ به ترکیبی از عوامل مختلف مانند شجاعت نیروهای ایرانی با خاستگاه ایدئولوژیکی، نداشتن آموزش کافی و استفاده عراق از تاکتیک‌های دفاع ساکن برمی‌گشت که احتمالاً در سناریوهای امروز ایران با همان شکل و ترکیب سابق تکرار نمی‌شوند.^(۹۵) اما با در نظر گرفتن این مسئله و به‌ویژه باتوجه‌به کمبود اطلاعات موجود درباره موضوع مورد بحث، همچنان تحلیل دقیق عملیات‌های ایران در دوران جنگ می‌تواند شناخت ارزشمندی از برخی مؤلفه‌های عمده در روند تصمیم‌گیری عملیاتی امروز نظامیان ایرانی به دست دهد. جنگ تنها نمونه عینی برای نشان‌دادن سیر تصمیم‌گیری عملیاتی ایران در عملیات‌های نظامی عمده است که می‌توان آن را به‌دقت تحلیل کرد. در مقیاس کوچک‌تر، اصول ناهم‌ترازی [نامتقارنی] که در طول جنگ بر راهبرد نظامی ایرانیان سایه افکنده بود، امروز هم در گستره‌ای متفاوت برای درگیری احتمالی بین ایران و آمریکا کاربرد دارد. سرانجام همان‌گونه که گفته شد ایرانیان همچنان جنگ را جدی گرفته و در مراکز آموزشی و دانشکده‌های نظامی‌شان بر روی آن مطالعه می‌کنند تا آموزه‌هایی را که برای امروزشان مفید است از آن استخراج کنند.

و نهاد عالی مشورتی ایران در زمینه امنیت ملی می‌باشد نیز مجموعه‌ای مرکب از شخصیت‌های نظامی و غیرنظامی این کشور است که ترکیب سیاسی متنوع ایران را نشان می‌دهد. نمایندگان خارجی و به‌ویژه گروه‌های شیعه همچنان اهرم فشار عمده‌ای در دست ایران خواهند بود تا ایران بتواند از طریق آنها قدرت و نفوذش را در کشورهای همسایه گسترش دهد و هر وقت اراده کند به دشمنانش ضربه بزند. باتوجه‌به گستره استفاده ایران از چنین گروه‌های فشاری در گذشته و به‌ویژه در لبنان، سوریه، عراق و افغانستان و با در نظر گرفتن نفوذ فزاینده نیروی قدس سپاه، به‌سختی می‌توان سناریویی را تصور کرد که در آن ایران در یک درگیری نظامی گسترده با یک قدرت خارجی وارد شود و در طرح‌ریزی‌های عملیاتی‌اش تا حد زیادی روی نمایندگان خارجی‌اش حساب باز نکند.

رویکرد این نوشتار یعنی استفاده از مطالعات موردی تاریخی برای نشان‌دادن چگونگی سیر جاری تصمیم‌گیری عملیاتی ایران مسلماً محدودیت‌های خاص خود را دارد. اکنون بیش از دو دهه از جنگ ایران و عراق گذشته و نیروهای نظامی ایران از آن زمان تاکنون پیوسته در حال توسعه بوده و خود را با تغییرات محیط امنیتی منطقه تطبیق داده‌اند. در مهم‌ترین این تغییرات که در زمینه کسب فناوری بوده، سپاه و ارتش به‌ویژه در حوزه موشک‌های دریایی و بالستیک به سامانه‌های جنگ‌افزاری پیشرفته‌تری دست یافته‌اند. همچنین ساختار فرماندهی و کنترل ایران نیز بسیار پیشرفت کرده است و این پیشرفت بلافاصله پس از جنگ و با تشکیل ستاد

تصمیم‌گیری عملیاتی ایرانیان؛
مطالعه موردی جنگ ایران و عراق

به اوج خود رسید که در این کودتا حدود ۷۰ تن از افسران ارشد ارتش متهم به توطئه برای کودتا شدند. نگاه کنید به: Hiro, Ibid, p.99.

۵۵. حکومت ایران به نظر می‌رسید که حتی از امتناع برخی ارتشی‌ها از شرکت در جنگ تحمیلی نیز چشم پوشیده بود تا شاکله نظام انقلابی را در کشور تقویت کند. (به نقل از برایان دان، "مراحل جنگ اول خلیج فارس (جنگ ایران و عراق)"، فصلنامه نگین ایران، شماره ۳۰، اوت ۲۰۰۹ (مرداد ۱۳۸۸)، صص ۱۰۰-۷۷).

۵۶. اما در سطح عملیاتی قرارگاه‌های مشترکی وجود داشت که نیروی انسانی کافی نداشتند و کنترل لازم را بر واحدهای تحت امرشان اعمال نمی‌کردند.

57. Cordesman and Wagner, Ibid, p.147.

۵۸. در مراحل اولیه جنگ عمدتاً از نیروهای بسیج برای حمل تجهیزات و تدارکات به جبهه‌ها استفاده می‌شد، ولی در عملیات رمضان و عملیات‌های بعدی در قالب نیروهای پیاده در جنگ درگیر شدند.*

۵۹. براساس گزارش‌های موجود، امریکا اطلاعات تصویری مواضع نیروهای ایرانی را در اختیار عراق قرار می‌داد.

۶۰. همین مسئله را در مورد جمعیت شیعه عراق هم می‌توان گفت. آنها هم پس از حمله ایران به خاک عراق در سال ۱۹۸۲ [۱۳۶۱] حول پرچم کشورشان گرد آمدند.**

61. Cordesman and Wagner, Ibid, p.217.

۶۲. مأخذ ۹.

۶۳. مأخذ ۶۱. همچنین برتری ایران از نظر تعداد نیروهایش متأثر از این واقعیت بود که بخش اعظمی از نیروهای ذخیره‌ای که به جبهه فرامی‌خواند بسیجی‌هایی بودند که دوره‌های آموزشی لازم را نگذرانده بودند.

64. Johnson, Ibid, p.109.

۶۵. همان.

۶۶. نام این عملیات برگرفته از آیه آغازین سوره ۸۹ قرآن است.

۶۷. مأخذ ۹ و ۲۷.

۶۸. علاوه بر درآمدهایی که عراق به علت تعطیل شدن پایانه‌های نفتی البصره و العمیه از دست داده بود، ایرانیان هم سوری‌ها را متقاعد کرده بودند تنها خط لوله عراق را که از خاکشان عبور می‌کرد و از کرکوک به بانیاس می‌رفت، قطع کنند.

۶۹. [آقای] رفسنجانی همچنین معتقد بود که رهبری ایران نگران جان مردم عراق بود و شورای عالی دفاع هم به این علت فاو را برای عملیات انتخاب کرد که جمعیت کمی در آن ساکن بود.

70. Hiro, Ibid, p.167.

* برخلاف نظر نویسنده، بسیجیان از لحظات اولیه تجاوز عراق، داوطلبانه هم در جبهه و هم در پشت جبهه وارد عمل شدند. (مترجم).

** با این تفاوت که آنها برخلاف مردم ایران بیشتر از ترس صدام و خفقان حزب بعث اقدام به این کار می‌کردند. (مترجم).

36. O'Ballance, Ibid, pp.98-99.

37. http://www.acig.org/artman/publish/article_214.shtml. Site accessed on 24 October 2012.

38. O'Ballance, Ibid, p.99.

۳۹. عنوان محرم الحرام در واقع نام یکی از ماه‌های قمری است که یادآور واقعه عاشورا می‌باشد.

40. Hiro, Ibid, p.92; O'Ballance, Ibid, pp.99-100; See also: http://www.acig.org/artman/publish/article_214.shtml. Site accessed on 24 October 2012.

۴۱. همان.

۴۲. همان.

۴۳. پیش از ورود ایران به خاک عراق، شوروی‌ها به‌طور موقت ارسال محموله‌های تسلیحاتی‌شان را به بغداد متوقف کرده بودند تا صدام را برای آمدن به پای میز مذاکره تحت فشار قرار دهند. اما چشم‌انداز پیروزی احتمالی ایران در میدان جنگ و سرکوب حزب توده در ایران زمینه تحریک مسکو را فراهم کرد، به گونه‌ای که اتحاد شوروی میزان حمایتش از رژیم بغداد را تا حد زیادی افزایش داد و هنگامی که تهران پیشنهاد آتش‌بس بغداد را رد کرد و متعاقباً به خاک عراق حمله کرد، مسکو به این بهانه از موضع بی‌طرفی ظاهری‌اش هم دست کشید.

۴۴. یکی از کارشناسان این حوزه می‌گوید: «ایرانیان برای مقابله با تانک‌های تی ۷۲ به‌جز بالگردهای مجهز به موشک‌های تاو و موتورسواران مسلح به موشک‌های آر.پی.جی ۷ جنگ‌افزار دیگری نداشتند که هردو نوع موشک مزبور نیز بر زره فوقانی این تانک‌ها کارگر نبوده. از این‌رو، نیروهای ایران باید به دنبال موضعی می‌گشتند که بتوانند از جناح‌ها به دشمن حمله کنند.» برای اطلاع بیشتر به نشانی اینترنتی زیر مراجعه کنید:

http://www.acig.org/artman/publish/article_214.shtml. Site accessed on 24 October 2012.

45. Johnson, Ibid, p.78.

46. Hiro, Ibid, p.92.

47. Hiro, Ibid, pp.92-93.

48. O'Ballance, Ibid, p.100.

۴۹. ارتش عراق هم مشکلات خاص خود را داشت. فرماندهان عراقی که از الگوی اتحاد شوروی پیروی می‌کردند به‌شدت به رهنامه وابسته بودند و به آنها آزادی عمل چندانی برای اجرای عملیات در میدان جنگ داده نمی‌شد. ارتش عراق در زمینه نیروی انسانی و تجهیزات جنگی نیز با کمبودهای عمده‌ای روبه‌رو بود که تا پایان سال ۱۹۸۲ [۱۳۶۱] این کمبود با سرازیر شدن تجهیزات شوروی به عراق تا حدی کاهش یافت.

50. Hiro, Ibid, p.88.

۵۱. همان.

52. Cordesman and Wagner, Ibid, p.149.

53. O'Ballance, Ibid, p.96.

۵۴. این موارد در «کودتای قطب‌زاده» در مارس ۱۹۸۲ [۱۷ فروردین ۱۳۶۱]

به دشمن اطلاعات داده است، ولی اگر می‌خواهد اعدام نشود باید اطلاعاتی را که ما به او می‌دهیم برای عراقی‌ها ارسال نماید. او هم زیر نظر ما همین کار را کرد.» به مأخذ ۸۶ نگاه کنید.

90. Hiro, Ibid, p.170.

۹۱. همان

۹۲. درمقابل، عراقی‌ها کاملاً از رهنامه شوروی پیروی می‌کردند و به‌جز مقامات تصمیم‌گیرنده ارشد نظامی‌شان، دیگران تقریباً هیچ نوع آزادی عملی نداشتند.

۹۳. در سال ۲۰۰۵ [۱۳۸۴] سپاه پاسداران اعلام کرد که طرح دفاعی انعطاف‌پذیر و چندلایه‌ای موسوم به "دفاع موزائیکی" را در رهنامه خود گنجانده است. میشل کونل نویسنده مقاله حاضر در مقاله دیگرش با عنوان "رهنامه نظامی ایران" در این مورد می‌گوید: «براساس این طرح، سپاه زیرساخت فرماندهی و کنترلش را مجدداً سازماندهی کرده و آن را به ۳۱ فرماندهی جداگانه تقسیم نموده که یکی به تهران و بقیه به دیگر استان‌های کشور اختصاص یافته است. هدف اصلی سپاه از این سازماندهی مجدد، تقویت انسجام یگانی در سطح محلی و دادن آزادی عمل بیشتر به فرماندهان برای مقابله با تهدیدات بالقوه خارجی و داخلی می‌باشد.» نگاه کنید به:

Michael Connell, "Iran's Military Doctrine," in Robin Wright, ed., The Iran Primer. Washington, D.C.: The United Institute of Peace, 2010), p.71.

همچنین ارتش هم به نظر می‌رسد تغییراتی در ساختار نیرویی‌اش انجام داده که احتمالاً آزادی عمل بیشتری به فرماندهان برای تصمیم‌گیری مستقل در زمان جنگ می‌دهد. برای نمونه، ارتش ظاهراً الگوی خود را از لشکر - محور به تیپ - محور تغییر داده است. گلن رایت (Galen Wright) در وبلاگ آرکنستون (Arkenstone) می‌گوید: «این تغییرات را می‌توان به‌مثابه هموارکردن فرایند تصمیم‌گیری فرماندهان تیپ از طریق دادن یک جعبه ابزار بزرگ‌تر به آنها نگریست، جعبه ابزاری که بدون تکیه بر سامانه فرماندهی و کنترل لشکر می‌تواند از آن استفاده کنند.» نگاه کنید به:

<http://thearkenstone.blogspot.com/>. Accessed on 25 November 2012.

94. Michael Connell, "The Artesh Navy: Iran's Strategic Force" <http://www.mei.edu/content/artesh-navy-irans-strategic-force>. Accessed on 15 October 2012.

۹۵- البته مفهوم دیگری معادل تاکتیک‌های موج انسانی در تاکتیک‌های حملات فوجی مورد استفاده نیروی دریایی سپاه نیز وجود دارد که اساس هردو نوع تاکتیک بر درهم‌کوبیدن دشمن از طریق تمرکز انبوه نیرو می‌باشد.

71. Cordesman and Wagner, Ibid, p.218.

72. Shahram Chubin and Charles Tripp, Iran and Iraq at War, Boulder: Westview Press, 1988, pp.75-76.

۷۳. براساس گزارش مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی (CSIS) ساختار فرماندهی این واحدها شبیه واحدهای هواپرد و نیروهای ویژه بود. به مأخذ ۷۱ نگاه کنید.

74. Cordesman and Wagner, Ibid, p.219.

۷۵. جزایر معجون یک رشته تپه‌های شنی مصنوعی بودند که رژیم عراق در منطقه هورالهویزه ایجاد کرده بود تا از آنها به‌منزله سکوهایی برای استخراج نفت از چاه‌های نفت منطقه استفاده کند. درگیری‌های زیادی بر سر این جزایر صورت گرفت و بارها بین دو طرف دست‌به‌دست شدند.

76. Johnson, Ibid, p.113.

77. Cordesman and Wagner, Ibid, p.221.

78. Johnson, Ibid, pp.113-115; Cordesman and Wagner, Ibid, pp.220-221.

79. Hiro, Ibid, p.168.

۸۰. عراق در حملات شیمیایی‌اش عمدتاً از گاز خردل و در سطح محدودی هم از گاز تابون استفاده می‌کرد که گرچه نمی‌توانست تلفات بالایی به نیروهای ایران وارد کند، ولی فعالیت‌های مناطق عقبه ایرانیان را مختل می‌کرد.

81. Cordesman and Wagner, Ibid, p.222.

82. Ephraim Karsh, The Iran-Iraq War: 1980-1988, Oxford: Osprey Publishing Ltd., 2002, p.48.

83. Hiro, Ibid, p.169.

84. Hiro, Ibid, p.170.

85. Hiro, Ibid, p.169.

۸۶ [سرلشکر] صفوی: «اگر دشمن عمل احمقانه‌ای انجام دهد، پاسخ ما بسیار قوی و کوبنده خواهد بود.» به نقل از حسین زکریانی، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱ مهر ۱۳۸۳؛ همچنین نگاه کنید به مأخذ ۲۷.

۸۷ همان

۸۸. به عقیده هیرو، تحلیل‌گران اطلاعاتی [امریکایی] به این نتیجه رسیده بودند که این کامیون‌ها اقلام تدارکاتی را حمل می‌کنند، نه نیروی انسانی را. به مأخذ ۸۴ نگاه کنید.

۸۹. سرلشکر رحیم صفوی عملیات مزبور را این‌گونه توضیح می‌دهد: «درباره دادن اطلاعات غلط به دشمن در عملیات فاو باید بگویم که ما عملیات بسیار گسترده‌ای در این زمینه طرح‌ریزی کردیم و از این طریق امریکایی‌ها، شوروی‌ها و عراقی‌ها را فریب دادیم. این عملیات ابتدا با دستگیری یکی از جاسوس‌های عراقی در اهواز آغاز شد که مدت‌ها بود وضعیت آمادگی نیروهای ما و موقعیت بسیجی‌ها در اهواز را به عراقی‌ها گزارش می‌داد. ما با تعیین و رصد فرکانس‌های مورد استفاده، جای دستگاه بی‌سیم را پیدا کرده و جاسوس مزبور را دستگیر کردیم. به او گفتیم که براساس قوانین دادگاه انقلاب مجازاتش اعدام است، چون در زمان جنگ



تلاش برای آمادگی

جلسه فرماندهان سپاه با آقای هاشمی رفسنجانی (جانشین فرمانده کل قوا)

دو ماه قبل از عملیات والفجر ۸

مهدی انصاری*

چکیده		
در پی قطعی شدن انتخاب منطقه فاو برای عملیات بزرگ سال ۱۳۶۴ و تلاش گسترده سپاه پاسداران برای آماده سازی زمینه اجرای آن، فرماندهان رده اول عملیاتی سپاه پاسداران در جلسه ای طولانی با جانشین فرمانده کل قوا و رئیس ستاد پشتیبانی جنگ، کمبودها و مشکلات خود را در زمینه نیرو و تجهیزات اعلام و خواستار کمک برای رفع آن شدند. آنان همچنین درباره اقدامات انجام شده و کارهای باقیمانده برای اجرای عملیات به آقای هاشمی رفسنجانی گزارش ارائه دادند. جانشین فرمانده کل قوا نیز با اعلام اینکه اصل عملیات فاو است و هر آنچه را که بخواهد مانع اجرای آن شود نمی پذیریم، ضمن بیان محدودیت های موجود، قول داد که در حد مقدرات، نیازهای عملیات تأمین شود.		
واژه های کلیدی: کمبودها، عملیات محدود، عملیات فریب، وضعیت دشمن، مهندسی عبور، توپخانه، پشتیبانی، نیروی انسانی، حفاظت و فریب.		

مقدمه

هوایی بین المللی قطع شده بود؛ رسانه های تبلیغاتی دنیا با دامن زدن به جنجال صلح طلبی صدام، فشار سیاسی و روانی بر ایران را تشدید کرده بودند؛ خرید نفت از ایران کاهش یافته و درآمدهای ارزی به حداقل رسیده بود؛ خریدهای خارجی غیرنقدی ناممکن شده بود؛ رفاه طلبان و مخالفان داخلی در پی تشدید جنگ شهرها به خصوص بمباران تهران، فشار بر مسئولان کشور را افزایش داده بودند.

تلاش برای انتخاب منطقه عملیات بزرگ سال ۱۳۶۴ و طرح ریزی و آماده سازی زمینه اجرای آن در موقعیتی بسیار دشوار شروع شد: عملیات بزرگ بدر (۲۰ تا ۲۶ اسفند ۱۳۶۳) با ناکامی روبه رو شده بود؛ جنگ شهرها پس از توقف در مرحله جدید با شدت بیشتر آغاز شده بود؛ عراق حمله به کشتی های تجاری و نفتکش ها را تشدید کرده بود؛ با تهدید آسمان ایران، پرواز شرکت های

* راوی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و پژوهشگر جنگ ایران و عراق

سال دوازدهم □ شماره چهل و هشتم □ بهار ۱۳۹۳

درمجموع، فشارهای نظامی، اقتصادی و سیاسی چه از خارج و چه در داخل تشدید شده بود و همهٔ قدرت‌های بزرگ و دیگر حامیان صدام با این تصور که جمهوری اسلامی ایران ضعیف شده است، می‌کوشیدند کار را یکسره کنند و در این وضعیت به‌ظاهر ناتوانی ایران، خواسته‌های خود را تحمیل کنند. موضوع "صلح" محور اصلی فشارها بود؛ فشار بر مسئولان تصمیم‌گیرنده و مجریان دفاع در برابر تجاوز.

فشارهای همه‌جانبه داخلی و خارجی و افزون‌برآن احتمال احساس ناتوانی در ادامهٔ جنگ، خطر بروز تردید و یأس را در پیش داشت که تهدیدی جدی بود. برای عبور از این موقعیت بس دشوار باید تصمیمی قاطع اتخاذ می‌شد. تنها امید و گره‌گشای این وضعیت بحرانی، امام خمینی بود.

در ملاقاتی با امام که آقایان هاشمی و خامنه‌ای حضور داشتند، امام خمینی فرمودند: «باید جنگ را تا سقوط صدام ادامه دهیم و به‌صورت قاطع نیز باید ادامه یابد.»^(۱)

با اعلام این راهبرد، فرماندهان ارتش و سپاه - دو بازوی اجرایی جنگ - در اواخر اردیبهشت ۱۳۶۴ فراخوانده شدند و مقرر گردید که در فرصت مشخص‌شده طرح‌های عملیاتی خود را تهیه و پیشنهاد کنند. سپاه پاسداران از این موضوع استقبال کرد و فرصت یافت که ضمن ارائه طرح‌هایی برای ادامهٔ مقابله با دشمن، مشکلات سپاه و مشکلات جنگ را در طول این چهار سال مطرح کند.

به هر صورت، پس از بحث‌های فراوان و طولانی میان فرماندهان و مسئولان ردهٔ اول سپاه پاسداران، آنان بر "لزوم تغییر راهبرد جنگ" (یعنی نفی "راهبرد اقدامات محدود و شتابزده") و "افزایش توان و گسترش سازمان رزم" تأکید کردند؛ اما در مورد انتخاب منطقه‌ای برای اجرای عملیات بزرگ، دیدگاه‌ها متفاوت بود و اکثر فرماندهان سپاه به دلیل کافی‌ندانستن توان و سازمان رزم سپاه در آن مقطع

[illegible]

آقای هاشمی واقع در جماران شدند.^(۳)

در جلسه‌ای طولانی که از ساعت ۹:۳۰ صبح ۱۸ آذر ۱۳۶۴ در منزل آقای هاشمی آغاز شد و تا ساعت ۱۸ ادامه یافت، وضعیت مناطق مختلف عملیاتی؛ وضعیت دشمن؛ طرح‌های مختلف عملیات‌های محدود، پشتیبانی گسترده؛ اقدامات مهندسی و نیازهای ادامه کار مهندسی؛ وضعیت توپخانه و چگونگی تقسیم توپ‌های موجود برای عملیات؛ حفاظت، فریب و غافل‌گیری دشمن؛ وضعیت نیرو؛ کمبودها و نیازهای نیروی انسانی؛ امکانات

موردنیاز و... مورد بحث و بررسی قرار گرفت.*

گزارش مباحث این جلسه با استفاده از یادداشت‌های راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه و نوارهای صوتی که وی از این مباحث ضبط کرده است، در این نوشته به طور خلاصه درج می‌شود. گفتنی است که آقای هاشمی رفسنجانی در کتاب خاطرات خود، در بیان مباحث امروز به چند سطر اکتفا کرده است:

هاشمی رفسنجانی: فرماندهان سپاه آمدند و تا شب ساعت‌ها راجع به برنامه عملیات آینده و نیازها و امکانات و... مذاکره کردیم... به نظر می‌آید برای احتیاط در تأمین امکانات، زیاده از حد معطل می‌شوند و با حضور این همه نیرو در جبهه‌ها، معطل کردن به نفع نیست.

* در این جلسه از فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران، علاوه بر محسن رضایی، این برادران حضور داشتند: علی شمخانی، رحیم صفوی، محسن رفیق‌دوست (وزیر سپاه پاسداران)، عزیز جعفری (فرمانده قرارگاه نجف ۱)، عباس محتاج (فرمانده قرارگاه کربلا)، حسین علایی (فرمانده قرارگاه نوح)، محمد باقری (مسئول اطلاعات قرارگاه خاتم‌الانبیاء^(ص) سپاه)، محمد فروزنده (فرمانده قرارگاه مهندسی خاتم‌الانبیاء^(ص)، سیدعلی حسینی‌تاش (رئیس ستاد نیروی زمینی سپاه)، محمود احمدپور (مسئول آماد سپاه)، حسن شفیع‌زاده (فرمانده توپخانه سپاه)، حسین نجات (مسئول حفاظت اطلاعات نیروی زمینی سپاه)، علی فدوی (مسئول اطلاعات قرارگاه نوح)، ابراهیم حاج‌محمدزاده (معاون سیاسی فرمانده کل سپاه)، محمد ستاری وفایی (فرمانده قرارگاه مهندسی نیروی زمینی سپاه)، مسعود حجاریان (معاون وزیر سپاه پاسداران) و داود رنجبر (راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه).

در عملیات‌های آینده که سپاه و ارتش کار می‌کنند و نیروی زمینی [ارتش] هم در قسمتی از منطقه عملیاتی وارد عمل می‌شود، به هر حال، مسئولیت به عهده آقای هاشمی است.

این جلسه به این منظور صورت می‌گیرد که ما پیشرفت کار را به ایشان بگوییم که کجاها کار شده است، چه کارهایی صورت گرفته و چه تلاش‌هایی برادرها انجام دادند [...] که ما بتوانیم ان شاء الله مسئولین کشور را با مشکلاتی که در امر جنگ هست ملموس‌تر بکنیم. البته باید دقیق واقعیت‌ها را بگوییم؛ یعنی از افراط و تفریط باید به شدت جلوگیری کرد و از مسائلی که ممکن است خدای نکرده نشان‌دهنده یأس و ناامیدی باشد پرهیز نمود، اما واقعیت‌ها را باید دقیق آن‌طور که هست بدون تحلیل گفت. [...] اما اگر می‌خواهید یک تحلیلی بگذارید، این تحلیل را از طرف خودتان بگویید. بگویید نظر من به عنوان مسئول قرارگاه این است. [...]

پس گزارش از کارهای خودی و پیشرفت کار مهندسی، تدارکات، لجستیک، کمبودها، نارسایی‌ها را بگویید. گزارش کار دشمن را می‌دهیم و در مجموع به این سؤال که علل تأخیر چیست جواب می‌دهیم. مثلاً دقیق همین بحث مانور را که می‌کنید که چند روز برای آموزش وقت می‌خواهید، چند روز برای سازماندهی وقت می‌خواهید، زمان صفر را از کی شروع کردید، چند روز دیگر چطور می‌شود، باید بتوانید اینها را دقیق ملموس بیان بکنید. ما امروز و فردا را از آقای هاشمی وقت گرفتیم و گفتیم به هیچ کس وقت ندهند. ایشان هم ملاقات‌های خودش را امروز و فردا حذف کرده است و همه‌اش در اختیار این جلسات است، لذا خیلی با فرصت و صبر و حوصله توضیح بدهید و هیچ عجله‌ای هم نداریم و از مسائل نگذرید. آقای هاشمی هست، آقای موسوی هم در جلسه است. اگر کسی سؤالی ندارد. بلند شویم و برویم.»

این جلسه با صلوات بر محمد و آل محمد پایان یافت و برادران برای شرکت در جلسه عازم منزل



محسن رضایی و هاشمی رفسنجانی فرمانده سپاه و فرماندهی جنگ در دوران دفاع مقدس

فعالیت‌های خودی، دشمن هم بمباران‌ها را شروع کرده است و نشان می‌دهد که با این موضع‌گیری‌ها، آنها هم موضع‌گیری متقابل کرده‌اند.

محسن رضایی افزود: کلاً از چزابه به بالا (به سمت شمال) همه تحرکات، اقداماتی برای فریب دشمن است و از چزابه به پایین (به سمت جنوب) برای اجرای عملیات تلاش می‌شود. در چزابه یک عملیات محدود داریم. در منطقه هور، در جاده عماره به بصره در حال سازماندهی یک عملیات یدکی هستیم. اقداماتی برای عملیات محدود و کوچک در شمال دریاچه ام‌النجاج (در منطقه هور) انجام می‌شود. کلاً در منطقه جزایر مجنون فعالیت‌های مهندسی زیاده‌تر شده است. جزایر ام‌الرصاص در اروندرود، جزایر منحصربه‌فردی هستند که سرپلی طبیعی محسوب می‌شوند که اگر به دست ما بیفتند نسبت به دیگر نقاط اروندرود عبور برتری و مزیت دارند. عملیات پشتیبانی عملیات فاو در ام‌الرصاص انجام می‌شود. علاوه بر منطقه اصلی که در دهانه فاو است، در سراسر اروندرود فعالیت مهندسی انجام و (برای فریب) به دشمن نشان داده می‌شود. عملیات

«فرماندهان سپاه آمدند و تا شب ساعت‌ها راجع به برنامه عملیات آینده و نیازها و امکانات و... مذاکره کردیم: ظهر هم استراحت نکردم و خیلی خسته شدم. به نظرم می‌آید برای احتیاط در تأمین امکانات، زیاده از حد معطل می‌شوند و با حضور این همه نیرو در جبهه‌ها، معطل کردن به نفع نیست، ولی نمی‌شود بدون آمادگی کامل هم عمل کرد.»^(۴)

طرح‌های عملیاتی محدود و فریب

در آغاز جلسه، محسن رضایی بعد از معرفی حاضران، فعالیت‌هایی که در سراسر جبهه‌های جنگ در حال اجراست و طرح‌های عملیاتی موردنظر را بیان کرد. وی گفت که سپاه پاسداران از اسکله‌های البکر و العمیه (در خلیج فارس) و فاو تا منطقه عین‌خوش تحرکاتی را در زمینه فریب، عملیات محدود، عملیات یدکی و عملیات اصلی شروع کرده است. طبق ابلاغ حضرت عالی، عملیات اصلی نیروی زمینی ارتش منطقه شلمچه و احتمالاً عملیات یدکی در منطقه جزیره مینو و تحرکاتی هم در کوشک و زید و یک تحرک فریب هم در نفت‌شهر دارند. متناسب با این

دیگر، عملیات روی اسکله‌های البکر و العمیه است. با گرفتن فاو و این دو اسکله، تقریباً همه راه‌های هوایی و دریایی دشمن به شمال خلیج فارس قطع می‌شود.

محسن رضایی در ادامه با بیان اینکه این گزارشی مختصر از اقدامات در دست اجراست، گفت: باتوجه به اینکه ما باید قبل از عملیات از تمرکز فعالیت مهندسی و آمادگی دشمن در منطقه فاو جلوگیری کنیم، تحرکاتی که گفته شد، برای ما نقش بسیار حیاتی و تعیین‌کننده دارند. از طرف دیگر، برای اینکه ۷۲ ساعت یا چهار پنج شبانه‌روز اول عملیات فاو از حملات دشمن به این منطقه جلوگیری کنیم، باید هم‌زمان با این عملیات، عملیات ام‌الرصاص انجام شده باشد و حمله ارتش (در منطقه شلمچه) برای گرفتن جای پای خوبی تا شهر تنومه باشد. این حمله ارتش و حمله در زید و کوشک و آماده‌کردن منطقه فاو، اولاً، دشمن و فعالیت‌هایش را تا شب عملیات دچار سرگردانی و تردید می‌کند؛ ثانیاً، در چهار پنج شبانه‌روز اول که باید خاکریز بزنیم و کامل کنیم، تانک‌ها را پشت خط ببریم، آتش‌ها را تنظیم کنیم، بازسازی اولیه را بکنیم و خودمان را تثبیت بکنیم، باید در مناطق دیگر فشارهای دیگری به دشمن وارد کنیم و از تمرکز قوای دشمن جلوگیری کنیم.^(۵)

وضعیت دشمن

در ادامه جلسه، محمد باقری مسئول اطلاعات قرارگاه خاتم‌الانبیاء^(ص)، ابتدا درباره وضعیت جغرافیایی و آب‌وهوایی مناطق مرزی ایران و عراق از جنوب تا شمال توضیح داد و در ادامه گفت که در منطقه جنوب، ارتفاع از سطح دریا از صفر تا حدود ۴ متر است و هرچه به سمت جنوب و خلیج فارس برویم ارتفاع کمتر می‌شود، طوری که امکان کندن زمین، خاک‌برداری و... نیست و لودر یک بیل به زمین بزند آب درمی‌آید. وی افزود که بیشترین بارش و بیشترین مه در جنوب از آذر

تابهمن و اسفند است.

محمد باقری سپس به نحوه گسترش سپاه‌ها و یگان‌های ارتش عراق در سراسر مرز پرداخت و با بیان اینکه یگان‌های زرهی و مکانیزه ارتش عراق بیشتر در منطقه جنوب و یگان‌های پیاده بیشتر در مناطق میانی و شمالی گسترش یافته‌اند، گفت: بعد از عملیات بیت‌المقدس که دشمن با کمبود نیروی شدیدی مواجه شد، نیروهای احتیاط، ژاندارمری و نیروهای مردمی را سازماندهی و در خط‌های پدافندی مستقر کرد و نیروهای سازمانی‌اش را عقب‌تر مستقر کرده و زمانی که ما عملیات می‌کنیم آنها به صورت نیروهای ضربت وارد عمل می‌شوند.

وی افزود: در حال حاضر، سپاه هفتم عراق - که بعد از عملیات خیبر تشکیل شده است - از منطقه ابوالخصیب تا فاو و ام‌القصر مأموریت دارد و دارای ۳ لشکر پیاده، ۲۰ گردان تانک و ۴ گردان توپخانه است. نیروهای این سپاه، نظامی‌اند و عمده آنها را نیروهای احتیاط تشکیل می‌دهند؛ یعنی نیروهای احتیاط را دوره‌به‌دوره احضار کرده و به کار

گرفته‌اند و سربازهایی که قبل از جنگ سربازی را شروع کرده‌اند، هیچ‌کدام ترخیص نشده‌اند. اخیراً سربازی پنهانده شده بود که هشت سال سربازی کرده بود؛ دوره سربازی عراقی‌ها سه سال است.

آقای هاشمی وضعیت نیروی لشکرهای عراق را پرسید، آقای باقری پاسخ داد که لشکرها و تیپ‌های قدیمی هر گردانشان حدود ۱۲۰۰ نفر نیرو دارد که ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر آنها رزمنده و ۷۰۰ تا ۸۰۰ نفرشان نیروی پشتیبانی هستند، اما تیپ‌های تازه تأسیس، گردان‌های سَبک دارند که هریک حداکثر ۳۰۰ نفر

محسن رضایی: سپاه پاسداران از اسکله‌های البکر و العمیه و فاو تا منطقه عین‌خوش تحرکاتی را در زمینه فریب، عملیات محدود، عملیات یدکی و عملیات اصلی شروع کرده است.

نیرو دارد. لشکریهای جدید حداکثر ۷۰۰۰ نفر و لشکریهای سازمانی عراق ۱۷۰۰۰ تا ۱۸۰۰۰ نفر نیرو دارند.

آقای باقری در ادامه محل استقرار سایر سپاه‌های ارتش عراق را از جنوب به شمال چنین ذکر کرد: سپاه سوم از شلمچه تا طلائیه؛ سپاه ششم منطقه هور؛ سپاه چهارم از جزابه تا شیار چنگوله؛ سپاه دوم از چنگوله تا قصر شیرین؛ پس از آن هم سپاه یکم و در انتهای شمال شرق عراق سپاه پنجم مستقر است.

محمد باقری: بعد از عملیات
بدر و مشاهده توانایی ما در
عبور از آب، دشمن درحال
مستحکم کردن خط ۸۵
کیلومتری اروندرود و ساختن
سنگرهای بتونی و ایجاد یک
دیوار جلو اروندرود است.

آقای هاشمی گفت: ما به نیروی هوایی گفتیم که هر روز جواب بدهد، آنها جواب می‌دهند؟

سال دوازدهم □ شماره چهل و هشتم □ بهار ۱۳۹۳

گردان تانک منطقه را تقویت و مانور زرهی اجرا کرد. اخیراً هم آنها را از منطقه حدود کارخانه نمک (شمال فاو) خارج کرد و وضعیت به حالت عادی بازگشت. البته، به دلیل اینکه از فروردین به بعد عکس هوایی گرفته نشده است، از عمق دشمن اطلاعی نداریم. در اینجا آقای محسن رضایی هم اشاره کرد که سه ماه است پیگیری می‌کنیم، ولی هنوز عکس گرفته نشده است. به وسیله عکس هوایی می‌توانیم اقدامات دشمن، جاده‌کشی و ایجاد مواضع جدید توپخانه را ببینیم و متوجه شویم که آیا دشمن از تصمیم ما برای عملیات در این منطقه آگاه شده یا نه که بتوانیم در محاسبات خودمان در نظر بگیریم و برای مواضع دشمن آتش در نظر بگیریم.

آقای باقری در ادامه گفت: یک پناهنده عراقی چند روز پیش ادعا کرده که در حاشیه جاده حدود ۱۵۰ دستگاه نفربر دیده است، اما به دلیل اینکه هیچ دیدبان ما آن را ندیده و عکس هوایی هم نداریم، نمی‌توانیم این ادعا را تأیید کنیم. در این منطقه (به جز اقدامات مهندسی) تغییرات جدیدی نبوده و عمدتاً نیروهای قدیمی ارتش عراق مستقرند. در سه ماه گذشته فقط یک گردان پیاده - دریایی با کیفیت بیشتری به جای گردان قبلی آمده است. همچنین دشمن موانعی را برای جلوگیری از ورود هاورکرافت و قایق و نشستن هلیکوپتر در منطقه ایجاد کرده است.

در ادامه درباره جزرومد آب اروندرود و ضرورت کار تجربی و بررسی طولانی برای به دست آوردن قواعد و زمان‌های تغییرات جریان‌های آب اروندرود بحث شد.

آقای باقری درباره احتمالاتی که دشمن درباره عملیات آتی ایران می‌دهد گفت: در مجموع، باتوجه به اطلاعاتی که دشمن از ما و توانایی‌های ما دارد، پیش‌بینی می‌کند که ما در منطقه فاو یا هور عملیات اساسی و گسترده خودمان را اجرا می‌کنیم. همچنین احتمال عملیات محدود در منطقه فکه یا مهران و نیز

آماده‌سازی زمینه اجرای عملیات‌های محدود در ام‌الرصاص و هور

احتمال اجرای عملیات محدود در دو منطقه روبه‌روی جزیره مینو و در جزیره ام‌الرصاص را می‌دهد. همچنین دشمن به منطقه هور بسیار حساس است؛ هر سه روز عکس هوایی می‌گیرد، دو تیپ گارد ریاست جمهوری عراق در آنجا آموزش عملیات در هور می‌بینند. با تحرکاتی که می‌بینیم، احتمال دارد دشمن در جزیره جنوبی قصد حمله‌ای داشته باشد.^(۱)

محمد باقری: دشمن به منطقه هور بسیار حساس است؛ هر سه روز عکس هوایی می‌گیرد، دو تیپ گارد ریاست جمهوری عراق در آنجا آموزش عملیات می‌بینند.

محدود (جزیره ام‌الرصاص و جنوب جزایره) و دو عملیات یدک شده‌ایم. برای جنوب جزایره تیپ ۳۲ انصارالحسین^(۲) و تیپ ۱۵ امام حسن^(۳) در نظر گرفته شده‌اند. کار شناسایی شروع شده است. نهرهای عقبه این منطقه عمقشان کم است و برای تردد قایق مناسب نیست و برای عمیق‌کردن آنها باید کار مهندسی شود.

آقای هاشمی محاسن عملیات در جزایره را پرسید که گفته شد اهمیت آن به دلیل دستیابی به جاده‌های شمال هور است و با اجرای این

در ادامه گفته شد که دشمن از حدود شش ماه پیش جاده‌سازی در هور را شروع کرده و الآن دو رده جاده و تعدادی جاده‌های ارتباطی در منطقه احداث کرده است. عراقی‌ها همچنین در حال بریدن

اقدامات مهندسی، تجهیزات مهندسی

موضوع مهندسی، اقدامات انجام شده و در دست اقدام، تجهیزات مهندسی مورد نیاز، چگونگی تهیه آن و... در ادامه جلسه مطرح شد. ابتدا آقای مسعود حجاریان گفت که در جنگ، مهندسی و کمپرسی می تواند تکمیل کننده توان رزمی ما و جایگزین لشکرها باشد. توان دولت در ارسال کمپرسی کم است. کمپرسی های ضعیف در این مناطق به درد نمی خورد و بیشتر در دسر ایجاد می کند. بعد از انقلاب، ۱۰۰۰ دستگاه کمپرسی "ولو" و دو هزار کمپرسی «مایلر» وارد شده است که اساساً کمپرسی مایلر می تواند در این زمین ها خوب کار کند. اگر این ۲۰۰۰ کمپرسی را که در کشور تقسیم شده بتوانیم جمع آوری کنیم و به جنگ اختصاص بدهیم، کار پیش می رود و گر نه مشکل پیدا می کنیم.

سپس آقای محمدتقی رضوی (شهید) جانشین فرمانده قرارگاه مهندسی خاتم الانبیا(ص) به تشریح اقدامات مهندسی پرداخت و گفت: کار اصلی ما در هور احداث دو جاده شط علی به خندق و جاده شط علی به ابوذر و ترابه است؛ که اولی تاکنون حدود

۱۷/۵ کیلومتر احداث شده و ۶ کیلومتر آن باقی مانده است. از جاده ابوذر هم ۵ کیلومتر کار شده و حدود ۱۳/۵ کیلومتر باقی مانده است. پیشرفت کار بستگی به تعداد کمپرسی دارد و همچنین نباریدن باران؛ از آنجا که جاده های منطقه خاک رس است، پس از بارش باران، تردد در آنها امکان پذیر نیست. کار مهندسی در برخی نقاط مثل جزیره جنوبی هم به دلیل اینکه زیر آتش و دید دشمن قرار دارد با کندی انجام می شود و برخی جاها فقط در شب؛ چون در روز امکان پذیر نیست. برخی جاها که زیر آتش است فقط کمپرسی های جهاد سازندگی و سپاه استفاده می شود و کمپرسی های مردمی و اداره ها چون رانندگان اکره دارند، استفاده نمی شود. راننده کمپرسی نیز کم است و در مضیقه هستیم. الآن در هور کمتر از ۵۰۰ کمپرسی مشغول کار است. آقای رضوی درباره طرحی که برای احداث مواضع توپ ها در هور مشخص شده، گفت که این طرح نیاز به ۲۶ کیلومتر کار راه سازی دارد. وی افزود: در مجموع حداقل نیاز به ۱۵۰۰ دستگاه کمپرسی داریم.^(۹) در ادامه، آقای محمد فروزنده (فرمانده قرارگاه



حسین علایی فرمانده قرارگاه نوح در سنگر فرماندهی ۱۳۶۴/۱۱/۲۵.

سپس آقای هاشمی تأکید کرد: «به‌هرحال، ما الآن یکی از اهدافمان فعال‌بودن هور است. این تداوم خط از اینجا [هور] تا پایین [فاو] را حفظ

آماده‌سازی و امکان‌پذیر شدن پشتیبانی آن را احداث جاده‌های جدید و ترمیم جاده‌های موجود اعلام کرد و تهیه تجهیزات مورد نیاز برای این کار، از جمله کمپرسی‌های کوچک و بزرگ را ضروری دانست. وی از دیگر کارهای ضروری در این منطقه را محکم کردن و ساختن خط، سنگرها، مواضع، زاغه‌ها و... - که نیاز به لوازم متعدد از جمله گونی، سنگر بتونی، پلیت و الوار دارد - اعلام کرد.

فرمانده قرارگاه کربلا درباره شناسایی منطقه گفت که نیروهای شناسایی تاکنون ۱۵ بار از اروند عبور کرده‌اند که فقط ۷ بار موفق بوده‌اند و در بقیه موارد به دلیل وضعیت جزرومد آب اروندرود و کم‌تجربگی، نیروها به نقطه مورد نظر نرسیده‌اند. نیروهای شناسایی در برخی محورها پنج ردیف موانع را پشت سر گذاشته و تا ۲۵ متری سنگرهای دشمن رفته‌اند. سنگرهای دشمن بین ۲۵۰ تا ۴۰۰ متر از آب اروند فاصله دارند و به این دلیل است که هنگام مد، آب تا زیر سنگرها بالا می‌آید.^(۱۲)

وی درباره نیروی مورد نیاز برای اجرای مأموریت قرارگاه کربلا گفت که به دلیل طولانی بودن خط پدافندی، برای مقابله با پاتک‌ها دشمن و پاک‌سازی نخلستان، نیروی بسیاری لازم است. برای تصرف هدف و ۲۴ ساعت پدافند، برآورد شده که ۸۷ گردان و برای ادامه آن؛ یعنی ۱۵ روز درگیری و مقابله با پاتک‌ها دشمن، ۵۰ گردان نیرو مورد نیاز است. آقای هاشمی در این باره گفت که وقتی نیرو به اندازه کافی باشد، احتیاط‌هایی که در نظر می‌گیرید

گفت ان شاء الله تا آخر دی توپخانه را آماده خواهیم کرد. اما آقای هاشمی گفت که با افزودن نیرو و امکانات، سرعت را افزایش دهید و حداکثر تا ۱۵ دی آماده کنید، طوری که روز ۱۶ دی دیگر یک دستگاه مهندسی هم در منطقه نباشد.

انتقال تجهیزات سنگین به غرب اروندرود

موضوع مهندسی عبور بحث بعدی جلسه بود که آقای وفایی به تدابیر اتخاذ شده در این زمینه پرداخت و گفت: با استفاده از چند نهري که برای انتقال وسایل سنگین مناسب است، قرار است به وسیله ۴۵ شناور (۱۰ شناور طارق و ۳۵ سطحه) حدود پنج ساعت بعد از شکستن خط، ۴۵ دستگاه (مهندسی، تانک و ...) را بارگیری کنیم که در موج اول اگر ۶۰ درصد آنها سالم به ساحل دشمن برسند، مطلوب است. در موج‌های بعدی قرار است با استفاده از فرش باتلاق، شناورها بتوانند وسایل را در ساحل خودی بارگیری کنند. برای پیاده کردن وسایل در ساحل دشمن، اسکله‌ها باید از هر طرف تا یک کیلومتر پاک‌سازی شود تا بتوانیم وسایل را تخلیه کنیم.^(۱۱)

وضعیت آماده‌سازی منطقه شرق اروندرود برای اجرای عملیات در فاو

۱. قرارگاه کربلا

فرمانده قرارگاه کربلا در ادامه جلسه به بیان مأموریت این قرارگاه و اقدامات آماده‌سازی زمینه اجرای عملیات در منطقه فاو، مشکلات، کمبودها و نیازها پرداخت. عباس محتاج، وضعیت زمین منطقه شمال و شمال شرق اروندرود را تشریح کرد و از جمله گفت که نهرهای متعددی به عرض ۸ تا ۱۰ متر و عمق ۲ تا ۳ متر در سرتاسر این منطقه وجود دارد که با اتصال به اروندرود نخلستان‌های این منطقه را آبیاری می‌کنند و هر کدام حالتی خاص دارند و شناسایی کلی منطقه تهیه شده است. آقای محتاج لازمه کار در این منطقه،

حسن شفیعی زاده: ۴۰ تا ۴۵ گردان توپ برای این عملیات نیاز است که ۹ گردان آن از توپ‌های در اختیار سپاه تأمین می‌شود و ۳۶ گردان آن؛ یعنی ۶۱۲ قبضه آن، از توپ‌های در اختیار ارتش باید تأمین شود.

در ادامه، فرمانده قرارگاه کربلا (عباس محتاج) با اشاره به ضرورت ترمیم ۱۳۰ کیلومتر جاده در شرق اروندرود و لزوم فعالیت تعداد فراوانی دستگاه‌های مهندسی برای این کار که موجب هشیاری دشمن خواهد شد، سرعت در انجام‌دادن کارها و تلاش حفاظت برای جلوگیری از هشیاری دشمن را متعارض یکدیگر خواند و گفت یکی را باید فدای دیگری کنیم و الا زمان طولانی برای آماده‌سازی لازم است. وی ضمن بیان اینکه یگان‌ها آموزش نیروهای خود را شروع کرده‌اند، به دلیل سردی هوا آموزش شنا و غواصی را در رودخانه‌ها بسیار مشکل خواند و



از چپ: احمد غلام پور و غلامرضا محرابی، کنار ساختمان تیپ ۱۱ پیاده ارتش عراق در منطقه فاو۔
۱۳۶۴/۱۲/۱۵۔

حسن شفیع‌زاده (شهید) فرمانده توپخانه سپاه، با اشاره به اینکه در نامه ارسالی برای آقای هاشمی، برآورد توپ‌های موردنیاز، چگونگی و موارد استفاده و انواع آن به‌طور دقیق تشریح شده است، گفت که ۴۰ تا ۴۵ گردان توپ برای این عملیات نیاز است که ۹ گردان آن از توپ‌های در اختیار سپاه تأمین می‌شود و ۳۶ گردان آن؛ یعنی ۶۱۲ قبضه آن، از توپ‌های در اختیار ارتش باید تأمین شود.

آقای عزیز جعفری در این باره توضیح داد که برای بستن منطقه‌ای به مساحت یک کیلومتر در یک کیلومتر با آتش توپخانه در طول ۲۴ ساعت، نیاز به ۲ گردان توپ است. آقای شفیع‌زاده نیز توضیح داد که برای زدن گره‌های مواصلاتی و نقاط مشخص شده در مسیر هجوم یگان‌های دشمن به سمت فاو، با توجه به مسیر طولانی خرمشهر تا فاو، در برآورد، توپ موردنیاز برای یک کیلومتر مربع را به یک گردان کاهش داده‌ایم تا امکان تأمین آن، یعنی ۴۰ تا ۴۵ گردان میسر شود. وی تأمین این تعداد توپ را در صورتی امکان‌پذیر دانست که ارتش درگیر عملیاتی جدی نشود.

آقای هاشمی درباره عملیات ارتش گفت: «ما به آقای صیاد ابلاغ کردیم که باید یک عملیات جدی بکنید و یک منطقه را هم تعیین کردیم. یا از [جزیره] مینو عبور کنید یا در شلمچه یا زید عمل کنید. [...] آقای صیاد شلمچه را ترجیح می‌داد که عمل کند و [عملیات در] زید را هم پشتیبانی آن قرار بدهد. [...] ولی جوابی که دیشب ایشان به من دادند این بود که ما به‌طور جدی مطرح کردیم و داریم کار ستادی می‌کنیم. جواب روشن ما را بعد از کار ستادیشان می‌دهند. اصل مسئله را پذیرفته‌اند، در حد پشتیبانی هیچ حرفی ندارند که به‌عنوان یک عملیات پشتیبانی وارد جنگ بشوند؛ در حد اینکه عملیات جدی باشد هنوز جواب قطعی به ما ندادند.»

محسن رضایی درباره عملیات پشتیبانی چنین توضیح داد: «عملیات پشتیبانی که شما فرمودید اگر

نیز سه بار از روبه‌روی قشله تا سیم‌خاردار دشمن رفته‌اند. وی نیروی موردنیاز برای اجرای مأموریت قرارگاه نوح را ۲۸ گردان اعلام کرد.

آقای هاشمی درباره مأموریت قرارگاه نوح گفت که لزومی ندارد این قرارگاه امکانات و نیروی خود را صرف شکستن خط کند، بلکه از موفقیت قرارگاه کربلا بهره گیرد و نیروهای خود را با استفاده از سرپل قرارگاه کربلا عبور داده، آنها را به‌طرف جنوب گسیل کند.

محسن رضایی در این باره با بیان سه راهکار برای پیشروی به سمت فاو و غرب و جنوب غرب اروندرود، گفت: به دلیل اینکه هنوز جزئیات پاک‌سازی روشن نشده است، نمی‌توانیم در این باره تصمیم بگیریم. بحث در این زمینه ادامه یافت و دیدگاه‌های مختلف بیان شد.^(۱۴)

علی فدوی مسئول اطلاعات قرارگاه نوح نیز درباره مأموریت دیگر این قرارگاه؛ یعنی اجرای عملیات روی اسکله العمیه و اقدامات شناسایی آن چنین توضیح داد: «چند مرحله شناسایی صورت گرفته است. فاصله دو اسکله البکر و العمیه از یکدیگر شش مایل دریایی است. در شش مایلی العمیه چهارپایه‌ای است که ما از آنجا دیدبانی می‌کنیم. [نیروهای اطلاعات] در یک شناسایی با قایق با فاصله یک کیلومتر از طرفین العمیه عبور کردند و خود اسکله را دیدند و برآورد کردند که دشمن حداکثر ۶۰ نفر نیرو روی آن دارد. یک فیلم هم از روی همان چهارپایه تهیه شده که العمیه را خوب نشان می‌دهد. اسکله پله‌ای ندارد که نیروها از آن بالا بروند، باید به فکر پله‌ای [نردبانی] باشیم.»^(۱۵)

آتش پشتیبانی عملیات

برای پشتیبانی از عملیات رزمندگان در منطقه فاو، مسئولان توپخانه سپاه برآورد کرده بودند که ۴۰ گردان انواع توپ و کاتیوشا نیاز است. در این جلسه



شلیک کاتیوشا - منطقه عملیاتی والفجر ۸، ۱۳۶۴/۱۲/۱۰

قرارگاه خاتم می‌گذاریم و تقسیم عادلانه می‌کنیم؛ بخشی را برای احتیاط می‌گذاریم و به تناسب کشش مناطق عملیات سپاه و ارتش نیز بین آنها تقسیم می‌کنیم و احتیاط را نیز در جای خودش به کار می‌گیریم. وی افزود که ستاد اصلی قرارگاه موضوع توپخانه را بررسی و تقسیم می‌کند و به آقایان ارائه می‌دهد. فرماندهان سپاه نیز تقریباً این نظر را پذیرفتند و فرمانده توپخانه سپاه تأکید کرد که توپ‌ها باید به تناسب منطقه عملیاتی تقسیم بشود.^(۱۶)

از سوی دیگر، مسئولان آمادی سپاه مشکلات تأمین مهمات توپ‌های دوربرد و مقداری که با آن بتوان نیازهای مراحل طولانی بعد از شروع عملیات را برطرف کرد و نیز مشکل کمبود مهمات موشک‌انداز تاو و گلوله‌های ۱۰۷ میلی‌متری را مطرح کردند. آقای هاشمی درباره وضعیت مهمات گفت: «به‌هرحال مقدوراتی که داریم این است.»^(۱۷)

نیروی انسانی

سیدعلی حسینی‌تاش مسئول ستاد نیروی زمینی سپاه پاسداران، در ادامه جلسه به تشریح وضعیت «نیروی انسانی» پرداخت. وی نیروهای عملیاتی را به چهار

منظور این است که اینها با خط [دشمن] درگیر شوند و بیایند [عقب]، این اصلاً پشتیبانی نیست. باید یک جایی را بگیرند. [...] اگر بخواهند عملیات پشتیبانی بکنند باید حداقل تا پنج کیلومتر پیشروی کنند. اگر عملیات جدی هم باشد، حداقل تا تنومه است که مواضع قابل‌پدافند وجود دارد. [...] درهرحال، اینجا بایستی یک عملیات بکنند؛ یعنی پیشروی بکنند و گرنه دشمن می‌آید و چند تا تق‌وتوق (تیراندازی) می‌کند و اگر اینها جلو نروند که فایده ندارد، صبح دشمن می‌فهمد که فریب بوده است.»

آقای هاشمی بعد از نکات دیگری که فرماندهان سپاه مطرح کردند، بر اصلی‌بودن عملیات در منطقه فاو تأکید کرد و گفت: «اصل برای ما این عملیات [فاو] است، هرچی که بخواهد مزاحم این شود ما قبول نمی‌کنیم؛ نه هور را، نه زید را و نه شلمچه را، هرچی مزاحم بشود قبول نمی‌کنیم. درمورد ارتش هم همین است. شما ببینید از ارتش عملیات پشتیبانی می‌خواهید، عملیات چیز [جدی] می‌خواهید یا توپخانه می‌خواهید.»

بحث دراین‌باره ادامه یافت و سرانجام آقای هاشمی نظر داد که توپخانه را تحت فرماندهی

نفر اعلام کرد. وی افزود باتوجه به اینکه نیروی وظیفه برای به کارگیری در یگان های مهندسی، توپخانه و سایر واحدهای پشتیبانی، نیاز به سه ماه آموزش دارد، حتی هم اکنون هم اگر این تعداد نیروی وظیفه در اختیار سپاه پاسداران گذاشته شود، فایده ای ندارد، چون تا زمان عملیات فرصت آموزش آنان نیست. وقتی آقای هاشمی پیشنهاد کرد این کمبود نیروی وظیفه با نیروی بسیجی پر شود، توضیح داده شد که از ۲۱ هزار نفر کسری نیروی وظیفه می توان حدود ۶ هزار نفر را با

نیروی بسیجی پر کرد، اما به دلیل اینکه به کارگیری آنان در واحدهایی مثل مهندسی، توپخانه و... نیاز به آموزش تخصصی دارد، باز هم ۱۵ هزار نفر کسری می ماند. آقای حسینی تاش همچنین گفت که علاوه بر این، حدود ۶ هزار نفر نیز کمبود نیروی پاسدار داریم تا بتوانیم سازمان رزمی پیش بینی شده را سازماندهی کنیم.

وی همچنین درباره آموزش نیروها و زمان آمادگی آنان گفت که ما چند نوع آموزش داریم: آموزش شنا، قایق سواری، جنگ در نخلستان، سنگر سازی، ش.م.ر. و آموزش عبور از رودخانه یا غواصی. البته، فقط به نیروهای خط شکن آموزش غواصی داده می شود. این آموزش ها حدود ۲۵ روز طول می کشد. ۵ روز نیز باید صرف سازماندهی اولیه و سازماندهی بعد از آموزش شود و سپس حداقل ۱۵ روز نیز نیروها باید در اختیار فرمانده و در کنار فرمانده باشند تا با هم آشنا شوند، با همدیگر کار کنند، نرمش کنند. ۷ روز نیز برای تمرین و مانور لازم است.

گروه تقسیم بندی کرد: ۱. نیروهای کادر اصلی شامل فرماندهان گردان ها، گروهان ها، دسته ها و عناصر اصلی سازمان لشکر ۲. نیروهای پاسدار ۳. نیروهای بسیجی ۴. نیروهای وظیفه.

آقای حسینی تاش توضیح داد متناسب با تعداد نیرویی که از گروه اول در اختیار باشد، می توان گردان، گروهان و دسته رزمنده تشکیل داد و نیروهای گروه دوم؛ یعنی پاسدارها، بیشتر در مسئولیت های مدیریتی، یعنی مدیریت عده ای از بسیجی ها یا نیروهای وظیفه و در مسئولیت هایی که استفاده از نیروی بسیجی و وظیفه امکان پذیر نیست، به کار گرفته می شوند.

وی افزود که باید به تعداد مناسبی از هریک از چهار گروه داشته باشیم که بتوانیم سازمان رزم سپاه را تکمیل کنیم. وی پس از بیان چگونگی تأمین نیروهای یگان های رزم و وابسته بودن آن به استان های پشتیبانی کننده، معایب و محاسن این شیوه را برشمرد و از جمله معایب آن را متناسب نبودن تعداد کادر برخی یگان ها با تعداد نیروی رزمنده بسیجی که از استان پشتیبانی کننده اعزام می شود، اعلام کرد. رئیس ستاد نیروی زمینی سپاه، مجموع توان بالقوه یگان های رزمی سپاه پاسداران (به جز یگان های پدافندی) را که برای عملیات پیش بینی شده است، ۱۱۵ گردان سازمانی اعلام کرد و افزود که ۵۷ گردان نیز برای بازسازی گردان هایی که عملیات می کنند و می خواهند سازمانشان را تکمیل کنند و دوباره وارد عمل شوند، در نظر گرفته شده است. وی تعداد نیروهایی را که در حال حاضر در اختیار یگان های مانوری (یگان هایی که مأموریت عملیات آفندی دارند) است حدود ۱۰۰ هزار نفر اعلام کرد و افزود برای اینکه این یگان ها به استعداد سازمانی خود برسند ۴۶ هزار نفر کمبود داریم. برای ۵۷ گردان احتیاط نیز نیروی جداگانه ای لازم است تا این گردان ها تشکیل شود. آقای حسینی تاش کسری کادر فرماندهی را کمبود کادر فرماندهی برای ۲۰ گردان و همچنین کمبود نیروی وظیفه را ۲۱ هزار

سرانجام آقای هاشمی نظر داد توپخانه را تحت فرماندهی قرارگاه خاتم می گذاریم و تقسیم عادلانه می کنیم؛ بخشی را برای احتیاط می گذاریم و به تناسب کشش مناطق عملیات سپاه و ارتش نیز بین آنها تقسیم می کنیم.



— جمعی از نیروهای غواص قبل از عملیات والفجر ۸.

براساس این دستورالعمل‌های حفاظتی است. همچنین اقداماتی برای تخلیه ساکنان منطقه و تخلیه نیروهای ژاندارمری و نیروی دریایی ارتش، با همکاری وزارت کشور، استانداری خوزستان، فرمانده نیروی زمینی ارتش و نیروی دریایی ارتش انجام شده است. وی افزود که این کار با مشکلات فراوان و کارشکنی‌هایی توأم بوده و هنوز هم به‌طور کامل انجام نشده و همچنان ادامه دارد. وی از آقای هاشمی درخواست کرد که در این خصوص دستورهای لازم را صادر کند. آقای نجات توضیح داد برای اینکه اقدامات سپاه پاسداران برای تخلیه ساکنان و نیروهای نظامی مستقر در منطقه، خود سبب لورفتن عملیات آینده نشود، چه تلاش‌های دشواری شده و با چه سختی‌هایی توأم بوده است.

مسئول حفاظت نیروی زمینی سپاه با تأکید بر اینکه با ادامه حضور خانواده‌ها و ساکنان منطقه و نیروهای ژاندارمری، کنترل و حفاظت اطلاعات امکان‌پذیر نیست، مثالی در این باره ذکر کرد که فردی در منطقه دستگیر شده که سه نفر از پسرانش را به‌عنوان خرم‌اچینی به این منطقه آورده و آنها از اینجا به عراق رفته‌اند. با بازجویی این فرد معلوم

در ادامه جلسه، مسئولان سپاه مشکل کمبود جا برای استقرار نیروهای اعزامی و اینکه برخی یگان‌ها برای استقرار در منطقه جا ندارند را مطرح کردند. رحیم صفوی نیز گفت که مکان‌های مناسب استقرار نیرو، متعلق به یکی از نیروهای سه‌گانه ارتش یا استانداری‌هاست. آقای هاشمی در این باره گفت که اگر چنین جاهای بلااستفاده‌ای هست، مواردش را مشخص کنید و بنویسید تا اقدام کنیم و آنها را بگیریم.^(۱۸)

حفاظت اطلاعات و فریب دشمن

حفاظت اطلاعات عملیات، فریب دشمن و چگونگی غافلگیر کردن ارتش عراق، موضوع بعدی جلسه بود که حسین نجات مسئول حفاظت اطلاعات نیروی زمینی سپاه به آن پرداخت. وی گفت که ما ۱۲ دستورالعمل حفاظتی تهیه کرده‌ایم از جمله: حفاظت عملیات مهندسی، حفاظت شناسایی، حفاظت نقل و انتقالات و کنترل تردد، حفاظت عملیات تدارکاتی و همچنین موضوع جاسوسی - که به قرارگاه‌ها ابلاغ شده است - و حضور قرارگاه‌ها در منطقه عملیاتی

محمد باقری نیز درباره اقدامات مؤثر برای فریب دشمن گفت: «دشمن الآن حدود ۷ لشکر زرهی و مکانیزه و ۳ لشکر نیروی مخصوص، کماندو و پیاده، یعنی در مجموع ۱۰ لشکر آزاد و آماده پاتک دارد. از اینها ۴ تا ۵ لشکر در جنوب و ۳ لشکر در منطقه میانی هستند. اگر ما در سه چهار نقطه عملیات پشتیبانی و فریب مؤثر نداشته باشیم، همه اینها به فاو می آیند و ما را با هر امکاناتی که داشته باشیم بیرون می ریزند. برای همین، باید در سه چهار نقطه عملیات فریب و پشتیبانی داشته باشیم. مثلاً در مهران، نفت شهر یا میمک، یکی دو منطقه را فعال کنیم تا لشکر ۱۲ زرهی عراق آنجا زمین گیر شود. اگر در منطقه عین خوش تلاش کنیم، می توانیم لشکر ۱۰ زرهی را زمین گیر کنیم و اگر در منطقه شلمچه و طلایه فعالیت کنیم، لشکرهای ۵ و ۶ عراق را می توانیم زمین گیر کنیم. در این صورت، لشکر گارد جمهوری، تیپ ۱۰ و چند تیپ پیاده باقی می ماند که قادر به جنگ و مقابله با آنها هستیم. ولی اگر ما فقط یک عملیات محدود با دو سه گردان مقابل جزیره مینو اجرا کنیم، دشمن حداکثر یک لشکر را به مقابله می فرستد.»

آقای هاشمی افزود: «شما اگر از جزیره مینو عبور کنید و آن طرف بروید، دشمن اصلاً فکر نمی کند که عملیات اصلی شما اینجا [فاو] باشد.»

در ادامه عزیز جعفری گفت: «برای اینکه دشمن در ۴۸ ساعت اول عملیات، به عملیات اصلی پی نبرد، حداقل ۳۰ گردان لازم است که حداقل منطقه ای به عرض چهار پنج کیلومتر را بگیریم و پدافند کنیم.»

محسن رضایی نیز تأکید کرد که تأثیر چنین عملیاتی قطعی است و به دلیل اینکه دشمن نمی تواند به نتیجه قطعی برسد که کدام عملیات اصلی ماست، در ۴۸ ساعت اول در فاو با ما با تردید می جنگد و هرچه ما بیشتر برخورد کنیم تأثیرش بیشتر است. البته، باید بررسی کنیم که ما با چند گردان می توانیم عملیاتی اجرا کنیم که در ۴۸ ساعت اول در فاو نتیجه

شده است که در یکی از روستاها یک شبکه حدود ۱۰ نفری از این منطقه اطلاعات جمع آوری می کنند و به عراق می برند و آنجا پول ایرانی می گیرند و برمی گردند.

آقای هاشمی از وضعیت معیشت ساکنان منطقه و مشکلاتی که انتقال از منطقه برایشان ایجاد می کند و محل سکونت موقت آنان سؤال کرد. توضیح داده شد که قرار است خانواده های باقیمانده به خانه هایی در گچساران یا جزیره خارک منتقل شوند. همچنین پیشنهاد شد که برای راضی کردن خانواده ها به انتقال، از آقای جمی امام جمعه آبادان، کمک گرفته شود. مسئول حفاظت نیروی زمینی سپاه در پایان این بحث گفت: «اگر ما بخواهیم که کلاً این منطقه [خسروآباد به سمت جنوب] از دسترس اطلاعاتی دشمن خارج بشود، باید کاری کنیم که دشمن حساسیتش نسبت به این منطقه نباشد؛ لذا نظر برادران این بود که فعالیت ها (اعم از احداث مواضع توپ ها، کار شناسایی و تقسیم خط) از اینجا [خسروآباد] تا شلمچه پیوسته باشد. دوم اینکه، علاوه بر هور (که قبلاً به عنوان منطقه فریب پیشنهاد کرده بودیم)، منطقه ای دیگر (مثلاً جبهه میانی) به عنوان منطقه تجمع نیرو انتخاب شود و یک سری کارهای مهندسی در آن بشود، نیروی آن را هم مشخص کنیم.»

آقای هاشمی در این باره گفت: «آن را [انتقال نیرو به جبهه میانی] ما از ارتش خواسته ایم که بکند. شما خودتان هم نیروهایی که بیکار هستند بفرستید بالا بروند. همان رفت و آمد آنها یک سری فریب است.» ظاهراً منظور آقای هاشمی نیروهای اعزامی بودند که در فرصتی که از زمان اعزام تا شروع عملیات هست به مناطق میانی و شمالی منتقل شوند تا موجب فریب دشمن شوند، ولی فرمانده کل سپاه توضیح داد که این نیروها به منظور آمادگی برای عملیات نیاز به آموزش های آبی و دریایی دارند که چنین امکانی در آن مناطق نیست.^(۱۹)



جهادسازندگی در حال احداث جاده در منطقه عملیاتی والفجر ۸.

خوبی به دست بیاوریم.^(۲۰)

تجهیزات آبی و شناوری، لباس غواصی

موضوع تجهیزات آبی و شناوری موردنیاز برای عملیات در منطقه فاو بحث بعدی جلسه بود که در این باره برادران اکبر غمخوار و محمود احمدپور مسئولان آمادی سپاه و محسن رفیق دوست وزیر سپاه پاسداران، مطالبی را بیان کردند. آقای غمخوار گفت که تاکنون ۱۵۰۰ موتور قایق تحویل شده، ۶۰۰ موتور هم در راه است و تا آخر آذر به ۳۰۰۰ دستگاه خواهد رسید. برای قطعات و لوازم این موتورها پیش‌بینی لازم هم شده است. درباره ضعیف بودن این موتورها و خرابی آنها سؤال شد که آقای احمدپور توضیح داد: «ما در مرکز آموزش دریایی تابه‌حال ۵۰۰ نفر تعمیرکار آموزش داده‌ایم. مشکل اصلی افزایش روند مصرف است. این موتورها برای قایق‌های ماهی‌گیری تفریحی طراحی شده است. در دریا برای مسافت‌های دور از موتور گازوئیلی استفاده می‌شود. [...] داخل هور، چولان و چیزهای ریزی است که موتور قایق‌ها را خراب می‌کنند.» اکبر غمخوار افزود که یگان‌ها را از نظر تجهیزات دریایی

در سه مرحله تکمیل می‌کنیم؛ مرحله اول تکمیل شده و مشغول آموزش هستند. دستور توزیع تجهیزات مرحله دوم هم داده شده است. سازمانی که برای لشکرها پیشنهاد شده، مثلاً قایق ریحیندر در مرحله اول ۸ فروند، مرحله دوم ۱۵ فروند و مرحله سوم نیز ۱۵ فروند است. وی درباره شناورهای گازوئیلی گفت که شناورها ساخته شده، ولی موتورش نرسیده است. قرار است تا ۲۰ روز دیگر ۲۰۰ موتور بدهند که برای نصب و آمادگی آنها ۱۵ روز فرصت لازم است. ما حدود ۱۲۰ شناور گازوئیلی تاکنون آماده کرده‌ایم. در ادامه، فرمانده قرارگاه کربلا مشکل کمبود قایق برای یگان‌های نیروی زمینی را مطرح کرد و فرمانده نیروی دریایی سپاه (حسین علایی) نیز باتوجه‌به مأموریت‌های دریایی این نیرو گفت: «باید شناوری باشد که بتواند در دریا برود. الآن هم فصل زمستان است و دریا همیشه خراب است. به این سادگی شناور نمی‌تواند به دریا برود.»

باتوجه‌به نگرانی فرماندهان قرارگاه‌ها از تأمین نشدن لباس غواصی برای یگان‌های خط‌شکن، محمود احمدپور گفت که برادران

تومان بقیه‌اش غذا، لباس، ماشین، سوخت، موتور برق، موتور جوش، آهن آلات و اینهاست.» آقای غمخوار نیز گفت که هر نیروی اعزامی لباس و اورکت می‌خواهد. روزانه ۲۰ تومان هم هزینه غذای هر نفر می‌شود.

آقای هاشمی در این باره گفت: «آن چیزی که ما داریم، آن چیزی است که می‌توانیم بدهیم. این را که کسی دریغ نمی‌خواهد بکند. شما یک حدی را می‌گیرید که هیچ‌وقت در هیچ جنگی تابه‌حال هیچ‌کس نتوانسته این مقدار را تأمین کند.» آقای احمدپور گفت که این برآورد، حداقل امکانات موردنیاز است و فرماندهان به این برآورد ما اعتراض دارند. آقای هاشمی گفت: «حالا آن که دست ما نیست، آقای موسوی (نخست‌وزیر) مسئول چیز (بودجه) است.» آقای رفیق‌دوست افزود: «من با ایشان صحبت کردم؛ اینها می‌خواهند بدهند. فقط بحث ما این است که این مثلاً دو میلیارد تومانی را که می‌خواهند بدهند یک سیاست تأخیر بینداز دارند.» آقای هاشمی تأکید کرد: «این حرف‌ها در هیئت دولت تشکیل می‌شود [مشخص می‌شود]. اصلاً این طور پولی نیست.»^(۲۱)

راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ در قرارگاه مرکزی سپاه (داود رنجبر) در پایان یادداشت‌های خود از این جلسه نوشته است: «این جلسه به‌عنوان اولین جلسه در حضور فرماندهی کل جنگ - که از طرف امام به‌عهده آقای هاشمی گذاشته شده - تشکیل شد و در طول آن آقای هاشمی و موسوی نخست‌وزیر، در جریان ریز کارهای انجام‌شده در جبهه و طرح‌های در دست اقدام قرار گرفتند. توضیح اینکه آقای هاشمی نیز به آقای موسوی حکمی دادند و ایشان را به‌عنوان معاونت پشتیبانی جنگ مأمور کردند. شرکت ایشان در این جلسه نیز به همین منظور بود. البته آقای موسوی تا ظهر بودند، ولی آقای هاشمی تا انتهای جلسه حضور داشتند. هر دو برادر در طول جلسه خیلی خوب گوش کردند.»^(۲۲)

نگران نباشند ما ۱۰۰۰ دست لباس غواصی تأمین می‌کنیم. اکبر غمخوار نیز گفت ۱۵۰۰ دست لباس غواصی هم در یگان‌ها توزیع شده است، اما عزیز جعفری و سیدعلی حسینی‌ناش گفتند که در مجموع ۳۰۰۰ دست لباس غواصی موردنیاز است. غمخوار پاسخ داد که باید بخریم.

اکبر غمخوار در ادامه موضوع سطحه‌های شناور موردنیاز برای عملیات را مطرح کرد و خطاب به آقای هاشمی گفت چون استفاده از این سطحه‌ها، نیاز به تمرین دارد، اگر به دست ما نرسد امکان تمرین وجود ندارد. نیروی زمینی ارتش اینها را دارد، شما دستور واگذاری‌اش را بدهید. آقای هاشمی نیز پاسخ داد که اینها را ارتش به شما می‌دهد، چون برای آنها کارایی ندارد.

بودجه

آخرین موضوع جلسه مشکل کمبود بودجه بود. محمود احمدپور در این باره گفت: «طبق برآوردی که داریم امسال وضع بودجه ما خیلی خراب بوده است. ما ۸۰ هزار نفر نیروهای اعزامی راهیان کربلا را تجهیز کردیم. هرچه در انبارهایمان بود دادیم. ۸۰ هزار تا هم به اهواز فرستادیم برای آنهایی که یک لباس کار اضافه و تجهیزات انفرادی می‌خواهند. الآن ما از نظر مواد غذایی، تجهیزات انفرادی، امکانات اسکان و اینها واقعاً در مضیقه هستیم. [...] آقای رفیق‌دوست هم بیشتر امکانات را به طرف بنیه دفاعی سوق می‌دهد که البته آن هم درست است، چون مهماتمان هم باید تأمین شود. الآن واقعاً خرید دو میلیارد تومانی ما که درخواست ویژه است و حداقل نیازمندی، ۲۰۰ گردانی بوده که ما برای عملیات خواستیم.»

وقتی آقای هاشمی این برآورد دو میلیارد تومان را غیرواقعی خواند، مسئولان آمادی توضیح دادند که این برآوردی دقیق است و آقای رفیق‌دوست گفت: «از دو میلیارد، یک میلیارد تومان دفاعی است. یک میلیارد

تلاش برای آمادگی



کارآمدی واحد شنود قرارگاه خاتم الانبیا(ص) سپاه پاسداران در عملیات والفجر ۸

یحیی نیازی*

در این مقاله، ابتدا عناوین فنی مثل شنود و عملیات جست و جو تعریف شده و سپس کارکردهای تاکتیکی واحدهای شنود برای دریافت اطلاعات از دشمن به اختصار دسته بندی و ارائه گردیده است. در ادامه مقاله، به طور مختصر به پیشینه شنود در یگانهای رزم سپاه پاسداران و چگونگی شکل گیری آن در دوران دفاع مقدس اشاره شده است. در نهایت نیز به طور نسبتاً مفصل و گاه با ذکر جزئیاتی، به برخی کارکردهای واحد شنود قرارگاه خاتم الانبیا(ص) سپاه پاسداران در عملیات والفجر ۸ پرداخته شده و عملکرد این یگان بررسی و ارزیابی گردیده است. در این بررسی اسناد و منابع موجود در آرشیو مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس منبع اصلی تدوین مقاله بوده که در به کارگیری آنها اهتمام جدی شده است.

واژه های کلیدی: کارآمدی، واحد شنود، واحد جنگال، عملیات والفجر ۸

چکیده

مقدمه

نیروهای شنود که گوش فرماندهان در اردوگاه دشمن به حساب می آمدند، با ساده ترین ابزارهای شنود، به شبکه های ارتباطی دشمن نفوذ کرده، اطلاعات گران بهایی به دست می آوردند؛ اطلاعاتی که گاه از شکست جلوگیری می کرد، گاهی مانع تلفات و خسارات نیروهای خودی می شد و گاهی نیز در تصمیم سازی فرماندهان ایفای نقش می کرد. این مقاله مروری کوتاه بر

یکی از مهم ترین گروه ها و واحدهای عملیاتی در دوران هشت سال دفاع مقدس، واحد شنود از یگان جنگ الکترونیک بود که در قالب نیروهای فنی به جست و جو، ردیابی و رصد مکالمات نیروهای عراقی پرداخته و نقش بسزا و تعیین کننده ای در پیروزی های رزمندگان اسلام در فتح فاو داشته است.

* مدیر گروه مطالعات جامعه محور مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

سال دوازدهم □ شماره چهل و هشتم □ بهار ۱۳۹۳

و اقدامات دیگر دشمن آگاه شوند. شایان ذکر است که عملیات شنود خود یکی از پایه‌ها و زمینه‌های سایر اقدامات جنگ الکترونیک علیه دشمن بوده است و با استفاده از اطلاعات و اخبار حاصل از آن می‌توان اقدامات آفندی و پدافندی جنگ الکترونیک را طرح‌ریزی و اجرا کرد.^(۱)

جنگ الکترونیک از نظر فنی و تخصصی به قسمتی از تشکیلات نظامی مربوط می‌شود که از وسایل و سامانه‌های الکترونیک استفاده می‌کند یا اینکه امکانات و سامانه‌های الکترومغناطیسی خودی را از آثار و فعالیت جنگ الکترونیک دشمن محفوظ نگه می‌دارد یا با برنامه‌ریزی صحیح امکان استفاده از امکانات الکترونیکی خودی را فراهم می‌کند. اما از نظر عمومی، جنگ الکترونیک مانع از آن می‌شود که دشمن بتواند به‌طور مطلوب از سامانه‌های الکترونیک خود استفاده کند و همچنین با حمایت از سامانه‌های خودی در اجرای مأموریت‌ها تأثیر گذار است.

اجرای عملیات جست و جو

در قسمت جست‌وجوی واحد شوند، ابتدا برای یافتن شبکه‌های مهم و فعال دشمن عملیات جست‌وجو روی محدوده فرکانسی موردنظر اجرا و در صورت کشف فرکانس جدید، در بانک اطلاعات ذخیره می‌شود و در صورت تکراری بودن فرکانس‌های فعال، جست‌وجو برای یافتن فرکانس‌های فعال جدید ادامه می‌یابد. در نهایت، فرکانس‌های فعالی که نیاز به مراقبت دارند پس از تعیین اولویت و اهمیت آنها با توجه به نوع سیگنال، به قسمت مراقبت و کنترل اعلام و گزارش آماری نیز از فعالیت سیگنال‌ها تهیه می‌شود.

تعريف شنود

استخراج اخبار و اطلاعات
فنی و تاکتیکی از شبکه‌های

مخابراتی دشمن را شنود مخابراتی می‌گویند. شنود رادیویی و الکترونیکی یکی از ارکان جنگ الکترونیک می‌باشد که از غنی‌ترین، کم‌خطرترین، مطمئن‌ترین و کم‌هزینه‌ترین منابع کسب اطلاعات به شمار می‌رود. هنگام عملیات، با استفاده از شنود مخابراتی و راداری و تجزیه و تحلیل سیگنال‌ها و خبرهای دریافت‌شده از شبکه‌های دشمن می‌توان اطلاعات ارزشمند فنی و نظامی کسب کرد. این اطلاعات به فرماندهان کمک می‌کند تا از انواع وسایل ارتباطی، تجهیزات الکترونیکی، ترتیب نیرو، اقدامات احتمالی

واحد شنود کارکردهای گوناگونی دارد که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. آگاهی از شکل و نظم کدینگ شبکه‌ها، علائم قراردادی و استفاده از اطلاعات گذشته.
۲. کشف حجم شبکه ارتباطی بی‌سیم فعال دشمن.
۳. تعیین موقعیت ایستگاه‌های ارتباطی یا راداری دشمن و فاصله آنها با ایستگاه شنود خودی.
۴. اطلاع از حجم فعالیت شبکه ارتباطات و حجم ترافیک ارتباطی دشمن.
۵. تشخیص نوع اطلاعات و پیام‌های در حال تبادل در شبکه‌های فعال دشمن.
۶. آگاهی از تابعیت و سلسله مراتب فرماندهی



اسناد موجود در آرشیو مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس نشان می‌دهد که شنود مکالمات دشمن، با استفاده از امکانات اولیه مخابراتی و هم‌زمان با شروع عملیات "فرماندهی کل قوا" در جبهه دارخوین انجام می‌شده است. براساس این اسناد، در ماه‌های اول سال ۱۳۶۰، واحد یا بخشی به اسم "شنود" در منطقه فعال بوده است و گزارش‌های خود را به‌طور نسبتاً منظم در اختیار فرماندهان و تصمیم‌گیرندگان قرار می‌داده است. بنابراین، می‌توان گفت که هسته اولیه یگان جنگال

(جنگ الکترونیک) سپاه پاسداران در روزهای ابتدایی جنگ بنا نهاده شد و در طول جنگ رشد و نمو یافت.

علی اسحاقی بنیان‌گذار واحد شنود در سپاه پاسداران، شکل‌گیری این واحد را قبل از عملیات "فرماندهی کل قوا"، خمینی روح خدا" عنوان کرده است و در این باره می‌گوید: در جبهه دارخوین قبل از اینکه عملیات فرماندهی کل قوا را انجام بدهیم، به موضوع شنود پرداختیم. در این زمان،

علی اسحاقی بنیان‌گذار واحد شنود در سپاه پاسداران، شکل‌گیری این واحد را قبل از عملیات "فرماندهی کل قوا"، خمینی روح خدا" عنوان کرده است.

عراق برای سنجیدن توان نظامی ما عملیاتی را در منطقه سلمانیه و محمدیه انجام داد. در این عملیات سه نفربر با نیرو به خاکریز ما حمله کردند و یک گروهان کماندو به‌صورت پیاده پشت سر آنها بود. بچه‌های ما دو نفربر را با آر.پی.جی. زدند و نفربر سوم سالم به دست ما افتاد که وقتی آن را عقب آوردیم، بی‌سیم آن هنوز روشن بود و این بی‌سیم را از نفربر باز کردیم و در مقر واحد اطلاعات در منطقه دارخوین مستقر کردیم و صدای عراقی‌ها را از این طریق دریافت می‌کردیم. از این پس،

رده‌های فعال دشمن.

۷. درک موضوعات مورد تأکید در پیام‌های مبادله‌شده.

۸. تشخیص میزان آمادگی‌های تاکتیکی، عملیاتی، پشتیبانی و آمادی دشمن از روی پیام‌های حاوی تقاضای مهمات، تسلیحات، آذوقه، دارو و...

۹. تشخیص حضور یگان‌های جدید در منطقه نبرد از طریق کشف فعالیت جدید الکترومغناطیسی در منطقه.

۱۰. آگاهی از نقل و انتقالات و وضعیت یگان‌های عملیاتی دشمن.

۱۱. تعیین موقعیت و شناسایی محل استقرار پایگاه‌های هوایی و دریایی دشمن و کنترل تحرکات دریایی و هوایی و تشخیص میزان و نوع فعالیت آنها از پیام‌های دریافتی شنود.

۱۲. بازدید فرماندهان دشمن از یگان‌های مستقر در منطقه.

۱۳. اعزام یگان‌های جدید به منطقه.

۱۴. تعویض و تغییر کدها، رمزهای شبکه‌های ارتباطی و علائم قراردادی دشمن و توجه به زمان این تغییرات و نیز جست‌وجو و تعیین علت آنها.

۱۵. تغییراتی که قبل از عملیات آفندی روی شبکه‌ها ایجاد می‌شود.^(۲)

پیشینه شنود در یگان‌های رزم سپاه پاسداران

در ابتدای جنگ که نیروهای مردمی هنوز انسجام سازمانی لازم را نداشتند و در خطوط نبرد در محورهای گوناگون مستقر بودند، نخستین فعالیت‌های شنود با عنوان "استراق‌سمع" آغاز شد. استراق‌سمع واژه‌ای عربی است که ارتش و مخابرات آن را به کار می‌بردند. شاید بتوان گفت اولین اقدامات شنود، در جبهه دارخوین - که یکی از محورهای منسجم و سازمان‌یافته اول جنگ بود - انجام شده است.



نیرو واحد شنود جنگ الکترونیک در حال کنترل فرکانس‌های مکالمات دشمن.

نجات یافت و حدود یک گردان تانک عراقی در محدوده این پل منهدم شد. واحد شنود با کشف پاتک دشمن از طریق پل سابله اهمیت خود را به رخ همه فرماندهان کشید و همه فرماندهان از این حادثه به عنوان نقطه عطف عملیات طریق القدس نام می‌برند.

سردار مهدی شیرانی نژاد در این باره می‌گوید: در عملیات طریق القدس یکی از اقداماتمان همین بحث شنود بود. رفتیم آنجا دیدم که دارند شنود می‌کنند. دشمن یک واحد زرهی را روانه کرد که از سمت چزابه بیاید و به محاصره بستان کمک کند. به شهر بستان که می‌رسیدند، جاده‌ای بود که آبراهی از وسط نیروهای خودی و دشمن، می‌گذشت. نیروهای ما از پایین حمله می‌کردند که با مقاومت دشمن و موانعی که ایجاد کرده بود، نتوانستند بالا بیایند. قرار شد برادرهای تیپ امام حسین^(ع) از بالا بیایند و منطقه را آزاد کنند. این واحد زرهی دشمن قرار بود به این نیروها کمک کند و آنها را از محاصره دریابورد. حاج آقا حسینی با فرمانده تیپ عراقی‌ها - که سرهنگ بود - شروع کرد صحبت کردن و خودش را به عنوان

با هدف شنیدن مکالمات عراقی‌ها دو نفر از مجاهدین عراقی عرب‌زبان را به کار گرفتیم و اطلاعات دشمن در منطقه محمدیه - سلیمانیه را از طریق همین بی‌سیم جمع‌آوری می‌کردیم.^(۳) سردار مهدی شیرانی نژاد از نیروهای مخابرات در این منطقه، در این باره می‌گوید: در آن مقطع، استراق‌سمع، واحد مستقلی نبود، منتها تیم استراق‌سمع داشتیم. در جبهه دارخوین دو سه نفر، این مجموعه را اداره می‌کردند. آنها با امکانات ابتدایی روی فرکانس بی‌سیم‌های باند وی.اچ.اف. و اچ.اف. عراق، کار می‌کردند و اطلاعاتی به دست می‌آوردند. روند شکل‌گیری و تکامل واحد شنود در عملیات ثامن الائمه^(ع) نیز ادامه یافت و در عملیات طریق القدس شکل منسجم‌تری به خود گرفت و پایه‌های اولیه جنگ الکترونیک نیز گذاشته شد.

مهم‌ترین اقدام واحد شنود سپاه پاسداران در عملیات طریق القدس را باید کشف پاتک عراق برای بازپس‌گیری شهر بستان از طریق عبور از پل سابله دانست که با واکنش مؤثر نیروهای خودی اقدام دشمن شکست خورد و بستان از سقوط مجدد

کمکی و احتیاط تأمین اطلاعات و اخبار مورد نیاز این قرارگاه‌ها و همچنین قرارگاه مرکزی کربلا مستلزم به‌کارگیری همه مقدرات سپاه همراه وسایل الکترونیکی و جنگ الکترونیکی به‌دست‌آمده از لانه جاسوسی آمریکا در تهران بود که واحد شنود از یک‌سو، با ایجاد اختلال و پارازیت‌کردن ارتباطات عقبه دشمن از طریق قطع ارتباط رده فرماندهی سپاه با لشکرهای دشمن و از سوی دیگر، ایجاد فریب الکترونیک در باندهای کوتاه VHF و به انحراف کشاندن بعضی از یگان‌های عراقی به‌سمت دلخواه نیروهای خودی، به‌خوبی از پس این مهم برآمد و همچنین با رساندن اطلاعات لحظه‌به‌لحظه به فرماندهان عمل‌کننده، به‌خصوص قرارگاه مرکزی و ارائه گزارش‌های تحلیلی روزانه از آخرین وضعیت دشمن به فرمانده کل سپاه نقش تعیین‌کننده‌ای در هدایت عملیات داشت. باتوجه‌به نقش حساس جنگ‌های الکترونیک، اهمیت اطلاعات به‌دست‌آمده از واحد شنود و افزایش قدرت تصمیم‌گیری فرماندهی هنگام عملیات، ابتکار عمل در مدیریت جنگ‌های الکترونیک سپاه و ارائه دقیق‌ترین و سریع‌ترین اخبار و اطلاعات همراه با تجزیه و تحلیل منطقی وضعیت دشمن قبل، حین و بعد از عملیات، فرماندهی سپاه تصمیم گرفت تا مجموعه شنود را در حد توان در عملیات بیت‌المقدس (آزادسازی خرمشهر) تقویت کند. لذا با هماهنگی با ارتش و اخذ دستور از شورای عالی دفاع، یگان جنگ الکترونیک نیروی زمینی و نیروی هوایی ارتش برای عملیات بیت‌المقدس در کنترل عملیاتی سپاه قرار گرفتند. واحد شنود عملکرد بسیار موفقی در عملیات بیت‌المقدس داشت؛ کشف چند پاتک ارتش عراق، ارائه گزارش جابه‌جایی یگان‌های دشمن در منطقه قبل و حین عملیات به فرماندهی، ایجاد اختلال در شبکه‌های مخابراتی رده‌های مختلف دشمن، ورود به شبکه‌های ارتباطی

یک فرمانده رده‌بالا جا زد. چون حاج آقا حسینی خودش از معارضین عراقی بود، اصطلاحات عراقی را خوب می‌دانست، مدت‌ها هم کار شنود را انجام داده بود و تجربه خوبی به دست آورده بود. ایشان بسیار زیبا و مسلط شروع به صحبت کرد. اطلاعاتش هم کامل بود که واحد زرهی کجا می‌خواهد بیاید و مأموریتش چیست. اول تحریکش کرد که مثلاً تو شجاعی، تو رشیدی و... بعد گفت که به فلان جا برو و آتش توپخانه ارتش را روی آن نقطه هدایت کرد. وقتی آتش توپخانه خودی شروع شد، فرمانده عراقی شروع کرد که: "چه کار داری می‌کنی؟! یگان رو منهدم کردی! برگرد عقب. تو چه فرماندهی هستی؟ مگه موانع رو نمی‌بینی؟ تو بلد نیستی، تو آموزش ندیدی و..." "بالآخره ایشان توانست با تسلطش، واحد زرهی را عقب بفرستد و تقریباً نیم‌ساعت متوقفش کرد. تو همین فاصله برادرها رسیدند و توانستند مواضع زیادی را تصرف کنند، تعدادی از نیروهای دشمن هم اسیر شدند و تعدادی از عراقی‌ها هم از جاده سوسنگرد - بستان به‌سمت هور رفتند و از طریق هور فرار کردند. عراقی‌ها حدود یک ساعت امکان تماس هم نداشتند، چون حاج آقا پشت سر هم تماس می‌گرفت و اجازه ارتباط به واحدهای آنها نمی‌داد و فاصله بی‌سیم او با فرمانده تیپ کمتر از فاصله ارتباطی او با عقبه‌اش بود. حاج آقا حسینی آن موقع طلبه بود و کاملاً مسلط و یکی از افراد برجسته در بخش شنود. همین تسلطش هم باعث فریب آن فرمانده عراقی شد. البته، در آن مقطع، دشمن فکرش را هم نمی‌کرد که ما در سپاه پاسداران چنین ظرفیتی داشته باشیم؛ خودمان هم باور نمی‌کردیم."^(۴)

به‌کارگیری تجارب عملیات‌های گذشته در دو عملیات بزرگ فتح‌المبین و بیت‌المقدس کارنامه درخشانی از این واحد به یادگار گذاشت. در عملیات فتح‌المبین، برپایی ۴ سایت برای ۴ قرارگاه عمل‌کننده نصر، قدس، فجر و فتح و یک سایت

از امکانات و کارکنان خود را به کار گرفتند که این امور موجب گسترش و گشایش فصل جدیدی در جمع‌آوری اطلاعات شد. بیشتر وسایل و تجهیزات موجود قدیمی و در مقایسه وسایل عراقی‌ها پیشرفته نبودند که اقداماتی شایسته متکی بر عزم و اراده، تجربه، ایمان و تخصص، صبر و تحمل سختی‌ها، اعتقاد قوی و تقویت نسبی تجهیزات با تهیه بعضی از وسایل تجاری و بازسازی وسایل قدیمی سبب شدند در سال‌های بعد، برتری قابل ملاحظه‌ای از نظر اطلاعات نسبت به دشمن به دست آید.

همین اقدامات اولیه و تجارب به‌دست‌آمده در ابتدای جنگ، با رشد، توسعه و گسترش سازمان رزم سپاه در طول جنگ تکامل یافت و هر روز منسجم‌تر شد، طوری‌که تا پیش از آغاز عملیات والفجر ۸ جنگال (جنگ الکترونیک) سپاه در قالب یک واحد مستقل با کارایی بالای خود ضمن نقش‌آفرینی و اجرای عملیات جنگال علیه دشمن، در موضوع شنود کارآمدی خود را به اثبات رساند و در تصمیم‌سازی کمک‌های فراوانی به فرمانده عملیات کرد.

برخی کارکردهای واحد شنود قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص) سپاه پاسداران در عملیات والفجر ۸

در میدان جنگ، فرماندهی پیروز است که قواعد تاکتیکی و عملیاتی را به‌خوبی بداند و جایگاه نیروهای عملیاتی خود را در مقایسه با دشمن تشخیص دهد. اگر چنین شناختی حاصل نشود یک فرمانده نه‌تنها موفقیتی کسب نخواهد کرد، بلکه شکست خواهد خورد یا در یک نبرد پراشتباه و غلط سردرگم خواهد شد. در میدان جنگ اگر فرماندهان با قواعد رزم آشنا نباشند چیدمان صحیحی نخواهند داشت و جای یگان‌های عملیاتی را به‌درستی انتخاب نخواهند کرد. تصمیم و عمل به‌موقع موجب پیروزی در جنگ می‌شود که این تصمیم و عمل نیاز

دشمن و دادن اطلاعات غلط به آنان ازجمله دستور عقب‌نشینی به لشکر ۵ عراق، ره‌گیری و گزارش مسیر تردد هواپیماها و بالگردهای عراقی به پدافند هوایی خودی و... از اقدامات مؤثر این واحد در عملیات بیت‌المقدس است. نتایج عملیات‌های دوره آزادسازی سرزمین‌های اشغال‌شده ایران در خوزستان دشمن را بر آن داشت تا با خرید تجهیزات پیشرفته غربی از فرانسه و انگلستان دو گردان جنگ الکترونیک را در کنترل عملیاتی سپاه دوم و سوم خود قرار دهد. این سیستم‌ها همچنین امنیت ادارات اطلاعات ارتش، اطلاعات امنیت مرکزی و امنیت شخص صدام حسین را تأمین می‌کردند. علاوه‌براین تجهیزات، امریکا به‌وسیله هواپیماهای جاسوسی آواکس و اطلاعات ماهواره‌ای، تحرکات نیروهای ایرانی را به عراق اطلاع می‌داد.

درمقابل، با هماهنگی و پشتیبانی فرمانده قرارگاه کربلا (قرارگاه عملیات مشترک سپاه و ارتش) که بعدها به قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص) تغییر نام داد، یگان جنگ الکترونیک اقدام به تقویت کادر مؤمن با انگیزه و متخصص در همه قسمت‌های فنی و پشتیبانی با برگزاری آموزش‌های تخصصی و حفاظت اطلاعات کرد. بنابه دستور و با هماهنگی‌های پیوسته با ارگان‌های مرتبط مانند وزارت امور خارجه، دانشگاه‌های دارای رشته الکترونیک مانند دانشکده صنعتی شریف و دانشگاه شیراز (دانشکده الکترونیک)، وزارت سپاه، مرکز کنترل فرکانس و الکترونیک شیراز، معاونت اطلاعات سپاه، بخش فنی و مخابرات سپاه، این واحدها بخش عمده‌ای

مهدی شیرانی‌نژاد: روند شکل‌گیری و تکامل واحد شنود در عملیات ثامن‌الائمه^(ع) نیز ادامه یافت و در عملیات طریق‌القدس شکل منسجم‌تری به خود گرفت و پایه‌های اولیه جنگ الکترونیک نیز گذاشته شد.

سوم ارتش عراق قرار است گردان توپخانه ۳۷۵ دشمن از منطقه پدافندی جدا شده، در پشتیبانی سپاه ششم ارتش عراق قرار گیرد. تعداد خودروهای شرکت کننده در این جابه جایی ۱۱۰ خودرو می باشد. ۳. بنابر اطلاعات به دست آمده قرار است در تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۸، یک ستون نظامی حامل مهمات، به استعداد ۴۳ خودرو، از صفوان و مرز کویت و از مسیر بصره و القرنه به طرف بغداد حرکت کند.

۴. در ساعت ۰۶:۵۰ صبح روز ۱۳۶۴/۱۱/۱۳، یگان کماندویی شط العرب از منطقه الدیر به طرف فاو حرکت کرده، مأموریت دارد که در این منطقه مستقر شود. یگان مذکور با ۳۰ خودروی حامل نفرات و در دو نوبت جابه جا خواهد شد.

۵. قرارگاه لشکر ۵ (ارتش عراق) از موقعیت اصلی خود جابه جا شده و در قرارگاه تاکتیکی لشکر ۳۰ مستقر شده است.

۶. در تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۱۴، تیپ ۱۵ پیاده ارتش عراق از محل اصلی خود حرکت کرده و به موقعیت پروژه ۸۶۰ منتقل شده است. موقعیت پروژه ۸۶۰

احتمالاً منطقه الحسان در شمال الصخره می باشد.

۷. گردان سوم تیپ ۱۵ پیاده ارتش عراق تحت فرماندهی لشکر ۵ [ارتش عراق] قرار گرفته و در محدوده قرارگاه این لشکر مستقر شده است.

۸. تیپ ۲۰ ارتش عراق از محل اصلی خود حرکت کرده و در حوالی دریاچه ماهی گیری در منطقه پدافندی لشکر ۱۱ مستقر شده است.

۹. تیپ ۲۶ ارتش عراق از محل اصلی خود حرکت کرده و در ایستگاه ماجد مستقر شده است. ایستگاه ماجد احتمالاً ابتدای جاده نهر کتیبان به پاسگاه زید

به دانستن وقایع لحظه به لحظه میدان نبرد و تحرکات جبهه دشمن دارد. در عملیات مهم والفجر ۸، یکی از رده هایی که از مدت ها پیش از شروع عملیات کمک فراوانی به فرماندهان در تصمیم سازی و انجام شدن اقدامات به موقع علیه دشمن کرد، یگان شنود قرارگاه خاتم الانبیا^(ص) بود.

فعالیت در دوران آماده سازی منطقه عملیات

این واحد فعال در کنار رده های دیگری مانند واحد اطلاعات، دیده بانی، شناسایی و... مبادرت به رصد اطلاعات از طریق شنود سیستم های ارتباطی دشمن کرده، اطلاعات مهم و ارزشمندی را به موقع در اختیار فرماندهان عملیات قرار می داد. شاید برخی چنین بپندارند که کارکرد شنود و یگان جنگ الکترونیک فقط به مقطع شروع عملیات مربوط می شود، اما واقعیت این است که از ابتدای آماده سازی منطقه عملیات والفجر ۸، شنود قرارگاه خاتم سپاه با استقرار در منطقه و ارسال اخبار تحولات جبهه دشمن، فرماندهی عملیات را در تصمیم گیری های دقیق یاری کرده است.

گروه های شنود جنگال قرارگاه هم زمان با نیروهای اطلاعات و دیگر رده های اصلی در منطقه اروند استقرار یافت و از ماه ها پیش از شروع حمله به رصد و کشف اطلاعات از شبکه های ارتباطی دشمن اقدام کرد. در ادامه، از میان گزارش های متعدد ارسالی به چند سند کوتاه از ده ها سند موجود درباره نقش این واحد مؤثر در تصمیمات تاکتیکی و عملیاتی اشاره می شود.

۱. در تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۳ دو ستون نظامی یکی از بصره به طرف صفوان، مرز کویت و دیگری از مرز کویت به منظور حمل مهمات به طرف بصره در حال حرکت بوده است. در این دو ستون حدود ۲۵ خودرو و تریلر شرکت داشته اند.

۲. در تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۷ بنابه دستور فرمانده سپاه

گروه های شنود جنگال قرارگاه هم زمان با نیروهای اطلاعات و دیگر رده های اصلی در منطقه اروند استقرار یافتند و از ماه ها پیش از شروع حمله به رصد و کشف اطلاعات از شبکه های ارتباطی دشمن اقدام کردند.

کارآمدی واحد شنود قرارگاه خاتم الانبیا (ص)
سیاه پاسداران در عملیات والفجر ۸

دستگاه داشته باشیم. برای پخش صدا هم تقویت صوت‌هایی پیدا کردیم که به ضبط صوت نصب می‌شد. این تقویت‌کننده را به گوشی دهنی بی‌سیم نصب کردیم و صوت پخش می‌شد. با این ابتکار، دیگر قطع تماس ارتباط گردان‌ها را نداشتیم. این روش در هیچ ارتشی در دنیا اتفاق نیفتاده است که یک فرمانده رده استراتژیک بخواهد در جریان رفتار گردان‌ها قرار بگیرد. این دغدغه فرمانده کل سپاه بسیار اثرگذار بود. با این ارتباط، فرمانده کل احساس می‌کرد که خودش در کنار گردان‌ها است.

مهدی شیرانی نژاد همچنین درباره نقش تعیین‌کننده شنود می‌گوید:

شنود شبکه‌های دشمن توسط واحد شنود جنگال قرارگاه خاتم انجام می‌شد که اطلاعات بسیار خوبی را برای تصمیم‌گیری در اختیار فرماندهان قرار می‌داد. جنگال در عملیات والفجر ۸ نقش تعیین‌کننده‌ای داشت. آنها توانسته بودند اطلاعات حساس دشمن را که روی شبکه‌های مخابراتی ردوبدل می‌شد به دست آورند. این اطلاعات به‌نحوی بود که می‌دانستیم الآن فلان یگان دارد

احتمال ناهماهنگی بین گردان‌ها زیاد است و یا اینکه قرارگاه فرماندهی دیر متوجه تحرکات دشمن بشود. فرماندهی سپاه با استفاده از شبکه‌های ارتباطی مخابرات و شنود خطرپذیری را در این عملیات به حداقل می‌رساند. او از طریق شنود مکالمات داخلی نیروهای عمل‌کننده متوجه می‌شد که واحدهای عملیاتی در چه شرایطی هستند. برای این کار به‌صورت ابتکاری یک سیستم واسط به اسم پیک طراحی شد. سامانه پیک، اطلاعات بی‌سیم را به رادیو ماکس‌ها منتقل می‌کرد، بعد به صوت تبدیل می‌کرد و [این اطلاعات] در اختیار فرمانده کل سپاه قرار می‌گرفت. طراحی این سامانه ابتکار و ایده یکی از بچه‌های نخبه دفاع مقدس بود. تست‌های این سامانه را در اهواز انجام دادیم و بعد از گرفتن جواب مثبت در کنار اروند، در مکانی که بتوان آنتن آن را تا اندازه‌ای بالا برد که توان ارتباطی‌اش تا ۲۱ کیلومتر اضافه شود، نصب کردیم. برای این کار دکل ۲۴ متری زدیم و انتهای دکل هم ۲ - ۳ آنتن بی‌سیم نصب کردیم. این دستگاه ۶ کانال داشت و هم‌زمان می‌توانستیم صدای ۶ رده عملیاتی را از طریق این



محمد علی جعفری (عزیز) فرمانده قرارگاه قدس در سنگر شنود (جنگ الکترونیک)

[illegible]

وارد فلان منطقه می‌شود یا مثلاً عملیات هوایی یا تک شیمیایی توسط دشمن در فلان نقطه از منطقه عملیات اجرا خواهد شد.

گزارش‌های لحظه به لحظه

همان‌گونه‌که پیش از این اشاره شد، اطلاعات دقیق از وضعیت و تحرکات دشمن، تصمیم‌گیری و عمل به‌موقع و پیروزی در عرصه نبرد را در پی داشت. در عملیات والفجر ۸ حضور مستمّر واحد

شنود قرارگاه خاتم الانبیا (ص) در

کنار فرمانده کل سپاه پاسداران
منبعی مؤثر برای دریافت
لحظه‌به‌لحظه اطلاعات از جبهه
دشمن بود و نقشی چشمگیر
در تصمیم‌سازی فرماندهی
عملیات داشت. در روز اول
عملیات و پس از خط‌شکنی
رزمندگان اسلام، گزارش‌های
شنود از به‌هم‌ریختگی جبهه
دشمن حکایت کرده، موجب
هدایت به‌موقع نیروهای
عمل‌کننده به نقاط آسیب‌پذیر
خطوط مقدم دشمن شد. در
ادامه چند نمونه از خبرهای
ی‌شوند.

۱. قرارگاه گردان ۲ دژبانی دشمن سقوط کرده است.
۲. قرارگاه تیپ ۱۱۱ عراق کاملاً در محاصره نیروهای خودی می‌باشد. نشانی قرارگاه: در صد متری آن یک دستگاه رادار رازیت نصب شده است.

۳. فرمانده قرارگاه تیپ ۱۱۱ تأکید کرد نیروی کمکی از جاده حاشیه خور (عبدالله) برای تقویت آنها به طرف فاو جلو بیاید.

۴. لشکر ۳۴ از طریق بصره به طرف جنوب و منطقه فاو در حال حرکت می باشد.^(۷)

با نگاهی گذرا به ۴ گزارش فوق می‌توان دریافت که این گزارش‌ها در عین اختصار، بسیار دقیق بوده و در تصمیم‌گیری لحظه‌به‌لحظه فرماندهان تأثیر فراوانی داشته‌اند. در گزارش «قرارگاه گردان ۲ دژبانی دشمن سقوط کرده است»، یکی از دغدغه‌های نیروهای خودی در میدان نبرد کم شده و با سقوط و انهدام این گردان، زمینه برای فشار مضاعف به جبهه دشمن فراهم آمده است. یگان‌های خودی با استفاده از این خبر پیشروی در عمق را ادامه می‌دهند و فشار بر نیروهای درحال شکست دشمن را بیشتر می‌کنند. کارشناسان اطلاعات رزمی به‌خوبی می‌دانند که برای مطلع‌شدن از همین ۸ کلمه خبری که در گزارش بالا آمده است، باید ساعت‌ها وقت و انرژی صرف کرد و خطرهای گوناگونی را به جان خرید؛ کما اینکه گاه ممکن است اطلاعات به‌موقع نیز حاصل نشود. اما واحد شنود با رصد و جست‌وجوی مداوم شبکه‌های دشمن، دریافت خبر از آنها، تجزیه و تحلیل، ارزیابی و اطمینان از صحت خبر، اطلاعات لازم را بدون فوت وقت در اختیار فرماندهان گذاشته، استفاده از فرصت را برای آنها و رزمندگان درحال نبرد مهیا می‌کرد.

در گزارش دوم: «قرارگاه تیپ ۱۱۱ عراق کاملاً در محاصره نیروهای خودی می‌باشد. نشانی قرارگاه: در صد متری آن یک دستگاه رادار رازیت نصب شده است»، واحد شنود اطلاعات نه تنها ارزشمندی از محاصره محل استقرار یک تیپ دشمن در اختیار فرماندهان قرار داده، حتی نشانی قرارگاه تیپ را با سادگی هرچه تمام‌تر اعلام کرده است تا نیروهای خودی با اطمینان از نقطه ضعف دشمن و فشار بیشتر، زمینه سقوط و انهدام کامل آن را فراهم کنند. در گزارش سوم نیز محل دقیق ورود نیروهای کمکی و تقویتی بیان شده که این اطلاعات به فرماندهان در تصمیم‌گیری صحیح و چیش مناسب نیروها کمک می‌کند، طوری‌که با نیروهای

در عملیات والفجر ۸، حضور مستمر واحد شنود قرارگاه خاتم الانبیا(ص) در کنار فرمانده کل سپاه پاسداران منبعی مؤثر برای دریافت لحظه به لحظه اطلاعات از جبهه دشمن بود و نقشی چشمگیر در تصمیم سازی فرماندهی عملیات داشت.

گارد ریاست جمهوری عراق، وضعیت منطقه بحرانی شده، تصمیم گیری حساب شده ای را می طلبید.

گزارش زیر بخشی از گفت وگوهای محسن رضایی فرمانده کل سپاه پاسداران، با علی اسحاقی مسئول واحد شنود قرارگاه خاتم^(ص)، است که چگونگی تصمیم سازی واحد شنود را در سومین روز عملیات تاحدودی ترسیم می کند:

محسن رضایی: آقای اسحاقی، اوضاع چطور است؟

علی اسحاقی: اوضاع خوب است.

رضایی: لشگر گارد رو جلو کشیدند یا نه؟

اسحاقی: الآن کل وضعیت لشگر گارد را خدمت شما عرض می کنم. لشگر گارد جمهوری تا امروز صبح ساعت ۰۶:۰۰، مجموعه نیروهایی که در اینجا داشت، تیپ ۳، تیپ ۴ و تیپ ۱۰ زرهی بود. البته، از تیپ ۱۰ زرهی دو گردان بیشتر نیامده بود.

رضایی: دو گردان تیپ ۱۰ زرهی هم دیروز شرکت کرده بودند؟

اسحاقی: بله، دیروز در منطقه بودند.

رضایی: در پاتک ها هم شرکت کرده بود؟

اسحاقی: در پاتک ها یک گروهان از یک گردان آن شرکت کرده بود. گروهان اوزیفه بود. بعد، امروز صبح بقیه تیپ ۱۰ به اضافه گردان کماندویی - که تابع خود تیپ ۱۰ هست - و یک گردان مکانیزه هم که دارد، همه در منطقه تکمیل شد. تیپ ۱ و تیپ ۲ گارد جمهوری هم امروز صبح به منطقه رسیدند. الآن دستور داده شد که تیپ ۱ به اضافه دو گردان از تیپ ۳ از جاده استراتژیک جلو بیاید.

رضایی: چرا؟ آتش آنها را اذیت نکرد؟

تقویت کننده دشمن پیش از هرگونه اقدام کارساز مقابله شده، جبهه خودی مستحکم می گردد.

در گزارش چهارم: «لشکر ۳۴ از طریق بصره به طرف جنوب و منطقه فاو در حال حرکت می باشد»، نوع یگان، زمان و مکان یگان های عملیاتی دشمن به طرف منطقه گوشزد شده است. فرماندهان بر مبنای همین اطلاعات بارها و بارها با اقدام به موقع از رسیدن نیروهای کمکی دشمن به فاو جلوگیری کردند. بسیاری از شکست های سنگینی که در زمان حرکت یگان های عملیاتی دشمن به طرف فاو بر آنها وارد شد، به دلیل رسیدن اطلاعات به موقع زمان و مکان حرکت و جابه جایی این نیروها به فرماندهان عملیات بود. محسن رضایی در همین خصوص می گوید: «در عملیات فاو، دشمن از بصره حرکت می کرد تا در فاو با ما بجنگد، یعنی باید ۱۲۰ کیلومتر مسافت طی می کرد، اما همین که ماشین های عراقی از بصره فاصله می گرفتند، توپخانه ما روی آنها آتش می ریخت و تا می رسیدند به خط فاو، دیگر توان جنگی خود را از دست می دادند و دچار شکست می شدند.»^(۸)

تأثیر ویژه شنود بر تصمیم سازی در شرایط بحرانی عملیات

شناخت محیط، شرایط و نوع عملکرد دشمن نیازمند داشتن اطلاعات دقیق و استفاده مؤثر از نظرها و تجربیات کارشناسان امر می باشد. جایگاه ویژه شنود در عملیات والفجر ۸ این باور را در ذهن فرمانده عملیات به وجود آورد که نه تنها از اطلاعات به دست آمده از واحد شنود استفاده مؤثر کند، بلکه مسئول واحد شنود قرارگاه خاتم^(ص) را به عنوان فردی مسلط با اشراف اطلاعاتی مؤثر به عنوان مشاور تخصصی خود به کار گرفته، از نظرهای او در تصمیم گیری به گونه ای مطلوب بهره برداری کند. در سومین روز عملیات فاو، با ورود نیروهای لشکر

جایگاه ویژه شنود در عملیات والفجر ۸ این باور را در ذهن فرمانده عملیات به وجود آورد که نه تنها از اطلاعات به دست آمده از واحد شنود استفاده مؤثر کند، بلکه از نظرهای او [مسئول واحد شنود] در تصمیم گیری به گونه ای مطلوب بهره برداری کند.

به‌اضافه نیروهایی که برای آنجا منظور کرده است. الآن تمام تلاش دشمن عمدتاً روی بازکردن همین جاده البحار به‌طرف پایین است. تلاش اصلی دیگر که همین جناح حسین خرازی اینهاست، در محور ساحلی و بعد ادامه جاده استراتژیک (جاده وسط) است.

رضایی: الآن وضع فرماندهی و تصمیم‌گیری دشمن چطور است؟ اوضاع لجستیک و فرماندهی دشمن چگونه است؟

اسحاقی: از امروز تمام نیروهای منطقه فاو، زیر امر سپاه هفتم قرار می‌گیرند.

رضایی: مگر سپاه هفتم عوض نشده است؟
اسحاقی: سپاه هفتم عوض نشده، فعلاً همه مسئولیت‌ها را به او می‌دهند.

رضایی: چی می‌گی؟ این یعنی که متوجه شده‌اند تلاش اصلی ما اینجا است؟

اسحاقی: بله، الآن دیگه دقیقاً می‌دانند که تلاش اصلی فاو است و ام‌الرصاص فریب بوده! برای همین الآن دارند نهایت تلاش خودشان را در اینجا متمرکز می‌کنند.

اسحاقی: اولاً اینجا آتش خیلی زیاد است. بعد اینها دیروز یک تلاش عمده‌ای آنجا کردند که از جاده استراتژیک به پشت فاو برسند و بتوانند عرض جبهه ما را در این منطقه قطع کنند.

رضایی: کدام یگان‌های دشمن این تلاش را می‌کرد؟
اسحاقی: تیپ ۳۹ زرهی، تیپ ۳۰ زرهی لشکر ۶، یک تیپ کماندویی، گردان ۳ ساحلی - دریایی و ۲ گردان کماندو از تیپ ۴۴۰ بود. اینها نیروهایی بودند که ظرف دیروز تا شب در این منطقه تلاش کردند. از امروز صبح تیپ ۱ گارد جمهوری به آن قسمت اضافه شد. کل تیپ با قرارگاه به‌اضافه دو گردان از تیپ ۳؛ یعنی گردان ۳ و گردان ۴ تیپ ۳ اضافه شد. تیپ ۴ هم یک گردانش باقی مانده که در منطقه کامل بشود.

رضایی: صدام دارد از نیروی پیاده استفاده می‌کند؟
اسحاقی: الآن عمده تلاش آنها روی نیروهای پیاده هست. مخصوصاً در جناح تیپ ۴۴ قمر^(۲) و لشکر ۱۴ امام حسین^(۳) در محور ساحلی؛ یعنی تلاش اصلی روی پاک‌کردن آن جناح و فشارگذاشتن به آن جناح و فرستادن تانک‌ها از جاده استراتژیک است.



نیرو واحد شنود (جنگ الکترونیک) در حال ثبت و کنترل مکالمات دشمن.

که می‌آمدند، دوباره که می‌خواستند بالا بیایند - در حاشیه جاده خاکریز دارند - دهانه‌های خاکریز را در شب پیدا نمی‌کردند، مجبور می‌شدند عقب بروند و یک جایی را پیدا بکنند و روی جاده بروند؛ یعنی تمام تلاش دشمن برای استفاده از تانک و جاده و عمدتاً جاهایی است که می‌توانسته از قبل داخل آن برود و تحرک پیدا بکند.

رضایی: باز می‌گم این سردرگمی و مسئله زمین نکته مهمی است. ما اگر بتوانیم در اول کار، خوب طومار اینها رو درهم بیچیم، دیگه نمی‌تونند قد علم کنن. متوجهی؟ حاج رفیق دوست هم باید به این طرف ارونند بیاید و با چنگ و دندان هم که شده باید مهمات برسونه؟

رضایی: خیلی خُب، شما به‌هرحال ان‌شاءالله تعقیب کنید و مرتب گزارش بدید. ما می‌خوایم برای لشکرها اطراف جاده برای امشب برنامه بریزیم. هرچه اطلاعات دقیق‌تر باشه بهتر می‌تونیم کار کنیم.

اسحاقی: برادر محسن، ما الآن از وضعیت دشمن گزارش‌های لحظه‌به‌لحظه داریم.

رضایی: برای الآن پیشنهاد خودت چیه؟

اسحاقی: پیشنهاد اینه که همین تراکم آتشی که ما داشتیم، این تراکم آتش باید حفظ بشود؛ چون دشمن همه توانش را به اینجا آورده است. الآن اکثر توپخانه‌ها را هم دستور داده که برای اجرای آتش روی عقبه‌های ما این طرف بیاید. هواپیما و هلیکوپتر هم به همین صورت است.

رضایی: امروز وضعیت هواپیما و هلیکوپتر ما چطور بوده؟

رضایی: خیلی خوب بوده است. مثلاً در شنود تیپ ۳ دشمن به رده بالاترش گفته: ایرانی‌ها توانستند بهترین استفاده را از هلیکوپتر برای زدن هدف‌های ما بکنند.

رضایی: هواپیماها رو چی گفتند؟

اسحاقی: هواپیماهای ما هم در مانورها و هدف‌هایی

رضایی: از کی اینجا را جدی گرفتند؟

اسحاقی: تقریباً از دیروز بعدازظهر؛ یعنی موقعی که تیپ ۳ ضربه خورد و یک گردان تیپ ۱۰ گارد جمهوری هم آمد در این منطقه درگیر شد و سر جایش ماند و نتوانست جلو بیاید.

رضایی: تیپ ۱۰ از کدام طرف آمد؟

اسحاقی: از همین جاده استراتژیک. بعد یک گردان کماندویی تیپ ۱۰ به‌اضافه یک گروهان تانک مأمور شده که این جاده را کنترل کند و نگذارد که ما به‌طرف قرارگاه لشکر ۲۶ و کارخانه نمک برویم.

رضایی: مگر بچه‌ها تا نزدیک کارخانه نمک نرفتند؟

اسحاقی: چرا اما الآن تمام تلاش دشمن روی این جاده متمرکز شده!

رضایی: این خبری که می‌دهید مال کی است؟

اسحاقی: مال الآن است.

رضایی: نسبت به عملیات بدر وضع دشمن چطور است؟ یعنی ضعف در انسجام دارند یا در زمین مشکل دارند؟

اسحاقی: ضعف دشمن یکی در زمین است، یکی هم اینکه سپاه هفتم نتوانسته یگان‌هایی که به منطقه می‌آیند را به کار بگیرد.

رضایی: چرا؟

اسحاقی: چون عملاً نیرویی باقی نمانده بوده که اینها را به منطقه توجیه کند و خبرهایی داده می‌شده که منطقه این‌طور است. نیرو وقتی به منطقه می‌آمده، مواجه با یک درگیری سخت و پیچیدگی عجیبی می‌شده و زمین‌گیر می‌شده است.

رضایی: این نکته مهمی است، شما این را مرتب دنبال بکنید. زمین چطور است؟

اسحاقی: زمین هم برای دشمن قابل‌مانور نبوده است؛ مخصوصاً تیپ ۱۰ که آمده، ۲ تیپ زرهی به این قسمت آمدند و برگشتند و نتوانستند کاری بکنند. همین منطقه یک تیپ بود که یک گردانش را جلو فرستاد و باز نتوانست کاری بکند؛ چون پایین

استراحت کرده و صبح اول وقت با یک پاتک سنگین فاو را پس بگیرند. حسین اردستانی در گزارش عملیات قرارگاه خاتم از عملیات والفجر ۸ می‌نویسد: «... نیروهای لشکر گارد پس از ورود به منطقه، شب را در پناه تانک‌ها و خاکریزهای پراکنده‌ای که به‌عنوان سنگر تانک مورد استفاده قرار می‌گرفت، مستقر شدند تا با روشنایی صبح حمله خود را شروع کنند.»^(۱۰)

فرمانده کل سپاه پاسداران پس از شنیدن گزارش مرکز شنود قرارگاه خاتم الانبیا(ص) باید برای مقابله با لشکر گارد ریاست جمهوری عراق تصمیم کارسازی می‌گرفت. وی از خستگی نیروهای رزمنده، کمبود مهمات، تدارکات و نداشتن گردان‌های تازه نفس در لشکرهای درگیر عملیات مطلع بود، اما چاره‌ای به‌جز درهم شکستن گارد صدام نداشت؛ به همین دلیل، پس از بررسی همه راه‌های ممکن، تصمیم به نبردی سنگین در جاده استراتژیک گرفت.

غروب روز سوم عملیات فاو، محسن رضایی فرماندهان یگان‌هایی را که روبه‌روی جاده استراتژیک مستقر بودند در قرارگاه خاتم الانبیا(ص) جمع کرد و به آنان گفت: «فرماندهی دشمن به نیروهای مخصوص صدام گفته است شما بروید جلو، ما نیرو وارد می‌کنیم. بچه‌ها باید اینها را بزنند، چون خط‌شکن هستند. اگر لشکر گارد منهدم شود، بقیه نیروهایی که وارد منطقه می‌شوند، کُپ خواهند کرد. باید از جلو و عقب همه بریزند رو سرشان... انهدام اینها خیلی تأثیر دارد. رزمنده‌ها را آماده کنید، چون ممکن است حواسشان نباشد. باید قبل از اینکه بیایند و سازمان بگیرند، منهدم‌شان کنیم.»^(۱۱)

وقتی وضعیت شب چهارم مشخص شد، حسین خرازی فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین(ع)، مرتضی قربانی فرمانده لشکر ۲۵ کربلا، احمد کاظمی فرمانده لشکر ۸ نجف، غلامرضا جعفری فرمانده لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب(ع) و امین شریعتی، فرمانده لشکر ۳۱

که زدند مؤثر بودند. هواپیماهای دشمن، هم روی ما مؤثر بوده، هم روی خودش. یک بمباران روی خودش هم داشت. ۳ تا بمب حوالی همین نیروهای تازه‌واردشون ریخته بود. زدن هواپیما هم در روحیه دشمن بسیار مؤثر بود.

رضایی: امروز چندتا زده شد؟

اسحاقی: ۴ تا بود. احتمالی که ما داریم ۴ تا بود، ۲ تا را یقین داریم؛ چون خودمان شنود می‌کردیم و ضبط شده است. ۲ تا را هم بین زدن و نزدن اطلاع داریم. اکثراً مکالمه را شنود نمی‌کنیم، ولی ضبط می‌کنیم و بعد وقتی فرصت داریم برمی‌گردانیم.^(۹)

در همین روز گزارش به‌موقع شنود و جمع‌بندی و تصمیم‌گیری فرماندهان سپاه پاسداران سبب شد تا شب‌هنگام یگان‌های سپاه پاسداران به نیروهای گارد ریاست جمهوری صدام حمله کنند و شکست سنگینی را بر آنها وارد آورند.

از بعد از ظهر روز سوم عملیات که نیروهای اطلاعات

و شنود قرارگاه خبر دادند که صدام لشکر گارد ریاست جمهوری را به منطقه درگیری فرستاده تا به کمک سپاه هفتم در حمله‌ای قاطع فاو را پس بگیرد، فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بعد از بررسی خبرهای رسیده از شنود و نیروهای اطلاعاتی، به ماهیت حضور و حمله گارد ریاست جمهوری عراق، پی‌برده، اقدامات عملیاتی خود را آغاز کردند. فرمانده سپاه پاسداران از اطلاعات رسیده متوجه شد که قرار است نیروهای لشکر گارد صدام شب را در پناه تانک‌ها و پشت خاکریزهای موجود منطقه

در سومین روز، گزارش به‌موقع شنود و جمع‌بندی و تصمیم‌گیری فرماندهان سپاه پاسداران سبب شد تا شب‌هنگام یگان‌های سپاه پاسداران به نیروهای گارد ریاست جمهوری صدام حمله کنند و شکست سنگینی را بر آنها وارد آورند.

و محاصره آنها را منهدم کنند»^(۱۲)

تقریباً همه کارها برای حمله پیش‌دستانه انجام شده بود. آن شب نیروهای لشکر گارد با خیال آسوده استراحت می‌کردند و به ذهنشان هم نمی‌رسید که ایرانیان بعد از چند شبانه‌روز عملیات پی‌درپی و درگیری‌های شدید باز هم حمله کنند. هوا سرد و سنگین بود. هرچه از سر شب می‌گذشت سوز سرما بیشتر می‌شد. رزمندگان در تکاپوی آماده‌شدن برای عملیات بودند و به سرمای استخوان‌سوز روزهای پایانی بهمن‌ماه چندان توجهی

نداشتند. نیروها بیشتر از هر چیز به عملیات امشب فکر می‌کردند؛ عملیاتی درامتدادجاده استراتژیک فاو - بصره و روبه‌روی کارخانه نمک. شاید بیشتر بسیجی‌هایی که آن شب با شور و شوق زیاد برای عملیات آماده می‌شدند، از گارد ریاست‌جمهوری عراق فقط اسمی شنیده بودند و جنگی تمام‌عیار با این نیروی قدرمند ارتش صدام را تجربه نکرده بودند. جنب‌وجوش سراسر خط خودی را فراگرفته بود. فرماندهان آخرین حرف‌ها

را به نیروهایشان می‌گفتند و منتظر ساعت حرکت بودند. در ساعت مقرر گردان‌های عملیاتی لشکرهای عملیاتی با کمترین سروصدایی از سه محور، به‌طرف بیابان‌های اطراف کارخانه نمک به راه افتادند. عده‌ای از جاده فاو - البحار، سمت راست کارخانه نمک، جلو می‌رفتند و عده‌ای از جاده شنی، سمت چپ کارخانه و گروه سوم از روی جاده استراتژیک پیشروی می‌کردند.

هر گردان دسته ویژه‌ای راه انداخته بود. نیروهای ویژه پیشاپیش گردان‌ها جلو می‌رفتند؛ آن‌قدر آرام

عاشورا، جمع شدند و به مشورت پرداختند. آنها می‌دانستند اگر ذره‌ای غفلت کنند، کار نگه‌داری فاو سخت می‌شود. همه چیز به‌هم‌ریخته بود. زمان به‌سرعت می‌گذشت. باید سریع سازماندهی می‌کردند و آماده می‌شدند. برای حمله به لشکر گارد زمان بیشتری برای شناسایی و سازماندهی لازم بود، اما فرماندهان سپاه پاسداران، آن‌قدر انعطاف‌پذیر بودند که هنگام ضرورت از کمترین فرصت بیشترین استفاده را بکنند. شب چهارم عملیات فاو، از شب‌هایی بود که فرماندهان باید از هنر انعطاف و ریسک‌پذیری‌شان استفاده می‌کردند. حسین خرازی گوشه سنگر غرق فکر بود. وی که از ابتدا با این عملیات موافق نبود برای پیروزی رزمندگان همه توان خود را به کار گرفته بود. حسین خرازی و بقیه فرماندهان لشکرهای سپاه، به‌دنبال راهی بودند که با کمترین تلفات جلوی پیشروی دشمن را بگیرند. فرماندهان از وضعیت یگان‌هایشان با خبر بودند؛ نیروها خسته بودند، تدارکات‌رسانی در آن‌سوی اروند سخت بود و رزمندگان چشم‌انتظار رسیدن نیروی جدید بودند، نه مأموریت جدید. جنگیدن با گارد صدام، جنگی سهل و آسان با نیروهای معمولی عراق نبود. فرماندهان لشکرهای ۸، ۱۴، ۱۷، ۲۵ و ۳۱ سپاه پاسداران، بعد از بررسی وضعیت موجود، قرار گذاشتند قبل از پاتک لشکر گارد صدام، با حمله‌ای پیش‌دستانه آنها را غافلگیر و منهدم کنند. حسین اردستانی در ادامه گزارش عملیات قرارگاه خاتم‌الانبیا^(ص) می‌نویسد: «فرماندهان سپاه با مشاهده ورود لشکر گارد تصمیم گرفتند در شب چهارم جهت تصرف خط نهایی، عملیات (کارخانه نمک) به آنها حمله و آنها را آزاد کنند. در تصمیم نهایی، ۵ لشکر سپاه مأمور انجام این کار مهم شدند... از آنجا که محور چپ و راست جاده استراتژیک از اهمیت بالایی برخوردار بود، تدابیری برای نفوذ در میان نیروهای دشمن اتخاذ شد تا پس از نفوذ کامل

فرمانده کل سپاه پاسداران پس از شنیدن گزارش مرکز شنود قرارگاه خاتم^(ص) باید برای مقابله با لشکر گارد ریاست‌جمهوری عراق تصمیم کارسازی می‌گرفت. وی... پس از بررسی همه راه‌های ممکن، تصمیم به نبردی سنگین در جاده استراتژیک گرفت.



کارشناس واحد شنود (جنگال سپاه پاسداران)

رسیدند که احتمالاً قصد دارند با حمله به پل که رزمندگان اسلام دیشب تصرف کرده بودند آن را پس بگیرند و حلقه محاصره رزمندگان اسلام را بشکنند.

۶. دشمن به همه واحدهای تانک خود دستور بارکردن مهمات و گلوله‌گذاری آنها را داده و همچنین به توپخانه دستور بازکردن مهمات را داده و تأکید کرده است برای پشتیبانی آماده شنیدن فرمان باشند.

۷. فرمانده دشمن تأکید می‌کند روی (ب) آتش زیاد ریخته شود و همچنین مؤکداً می‌گوید که وسط خاکریز آتش ریخته شود.

۸. فرماندهی نیروی مسلح ارتش عراق پیامی به شرح زیر به یگان‌های تیپ ۳ نیروهای مخصوص، تیپ ۱۰ زرهی گارد جمهوری، تیپ ۶۶ نیروهای مخصوص، تیپ ۹۵، نیروهای گارد جمهوری ویژه، تیپ ۱۰۸ پیاده گارد جمهوری، تیپ ۵ پیاده جمهوری و تیپ ۴ پیاده گارد جمهوری صادر کرده است. دستور جانشین فرماندهی کل نیروهای مسلح و وزیر دفاع عراق بدین شرح است: بایستی نیروهای ما از

تا نزدیکی فاو حدود ۱ الی ۲ کیلومتر عقب‌نشینی کنند و در دو طرف جاده دشمن در نحوه دادن این دستور بسیار جدی به نظر می‌رسد؛ احتمال دارد دشمن بعثی قصد داشته باشد یک حرکت مذبوحانه نظامی را آغاز کند.

۲. دشمن قصد دارد بین نیروهای موجود در منطقه عملیاتی شب گذشته، در شب با رزمندگان اسلام الحاق کند. الحاق دشمن به این ترتیب می‌باشد: الحاق بین نیروهای مستقر در سیل‌بند دریاچه نمک و جاده استراتژیک به طرف جاده ام‌القصر و فاو انجام گیرد.

۳. دشمن به هلیکوپترهای خودی دستور داد تا تانک‌های به‌جامانده از دیشب را بمباران و منهدم کند تا این تانک‌ها سالم به دست نیروهای اسلام نیفتد و از آنها استفاده نکنند.

۴. دشمن با تقویت یگان‌ها موجود اقدام به پاتک کرده است که این یگان‌ها هم‌اکنون در فاصله کمی از پل در حالت حرکت هستند و به آنها توصیه شده است تا جای پای محکمی بگیرند.

۵. قسمتی از نیروهای دشمن به ۳ کیلومتری پل

در عملیات والفجر ۸ واحد
شنود قرارگاه خاتم(ص) با
ارسال گزارش‌های متعدد و
اطلاع‌رسانی به‌موقع، در حفظ
آمادگی نیروها و انجام‌دادن
اقدامات پیشگیرانه [برای مقابله
با حملات شیمیایی دشمن] سهمیم
بود.

است که نیروهایش هم‌اکنون در حال پیشروی هستند.
۱۳. دشمن به یگان‌های عمل‌کننده خود دستور
عقب‌نشینی به‌طرف مواضع اولیه را صادر کرد. علت
این عقب‌نشینی را دشمن این‌طور توجیه کرد که
هوا دارد تاریک می‌شود و تانک‌ها موضع مطمئنی
در شب ندارند و احتمالاً نیروهای ایرانی شبانه از
فرصت استفاده کرده، حمله کنند.

۱۴. آخرین وضعیت دشمن بعثی تا ساعت ۲۲:۰۰:
بدین ترتیب است: دشمن به همه یگان‌های خود
دستور آماده‌باش داده است و احتمال می‌دهد
که نیروهای اسلام امشب حمله کنند؛ لذا به همه
توپخانه‌ها توصیه کرده است تا مهمات و کارهای
خود را به‌موقع انجام داده، آماده پاسخگویی باشند.
درضمن، تیپ ۳۴ کماندویی و بقیه یگان‌ها به‌شدت
وحشت‌زده شدند و مرتب درخواست کمک و
نیروی تقویتی کردند و این امر بیشتر در یگان‌هایی
که در طول امروز در پاتک منطقه سمت چپ حوض
نمک حضور داشتند مشاهده می‌شود. یگان‌هایی که
در شمال مستقر هستند نیز کم‌وبیش این وضعیت
را دارند.

۱۵. از فرماندهی نیروهای گارد جمهوری به تیپ پیاده
گارد جمهوری و گروهان شناسایی لشکر پیاده ۱۴
جهت اطلاع اداره کل دستگاه امنیتی و اطلاعات -
سپاه هفتم و لشکر ۱۴ پیاده و نیروهای ویژه گارد
جمهوری و خدمات شماره ۱۵۰۶/۲/ق/ص - استناد
به نامه سپاه هفتم به‌طور سری ۳۹۵ - ۸۶/۲/۱۸ -
به پیوست نامه به‌کل سری و شخصی ۲۰۸ ما در
تاریخ ۱۹۸۶/۲/۱۸، تعیین حوزه منطقه فرماندهی
ما از ام‌القصر (داخل ام‌القصر) تا پل حوض نمک،
هماهنگی لازم بین فرماندهی ما جهت اجرای
اقدامات تأمینی و حفاظتی و دفاعی لازم از ام‌القصر
انجام شد. احتمالاً تعویض فرماندهی یگان‌های
منطقه بعد از اتمام مرحله اول و در گرو پیشرفت و
تغییر و تحول اوضاع صورت خواهد گرفت.

انتهای دو جهت ساحلی و حوض نمک قوی باشند.
۹. دشمن اعلام کرد که تیپ ۴ گارد جمهوری
به‌طور متناوب زیر آتش توپخانه رزمندگان
اسلام قرار دارد. درباره عملیات شب گذشته
رزمندگان اسلام، دشمن اعلام کرد که ایرانی‌ها
ساعت ۲۱:۵ اقدام به تک با استعداد حدود ۹۰
الی ۱۰۰ نفر کردند و نیروهایی که موردتهاجم
لشکریان اسلام قرار گرفتند عبارت‌اند از: تیپ ۳۴
کماندویی و یک گردان تانک که در ساعت ۳:۳۰
تک عملاً متوقف شده.
تلفات دشمن بعثی در این
عملیات عبارت است از:
مجروح‌شدن ستوان خالد
احمد عبوش از گردان ۱ و
یک سرباز از گردان ۱ نیز
زخمی شده است. دشمن
بعثی از میزان تلفات نیروهای
اسلام اطلاعات ندارد.

۱۰. دشمن توسط دیده‌بان
خود خودروهایی را مشاهده
کرده است که در حال
پیاده‌کردن نیرو بر روی
خاکریز می‌باشد. در این حال،
دشمن به توپخانه‌های
خود دستور آماده‌باش داده است تا تحرکات و
نقل و انتقالات بر روی خودی را کاملاً زیر نظر
داشته باشد.

۱۱. دشمن بعثی قسمتی از سیل‌بندی که رزمندگان
اسلام شب گذشته به تصرف درآورده بودند را
دوباره بازپس گرفت و هم‌اکنون قصد دارد بیشتر
پیشروی کند.

۱۲. دشمن توسط نیروهای پیاده و تانک سعی
دارد کانتینرهای زردرنگی را که هم‌اکنون در دست
رزمندگان اسلام است، پس بگیرد و نیز اعلام کرده

رصد مکالمات بی سیمی دشمن
و اطلاع رسانی دقیق و به موقع به
فرماندهان خودی در عملیات
والفجر ۸ موجب افزایش آمادگی
نیروهای عملیاتی برای مقابله با
حملات شمیایی دشمن شد.

الحاق پل حوض نمک و قسمت نزدیک به سیل بند غربی حوض نمک.

۱۷. گردان ۳ تیپ ۵ گارد جمهوری؛ باقیمانده نیروهای این گردان زیر امر تیپ ۱۰ زرهی گارد جمهوری روی جاده استراتژیک مستقر می باشند. ۴. تیپ ۱۰ زرهی گارد جمهوری، قرارگاه تیپ گردان تانک ۱۴ رمضان که موجودی فعلی آن ۳۳ دستگاه تانک می باشد و گردان ۲ مکانیزه و گروهان کماندویی تیپ روی جاده استراتژیک مستقر

می باشند. گردان تانک المنصور که موجودی آن ۳۸ دستگاه تانک می باشد، پشت جاده مستقر می باشد. گردان ۱ تانک الوجدت به عنوان نیروی احتیاطی تیپ در منطقه البرجسیه مستقر می باشد. گردان شناسایی فرماندهی مقرر گردان یک گروهان در منطقه پل حوض نمک و یک گروهان دیگر آن جلوی پل مستقر می شود. در ضمن، همه توپخانه های

فرماندهی جهت پشتیبانی لشکر ۱۴ پیاده و یگان های ما در حال حاضر به کار گرفته می شود.

۱۸. دشمن قصد دارد رأس ساعت ۱۷:۱۵ تا ساعت ۱۷:۳۱ به وقت عراق، با هواپیماهای جنگی خود به صورت گسترده و وسیع منطقه عملیاتی را زیر بمباران شیمیایی قرار دهد. در این باره به همه نیروهایش دستور داده است که ماسک ها را زده و بدون دستور، ماسک ها را از خودشان دور نکنند.

۱۹. دشمن بر اثر فشارهای شدید رزمندگان اسلام

۱۶. سری و فوری شماره ۱۳۳۰ مورخ ۱۹۸۶/۲۲/۱۹ از فرماندهی نیروهای گارد جمهوری مدیریت کل دستگاه اطلاعاتی ویژه و تیپ ۱ گارد جمهوری، تیپ ۲ گارد جمهوری، تیپ ۳ گارد جمهوری و تیپ ۱۰ زرهی جمهوری توپخانه و روزنامه جنگ شماره ح/۱۴۹۶/۲، وضعیت گسترش یگان های ما تا ساعت ۱۳:۰۰ روز ۱۹/۲/۱۹۸۶: ۱. تیپ (گارد جمهوری) قرارگاه تیپ و گروهان کماندویی اول و دوم و گردان تانک ۱۷ تموز - که موجودی آن ۱۱ دستگاه تانک می باشد - در منطقه برجسیه روی جاده بصره - ناصریه در حال بازسازی می باشد. تانک های گردان مزبور زیر امر لشکر ۱۴ پیاده محور ساحلی مستقر می باشد و گردان تانک الفارس - که موجودی آن ۲۵ دستگاه تانک می باشد - زیر امر تیپ ۴ پیاده گارد جمهوری روی سیل بند غربی در حوض نمک - که جاده استراتژیک به جاده اصلی را ربط می دهد - اقدام می کنند. ۲. تیپ ۲ گارد جمهوری (در محور سپاه سوم)، تیپ ۳ نیروی مخصوص گارد جمهوری، از گارد جمهوری یک نیروی ۳۰۰ نفره مأمور شد تا الحاق پل حوض نمک تحت فرماندهی تیپ ۵ پیاده گارد جمهوری را انجام دهد. گردان ۱، گردان ۲، گردان ۳، تیپ ۳ نیروی مخصوص گارد جمهوری؛ باقیمانده این نیروها جهت بازسازی در منطقه الرجسیه روی جاده ناصریه به سر می برند. باقیمانده نیروهای گردان ۴ تیپ ۳ نیروی مخصوص گارد جمهوری زیر امر تیپ ۱۰ زرهی گارد جمهوری روی جاده استراتژیک مستقر می باشد. تیپ ۴ پیاده گارد جمهوری؛ باقیمانده گردان های این تیپ جهت انجام الحاق سیل بند غربی به حوض نمک که جاده استراتژیک را به جاده ساحلی ربط می دهد در تاریخ ۲/۱۵ اعزام شدند. گردان ۴ تیپ پیاده گارد جمهوری جهت بازسازی به منطقه البرجسیه فرستاده شده است. ۳. تیپ ۵ گارد جمهوری؛ قرارگاه تیپ باقیمانده نیروهای گردان یکم و دوم جهت انجام

در این مرحله از جنگ شیمیایی، از گاز اعصاب و به‌خصوص سارین به‌عنوان اصلی‌ترین سلاح شیمیایی استفاده شد. علاوه‌برآن، توپخانه‌های عراق نیز به‌دفعات اقدام به پخش گاز خردل در منطقه عملیاتی کردند.

فاو منطقه‌ای نیمه‌باتلاقی پر از گیاهان و نیزارهای بلند و نخلستان‌هایی است که در مجاورت آب قرار دارند. با توجه به محدود بودن منطقه و امکان پایداری بیشتر عوامل شیمیایی، احتمال استفاده ارتش عراق از عوامل شیمیایی بسیار زیاد بود.

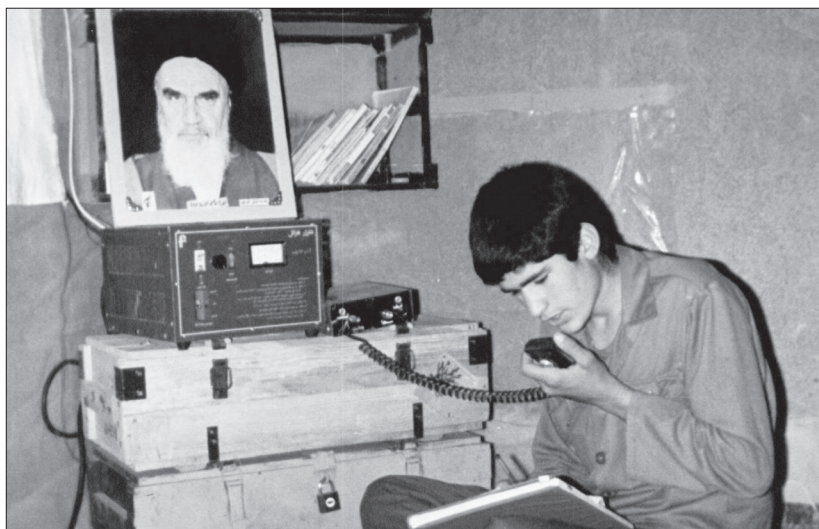
در روزهای اول عملیات، به‌دلیل بارندگی‌های شدید و بی‌وقفه و هوای ابری، پرواز هواپیماهای عراقی به‌ندرت صورت می‌گرفت و کادر درمانی اورژانس‌های شیمیایی ظرفیت خود را صرف کمک به درمان مجروحان عادی عملیات می‌کردند، اما از ۲۳ بهمن، حملات شیمیایی عراق با گازهای اعصاب و خردل و سیانید آغاز شد. با وجود این، اطلاع‌رسانی به‌موقع و آماده‌کردن نیروهای خودی برای مقابله با حملات شیمیایی دشمن یکی از مهم‌ترین راه‌های پیشگیری از تلفات انسانی در این عملیات بود. واحد

سخت در مضیقه قرار گرفته است و عملاً از پیشروی به‌سوی مواضع رزمندگان اسلام بازمانده است.

۲۰. نیروهای زرهی و تیپ ۳ بر اثر شدت آتش رزمندگان اسلام، مقاومت سرسختانه آنها و همچنین آتش مؤثر و به‌موقع توپخانه ارتش اسلام و همچنین آب موجود در منطقه - که به‌صورت مانع بزرگ برای آنان درآمده است - عملاً قادر به پیشروی نیستند و با تحمل تلفات سنگین به مواضع اولیه بازگشتند.^(۱۴)

خبرهای پیشگیرانه برای مقابله با حملات شیمیایی دشمن

در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران استفاده از سلاح شیمیایی یکی از حرب‌های صدام بود که هنگام شکست‌های سنگین نیروهایش به آن متوسل می‌شد. حمله‌های شیمیایی عراق در سال‌های ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ گهگاه انجام می‌شد، اما در عملیات والفجره در بهمن و اسفند ۱۳۶۴، به اوج خود رسید. در این زمان، عراق گاز عصبی سارین را به‌شکل بی‌سابقه‌ای به کار گرفت و تا خاتمه جنگ از آن به‌عنوان یکی از مؤثرترین گازهای ناپایدار جنگی استفاده کرد.



سنگر واحد مخابرات

ماسک‌گذاری ادامه دارد تا مأموریت جنگنده‌ها خاتمه یابد.

۸. در ساعت ۰۳:۱۹، یک هلیکوپتر عراقی چندین گلوله شیمیایی روی مواضع نیروهای ایرانی در منطقه فاو پرتاب کرد.

۹. یک سرتیپ ستاد ارتش عراق گفت احتیاج داریم که از مواد شیمیایی استفاده کنیم و فردا صبح هم برای استفاده از آن آماده باشید. وی همچنین گفت که برای هواپیما علائم قرار دهید.

۱۰. در ساعت ۱۴:۰۸، برج دیده‌بانی فاو اطلاع داد که در منطقه ما گاز شیمیایی وجود دارد و مجبور هستیم برای مدتی از منطقه خارج شویم. ساعت ۱۳:۵۰ برج دیده‌بانی منطقه فاو اطلاع داد که جنگنده‌های ما (صدام) گاز شیمیایی در منطقه انداختند.^(۱۵)

نمونه اسناد فوق تأثیر اطلاع‌رسانی به موقع را در مقابله نیروهای خودی با حملات شیمیایی دشمن نمایان می‌کند. در بسیاری از اسناد موجود «دستور فرماندهی عراق به نیروهای خود مبنی به استفاده از ماسک‌های ضدشیمیایی» نشانه افزایش احتمال استفاده دشمن از این سلاح می‌باشد. از آنجا که منطقه نبرد آن‌چنان بهم نزدیک بوده است که دشمن بیم آن را داشته است که در استفاده از سلاح شیمیایی نیروهای خودش نیز دچار آسیب شوند، به همین دلیل، قبل از استفاده از این سلاح ابتدا به نیروهای خودش دستور ماسک‌گذاری می‌داده است.

رصد مکالمات بی‌سیم دشمن و اطلاع‌رسانی دقیق و به موقع به فرماندهان خودی در عملیات والفجر ۸ موجب افزایش آمادگی نیروهای عملیاتی برای مقابله با حملات شیمیایی دشمن شد.

محمدعلی محمدی با اشاره به شکل‌گیری دسته شنود لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) که مبنای تأسیس یگان جنگ الکترونیک سپاه پاسداران شد، در مقدمه کتاب کمین و اثره‌ها نوشته است: «تیپ امام حسین^(ع) متشکل از نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اصفهان که

شنود قرارگاه خاتم^(ص) با ارسال گزارش‌های متعدد و اطلاع‌رسانی به موقع، در حفظ آمادگی نیروها و انجام دادن اقدامات پیشگیرانه سهیم بود. نمونه‌های زیر بخشی از فعالیت‌های این واحد را نشان می‌دهد.

۱. دشمن قصد دارد رأس ساعت ۱۷:۱۵ تا ساعت ۱۷:۳۱ به وقت عراق، به وسیله هواپیماهای جنگی خود به طور گسترده و وسیع منطقه عملیاتی را بمباران شیمیایی کند و در این باره به همه نیروهایش دستور داده است که ماسک‌ها را زده، بدون دستور، ماسک‌ها را از خودشان دور نکنند.

۲. دشمن به هلیکوپترهای خود دستور داده تا ۶ کیلومتر به عقب برگردند و این دستور را این طور توجیه کرد که هواپیماها می‌خواهند منطقه را بمباران کنند. طبیعی است با توجه به دستور بالا، این بمباران شیمیایی خواهد بود.

۳. در ساعت ۲۳:۵۰، به همه یگان‌های عراقی مستقر در مناطق عملیاتی شرق بصره و اروندرود و ساحل دریا دستور داده شد که از ماسک ضدگاز استفاده کنند.

۴. در ساعت ۰۲:۳۰، یک هلیکوپتر توپدار عراقی در منطقه فاو چندین گلوله شلیک کرده و همچنین به همه یگان‌های عراقی دستور داده شد که ماسک‌گذاری را ادامه دهند و در ساعت ۰۳:۰۲ یک فروند هلیکوپتر عراقی بر فراز منطقه عملیاتی فاو چتر منور پرتاب کرد.

۵. در ساعت ۰۲:۲۰، به همه یگان‌های عراقی مستقر در مناطق شرق بصره (سمت اروندرود) و ساحل دریا دستور داده شد از ماسک ضدگاز استفاده کنند.

۶. ساعت ۱۳:۴۸، به همه نیروهای مستقر در فاو (سمت اروندرود) دستور داده شد که از ماسک ضد گاز استفاده کنند.

۷. در ساعت ۱۴:۰۶، برج‌های دیده‌بانی به پایگاه شعبیه اطلاع دادند که نیروها از ماسک ناراحت هستند. پایگاه شعبیه به آنها گفت که فعلاً عملیات

می‌خواهد شیمیایی بزند! حسین خرازی (فرمانده لشکر) ضمن تأکید بر آمادگی نیروها برای مقابله با حمله شیمیایی دشمن معتقد است که نباید بچه‌ها را ترساند تا کارشان را تمام کنند.

۳. شب اول حمله درحالی صبح شد که در هر سه محور، بیشتر هدف‌ها تصرف شده بود و حتی رزمندگان در بعضی جاها جلوتر هم رفته بودند. دشمن کاملاً به‌هم‌ریخته و سردرگم شده بود. نیروهای عراقی که کاری از دستشان برنمی‌آمد، از پشت بی‌سیم فحش نثار هم می‌کردند. در یکی از این تماس‌ها، فرمانده رده‌بالای عراقی از یکی از فرماندهان یگان‌های درگیر پرسید:

فرمانده ارشد: اوضاع، چطور است؟

فرمانده یگان: خرابه، خراب.

فرمانده ارشد: مقاومت کنید.

فرمانده یگان: ۲۲ نفر بیشتر نمانده، نمی‌توانیم. کمک کنید، کمک. گردان سوم نابود شده. فقط یک افسر و ۴ نفر از مخابرات باقی مانده.

فرمانده ارشد: تانک‌ها را برگردانید عقب.

فرمانده یگان: دسته صفر تمام شده. ایرانی‌ها بردندشان. ۲ تا افسر هم کشته شده‌اند. گردان دوم هم دارد تمام می‌شود.

فرمانده ارشد: چرا بیکار نشسته‌ای؟

فرمانده یگان: تو چه کاره‌ای؟ تو چرا بیکار نشسته‌ای؟ دسته صفر و یک از گردان دوم بدون بی‌سیم آمده‌اند عقب. افسر جاسم و افسر صبیح هم نیستند.

فرمانده ارشد: چرا؟

فرمانده یگان: می‌گویند نمی‌توانیم بمانیم. گردان چهارم هم می‌گوید این‌طوری نمی‌تواند بماند.^(۱۷) شنود قرارگاه با ضبط و دسته‌بندی این‌گونه مکالمات دشمن شکست‌خورده آنها را در اختیار رزمندگان و فرماندهان قرار می‌داد تا هم توان روحی‌شان را بالا ببرد و هم از اوضاع جبهه دشمن مطلع‌شان کند.

بعدها به لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) تبدیل شد، نخستین یگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود که دسته شنود در آن شکل گرفت و این تجربه مبنای شکل‌گیری شنود در سایر یگان‌ها و تشکیل قرارگاه جنگ‌های الکترونیک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (جنگال) بود.^(۱۶)

شنود در یگان‌های رزم خودی

علاوه‌بر فعالیت‌های مستمر و کارساز شنود قرارگاه خاتم الانبیا(ص) که نقش و تأثیر بسزایی در سیر پیروزی رزمندگان اسلام در فتح فاو داشته است، یگان‌های رزم سپاه پاسداران نیز از خدمات شنود بهره می‌گرفتند که این امر در تصمیمات میدانی و تاکتیکی فرماندهان این یگان‌ها نقش مهمی ایفا می‌کرد. در ادامه نمونه‌های مختصری از این اقدامات ذکر می‌شود که راویان مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ) که همراه فرماندهان در صحنه نبرد حضور داشتند - آنها را ثبت کرده‌اند.

۱. مهدی انصاری راوی لشکر ۸ نجف: شنود لشکر خبر داد که یکی از نیروی دشمن به فرمانده‌اش گفته در اینجا یک تیربار بیشتر ندارد و درحال محاصره‌شدن هستیم. چند دقیقه‌ای بعد، شنود دوباره خبر داد که به‌زودی دشمن فشار می‌آورد که می‌خواهد عقب‌نشینی کند.

یکی از نیروی دشمن به فرمانده‌اش گفته در اینجا یک تیربار بیشتر ندارد و درحال محاصره‌شدن هستیم. چند دقیقه‌ای بعد، شنود دوباره خبر داد که به‌زودی دشمن فشار می‌آورد که می‌خواهد عقب‌نشینی کند. برادر احمد کاظمی با جمع‌بندی اطلاعات رسیده به گردان‌های عمل‌کننده گفت: دشمن دستور عقب‌نشینی داده! نگذارید فرار کنند. بعد به فنایی فرمانده ... گفت که یک کیلومتر عقب‌تر از آنجا که صبح می‌زدید را فوراً زیر آتش بگیرید. ۲. در این لحظه از بی‌سیم شنود به فرمانده لشکر ۱۴ [امام حسین^(ع)] اطلاع می‌دهند که دشمن گویا

مهدی انصاری راوی لشکر ۸

نجف: شنود لشکر خبر داد

که یکی از نیروی دشمن به

فرمانده‌اش گفته در اینجا یک

تیربار بیشتر ندارد و درحال

محاصره‌شدن هستیم. چند

دقیقه‌ای بعد، شنود دوباره

خبر داد که به‌زودی دشمن

فشار می‌آورد که می‌خواهد

عقب‌نشینی کند.



سنگر واحد شنود (جنگ الکترونیک).

تجزیه و تحلیل

کارآمد است که امروزه در زمره مؤلفه‌های قابل بررسی در پیروزی‌ها و شکست‌ها قرار دارد. تجزیه و تحلیل کارکردهای واحد شنود جنگ الکترونیک در دفاع مقدس به‌ویژه در عملیات والفجر ۸ نشان می‌دهد که در همان زمان نیز چرخه فرماندهی، کنترل و هدایت عملیات، ارتباط تنگاتنگی با یگان جنگال داشته است. استفاده از فریب الکترونیکی برای گیج و گمراه کردن دشمن، مختل کردن سامانه‌های ارتباطی دشمن، استفاده از سامانه‌های پشتیبانی جنگ الکترونیک به‌عنوان یک منبع اطلاعات برای اتخاذ تصمیم‌های فوری، جمع‌آوری اخبار یا اطلاعات نظامی با هدف تقویت دیگر منابع اخبار و اطلاعات، رصد فعالیت نیروهای خودی و دشمن و بسیاری از اقدامات دیگر حضور تاثیرگذار این واحد شنود و جنگال در عرصه‌های نبرد را نمایان می‌کند. واحد شنود قرارگاه خاتم در عملیات والفجر ۸ با جمع‌آوری اطلاعات و گذاشتن این اطلاعات در اختیار فرماندهی، برای فرماندهان عملیات این امکان را فراهم آورد تا آنان به‌عنوان تصمیم‌گیران صحنه نبرد، با ارزیابی تهدیدهای دشمن اقدام کنند و در هر مرحله از عملیات بهترین تصمیم‌ها را بگیرند.

دفاع مقدس به‌عنوان مهم‌ترین کارکرد مبارزه دینی در قرن حاضر، در عرصه‌های گوناگون حرفی برای گفتن دارد. دورانی که هنوز ناگفته‌های فراوانی از آن باقی مانده است. شاید در دنیای فن‌آوری امروز سخن گفتن از سامانه‌های ارتباطی و تأثیرشان در زندگی انسان بسیار آسان‌تر از زمان جنگ باشد. درحال حاضر، پیشرفت و توسعه سامانه‌های ارتباطی آن‌قدر فراگیر و خیره‌کننده است که به واقعیتی ملموس و عمومی بدل شده است، اما واقعیت این است که در دوران دفاع مقدس، کشور درحال جنگ ما با تحریم‌های اقتصادی و نظامی شدیدی مواجه بود و در این زمینه کمترین امکانات را در اختیار داشت. باوجود این، رزمندگان ایران با استفاده از همان امکانات اندک و با تکیه بر روحیه خودباوری از فن‌آوری‌های ارتباطی استفاده کرده، ضربات سنگینی بر دشمن وارد کردند. راه‌اندازی، توسعه و به‌کارگیری یگان جنگ الکترونیک در سپاه پاسداران از جمله اقدامات ماندگار دفاع مقدس است که برکات آن هنوز هم جاری و نمایان است. تأثیر جنگ الکترونیک در میدان نبرد گاهی آن‌قدر روشن و

از شنود قرارگاه خاتم
تاریخ ۱۱/۳/۶۴
بسم تعالی
موضوع: گزارش شنود
- قرارگاه گردان ۲ دریا در سید طهره
- قرارگاه ۱۱ کاملاً در محاصره نیروهای خدو
و با سه نفر نه قرارگاه صد نفری آن یک ستگاه
را دارا از دست عقب شده
- فرمانده قرارگاه ۱۱ تا لید گرد نیرو
کمی از جاده حاشیه خدو برای تعویض
بیاید
- لشکر ۳ از طریق ادریر بصره بطرف
جنوب و منطقه فاو در حال حرکت می باشد
اسامی
شنود قرارگاه خاتم
تجهیزه عدد ۶۰
۰۱۲۲۳۳
۶

۱۴۵۶ - ۱۱۲۵

و به علت ادامه درگیری در طول سه روز گذشته تانک رزی
از نظر نفوذ و مهمات بیشت پایین آمده است .
تعیین نهنگها دشمن نیز آزاد شده باشند خواهی
ما اینست که آتش متقابل بر روی منابع آتش دشمن
زیاد شود تا از حجم آتش آنها کاسته شود .
۲۰۱۰ ۲۵

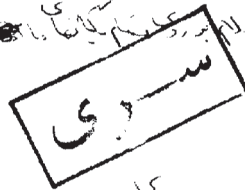
لشکر ۲۵ دشمن بجای ~~طرح~~ نامه ای به بیابانهای ۴۹ تا ۴۹
تی ۴۹ تی ۱۰ احتیاط همه نیروها اسلام را از ناحیه
جاده استراتژیک و خط فیلیات ~~۴۹~~ اعلام کرده و به نیروها
مستقر در این منطقه آمده باشند داده است و با انجام دو
گروه ~~کماند~~ ~~بسته~~ و استعدادهای آنها ~~محو~~ ~~شده~~
هر یک از نقاطها اقدام به نفوذ و این منطقه کرده است .

سری

۱۱/۲۶
دستور ۲۶ در طی نامه ای به تی ۴۴۲ ضمیمه تاکید بر ضرورت
دستاردهای حفاظتی ثابت و نصب اعلام مستوع در طول
خط پدافندی بنوعی که جامع مدرک و راههای منتهی به بارگاه
نسک از آن تمایز است تا از جبهه ها و مواضع دایمی به صورت
ممانعت کمتر

۱۱/۲۶

تی ۴۴۲ به دستور ۲۶ اعلام کرد فعالیت ۲۴ روز ۱۴، ۲، ۸۶
آنها مددخانه میبرد تا اسلام بر عکسهای آنها با دست ادا
داشته است.



۱۱/۲۶

تی ۱۱ به دستور ۲۶ اعلام کرد میبرد تا اسلام از ساعت ۲۱:۳۰ تا
۲۳:۱۵ تا سلاطین مختلف بر روی مواضع و ستم میکانها تا به ما
اجرای آنها کرد.

درگیری با سلاطین مختلف ادا دارد و در آنرا ۱۰ نفر از
توانا ای ۱۰۰۰ و کشته از کشته ۱۰۰۰ کشته است. طبق
مجموع سلاطین هر دو سوار ۱۰۰۰ کشته است. چنانچه امتناع در زیر

در پیست برسم

۱۴۳۰ ۱۱/۲۶

دشمن ۲ هفته‌های کویت را حصد و دستگیر دانه‌ها را
 در طرف جاده بم ماصله ۱ الی ۲ کیلومتری فاو عقب‌نشینی
 کردند. زهوه ارسال این دستگیر بسیار جدی بود و احتیاط
 دارد دشمن بعضی مقصد داشته باشد که ^{مربوط به} ~~است~~ ^{مربوط به} ~~است~~
 را آغاز کند.

۱۵۲۵ ۱۱/۲۶

هلی کوپترها دشمن بعضی کم از پنج دیر می‌بودند از ماصله
 دو کیلومتری خوارگاه سابقا لشکر ۲۶ را بسیار آن کردند و همچنین
 این هلی کوپترها کارخانه اسفالت مرچ در دریا و ساحلی
 را نیز بسیار آن کردند.

سری

۱۱/۲۶ - ۲۳۰۳۰

دشمن بعضی به لشکر و دستور دارند است که انواری را
مطابق جمع آوری نیروها و انواری یک نفر خود خنایه و اسلحه را
به می و کماندوی حطین تسلیم کنند و همچنین لیست
اسلحه این اموار را تهیه و ارسال کند

دشمن بعضی از تقوای که در نزدیکی می ۱۱ مستقر است

خواست که از گردان ۳ و همچنین انوار کاهها آرم کنند

مواظبت نماید و همچنین اعلام کرد که جناهاها ۱۱

سیار نامطمئن است و احتیاج به تقویت و وسوسه دارد.

۱۱/۲۷ - ۱۰۰۰

دشمن قصد دارد در بین نیروها خود مستقر در

سیل بنه در میان شمع و باره استوانه یک بطرف دارد

۲۱ القصر و شار مستند اتفاق انجام دهد

۱۱/۲۷ - ۱۰۱۸

دشمن بعضی به دولت ایران که کلهای آسمان از جاب کله است

بدانما از آن سالم به دست نیروها اسلام بسیار تر به پوی کویرها

خود را شکر دارد که این کلهها را جمع کرده اند

11, 20 1120

در سینه با مقتدرت یگانها موجد و امام هم یافتند کرد و داشت کم این
یگانها هم اکنون در فاصله کمی از یگان در حال حرکت هستند و آنها
توجه کرده است تا جایی بای میسرها بگیرند.

1124 15.2

مفتی ابو بکر محمد اسحاق صاحب دہلی
قصر دارالافتاء دہلی دیکھ کر فرمایا کہ یہ مسکن اسلام مصروف
شده ہو رہا ہے۔ راسب بکھیر دو حلقہ جامعہ دارالافتاء اسلام
را بنائے۔

11,22 1951

نیز در طایفه در کیهن مری و بیست و یکم که در این بار
کتاب در کیهن مری و بیست و یکم که در این بار
فهرست ~~در کیهن مری و بیست و یکم~~ در دست است

ری

۱۵۱۴ ۱۱، ۹۶
دست اطلاع سپاه هفتم
ستاد کل ارتش عراق به تاریخ ۶۶
و ریاست کل اطلاعات (رئیس نمایندگی العاصی) اعلام کرد
که جانشین فرماندهی کل نیروها مسلم میگوید
با سرعت به طرف اهداف از پیش تعیین شده در اصفهان
است و تاکید کرده حتماً تا قبل غروب آفتاب، چند مرحله
و بدون اطلاع نیروها این کار صورت بگیرد.

۱۵۲۹ ۱۱، ۶۷
یکی از عملیاتی که در دست بعضی مواضع و تجهیزات یک گردان از
نیروهای خود را در ۵ کیلومتری پل نزدیک دریاچه نمک را ابتدا
گرفته و نماد این گردان در خط است کمکت کرده است.

سری

منابع و مأخذ:

۱. معاونت فاوا سپاه پاسداران، دستورالعمل آمادگی یگانی، ص ۲۳، تهران ۱۳۸۵.
۲. همان، صص ۲۶ - ۲۵.
۳. جلسه دوم تاریخ شفاهی علی اسحاقی.
۴. سردار مهدی شیرانی نژاد جانشین مخابرات قرارگاه خاتم در عملیات والفجر ۸، در گفت‌وگو با نگارنده.
۵. سند شماره ۰۱۲۰۶۷/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش شنود به اطلاعات قرارگاه خاتم، تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۱۵، گزیده اسناد عملیات بزرگ والفجر ۸ جلد ۴ بهار ۱۳۷۹ ص ۴۴۴.
۶. همان.
۷. سند شماره ۱۱۴۵/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش شماره ۰۱۲۲۳۳ واحد شنود قرارگاه خاتم الانبیا(ص) سپاه پاسداران، تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۲۱، منطقه عملیاتی فاو.
۸. خبرگزاری فارس، خبر شماره ۵۲۰، ۱۳۹۳/۲/۴.
۹. یحیی نیازی، جاده استراتژیک فاو - بصره، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۹۱.
۱۰. سند شماره ۲۳۵/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش عملیات والفجر ۸، گزارش راوی قرارگاه خاتم(ص) در عملیات والفجر ۸ (حسین اردستانی)، ص ۳۶.
۱۱. سند شماره ۲۴۳/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش عملیات والفجر ۸، گزارش راوی لشکر ۱۴ امام حسین(ع) در عملیات والفجر ۸ (محسن رخصت‌طلب)، ص ۲۱.
۱۲. سند شماره ۲۶۲/پ ن مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ؛ (قرارگاه خاتم، ۱۳۷۳، نوار شماره ۱۷۲۲).
۱۳. مجید نداف، نبرد فاو، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۷، چاپ ششم، ص ۸۲.
۱۴. سند شماره ۰۱۲۰۶۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ؛ پیشین.
۱۵. سند شماره ۰۱۲۰۶۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ؛ پیشین.
۱۶. محمدعلی محمدی، کمین واژه‌ها، دفتر مطالعات فرهنگ و ادبیات پایداری حوزه هنری اصفهان، ۱۳۹۲.
۱۷. یحیی نیازی، پیشین، ص ۴۹.



معرفی کتاب‌های سیاست خارجی لیبی و سوریه در جنگ ایران و عراق

یعقوب نعمتی



مؤلفه‌های ایدئولوژیک و مخالفت با توسعه‌طلبی عراق، سیاست خارجی خود را در جنگ تحمیلی برگزیده است. لذا نویسنده کتاب با یک رویکرد علمی ضمن تأکید بر نظریه‌های تصمیم‌گیری به‌ویژه نظریه نظام شناختی - عقلایی در سیاست خارجی به فراهم آوردن

سیاست خارجی لیبی در جنگ ایران و عراق
کتاب سیاست خارجی لیبی در جنگ ایران و عراق نوشته دکتر احمد سلطانی نژاد، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس، در پی آن است که دگرگونی‌های سیاست خارجی لیبی را در قبال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بررسی کند. این کتاب با همکاری دکتر مرتضی نورمحمدی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، در ۱۳۵ صفحه و قطع وزیری در سال ۱۳۹۲ انتشار یافته و دکتر حسین اردستانی نظارت علمی آن را برعهده داشته است.

نویسنده در این کتاب - که مشتمل بر پنج بخش می‌باشد - کوشیده است با اتکا به روش تحقیق توصیفی - تحلیلی، ابعاد مختلف سیاست خارجی لیبی را در جنگ تحمیلی بررسی کند. در این پژوهش ضمن تبیین رفتار سیاست خارجی لیبی در جنگ تحمیلی پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی مدنظر است که کشور لیبی در طول جنگ ایران و عراق، چه سیاستی را اتخاذ کرده و این سیاست‌ها از چه عوامل و زمینه‌هایی تأثیرپذیرفته و بر پایه چه اصولی استوار شده است. فرضیه‌های اصلی این کتاب مبتنی بر این اصل است که کشور لیبی تحت تأثیر

چارچوبی برای تحلیل سیاست خارجی لیبی در سال‌های ۱۳۶۷ - ۱۳۵۹ مبادرت ورزیده است.

نویسنده در مقدمه کتاب، یکی از مهم‌ترین مباحث مرتبط با جنگ و عوامل مؤثر بر مدیریت تحولات جنگ را "مواضع سیاسی دولت‌های غیردرگیر" خوانده و ضمن بیان اهداف اصلی کتاب، به سؤالات و فرضیه‌های این اثر اشاره و سازماندهی تحقیق را بیان کرده است.

مخاطب در بخش اول کتاب - که به چارچوب نظری اختصاص یافته است - با کلیات و مبانی نظری مرتبط با موضوع آشنا می‌شود. از همین رو، در این بخش، به مفهوم‌شناسی و تبیین نظریه شناختی - عقلایی در تبیین چرایی و چگونگی اتخاذ یک تصمیم در جریان تصمیم‌گیری و نیز به تحلیل مکانیزم عمل نظام‌شناختی تصمیم‌گیرنده اشاره شده است. نویسنده در این بخش با نثری روان و عام‌فهم به آموزه‌های علمی اندیشمندانی چون "کنت والتز، فرد چرنوف، اریک استرن و رابرت جرویس اشاره کرده و با بهره‌گیری از این آموزه‌ها اهمیت روانشناسی سیاسی در سطوح بوروکراتیک، سیاست داخلی و نظام بین‌الملل و نیز متغیرهای تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری سیاست خارجی دولت‌ها را شرح داده است.

بخش دوم کتاب با عنوان "عوامل مؤثر بر سیاست‌گذاری خارجی لیبی"، در پی تبیین نظام‌شناختی حاکم بر سیاست خارجی لیبی، ساختار سیاسی این کشور و عوامل ایدئولوژیک حاکم بر آن است. نویسنده در این بخش با بیان شواهد تاریخی، موضع‌گیری‌های لیبی در برابر ایران را متأثر از شخصیت معمر قذافی و نقش او در امر سیاست‌گذاری خارجی این کشور ذکر کرده است.

وحدت عربی (پان‌عربیسم)، مبارزه علیه امپریالیسم، روابط لیبی با جهان عرب به‌ویژه کشور مصر و نیز گرایش لیبی به شوروی، در شکل‌گیری سیاست خارجی دولت لیبی در برابر ایران نقش بسزایی داشته است.

در بخش سوم کتاب، عوامل مؤثر بر سیاست خارجی لیبی در جنگ ایران و عراق با نگاهی بر عوامل ایدئولوژیک حاکم بر سیاست خارجی لیبی، عوامل و منطقی‌های ساختار نظام بین‌الملل ارزیابی و تحلیل شده است. از نظر نویسنده این کتاب، وحدت عربی (پان‌عربیسم)، مبارزه علیه امپریالیسم، روابط لیبی با جهان عرب به‌ویژه کشور مصر و نیز گرایش لیبی به شوروی، در شکل‌گیری سیاست خارجی دولت لیبی در برابر ایران نقش بسزایی داشته است. نویسنده در بخش بعدی کتاب ضمن ارائه پیشینه‌های تاریخی از روابط ایران و لیبی در دو دوره قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به تحلیل روابط سیاسی، تسلیحاتی و اقتصادی ایران و لیبی در دوران جنگ تحمیلی و نیز چرخش سیاست خارجی لیبی به‌سوی اتخاذ سیاست‌های متناقض پرداخته است. نویسنده همچنین عوامل مؤثر بر روابط ایران و عراق را بر مبنای فشارهای منطق‌های و بین‌المللی تبیین کرده است.

در بخش پایانی کتاب، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مباحث این پژوهش درج شده است. دکتر سلطانی‌نژاد در جمع‌بندی کتاب آورده است: «مواضع لیبی در جنگ تحمیلی در چارچوب ملاحظات این کشور مبنی بر دفع تهدیدها و بهره‌گیری از فرصت‌های ناشی از جنگ بود.» همچنین نویسنده در پایان کتاب به تفصیل، روز شمار روابط ایران و لیبی را در دوران جنگ تحمیلی در ۲۵ صفحه گنجانده است که از ویژگی‌های خاص این اثر و تلاش نویسنده آن در ارائه عینی و مصداقی مباحث کتاب محسوب می‌شود.

از جمله ویژگی‌های مهم و نقاط قوت این کتاب می‌توان به ناب و بدیع بودن موضوع کتاب، نگاه علمی و دقیق نویسنده به مبانی نظری و وقایع تاریخی و نیز سازماندهی منسجم آن اشاره کرد. اهمیت این اثر علاوه بر ارزیابی‌های دقیق و علمی که در بخش‌های مختلف کتاب مشهود می‌باشد، بیان این مطالب با زبانی روان و ساده در قالبی موجز و ژرف است. نویسنده در این اثر کوشیده است مفاهیم بااهمیتی را که شواهد عینی و

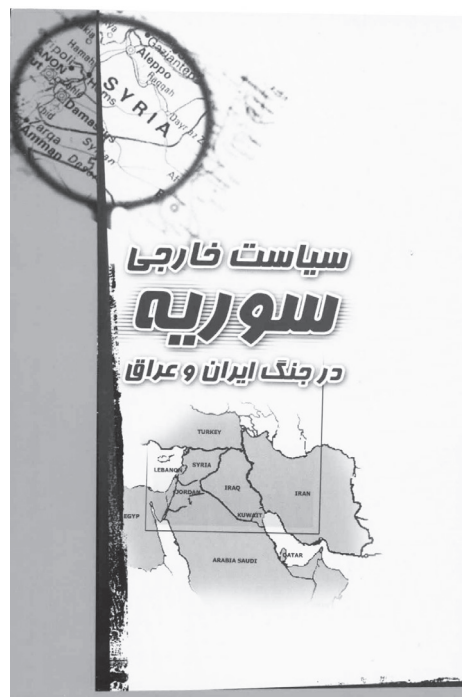
نوشته دکتر احمد سلطانی نژاد (عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس) و با همکاری دکتر مرتضی نورمحمدی (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی) در سال ۱۳۹۲ توسط انتشارات صفحه جدید به چاپ رسیده است. ناظر علمی این کتاب، دکتر حسین اردستانی می باشد. در کتاب سیاست خارجی سوریه در جنگ ایران و عراق سیاست خارجی سوریه در طول جنگ تحمیلی در پرتو تحولات منطقه ای بررسی و تحلیل شده است. نویسنده در پیشگفتار کتاب عواملی را که موجب

آغاز جنگ ایران و عراق شد، در سه عامل ۱. فرصت طلبی رژیم بعثی عراق از اوضاع نابسامان سیاسی ایران. ۲. افزایش تنش در روابط ایران و آمریکا در پی سیاست های مداخله جویانه این کشور و تصرف سفارتخانه آمریکا. ۳. نگرانی کشورهای منطقه از گسترش نفوذ انقلاب اسلامی در کشورهای اسلامی خلاصه می کند. جنگ تحمیلی دسته بندی های جدیدی را در منطقه و کشورهای همسایه ایجاد کرد و وضعیتی را رقم زد که قدرت های بزرگ و کشورهای منطقه ای می بایست

تاریخی دارند برگزیده، با نظریه های علمی تطبیق دهد و در اختیار مخاطبان بگذارد. همچنین متن گویای کتاب با نتیجه گیری هایی که مؤلف در پایان هر بخش گنجانده است بر جامعیت این اثر صحنه می گذارد.

در نهایت، می توان اذعان کرد که کتاب سیاست خارجی لیبی در جنگ ایران و عراق ضمن پرداختن به زوایای جدید از جنگ تحمیلی مباحثی از مدیریت تحولات جنگ و تأثیر آن بر سیاست خارجی دولت های منطقه را بازگو می کند. نویسنده این اثر ضمن بهره گیری از زبانی ساده و روان، از مفاهیم غامض و دیرفهم اجتناب کرده و به دور از اطناب و اطاله کلام، بر پایه آموزه های علمی، تحولات سیاست خارجی دولت لیبی در طول جنگ ایران و عراق و نیز عوامل مؤثر بر این تصمیم گیری ها و سیاست گذاری ها را بررسی و تبیین کرده است.

سیاست خارجی سوریه در جنگ ایران و عراق



کتاب سیاست خارجی سوریه در جنگ ایران و عراق

برونداد سیاست خارجی سوریه در جنگ ایران و عراق متأثر از عوامل مختلف داخلی، منطقه ای و بین المللی بوده است. در طول جنگ تحمیلی، سوریه برخلاف دیگر کشورهای عربی که به نفع عراق موضع گیری کردند، علیه تجاوز عراق به ایران موضع گیری کرد.

سیاست خود را در برابر جنگ آشکار می کردند؛ کشور سوریه نیز سیاست خارجی خود را با توجه به وضعیت منطقه، حوادث جنگ تحمیلی و منافع ملی اتخاذ کرد. این کتاب با بررسی و تحلیل سیاست خارجی سوریه در مورد جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و با هدف فراهم کردن چارچوبی برای تحلیل سیاست خارجی این کشور در برابر این جنگ، ابعاد گوناگون سیاست خارجی سوریه را در طول این جنگ هشت ساله تبیین می کند و شامل شش فصل "مقدمه"، "چارچوب نظری"، "عوامل مؤثر بر سیاست گذاری خارجی سوریه"، "جنگ،

به عبارت دیگر سکوت سوریه بعد از تهاجم عراق به ایران.
۲. مقطع دوم جنگ: محکومیت عراق و حمایت محتاطانه
از ایران در دوره پس از فتح خرمشهر و درعین حال تلاش
برای میانجیگری.

۳. مقطع سوم جنگ: انتقاد از ایران به دلیل ورود به خاک
عراق و تلاش برای میانجیگری بین ایران و کشورهای
عربی حامی عراق.

همان‌طور که گفته شد، برونداد سیاست خارجی
سوریه در جنگ ایران و عراق متأثر از عوامل مختلف
داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. در طول جنگ
تحمیلی، سوریه برخلاف دیگر کشورهای عربی که به
نفع عراق موضع‌گیری کردند، علیه تجاوز عراق به ایران
موضع‌گیری کرد.

سوریه نگران برتری عراق در منطقه بود و بدین منظور
از جمهوری اسلامی ایران حمایت می‌کرد. همچنین
سوریه مخالف ورود ایران به خاک عراق بود؛ از این رو،
به دلیل پایبندی به ناسیونالیسم عربی، دفاع از تمامیت
سرزمین‌های عربی را وظیفه خود می‌پنداشت. در واقع
کشور سوریه سیاست خارجی خود را در خصوص جنگ
با نگرشی همه‌جانبه، مبتنی بر عقلانیت ابزاری و در جهت
منافع کلان خود تعریف می‌کرد.

به نظر می‌رسد این کتاب، با اتخاذ روش تحقیق
نظام‌مند، طرح موضوع، بیان سؤالات، فرضیات و متغیرهای
تحقیق، تعریف کلیدواژه‌ها و تحلیل ابعاد و چارچوب نظری
تحقیق به خوبی توانسته است به نتیجه‌گیری نهایی، سنجش
فرضیات و پاسخ‌دهی به سؤالات تحقیق بپردازد، اما با مطالعه
محتوای کتاب این گونه دریافت می‌شود که نویسنده به‌طور
یک‌جانبه سیاست خارجی سوریه را در طول جنگ تحمیلی
بررسی کرده است؛ بدین ترتیب که تأثیر شرایط منطقه‌ای و
بین‌المللی و حتی داخلی کشور سوریه را ارزیابی و تحلیل
کرده است، اما از بررسی سیاست خارجی جمهوری
اسلامی ایران در برابر کشور سوریه غافل مانده است و بهتر
بود که در فصلی جداگانه به تبیین سیاست خارجی ایران
در برابر سوریه و کشورهای عربی می‌پرداخت.

تحولات منطقه‌ای و تأثیر آن بر سیاست خارجی سوریه،
"سیاست خارجی سوریه در جنگ ایران و عراق" و در
نهایت "نتیجه‌گیری" می‌باشد.

نویسنده در فصل اول کتاب، سؤالات اصلی پژوهش
خود را سیاست سوریه در برابر جنگ ایران و عراق و
اصول این سیاست و عوامل و زمینه‌های مؤثر بر آن؛ و
همچنین وضعیت عرصه نبرد و تأثیرات آن بر جهت‌گیری
سیاست خارجی سوریه برمی‌شمارد. در فصل دوم کتاب،
مدلی تلفیقی از تأثیرگذاری عوامل بین‌المللی، منطقه‌ای
و داخلی، به عنوان چارچوب تبیین و توضیح سیاست
خارجی سوریه در جنگ تحمیلی ارائه می‌شود. در این
الگو، برونداد سیاست خارجی سوریه حاصل تعامل
عوامل گوناگون در سه سطح بین‌المللی، منطقه‌ای و
داخلی ذکر شده است.

در فصل سوم کتاب، عوامل مؤثر بر سیاست‌گذاری
خارجی سوریه در پنج عامل ویژگی‌های شخصیتی
حافظ اسد، جایگاه حزب بعث، نقش ارتش، ساختار
سیاسی و وضعیت ژئوپلیتیکی ارزیابی و تجزیه و تحلیل
شده و نقش جنگ‌های داخلی لبنان و دخالت قدرت‌های
خارجی در این کشور یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر
سیاست‌گذاری خارجی سوریه و دغدغه‌های ملی سوریه
قلمداد گشته است.

در فصل چهارم، ضمن تشریح دوره‌های مختلف
جنگ تحمیلی؛ انقلاب اسلامی، جنگ و تحرکات
منطقه‌ای برای اعمال فشار بر ایران؛ تهاجم رژیم
صهیونیستی به لبنان؛ بحران و جنگ‌های داخلی لبنان؛
تلاش ایران برای کاهش خصومت با دولت‌های
منطقه؛ منطقه‌ای شدن جنگ و تشدید فشارها بر ایران؛
و بین‌المللی شدن جنگ؛ مهم‌ترین تحولات منطقه‌ای
در طول جنگ بر شمرده شده‌اند.

در فصل پنجم، پس از ذکر پیشینه‌ای از روابط سوریه
با طرفین جنگ، عملکرد سوریه در جنگ ایران و عراق
در سه مقطع بررسی و تحلیل شده است:

۱. مقطع اول جنگ: از خویشتن‌داری تا حمایت فعال و



گزارش رونمایی از کتاب دیپلماسی ایران و قطعنامه ۵۹۸

زهرا ناظری



نظامی و تصرف منطقه‌ای با ارزش استراتژیک در درون خاک عراق از سازوکارهای سیاسی و دیپلماتیک بهره بگیرد و جنگ را خاتمه بدهد؛ اما چرا این اتفاق نیفتاد

مقدمه

کتاب دیپلماسی ایران و قطعنامه ۵۹۸ نوشته دکتر ایرج همتی و داود صفایی در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۳ در نمایشگاه کتاب تهران رونمایی شد. این کتاب به همت مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس انتشار یافته است. در مراسم رونمایی از این کتاب که با حضور اندیشمندان، پژوهشگران، نویسندگان و اصحاب قلم برگزار شد، دکتر ایرج همتی و آقای داود صفایی نویسندگان کتاب و آقای مجید مختاری ناظر کتاب، پژوهشگر، و راوی جنگ مطالبی بیان کردند. در ادامه، به مباحث بیان شده در این نشست پرداخته می‌شود.

اولین سخنران این جلسه آقای دکتر همتی نویسنده کتاب، بودند که در سخنانشان به نکات مهمی اشاره کردند؛ نکاتی که به نظر می‌رسد پیش از این گفته و نوشته نشده است. وی سخنان خود را این گونه آغاز کرد:

«ابتدا می‌خواهم گزارشی را از محتوای کتاب تقدیم حضار عزیز بکنم. این کتاب درصدد پاسخگویی به دو سؤال مهم است؛ سؤال اول اینکه طبق استراتژی رسمی جنگ قرار بود ایران با مجموعه‌ای از اقدامات

تأکید بر رفتار تصمیم‌گیری کشور در حوزه جنگ و سیاست خارجی است. ما درعین حال نیازمند تدارک چارچوب ویژه‌ای بودیم که رابطه دیپلماسی را با جنگ تعیین کنیم. دراین‌مورد ما به نظریه کارل فون کلاوز ویتس، که البته یک نظریه عمومی درباره یک رابطه جنگ با سیاست است، پرداختیم.

در چشم‌اندازی که کلاوز ویتس ارائه می‌دهد، جنگ بدون پیوستگی با سیاست، معنای خودش را از دست می‌دهد. این پیوستگی درواقع به گرایشی اشاره دارد که تلاش می‌کند از تبدیل شدن جنگ به یک وضعیت بدون محاسبه هزینه آن جلوگیری کند. باتوجه‌به چارچوب پیوستگی جنگ با سیاست که چارچوب نظری کتاب هم هست، نتیجه نهایی جنگ عموماً در صحنه کارزار معلوم نمی‌شود، بلکه ابزارهای دیپلماسی به کار گرفته می‌شود تا حریف را در جامعه بین‌المللی منزوی ساخته یا تحت فشار قرار داده و درنهایت راهی را برای خاتمه سریع جنگ به‌صورت موفقیت‌آمیز فراهم بیاوریم. اما درعین حال، باید توجه داشت که دیپلماسی از طبیعت حقوقی‌تری هم برخوردار است. فعالیت دیپلماسی در محیط بازی متفاوت و با قاعده بازی متفاوتی صورت می‌گیرد و این ویژگی تعیین‌کننده تمایز بین جنگ با دیپلماسی در کنار پیوستگی با آن است.

بازی با حاصل جمع متغیر

جنگ و درگیری گسترده نظامی معمولاً یک بازی با حاصل جمع صفر است که هر دو طرف قصد واردآوردن شکست به حریف و کسب پیروزی کامل را دارند، اما راه‌حل دیپلماتیک هیچ‌گاه تمام پیروزی را نصیب یکی از طرفین نمی‌کند و درنتیجه طرف مقابل هم از شکست کامل رنجی نمی‌برد. به عبارت دیگر، دیپلماسی یک بازی با حاصل جمع متغیر است که در آن انعطاف و قائل‌شدن امتیازاتی برای حریف اولین شروط موفقیت به شمار می‌رود.

و تا صدور قطعنامه ۵۹۸ و به‌رغم برتری قابل‌ملاحظه ایران در صحنه جنگ ما در رفتار سیاست خارجی ایران نشانه‌ای از تمایل برای به‌جریان‌انداختن خاتمه سیاسی جنگ نمی‌بینیم؟!

سؤال دوم این است که از شهریور ۱۳۶۶، حدود دو ماه پس از صدور قطعنامه ۵۹۸، ایران آهسته‌آهسته و به‌طور مشروط به صحنه مذاکرات اجرایی قطعنامه وارد می‌شود. ۱۰ ماه بعد به موازات تحولات غیرمنتظره‌ای در روند سیاسی و نظامی جنگ، ایران پذیرش قطعنامه را رسماً و بدون قیدوشرط اعلام می‌کند. آیا تحول معناداری در الگوی رفتار سیاست خارجی ایران در انطباق با فرایند حل و فصل دیپلماسی جنگ صورت می‌گیرد؟! پژوهش ما سعی دارد به این سؤال در دو مرحله پاسخ بدهد؛ در مرحله اول امکان تحول یا امتناع ایران از ایجاد تحول را از صدور تا پذیرش قطعنامه موردبررسی قرار بدهد و در مرحله دوم از پذیرش قطعنامه و استقرار آتش‌بس تا ۱۸ آذر سال ۱۳۷۰ - که بنیانه دبیرکل سازمان ملل منتشر می‌شود و طی آن آقای پرز دکوئیار، عراق را به‌عنوان آغازگر جنگ معرفی می‌کند - به ارزیابی این موضوع بپردازد.

پیوستگی جنگ با دیپلماسی

روش این تحقیق، مطالعه روند تصمیم‌گیری کلان کشور در حوزه جنگ و سیاست خارجی است و در مواردی هم به عملکرد دیپلمات‌ها و یا دستگاه دیپلماسی کشور پرداختیم و اقدامات آنها را صرفاً به‌عنوان کسانی که در فرایند تصمیم‌سازی‌ها نقش داشته‌اند و درنهایت معجری این تصمیمات بوده‌اند، در نظر گرفته‌ایم، ولی کماکان

دکتر همتی:

جنگ معمولاً یک بازی با حاصل جمع صفر است که هر دو طرف قصد کسب پیروزی کامل را دارند، اما راه‌حل دیپلماتیک هیچ‌گاه تمام پیروزی را نصیب یکی از طرفین نمی‌کند.

ناگفته‌های مهم

در تهیه مطالب این کتاب علاوه بر منابع و آثار منتشر شده داخل و خارج و ارجاع به برخی از اسناد دیپلماتیک که برای نخستین بار صورت می‌گیرد، با تعدادی از مسئولان سیاسی و نظامی جنگ و همین‌طور دیپلمات‌های جنگ مصاحبه‌هایی اختصاصی انجام داده‌ایم. آقای هاشمی رفسنجانی به‌عنوان بازیگر اصلی صحنه سیاسی و نظامی جنگ، آقای محسن رضایی به‌عنوان مهم‌ترین فرمانده نظامی در طول دوران جنگ، دکتر محمدجواد ظریف به‌عنوان نفر دوم در هیئت نمایندگی ایران در سازمان ملل طی سال‌های جنگ و دکتر عباس ملکی به‌عنوان مسئول ثبت مذاکرات قطعنامه ۵۹۸. آقای ظریف در مصاحبه با ما - که در سال ۱۳۸۸ صورت گرفته است - ناگفته‌های مهمی را به زبان می‌آورند و این ناگفته‌ها بخشی از مستندات حائز اهمیت کتاب در مقام ارزیابی رفتار دیپلماسی ایران است. این مطلب را هم اضافه کنم که باوجود پیگیری‌های متعدد تعدادی از مسئولان سیاسی یا دیپلماسی کشور در دوره جنگ، به تقاضای ما برای مصاحبه پاسخ ندادند؛ در نتیجه این امکان وجود نداشت که توضیحات آنها در مسائل مربوط به حوزه مسئولیت یا نقش‌ها و اقداماتی که به آنها در مواقع حساس جنگ منتسب است را به دست بیاوریم. این اشخاص عبارت‌اند از جناب آقای دکتر حسن روحانی (مدت‌ها پیش از ورودشان به صحنه رقابت‌های انتخاباتی)، دکتر علی‌اکبر ولایتی، دکتر محمدجواد لاریجانی، دکتر محمدجعفر محلاتی و مرحوم دکتر سعید رجائی خراسانی سفیر ایران در سازمان ملل متحد در دوره جنگ.

تعادل ناپایدار

من به بیان مختصر به یافته‌ها و نتایج تحقیق اشاره می‌کنم؛ اول اینکه دیپلماسی ایران تعادل ناپایداری را میان مؤلفه‌های آرمان‌گرایانه و واقع‌گرایانه سیاست خارجی تجربه می‌کرد که در اصل، در ماهیت دوگانه

جنگ و فرایند تصمیم‌گیری‌های مرتبط با آن ریشه دارد. جنگ غیر از تلاش برای تجدیدنظر در وضع موجود در مرزها با هدف نابودی انقلاب و یا حداقل بی‌ثبات‌سازی آن آغاز شد و این واقعیت یا تصور از آن به پیوستگی جنگ و انقلاب منجر می‌شود.

شرکت در جنگ نه فقط دفاع از کشور، بلکه نشانه‌ای از تعهد به رسالت انقلابی شناخته می‌شود. این پیوستگی به‌تدریج بر ماهیت دفاعی جنگ تأثیر می‌گذارد و رفتار تصمیم‌گیری را در جهت استفاده از جنگ برای دستیابی به اهداف

انقلاب تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. عده‌ای از صاحب‌نظران از این تحول به‌عنوان گفتمانی‌شدن جنگ نام می‌برند، اما جنگ علاوه بر منطق گفتمانی از منطق راهبردی هم برخوردار است؛ یعنی همان منطق پیوستگی جنگ و سیاست که درواقع نمایانگر مطلوبیت‌های ابزاری جنگ است و رفتار تصمیم‌گیری را در جهت محدودکردن دامنه جنگ با توجه به هدف سیاسی آن تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

مسئله اصلی ما این است

که پیشبرد موازی این دو منطق سبب شد تا دیپلماسی ایران در مواجهه با رویدادها و موقعیت‌های مختلف از پیگیری فرصت‌هایی که برای خاتمه سیاسی و دیپلماتیک جنگ از موضع برتری نسبی فراهم آمده بود، باز بماند و این درواقع مهم‌ترین فرضیه کتاب است. درهم‌تنیدگی منطق گفتمانی و منطق راهبردی جنگ در درجه اول بر ماهیت و شکل‌بندی استراتژی جنگ تأثیر می‌گذارد و بعد باعث می‌شود تا دیپلماسی از تحرکی متناسب با برتری نظامی ایران بازداشته بشود. به عبارت دیگر، از

دیپلماسی ایران تعادل ناپایداری را میان مؤلفه‌های آرمان‌گرایانه و واقع‌گرایانه سیاست خارجی تجربه می‌کرد که در اصل، در ماهیت دوگانه جنگ و فرایند تصمیم‌گیری‌های مرتبط با آن ریشه دارد.

دیپلماسی ایرانی

در ایران، جنگ گرچه با هدف برخورداری از قدرت چانه‌زنی بهتر در مذاکرات نهایی صلح دنبال می‌شود، اما تنها برپایه این تصور که از پیش تضمین کافی برای موفقیت صددرصد در مذاکره فراهم آمده باشد، دستیابی به این موضع از قدرت در مذاکرات هم فقط به موفقیت در عملیاتی سرنوشت‌ساز بستگی دارد؛ در نتیجه، مقامات تصمیم‌گیرنده آن‌قدر درگیر طرح‌ها و برنامه‌های عملیاتی با هدف دستیابی، برتری قاطعی برای پایان‌دادن به جنگ از موضع قدرت‌اند که فرصت ملاحظه و یا قضاوت درباره شرایط کمتر مطلوب براساس برتری نسبی و به حرکت درآوردن ابزارهای دیپلماسی براساس آن را به دست نمی‌آورند.

تغییر در موازنه

از اوایل سال ۱۳۶۶، با عدم کسب نتایج موردانتظار از مجموعه طرح‌ها و اقدامات نظامی، درواقع روند بازتولید گفتمانی جنگ با مشکلات مهمی روبه‌رو می‌شود و علائمی از به‌هم‌خوردن موازنه میان

نقطه‌نظر تدبیر کلی جنگ، دستور کار خاصی وجود دارد به این عنوان که اقدامات جنگی می‌بایست تا جایی پیش برده بشود که بهره‌گیری از مذاکره و چانه‌زنی، ایران را از توسل به قوه قهریه بیشتری باتوجه به هدف سیاسی جنگ بی‌نیاز بکند.

اما در همان حال، دیپلماسی صرفاً به صورت تابعی صرف از تحولاتی در نظر گرفته می‌شود که در صحنه جنگ رخ می‌دهد و در نتیجه فاقد شأن و توانایی مستقل در تبدیل برتری نسبی ایران در صحنه جنگ به راه‌حل مناسبی در صحنه بین‌المللی است و به این دلیل، در بیشتر سال‌های جنگ، دیپلماسی ایران عملاً از دستور کار محدودی پیروی می‌کند و این دستور کار این است: تبیین شرایط عادلانه برای پایان‌دادن به جنگ و کاستن از هزینه‌های بین‌المللی و دیپلماتیک ادامه جنگ.

درواقع، رابطه دیپلماسی با جنگ در چارچوب این سیاست با این ابهام اساسی روبه‌رو است که آیا درک روشنی از طبیعت واقعی دیپلماسی وجود دارد و از قاعده بازی متفاوت آن.



از راست: داود صفایی و دکتر ایرج همتی نویسندگان کتاب، مجید مختاری پژوهشگر، محمد سوری مدیر اطلاع رسانی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس - نمایشگاه کتاب تهران (۱۳۹۳/۲/۱۷)

تمایل داشت تغییراتی در قطعنامه گنجانده شود که علی‌رغم اینکه آلمان پیشنهاد کرد وقفه‌ای صورت بگیرد در تصویب قطعنامه (وقفه شش هفته‌ای)، کشورهای بزرگ از جمله آمریکا آن را نپذیرفتند. اگرچه تلاش‌های ایران در تعامل به‌ویژه با کشورهای غیر عضو شورای امنیت توانست تغییرات اندکی را ایجاد بکند، اما سرانجام قطعنامه ۵۹۸ که قطعنامه الزام‌آوری هم بود به تصویب رسید و برخی از نکاتی که مدنظر ایران بود در این قطعنامه گنجانده شد.

صدور قطعنامه ۵۹۸ نقطه عطفی در روند تحولات دیپلماتیک جنگ بود. قطعنامه درحقیقت تاحدودی از تلاش جنگی ایران و از پافشاری این کشور بر مفهوم صلح عادلانه تأثیر می‌پذیرد؛ گرچه قدرت‌های بزرگ تلاش می‌کنند تا سرنوشت جنگ با شکست یک طرف و پیروزی طرف دیگر به‌ویژه ایران رقم نخورد. پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل از ژانویه تا ژوئیه سال ۱۹۸۷ برای حل و فصل نهایی جنگ به رایزنی و مذاکره می‌پردازند. نتیجه رایزنی‌ها و مذاکرات طولانی اعضای دائم، صدور قطعنامه ۵۹۸ در ۲۰ ژوئیه سال ۱۹۸۷ و یا ۲۹ تیرماه سال ۱۳۶۶ بود.

فرایند تصویب

معمولاً تصویری که از عملکرد دیپلماسی کشور در فرایند تصویب قطعنامه ۵۹۸ ارائه می‌شود، مبین این است که تلاش‌های حساب‌شده دیپلماسی‌های ایران از جنبه‌های سلبی و ایجابی باعث شد که قطعنامه با همه ضعف‌های آن به این صورت که تصویب شد دربیاید، اما دلایل و شواهدی که در این کتاب ارائه می‌شود، به گمان ما چندان تأییدکننده این روایت نیست. به‌عنوان مثال: در آوریل سال ۱۹۸۷؛ یعنی حدود فروردین و اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۶۶ حدود سه ماه پیش از تصویب متن نهایی قطعنامه ۵۹۸، بنابر پیشنهاد دبیرکل و برای خاتمه‌دادن به بی‌اعتمادی ایران به شورای امنیت، موضوع تحقیق درباره مسئولیت آغاز منازعه در پیش‌نویس قطعنامه گنجانده می‌شود. هم این پیش‌نویس و هم مذاکرات رایزنی‌های پنج عضو دائم درمورد قطعنامه

حوزه‌های گفت‌وگویی و راهبردی جنگ، احتمال حرکت در مسیر نوعی عملگرایی دیپلماتیک آشکار می‌شود. در این تحقیق، تحول در موازنه از طریق داده‌هایی نشان داده می‌شود که بیانگر نوعی فرسایش در حوزه‌های نظامی جنگ در نتیجه فشار هزینه‌های اقتصادی، کاهش ملموس اعزام نیروهای داوطلب، بین‌المللی شدن جنگ و مداخله مستقیم قدرت‌های بزرگ است. این علائم تغییر در چارچوب ذهنی تصمیم‌گیری درمورد جنگ و سیاست خارجی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

قطعنامه ۵۹۸

همان‌طوری که می‌دانیم قطعنامه ۵۹۸ در ۲۹ تیرماه سال ۱۳۶۶ با حضور کشورهای عضو شورای امنیت به تصویب رسید. قطعنامه ۵۹۸ دربرگیرنده مقطعی از تاریخ انقلاب و جمهوری اسلامی است که تحولات هشت سال جنگ تحمیلی را به‌نوعی به پایان می‌رساند و خاتمه جنگ را رقم می‌زند.

درمورد قطعنامه ۵۹۸ کتاب‌های بسیاری به رشته تحریر درآمده و سخنرانی‌های بسیاری شده است و شاید بتوان خاطرات آقای علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی را تحت عنوان "روزنوشت" یکی از مهم‌ترین منابعی دانست که قابل توجه است.

درمورد قطعنامه ۵۹۸ یکی از مواردی که جلب توجه می‌کند نقش دیپلماتی جمهوری اسلامی ایران است که به‌زعم برخی از کارشناسان آن‌طوری که باید و شاید در آن مقطع زمانی فعال نبوده است. البته، برخی دیگر این نقش را خیلی پررنگ‌تر می‌شمارند و عملکرد سیاسی کشور را در آن مقطع درخور توجه می‌دانند؛ ازجمله آقای دکتر ولایتی در سایت شخصی خودشان عنوان می‌کنند که عملکرد وزارت امور خارجه در آن مقطع شاید بهترین تلاش و کوششی بوده است که می‌توانسته ازسوی وزارت امور خارجه صورت بگیرد. ایشان به روابط خودشان و ارتباطاتش با وزیر امور خارجه آلمان اشاره می‌کند و می‌گوید: همان‌گونه که می‌دانید ایران

دستور کار دیپلماسی ایران جلوگیری از تصویب قطعنامه در شرف صدور و یا تعدیل جنبه‌های آمرانه آن براساس مقررات فصل هفتم منشور ملل متحد بود. تلاش برای دستیابی به این هدف سلبی به غفلی اساسی از ضرورت تأثیرگذاری بر جنبه‌های ایجابی قطعنامه که از جمله به تحقیق بی‌طرفانه درمورد مسئولیت آغاز جنگ مربوط می‌شد، می‌انجامد. در نهایت، بند ۶ قطعنامه هدف تشکیل هیئت تحقیق را بر رسی بی‌طرفانه درمورد مسئولیت جنگ تعیین می‌کند که کاملاً مفهومی دوپهلوی است و منظور آن تقسیم مسئولیت میان هر دو طرف درگیر؛ عراق به عنوان آغازکننده جنگ و ایران به عنوان ادامه‌دهنده آن بود.

تغییر شیوه بازی

پس اگر قرار بر تأثیرگذاری دیپلماسی ایران هم در جنبه‌های سلبی و هم ایجابی بود، می‌بایست از تغییر معناداری که به زبان ایران در متن پیش‌نویس صورت گرفت، جلوگیری می‌شد. به هر حال، به دنبال تصویب قطعنامه ۵۹۸، جمهوری اسلامی ایران دستور کاری تردیدآمیز را بر مبنای نه رد و نه قبول قطعنامه در پیش می‌گیرد و برای وارد شدن بر روند مذاکرات سیاسی جنگ بدون تعهد صریحی، به پذیرش قطعنامه تمایل نشان می‌دهد، اما ایران روند مذاکرات را به نحوی مدیریت می‌کند تا از یک طرف مانع از تصویب قطعنامه دیگری بشود که قرار بود طی آن شورا تحریم‌هایی را علیه طرفی که قطعنامه ۵۹۸ را نمی‌پذیرد، اعمال کند. پس ایران روند مذاکرات را مدیریت می‌کند تا قطعنامه تحریم صادر نشود و از سوی دیگر با کسب فرصت‌های بیشتر برای تحریک بخشیدن به جبهه‌های نبرد در نتایج مذاکرات تأثیر بگذارد. با این حال، دیپلماسی ایران توانسته بود برخلاف گذشته در مسیر نوعی عملگرایی دیپلماتیک گرچه براساس ملاحظات تاکتیکی، قدم بردارد. در واپسین روزهای باقیمانده تا پذیرش قطعنامه و مشخصاً در جریان پیگیری شکایت ایران از حمله موشکی

جدید محرمانه است، اما متن پیش‌نویس، بعدها در بخش اسناد ضمیمه کتاب کامرون هیوم منتشر می‌شود. آقای هیوم عضو هیئت نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد است و کتابش به عنوان *سازمان ملل متحد، ایران و عراق* در سال ۱۹۹۴ منتشر می‌شود. هیوم ۹ سند منتشر نشده را در بخش اسناد ضمیمه ارائه می‌کند که از دوره فعالیتش در سازمان ملل متحد در اختیارش بوده است. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه در سال ۱۳۷۶ ترجمه این کتاب را منتشر می‌کند، اما بخش اسناد ضمیمه در ترجمه حذف و مطلبی تحت عنوان قطعنامه‌های شورای امنیت درخصوص جنگ ایران و عراق جایگزین آن می‌شود که در هیچ جای نسخه انگلیسی کتاب دیده نمی‌شود.

غفلت اساسی

مسئله این است که نکات اصلی متن پیش‌نویس آوریل با بازنگری و تغییراتی در متن قطعنامه ۵۹۸ گنجانده می‌شود، اما مهم‌ترین تغییر در ماده ۶ پیش‌نویس صورت می‌گیرد که به دبیرکل مسئولیت داده می‌شود که با مشورت ایران و عراق هیئت بی‌طرفی را برای تحقیق درمورد مسئولیت منازعه و نه مسئولیت آغاز منازعه تشکیل بدهد؛ یعنی مفهوم responsibility of conflict جایگزین مفهوم responsibility of intimation of conflict می‌شود که در متن پیش‌نویس وجود داشت و این تغییر تلویحاً به این معنی بود که شورای امنیت از تعهد احتمالی خودش طبق خواست دبیرکل برای تأمین بخشی از نظرات ایران فاصله گرفته و حالا در صدد بود که مسئولیت جنگ را متوجه هر دو طرف آن بکند. طی چند ماهی که مذاکرات رایزن‌های منبع عضو دائم شورای امنیت جریان دارد، مهم‌ترین

پیشبرد موازی این دو منطق
سبب شد تا دیپلماسی ایران
در مواجهه با رویدادها و
موقعیت‌های مختلف از پیگیری
فرصت‌هایی که برای خاتمه
سیاسی و دیپلماتیک جنگ از
موضع برتری نسبی فراهم آمده
بود، باز بماند.

است که در طول جنگ، مراکز اصلی قدرت از عراق حمایت کردند؛ به این دلیل که تهدید ایران را برای امنیت و ثبات منطقه بزرگ‌تر می‌دیدند، اما اینک آرام‌آرام در رفتار منطقه‌ای عراق علائم تهدید را بیشتر حس می‌کردند و در مقابل تمایل پیدا می‌کردند برای عادی‌سازی و بهبود در روابط با ایران گام بردارند. بخشی از دلایل این امر به رفتار متوازن ایران در چارچوب مذاکرات صلح، از نظر تأکید بر مفاد قطعنامه ۵۹۸ و محوریت

نقش دبیرکل برمی‌گشت. ایران گذشته طولانی از بی‌اعتمادی به سازمان‌های بین‌المللی را پشت سر گذاشته بود و حالا می‌کوشید از تمامی امکانات و فرصت‌های همکاری با این سازمان‌ها در حل و فصل نهایی منازعه خودش با عراق بهره بگیرد. بعد از حدود دو سال از آغاز مذاکراتی بدون نتیجه، از سوم شهریور ۱۳۶۷ تا مرداد ۱۳۶۹، عراق به عنوان طرفی که از بن‌بست موجود، سود کمتری می‌برد و در عین حال، درگیر سناریوی

بلندپروازانه دیگری برای تغییر جغرافیای سیاسی منطقه شده بود - که به اشغال کویت انجامید - قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را در مناسبات فرضی خودش با ایران به صورت مشروط می‌پذیرد، اما با این عمل، شکست خودش در دستیابی به هدف اساسی جنگ و پیروزی سیاسی ایران را تصدیق می‌کند.

پیروزی سیاسی ایران

آخرین مطلب این است که جمهوری اسلامی ایران در اندیشه تکمیل این پیروزی و در بالاترین مرحله از درک

فاجعه بار آمریکا به هواپیمای ایرانی ایرباس، شیوه بازی دیپلماتیک ایران تغییر قابل توجهی پیدا می‌کند؛ گرچه در درجه اول اهمیت براساس الزام به رفتار در چارچوب مصلحت، اما به تدریج عیار واقع‌گرایی در رفتار دیپلماسی ایران بالا می‌رود. ایران متوجه می‌شود که دیپلماسی فقط برای بی‌اثر کردن بازی دیگران نیست. دیپلمات‌ها با جهانی یکدست با قواعدی ساده که صرفاً بیانگر خواست‌ها و مطامع قدرت‌های بزرگ است، سروکار ندارند. دیپلماسی عرصه پیوند خوردن، واقعیت‌ها، دستورکارها و ابزارهای متنوعی است و قدرت‌های بزرگ همواره توانایی شکل دادن به نتایج را ندارند. نمونه روشن این وضع - که در این کتاب به آن پرداختیم - در روند مذاکره برای به توافق رسیدن در اعلام تاریخ آتش‌بس ملاحظه می‌شود.

آتش‌بس

ایران در ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را اعلام می‌کند، اما عراق به خواست سازمان ملل برای تعیین موعد نزدیکی برای استقرار آتش‌بس تن در نمی‌دهد. مدتی بعد، با وجود تمایل ضمنی دو ابرقدرت برای تعویق زمان آتش‌بس لاف‌ل به مدت سه ماه، سرانجام در موعدی که ایران و دبیرکل سازمان ملل انتظار آن را دارند، زمان برقراری آتش‌بس برای تاریخ ۲۰ آگوست یا ۲۹ مرداد سال ۱۳۶۷ اعلام می‌شود. از برقراری آتش‌بس و در روند گفت‌وگوهای صلح به بعد، عراق تلویحاً از برتری نظامی خودش در پایان جنگ و اشغال مناطقی از خاک ایران به عنوان اهرمی برای مذاکره استفاده می‌کند و این مذاکرات را به بن‌بست می‌کشانند.

روند مذاکرات

روند مذاکرات تا مرحله بن‌بست، در واقع با یک جابجایی تدریجی در جایگاه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دو کشور همراه است.

یک توضیح ساده برای این جابجایی این

قطعنامه در حقیقت تاحدودی از تلاش جنگی ایران و از پافشاری این کشور بر مفهوم صلح عادلانه تأثیر می‌پذیرد؛ گرچه قدرت‌های بزرگ تلاش می‌کنند تا سرنوشت جنگ با شکست یک طرف و پیروزی طرف دیگر به‌ویژه ایران رقم نخورد.

مطالب بیان شده از جانب نویسنده به اظهار نظر پرداخت.
وی گفت:

«ابتدا تشکر می‌کنم از نویسندگان بزرگوار به‌خاطر زحمتی که کشیده‌اند در نگارش این کتاب و بنده تقریباً از نزدیک شاهد زحمات و تلاش‌های این بزرگواران بوده‌ام و همان‌طور که خودشان فرمودند، از سال ۸۷، ۸۸ ایشان برای پژوهش این کتاب زحمت کشیده‌اند و اواخر سال ۹۲ و اوایل سال ۹۳ این کتاب منتشر شده است و این نشان می‌دهد که زحمت بسیار زیادی کشیده‌اند.

در هرگونه ارزیابی موضوعات جنگ ایران و عراق و حتی موضوعاتی که در حاشیه این جنگ و در دهه اول انقلاب اسلامی مطرح است، باید ۳ یا ۴ ملاحظه اساسی را در نظر گرفت؛ ملاحظه اول و اصلی‌ترین ملاحظه این است که نظام جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک نظام برخاسته از انقلاب اسلامی، از همان ابتدای استقرار تا سال‌ها بعد تحت فشارهای شدید منطقه‌ای و بین‌المللی بوده و هست. البته، بخشی از این فشارها به مناسبات داخلی انقلاب و نیز شعارهای انقلاب و موضع‌گیری‌های انقلاب برمی‌گردد، اما این فشارها خصوصاً در دوره جنگ، همواره مسئولین نظام جمهوری اسلامی را از تصمیم‌گیری مطلوب باز می‌دارد. بنابراین، این فشارها در دوران جنگ تقریباً از ابتدای سال ۱۳۵۹ که تعرضات مرزی عراق شدت بیشتری می‌گیرد، درمورد جمهوری اسلامی وجود دارد. این یک ملاحظه اساسی است که حتماً باید در بررسی موضوعات جنگ به آن دقت داشت. نکته بعدی این است که در دوره جنگ، ما در ساختار اداره کشور دو ملاحظه اساسی داریم. همان‌طوری که همه مطلع هستند ما در دهه اول انقلاب خصوصاً پس از شروع جنگ، دو مسئله اصلی در کشور داشته‌ایم که این دو مسئله به‌موازات هم در کشور، توسط حضرت امام^(ره) به‌عنوان وظیفه اصلی حکومت، دولت و سایر دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شده بود و مملکت براساس این دو محور اصلی پیش می‌رفت. نکته اول، اداره جنگ و حمایت و پشتیبانی از جنگ بود و نکته دوم اداره مردم. این اداره مردم به‌عنوان یک

جوهره عملگرایانه دیپلماسی برای دستیابی به دومین هدف اصلی خودش از زمان پذیرش قطعنامه؛ یعنی اجرای بند ۶ قطعنامه و شناسایی عراق به‌عنوان متجاوز، قدم برمی‌دارد. ما در این کتاب نشان دادیم که تصویری که از مفهوم عدالت در اجرای این بند وجود دارد، مانع از توسل به انواعی از روش‌های چانه‌زنی دیپلماتیک از استدلال و مذاکره فنی و حقوقی گرفته تا ترغیب و دادوستد و نفوذ سیاسی نمی‌شود. سازمان ملل سال‌ها با مسئله گروگان‌های غربی در لبنان دست‌وپنجه نرم می‌کرد و ایران کلید حل مسئله به نظر می‌رسید. طرح موضوع توسط دبیرکل با ایران برای نخستین بار در خلال مذاکرات صلح ایران و عراق که به بن‌بست انجامید، صورت می‌گیرد، اما ایران عملاً از بهار ۱۹۹۱ درگیر روند آزادسازی گروگان‌های غربی می‌شود. بعدها دیپلمات‌های ایران از دبیرکل تقاضا می‌کنند در برابر کمک ایران به آزادسازی گروگان‌ها، دبیرکل بی‌طرفانه یافته‌های هیئت تحقیق را درمورد مسئولیت جنگ طبق بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ اعلام کند. درواقع، برخلاف ظاهر فریبنده این مقدمات، هیچ نتیجه‌گیری غیراخلاقی پشت آنها وجود ندارد. ایران باید از نفوذ خودش برای آزادی گروگان‌ها بهره می‌گرفت و درواقع دبیرکل اجازه می‌داد تا یافته‌های هیئت بی‌طرفی تحقیق درباره جنگ اعلام بشود. به‌عبارت دیگر، موقعیت گزارش ارتباطی با یافته‌های آن ندارد. نتایج گزارش توسط اساتیدی صاحب صلاحیت و براساس شواهدی معتبر احراز و اعلام شده بود. سرانجام دبیرکل در روز ۹ دسامبر سال ۱۹۹۱، ۱۸ آذرماه سال ۱۳۷۰، طی گزارشی به شورای امنیت درباره اجرای قطعنامه ۵۹۸، شورا و افکار عمومی جهان را از مسئولیت عراق در دامن زدن به جنگ از طریق تجاوز به تمامیت ارضی کشور عضو مطلع می‌کند.»

توجه به ملاحظات اساسی در ارزیابی دیپلماسی ایران

سخنران دوم این مراسم، آقای مجید مختاری پژوهشگر، نویسنده و راوی جنگ بود که در سخنانش ضمن اشاره به سیاست خارجی ایران در طول جنگ، درباره برخی



— رونمایی کتاب دیپلماسی ایران و قطعنامه ۵۹۸ در نمایشگاه کتاب تهران (۱۳۹۳/۲/۱۷).

تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در حوزه‌های مختلف جنگ را در شورا داشتند. از سال ۶۲، تقریباً به صورت پنهان و نه آشکارا و رسمی، ایشان به عنوان فرمانده عالی جنگ تعیین می‌شوند و در حوزه جنگ وارد می‌شوند، ولی بالاین حال ایشان خیلی به عنوان رئیس مجلس نمی‌توانستند نقش داشته باشند در ساختار اجرایی کشور.

این ساختار دوگانه همین طور ادامه پیدا می‌کند و می‌آید تا قطعنامه ۵۹۸ که بنده خدمتتان عرض می‌کنم. به نظر بنده این سه موضوع در هر بررسی در موضوعات جنگ حتماً باید مورد ملاحظه قرار بگیرد. فشارهای بین‌المللی در حوزه نظامی، در حوزه سیاسی و سیاست خارجی ما هم بوده است. در حوزه فعالیت‌های دیپلماتیک ما هم بوده است. در حوزه اقتصاد و حوزه فروش نفت ما هم بوده است. بنابراین، هرگونه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در کشور و در این دوره متأثر از فشارهای بین‌المللی است.

موضوع صلح

درمورد روند جنگ و تصمیم‌گیری درمورد جنگ و صلح که موضوع اصلی کتاب آقای همتی هم هست و به‌خوبی هم از عهده‌اش برآمده‌اند، باید گفت که تقریباً از

وظیفه اصلی به دولت ابلاغ شده بود و دولت نباید از یک حداقل‌هایی درمورد مردم، عدول می‌کرد. خود این مسئله مقداری در ساختار تصمیم‌گیری و ساختار مدیریتی کشور در حوزه جنگ و در حوزه کشورداری، باعث ایجاد تعارض شده بود. این هم یک ملاحظه اساسی است که باید حتماً در نظر گرفته شود.

ملاحظه سوم که تقریباً در طول جنگ ما این را تجربه کردیم و تا حدودی هم متأثر از آن نکته دومی بود که بنده خدمتتان عرض کردم، دوگانگی در اداره کشور بوده است. در هنگام وقوع جنگ، یک تفویضی از طرف حضرت امام^(ره) صورت گرفت برای بنی‌صدر به عنوان رئیس‌جمهور و مقام فرماندهی کل قوا را حضرت امام^(ره) به بنی‌صدر موکول کردند. تجربه تلخی که در این انتقال مسئولیت وجود داشت باعث شد که بعد از رفتن بنی‌صدر این مسئولیت به شکل دوره قبل منتقل نشود به دست‌اندرکاران اجرایی کشور که مسئولیت اداره جنگ و کشور را داشتند؛ برای همین، این ساختار دوگانه همواره در طول جنگ و بعد از رفتن بنی‌صدر از ایران، دنبال می‌شد. تقریباً از سال ۱۳۶۲ که عملیات خیبر انجام شد، آقای هاشمی رفسنجانی به عنوان نماینده حضرت امام^(ره) در شورای عالی دفاع مسئولیت

صلح برویم و از عملیات خیبر در سال ۱۳۶۲ که به هر ترتیب عملیات خیبر انجام می‌شود و موفقیت‌های چندانی به‌دنبال ندارد و عملیات بدر پس از آن انجام می‌گیرد که باز آن هم موفقیت چندانی به‌دنبال ندارد.

این سیاست همواره دنبال می‌شده است در صحنه تصمیم‌گیری اصلی کشور برای جنگ تا اینکه در سال ۱۳۶۴ ما عملیات والفجر ۸ را با موفقیت انجام می‌دهیم، اما باز هم دنیا حاضر نیست به ما امتیاز بدهد.

در سال ۱۳۶۵، آقای هاشمی رفسنجانی بر این سیاست بسیار اصرار می‌کنند و مورد توافق هم قرار می‌گیرد و این سال، سال سرنوشت‌ساز جنگ اعلام می‌شود و آن عملیات سرنوشت‌ساز ما که عملیات کربلای ۵ بوده است، موفقیت لازم را به دست نمی‌آورد و بلافاصله ما در عرض ۱۵، ۲۰ روز بعد عملیات کربلای ۵ را انجام می‌دهیم که موفقیت‌هایی را در پی دارد.

قطعنامه؛ از تصویب تا پذیرش

عملیات کربلای ۵ به دلیل شکستن دیوارهای دفاعی مستحکم ارتش عراق به دور بصره، بسیار تعیین‌کننده بوده و نوع نگاه دنیا را به ما تغییر داده است. البته، این نگاه تنها متأثر از عملیات‌های صحنه جنگ نیست و سایر تحولات نظام بین‌الملل هم مدنظر است، اما از بعد از عملیات کربلای ۵؛ یعنی از ابتدای سال ۱۳۶۶، همان مذاکراتی که آقای همتی فرمودند، آغاز می‌شود و به تصویب قطعنامه ۵۹۸ منجر می‌شود.

در تصویب قطعنامه ۵۹۸، میزان مداخله دیپلمات‌های ما اندک بوده است و به هر حال، دنیا تصمیم گرفته بود به یک فرمولی برای پایان جنگ دست پیدا کند و این فرمول هم در قطعنامه ۵۹۸ متبلور است. از زمانی که قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت تصویب می‌شود، در ایران هم نوع برخورد - مسئله ساختار دوگانه‌ای که بنده خدمتتان عرض کردم - با قطعنامه ۵۹۸ کاملاً مشخص است. طی مدت ۳، ۴ روز، رئیس‌جمهور کشور برخورد بسیار تندی با این قطعنامه می‌کند و می‌گوید این قطعنامه کار امریکایی‌ها است و

ابتدای جنگ بین یکی دو هفته پس از شروع تجاوز عراق، بحث‌های مربوط به صلح آغاز می‌شود و این گونه نیست که ما سال‌های طولانی از جنگ را بگذاریم و بعد بحث‌های صلح و پذیرش آتش‌بس و... پیش بیاید و از همان روزهای اول عراقی‌ها پیشنهاد صلح و آتش‌بس می‌داده‌اند، منتها با شرایط خاصی که خودشان می‌خواسته‌اند و اساساً برای ما قابل‌پذیرش نبوده است. از طرف ما هم چند شرط تعیین می‌شود برای اینکه ما حاضریم با این شرایط صلح بکنیم که عمده شرایطی که ما مطرح می‌کردیم خروج نیروهای نظامی از کشور بوده است و تعیین متجاوز و تنبیه متجاوز و پرداخت غرامت‌ها. اینها شرایطی بوده است که از همان ابتدای جنگ توسط امام^(ره) و توسط مسئولین مطرح می‌شده است و مدت‌های مدیدی که هیئت‌های صلح می‌آمده‌اند، این شرایط بیان می‌شده است.

بنابراین، تمایلی وجود داشته است برای اینکه جنگ از راه غیرنظامی هم می‌تواند خاتمه یابد و اما به واسطه اینکه هیچ‌یک از حقوق ما را در جنگ به رسمیت نمی‌شناخته‌اند، توان اصلی مدیریتی کشور براساس برخورد نظامی با تجاوز و بیرون‌راندن متجاوز و فشار برای گرفتن امتیاز بوده است. این موضوع تا سال ۱۳۶۱ که ما تقریباً متجاوز را از سرزمین‌های اشغالی بیرون کردیم، دنبال می‌شد و از آن به بعد، یک مقدار امتیازدهی به ما بیشتر شد، اما به صورت رسمی هیچ‌جا عنوان نمی‌شد این امتیازهایی که می‌خواستند به ما بدهند. ما طبعاً فشار نظامی برای پذیرش شرایطمان را ادامه دادیم تا عملیات خیبر که آقای هاشمی رفسنجانی به عنوان فرمانده عالی جنگ تشریف می‌آورند آنجا و رسماً اعلام می‌کنند نتیجه‌ای که بنده به آن رسیدم این است که ما یک عملیات مؤثر انجام بدهیم و به موضع

بند ۶ قطعنامه [۵۹۸] هدف
تشکیل هیئت تحقیق را بررسی
بی طرفانه درمورد مسئولیت
جنگ تعیین می‌کند که کاملاً
مفهومی دوپهلوی است و منظور
آن تقسیم مسئولیت میان هر دو
طرف درگیر بود.

ایران مورد تأیید شما - به عنوان نگارنده کتاب - در آن برهه از جنگ می باشد یا خیر؟ و آیا این دیپلماسی موفق بوده است؛ خصوصاً در مقاطع پایانی جنگ و یا اینکه ما به خاطر فشارهای خارجی به این نتیجه رسیده ایم؟ آقای صفایی در پاسخ گفتند: «مقطعی که ما قطعنامه را پذیرفتیم، یعنی از زمان صدور قطعنامه تا زمانی که ما قطعنامه را پذیرفتیم، مقطع خاصی است از لحاظ تاریخی. قطعنامه ۵۹۸، اولین قطعنامه ای است در جنگ ایران و عراق که براساس فصل ۷ منشور صادر شده بود و این جنبه الزام آوری به نحوی بود که ما گریزی از آن نداشتیم. ذیل این

مجید مختاری:

فشارهای شدید منطقه ای و بین المللی ... خصوصاً در دوره جنگ، همواره مسئولین نظام جمهوری اسلامی را از تصمیم گیری مطلوب باز می دارد.

قطعنامه، امریکایی ها همواره به دنبال قطعنامه دومی بودند و قطعنامه تحریم همه جانبه ایران را دنبال می کردند و ما تلاش می کردیم که تحت هیچ شرایطی قطعنامه دوم صادر نشود. امریکایی ها دیپلماسی بسیار فشرده ای را دنبال می کردند و فشار به اروپا و ژاپن، چین و شوروی وارد می کردند که قطعنامه بعدی حتماً صادر بشود. عمده ترین مخالف صدور قطعنامه تحریم روس ها بودند، ولی در نهایت در زمستان سال ۱۳۶۶، روس ها به ایران اطلاع دادند که ما در اثر فشار

امریکایی ها با قطعنامه تحریم موافق هستیم و این باعث شد که در اسفندماه سال ۱۳۶۶، ایران به نوعی قطعنامه را بپذیرد؛ یعنی طرح اجرایی دبیرکل را. ایران طی نامه ای که با امضای وزیر امور خارجه صادر کرد، اعلام کرد که پذیرش این طرح اجرایی به منزله پذیرش قطعنامه است. البته، آنجا یک مفهوم خاصی به کار برده شد که پذیرش از آن کاملاً برداشت نمی شد، ولی عملاً با این ترفند، ایران موفق شد که از صدور قطعنامه تحریم جلوگیری کند. به هر حال، در سال ۱۳۶۷، شرایط یک تغییر اساسی کرد و ایران مجبور شد که قطعنامه را بپذیرد.»

ما هرگز به آن تن نخواهیم داد. وزارت خارجه ما یک بیانیه رسمی منتشر می کند و قطعنامه ۵۹۸ را سیاست امریکا می داند و می گوید که ما ممکن نیست تن به این قطعنامه بدهیم، اما ۱۵، ۲۰ روز بعد، آقای هاشمی رفسنجانی مصاحبه ای می کند و می گوید که ما نکات مثبتی در قطعنامه می بینیم و حاضریم برویم در مورد این قطعنامه بحث کنیم که به هر حال منجر می شود به مذاکرات بعدی و پیشرفت هایی که در جابه جایی قطعنامه صورت می گیرد و ما موفقیتی در جابه جایی بندهای قطعنامه نداریم و با شرایط خاصی که برای ما در سال ۱۳۶۷ پیش می آید، ما مجبور به پذیرش قطعنامه می شویم؛ یعنی فشارهای نظامی گسترده ای به ما وارد می آورند و تحریم های سختی علیه ما اتخاذ می کنند به دلیل نپذیرفتن قطعنامه و فشارهای سیاسی و دیپلماتیکی گسترده ای بر مسئولین سیاست خارجی ما وارد می آورند و مسئولین سیاست خارجی کاملاً به شکل منزوی در آن دوره فعالیت می کنند.

با همه این فشارها، آن دو حادثه ای که ایشان هم اشاره کردند؛ یکی شلیک موشک به هواپیما بود، تقریباً ما به این نتیجه می رسیدیم که پایان جنگ راهی به جز قطعنامه ۵۹۸ ندارد و مسئولین کشور قطعنامه را می پذیرند و فعالیت ها بعد از این قطعنامه برای بهبود شرایط در مذاکرات ادامه پیدا می کند و نتیجه این می شود که عراق به عنوان تأمین بخشی از سیاست های تجاوز طلبانه خودش در محور کویت تن می دهد به قرارداد ۱۹۷۵ که همه اینها را نمی شود گفت تحت تأثیر تحولات سیاست خارجی ما است، بلکه بخشی از آن همان تصمیم هایی است که در حوزه تصمیم گیری رژیم عراق قرارداد و تقریباً با پذیرش قرار داد ۱۹۷۵، تقریباً شکست عراق در اهدافش در جنگ محرز می شود.»

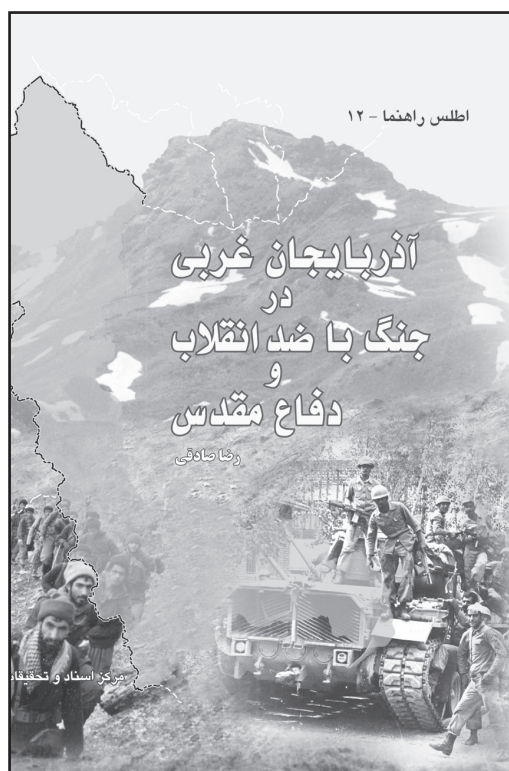
قطعنامه تحریم

پس از صحبت های آقای مختاری، در فرصت اندک باقیمانده یکی از حضار از آقای صفایی نویسنده دیگر کتاب، پرسید: «باتوجه به اینکه بنده ۸۰ صفحه از کتاب را خواندم، در فرایند این کتاب، در انتها، دیپلماسی جمهوری اسلامی



نقد اطلس آذربایجان غربی در جنگ با ضدانقلاب و دفاع مقدس

سعید سرمادی*



مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه در محدوده وظایف سازمانی خود در سال ۱۳۹۱ دوازدهمین اطلس راهنمای جنگ را منتشر کرد. این اطلس آذربایجان غربی در جنگ با ضدانقلاب و دفاع مقدس نام دارد و پژوهشگر محترم جناب آقای رضا صادقی کار تحقیق و نگارش آن را انجام داده است که در ابتدا لازم می‌دانم از زحمات و تلاش‌های مرکز، آقای صادقی و همکاران محترم ایشان تقدیر و تشکر کنم. این اطلس نسبت به اطلس‌های چاپ‌شده قبلی خصوصیتی دارد که از پختگی آن حکایت می‌کند. امید است با توجه به حوادث سرنوشت‌سازی که در شهرهای مهاباد، بانه، سردشت، بوکان و پیرانشهر اتفاق افتاده است، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس مانند شهرهای خرمشهر، آبادان، دشت آزادگان، دزفول، مهران و پاوه اقدامات لازم را جهت تهیه اطلس راهنمای این مناطق نیز انجام دهد.

همان‌گونه که در صفحه ۱۱ پیشگفتار این کتاب آمده است:

موردنظر را در قالب متن، نقشه، آمار و تصویر در اختیار مخاطبان قرار دهد.
 اطلس راهنمای شماره یک که اولین تجربه و

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس با ارائه ۱۲ عنوان از اطلس راهنما کوشیده است که حداقل اطلاعات

* راوی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و پژوهشگر جنگ ایران و عراق

به‌عهده داشته‌اند» (صادقی، ۱۳۹۱: ۱۱) نواقص و کمبودهای فراوانی در آن مشاهده می‌شود که توجه نویسندگان و خوانندگان محترم را به آنها جلب می‌کنم تا ان‌شاءالله در چاپ‌های بعدی اقدامات لازم به‌منظور اصلاح و تکمیل این کتاب انجام شود.

۱. اشاره نکردن به نقش امریکا و شوروی در حوادث مناطق کردنشین استان آذربایجان غربی

اگرچه نویسنده محترم در صفحه ۱۲ مقدمه کتاب به زیبایی و اختصار نوشته‌اند: «هنگامی که انقلاب اسلامی مردم ایران با شرکت توده‌های میلیونی مردم و حضور همه اقوام از جمله فارس، آذری، کرد، عرب، بلوچ، ترکمن و... به رهبری حضرت امام خمینی^(ره) به پیروزی رسید، دو ابرقدرت شرق و غرب که احساس می‌کردند منافع آنان در منطقه به خطر افتاده است، درصدد برآمدند با انواع طرح‌ها و برنامه‌ها، ایران را دچار بحران کنند و مانع از تثبیت نظام جمهوری اسلامی شوند. یکی از مناطقی که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی با بحران مواجه شد شهرهای کردنشین استان آذربایجان غربی بود.»

ولی در بقیه صفحات کتاب غفلت کرده و هیچ توضیحی در این باره نداده‌اند و اصلاً درخصوص طرح‌ها و برنامه‌های تدوین‌شده دو ابرقدرت شرق و غرب برای ایجاد بحران در شهرهای کردنشین این استان صحبت نکرده‌اند. حتی در فصل دوم که درباره ریشه‌های بروز بحران در این استان بحث شده است نیز هیچ‌گونه اشاره‌ای به این موضوع نشده و درخصوص طراحی، برنامه‌ریزی، پشتیبانی مالی، پشتیبانی آمادی، آموزش، سازماندهی و... امریکا و شوروی که در حمایت از گروه‌های تجزیه‌طلب و ضدانقلاب در شهرهای کردنشین این استان انجام شده، سخنی به میان نیامده است. به‌طورقطع، نویسنده محترم کتاب

خروجی مرکز اسناد و تحقیقات در حوزه اطلس می‌باشد، درباره خوزستان به نگارش و تنظیم و ترسیم درآمد و در بهار ۱۳۷۹ در ۶۵ صفحه منتشر شد و آخرین مجلد این مجموعه با شماره ۱۲ در ۲۱۲ صفحه، کتاب حاضر است که با نام آذربایجان غربی در جنگ با ضد انقلاب و دفاع مقدس عرضه می‌شود.

امید است مجموعه ۱۲ عنوانی اطلس راهنمای جنگ که تلاشی است که از ترکیب سه حوزه پژوهش، جی.آی.اس. و گرافیک حاصل شده و به اطلاعات اختصاصی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و دیگر مراکز سپاه پاسداران متکی است، انتظار لازم را برآورده کرده باشد.

نویسنده محترم در ۹ فصل کتاب: (۱) جغرافیای آذربایجان غربی؛ (۲) بروز بحران در آذربایجان غربی؛ (۳) آزادسازی شهرهای استان؛ (۴) آزادسازی راه‌های ارتباطی؛ (۵) آزادسازی مناطق بینایی؛ (۶) تأمین مرزهای استان؛ (۷) آذربایجان غربی در دفاع مقدس؛ (۸) تعقیب ارتش دشمن در آن سوی مرز و (۹) نبردهای

برون مرزی را در قالب متن‌های فشرده، نقشه، عکس، نمودار و جدول ارائه کرده است.

از آنجا که این اطلس دوازدهمین و آخرین اطلس چاپ‌شده مرکز اسناد و تحقیقات می‌باشد انتظار می‌رفت که کمترین نقص و کاستی را داشته باشد، ولی باوجود همه تلاش‌ها و زحماتی که «پژوهشگر این کتاب ارزشمند آقای رضا صادقی، دستیار تحقیق آقای سیدموسی میرحسینی، کارتوگراف و گرافیست این پروژه آقای قاسم فرودی و شورای محترم اطلس، که نظارت بر این کار را از آغاز تا مرحله انتشار

یکی از مناطقی که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی با بحران مواجه شد شهرهای کردنشین استان آذربایجان غربی بود.

که یکی از کارشناسان خبره و صاحب نظر در مسائل کردستان و بحران های داخلی می باشند، می توانستند با استفاده از منابع موجود و اسناد گروه های ضدانقلاب به خوبی نقش این دو ابر قدرت را در ایجاد بحران در استان آذربایجان غربی تشریح کنند.

۲. اشاره نکردن به نقش مستقیم رژیم عراق در حوادث آذربایجان غربی

در صفحه ۱۴۶ کتاب آمده است:

«گروه های ضدانقلاب با توجه به همکاری وسیعی که با دو حکومت عراق و ترکیه داشتند، به آسانی به آن سوی مرزها تردد و سلاح و تجهیزات مورد نیازشان را وارد کشور می کردند. شورشیان مجروحانشان را نیز به آن سوی مرز منتقل و ابتدا در درمانگاهی نزدیکی مرز و سپس در بیمارستان های عراق مداوا می کردند.

پس از مدتی که شهرها، راه های ارتباطی و برخی مناطق بینابینی آزاد شد، دفاتر سیاسی گروه های شورشی، مراکز آموزشی و زندان های آنها به عراق منتقل شد و حتی بیشتر شورشیان در اواخر پاییز هر سال به عراق می رفتند و هماهنگ با استخبارات (سازمان اطلاعات) ارتش بعث در روستاهای عراق مستقر می شدند و سپس در اوایل بهار با مناسب شدن هوا، شبانه به ایران بازمی گشتند.»

در هیچ قسمت از کتاب اشاره ای به نقش استخبارات و ارتش عراق در آموزش، سازماندهی، تجهیز تسلیحاتی، پشتیبانی مالی و آمادی و... گروه های ضدانقلاب برای ایجاد بحران در شهرهای آذربایجان غربی نشده است. بی توجهی به این موضوع آشکار و بدیهی، جفای بزرگی به تاریخ است و شایسته بود که اعضای محترم شورای اطلس مرکز در این باره واکنش نشان می دادند و به نویسنده محترم یادآور می شدند که حتی در حد یک جمله به این موضوع اشاره کنند. متأسفانه در مقدمه نیز به این

موضوع توجهی نشده است.

سرلشکر و فیک السامرایی مسئول اطلاعات ارتش عراق در زمان صدام، در صفحه ۵۷ کتاب *ویرانی دروازه شرقی* نوشته است:

«رژیم بغداد چنین احساس می کرد که با سرنگونی رژیم شاهنشاهی ایران و تحت تاثیر پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، حکومت بعثی این کشور نیز سرنگون خواهد شد و یا مناطق جنوبی عراق تحت تأثیر شدید رویدادهای ایران قرار خواهد گرفت. بنابراین،

اگر تشنجات و بحران حاکم بر روابط عراق و رژیم انقلابی ایران به داخل ایران هدایت نشود، این بحران به داخل عراق سرایت خواهد کرد. رژیم عراق به این نتیجه رسیده بود که فرصت طلایی لازم برای رهایی از نفوذ ایران در عراق و زمینه های لازم برای ابطال معاهده ۱۹۷۵ الجزایر و بازگرداندن حاکمیت و سلطه کامل بر اروندرود، بر مبنای معاهده ۱۹۳۷ و تعدیل خط مرزی و پشتیبانی از عرب های

اهواز به منظور شروع یک انقلاب و آزاد شدن از تابعیت ایرانی و برانگیختن آتش فتنه های قومی در بلوچستان و کردستان و آذربایجان به منظور سرنگونی رژیم جدید ایران و از هم پاشیدن دولت ایران فراهم شده است. این فرصت تاریخی برای صدام، قدم برداشتن در راهی بود که او را به رهبری کل منطقه سوق می داد.»

همچنین یکی از اعضای گروهک کومه له در این باره می گوید:

«از سال ۱۳۶۰ و از کنگره دوم به بعد، این مسئله

نقش تعدادی از فرماندهان فراری ارتش پهلوی که در کشورهای عراق و ترکیه مستقر شده بودند و در ایجاد بحران در شهرهای کردنشین استان های کردستان و آذربایجان غربی نقش مؤثری داشتند مغفول مانده است.

۳. اشاره نکردن به نقش ترکیه در حوادث آذربایجان غربی

با وجود آنکه در صفحه ۱۴۶ کتاب آمده است که: «گروه‌های ضد انقلاب باتوجه به همکاری وسیعی که با دو حکومت عراق و ترکیه داشتند، به آسانی به آن سوی مرزها تردد و سلاح و تجهیزات مورد نیازشان را وارد کشور می‌کردند.»

اما در کتاب هیچ توضیحی درمورد این همکاری‌های وسیع گروه‌های ضدانقلاب با کشور ترکیه داده نشده و نقش ترکیه در سازماندهی، آموزش، تجهیز، پناه‌دادن، حمایت مالی و آمادی از گروه‌های ضدانقلاب بیان نشده است.

۴. مغفول ماندن نقش فرماندهان ارتش پهلوی در حوادث آذربایجان غربی

تعدادی از فرماندهان ارتش پهلوی که از کشور فرار کرده و در کشورهای عراق و ترکیه مستقر شده بودند در ایجاد بحران در شهرهای کردنشین استان‌های کردستان و آذربایجان غربی نقش مؤثری داشتند و اقدامات بسیاری را سازماندهی کردند، ولی نویسنده محترم حتی در حد یک جمله نیز به این موضوع اشاره نکرده و از کنار آن گذشته و بدین ترتیب یکی از عوامل مهم در ایجاد بحران در این مناطق را نادیده گرفته است.

برای نمونه به چند مورد از اقدامات این فرماندهان فراری ارتش پهلوی اشاره می‌شود:

«سپهبد پالیزبان [آخرین استاندار کرمانشاه در رژیم پهلوی] عده زیادی از بارزانی‌ها را جمع‌آوری کرده و با دادن اسلحه و پرداخت ماهیانه سه الی شش هزار تومان حقوق به آنان قصد ایجاد یک نیروی چریکی ضدانقلاب و ایجاد اغتشاش در مناطق کردنشین ایران را دارد و هدف اصلی او تصرف پاوه و احتمالاً حمله به دیگر نقاط است.

... از سوی دیگر، در کردستان شایع شد که ارتشبد

در کمیته مرکزی مطرح شد که بالاخره ما باید تکلیفمان را با عراق روشن کنیم. از طریق عزالدین حسینی کمک‌ها بسیار محدود و ناچیز است و باتوجه به اوضاع، به کمک‌های بیشتری نیاز داریم. این بود که در یکی از جلسات کنفرانس ششم در شهریور ۱۳۶۰ بحثی از جانب محسن رحیمی عنصر کمیته مرکزی و مسئول تدارکات فنی سازمان، مطرح شد که ما به مثابه سازمانی که دارای سیاستی مستقل و طرفدار رهایی طبقه کارگر هستیم و برای کسب قدرت

سیاسی در حال مبارزه‌ایم، بایستی سیاست خارجی خود را نیز تعیین کنیم. وی سپس وضعیت نابسامان تدارکاتی و کمبودهای مالی سازمان را برشمرد و گفت که واقعاً در حال از بین رفتن هستیم و بایستی برای این مسئله چاره‌ای اندیشید. کنفرانس در پی مسائل مطرح شده نتیجه‌گیری کرد که ما به عنوان نماینده طبقه کارگر مجاز هستیم که از تضاد میان دو کشور بورژوازی و متخاصم

به نفع طبقه کارگر بهره‌برداری نماییم. کنفرانس، عراق را تنها کشور مناسبی دانست که کومه‌له باید با آن ارتباط برقرار کند.

... در پی این تصمیم، سیل کمک‌های مالی و تدارکاتی عراق به مقرهای گروهک کومه‌له سرازیر شد و مقر روابط خارجی سازمان در منطقه آلان سردشت و دفتر آن در سلیمانیه دایر شد و روابط با استخبارات (سازمان جاسوسی عراق) برقرار گشت و نماینده کومه‌له در عراق به‌طور مداوم مستقر شد.» (هادی نخعی و حسین یکتا، ۱۳۷۵: ۱۷۶ - ۱۷۵)

هیچ‌گونه توضیحی درباره راهبردها و سیاست‌های کلان گروه‌های ضدانقلاب درخصوص حوادث و بحران‌های استان آذربایجان غربی و به‌طورکل، غرب کشور داده نشده است.

۵. تبیین نشدن سیاست‌های کلان و راهبردهای احزاب و سازمان‌های ضدانقلاب

یکی دیگر از نکاتی که در اطلس آذربایجان غربی مغفول مانده و هیچ‌گونه توضیحی درباره آن داده نشده، راهبردها و سیاست‌های کلان گروه‌های ضدانقلاب درخصوص حوادث و بحران‌های استان آذربایجان غربی و به‌طورکل، غرب کشور است. در این کتاب فقط از اقدامات نظامی و تاکتیکی این گروه‌ها صحبت شده و هیچ اشاره‌ای به اهداف و سیاست‌های کلان آنها نشده است و خواننده

متوجه نمی‌شود که به چه دلیل پس از گذشت چند روز از پیروزی انقلاب اسلامی حزب دمکرات کردستان به پادگان تپ سوم لشکر ۶۴ در مهاباد حمله می‌کند و در اول اسفند ۱۳۵۷ آن را به تصرف خود درآورده، همه تجهیزات زرهی، توپخانه، ادوات و سلاح‌های سبک آن را به غارت می‌برد.

۶. استفاده از اصطلاح شورشگران به جای عناصر ضدانقلاب

در بسیاری از صفحات کتاب برای نام‌بردن از گروه‌های تجزیه‌طلب مسلح مستقر در شهرهای کردنشین آذربایجان غربی که مرتکب اقدامات غیرانسانی و سبانه می‌شدند، از واژه شورشگران استفاده شده است.

مثال‌ها و نمونه‌هایی که نویسنده محترم در این کتاب ذکر کرده‌اند بیان‌کننده آن است که این قبیل اقدامات خرابکارانه و غیرانسانی را نمی‌توان "شورش" نامید و قطعاً باید از واژه‌های دیگری که عمق دناات و ناجوان‌مردی این افراد را نشان می‌دهد استفاده کرد.

غلامعلی اویسی [فرمانده سابق نیروی زمینی رژیم شاهنشاهی و عامل اصلی کشتار جمعه سیاه تهران] در مرز ایران و ترکیه در اختفا به سر می‌برد و در تدارک تلاش علیه انقلاب اسلامی ایران است. (همان: صص ۱۷۲-۱۷۵)

سپهبد پالیزبان و ارتشبد اویسی با برقراری ارتباط با یکدیگر و توسل به عوامل فراری ساواک درصدد واردآوردن صدمه به انقلاب مردم مبارز ایران هستند. سپهبد پالیزبان به‌همراه سرهنگ ایوبی در کوت سورین واقع بین دزلی و نوسود، همچنین سرتیپ نصرتی [رئیس ساواک کردستان] در سیدصادق و ساواکی‌های فراری مناطق قصرشیرین، کرمانشاه، سنندج، مریوان، سقز، بانه، سردشت و مهاباد از منطقه مرزی مریوان به عراق رفته‌اند و در یک محل اجتماع کرده‌اند. هدف از این اجتماع، مبادرت به خرابکاری و ایجاد ناامنی و اغتشاش است. ...

خبر دیگری نیز حاکی است که ارتشبد اویسی در مناطق مرزی ایران و ترکیه مستقر شده و فرماندهی ساواکی‌های فراری آذربایجان را به‌عهده گرفته است. در ادامه همین گزارش آمده است که سازمان سیای امریکا، اسلحه و کمک‌های مالی در اختیار اویسی و ساواکی‌ها می‌گذارد. علاوه‌براین، سردار جاف و بعضی از افراد جوانرود نیز اتحادیه‌ای برای استخدام افراد چریک به‌منظور مبارزه با دولت ایران تشکیل داده‌اند. (همان: صص ۶۰۸-۶۰۹)

به نوشته روزنامه آلمانی عصر ما، یک طرح کودتا ضد نظام اسلامی با همکاری امریکا و ارتشبد اویسی در دست تهیه است. ... از سوی دیگر، سرگرد پرویز تاجیک [افسر ژاندارمری ایران] در ضمن مصاحبه‌ای با سردبیران روزنامه‌ها آلمانی *الآن* و *عصر ما* گفته است: ... هشتاد درصد افسران ایران با او همفکر هستند و فقط به امریکا و ژنرال اویسی که در امریکا سرگرم تدارکات کودتا است، امید بسته‌اند». (همان: صص ۶۷۷-۶۸۸)

در بسیاری از صفحات کتاب برای نام‌بردن از گروه‌های تجزیه‌طلب مسلح مستقر در شهرهای کردنشین آذربایجان غربی که مرتکب اقدامات غیرانسانی و سبانه می‌شدند، از واژه شورشگران استفاده شده است.

فلاحی فرمانده نیروی زمینی ارتش، از روستای شند، با آر.پی.جی ۷ خودرو آنان را منهدم کردند. در این حادثه به دکتر چمران و تیمسار فلاحی آسیبی نرسید. در ۱۰ آبان ۱۳۵۸، گروه‌های تجزیه طلب با کمین کردن در مسیر حرکت ستون ارتش از سردشت به بانه، ۳۳ نفر را شهید؛ ۷۰ نفر را مجروح و ۶۰ نفر را اسیر کردند. در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، در آستانه ورود نماینده هیئت

حسن نیت به سردشت، شورشیان در عملیاتی، ۸ نفر از رزمندگان را شهید و ۳۵ نفر را مجروح کردند. شورشیان در همین روز با توپ و خمپاره به محل فرود بالگرد حامل داریوش فروهر حمله کردند که آسیبی به اعضای حسن نیت نرسید. در ۱۵ آبان ۱۳۵۸، گروه‌های شورشی به پایگاه ژاندارمری اشنویه حمله و ۳ نفر را شهید و ۱۸ نفر را مجروح کردند. روز بعد، هیئتی برای بررسی موضوع ازسوی استانداری و ژاندارمری آذربایجان غربی به اشنویه رفت، اما شورشیان بار دیگر به این پایگاه حمله و ۵ ژاندارم دیگر را شهید و ۲ نفر را نیز مجروح کردند.

در ۱۷ دی ۱۳۵۸، شورشیان با هماهنگی عزالدین حسینی به ستون نیروهای ژاندارمری - که از ارومیه به مهاباد می‌رفت - حمله و ۱۲۰ نفر از پرسنل ژاندارمری را خلع سلاح کردند.

این اقدامات که قبل، حین و بعد از مذاکرات هیئت حسن نیت با سران شورشگران انجام می‌شد، حاکی از آن بود که شورشگران، مذاکره با دولت مرکزی را اقدام راهبردی نمی‌پنداشتند و می‌کوشیدند با به کارگیری سلاح، خواسته‌هایشان را به دولت مرکزی تحمیل کنند.

همان‌گونه که مشاهده می‌فرمایید موارد اندک ذکرشده در کتاب، گویای اعمال شنیع و غیرانسانی این گروه‌ها می‌باشد و نمی‌توان با لفظ "شورش" اقدامات این گروه‌ها را تلطیف کرد.

در صفحه ۳۶ اطلس آمده است: «یک هفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گروه‌های مخالف کرد به پادگان تیپ سوم مهاباد حمله می‌کنند ... شورشگران از این پادگان ۱۳ تانک، چندین عراده توپ، ده‌ها خمپاره‌انداز، تیربار و آر.پی.جی ۷ به همراه تعدادی سلاح سبک و مهمات مربوط به آنها به غارت برده بودند.»

در صفحه ۴۳ آمده است:

«شورشگران آذربایجان غربی درحالی که گفت‌وگو و مذاکره را شعار خود قرار داده بودند، دست به اقدامات فاجعه‌آمیز می‌زدند. در ۱۵ مهر ۱۳۵۸، بیش از ۳۰۰ نفر از شورشیان در مسیر ۶۲ نفر از نیروهای سپاه که مأموریت آنان در شهر ربط سردشت به پایان رسیده بود، در محدوده پل فلزی کشته کمین کردند و ۲۵ نفر را شهید؛ ۱۰ نفر را مجروح و ۲۰ نفر را اسیر کردند. در این حادثه اسفبار فقط ۷ نفر توانستند با عبور از مناطق جنگلی به سلامت به سردشت بازگردند.

در ۲۰ مهر ۱۳۵۸، شورشیان به ۷ نفر از پاسداران که درحال عبور از خیابانی در مهاباد بودند، حمله کردند. با شروع این عملیات تروریستی، پاسداران به ساختمان شهربانی مهاباد پناه بردند. در مقابل گروه‌های مسلح به سرعت شهربانی مهاباد را محاصره و به آن حمله کردند. در این تهاجم، سروان محسن یارجانی رئیس شهربانی مهاباد و ۳ افسر دیگر شهید و ۷ نفر نیز مجروح شدند. در ۲۲ مهر ۱۳۵۸، گروه‌های شورشی با کمین کردن در مسیر بازگشت دکتر چمران وزیر دفاع و تیمسار

باوجود اشاره به ۳۰ تجاوز عراق به مرزهای استان آذربایجان غربی، فقط دو حمله هوایی به سردشت ذکر شده و از ۱۷ مورد تحرکات مرزی و پنج عملیات زمینی در فاصله زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ سخنی به میان نیامده است.

۷. ناقص بودن توضیحات درمورد تجاوزات عراق قبل از آغاز جنگ

در صفحه ۱۶۴ کتاب باوجود اشاره به ۳۰ تجاوز عراق به مرزهای استان آذربایجان غربی، فقط دو حمله هوایی به سردشت در ۱۴ خرداد ۱۳۵۸ و ۱۸ تیر ۱۳۵۹ ذکر شده است و از ۱۷ مورد تحرکات مرزی و پنج عملیات زمینی در فاصله زمانی ۱۳۵۷/۱۱/۲۳ تا ۱۳۵۹/۶/۳۰ سخنی به میان نیامده است.

علاوه بر آن، در این کتاب به اقدامات خرابکارانه (بمب گذاری و مین گذاری های) و عملیات های نامنظم انجام شده در استان آذربایجان غربی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا آغاز جنگ تحمیلی انجام شده است نیز هیچ اشاره ای نشده است. براساس آمار ذکر شده در *اطلس راهنمای ۵* مرکز (کارنامه نبردهای زمینی)، صفحات ۱ تا ۴۰، عراق و گروه های ضدانقلاب تعداد ۲۷۸ عملیات نامنظم و ۹۹ عملیات ایذایی تحت مدیریت عراق انجام داده اند که در این عملیات ها از نیروهای جمهوری اسلامی ۴۸۹ نفر شهید، ۸۲۸ نفر مجروح و ۲۷۶ نفر اسیر شده اند. شایسته بود که در این کتاب آماری دقیق و متقن از اقدامات تجاوزگرانه عراق و گروه های ضدانقلاب تحت مدیریت او ذکر می شد یا حداقل به آمار ارائه شده در *اطلس راهنمای ۵* اکتفا شده، از آنها استفاده می شد. برای اطلاع بیشتر، آمار ذکر شده در این کتاب در ادامه درج می شود.

۸. متنوع نبودن اسناد و منابع استفاده شده

باوجود آنکه اسناد و منابع بسیار زیادی در بنیاد شهید بروجردی جمع آوری شده و نویسنده محترم نیز بهره فراوانی از آنها برده، اما معلوم نیست چرا ایشان از اسناد موجود در ارتش جمهوری اسلامی، وزارت اطلاعات، قوه قضائیه، جهاد سازندگی، شهربانی و ژاندارمری استفاده نکرده است. همچنین، چنانکه مشهود است هیچ استفاده ای از اسناد حزب دمکرات،

گروه کومه له و دیگر گروه های مؤثر در بحران آفرینی در حوادث آذربایجان غربی نشده است.

از سوی دیگر، مشخص نیست که چرا نویسنده از روزنامه های *انقلاب اسلامی*، *آزادگان*، *میزان* و... همچنین از روزنامه های *اطلاعات*، *کیهان* و *جمهوری اسلامی* سال های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۷ نیز در تحقیق خود استفاده نکرده است؟

۹. بسیار معمولی و عادی مطرح کردن عملیات ها

نویسنده محترم بنابر رعایت اختصار مجبور به فشرده کردن مطالب خود شده است که در نتیجه آن دشواری ها و سختی های عملیات و واقعیت های آن به خواننده منتقل نمی شود. برای نمونه در صفحه ۱۰۶ در تشریح عملیات منطقه مرگور نوشته است: «در ۳۰ مرداد ۱۳۶۰، یگان های سپاه و ژاندارمری با همراهی عشایر منطقه برای برقراری امنیت، عملیاتی را به مدت ۱۵ روز انجام دادند که ۲۸ روستا

از کنترل گروه های ضدانقلاب خارج و چند پایگاه دائمی نیز در منطقه ایجاد شد.»

همان گونه که مشاهده می فرمایید معلوم نیست کدام یگان ها، با چه استعدادی، با چه برنامه ریزی، به کدام ارتفاعات حمله می کنند و کدام روستاها آزاد می شوند؟ در این ۱۵ روز چه اتفاقاتی می افتد؟ دشواری ها و سختی های این عملیات چقدر بوده است؟ و...

یا در صفحه ۱۰۸ در تشریح عملیات شهید فتحی نوشته است: «یکی از مهم ترین عملیات های انجام شده در منطقه ترجان عملیات شهید فتحی نام داشت که گردان های

تقریباً در همه عملیات های ذکر شده در این کتاب همین شیوه اختصار و بی روح بودن حاکم است و ضرورت دارد به ویژگی های خاص هر عملیات پرداخته شود.

ذکرشده در آن فصل یا صفحه را ندارد. قاعدتاً نویسنده محترم و مسئولان مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس باید با حساسیت بیشتری عکس‌ها را انتخاب می‌کردند. برای نمونه در صفحه ۴۸ عکس تعدادی از ایفاهای خالی نظامی آورده شده و در توضیح عکس نوشته شده است: «ستون اعزامی ارتش و سپاه برای پاک‌سازی مناطق کردنشین»؛ درحالی‌که این خودروها خالی از نیروی نظامی هستند و در کنار جاده نیز پارک شده‌اند و ارتباطی با ستون اعزامی ارتش و سپاه برای آزادسازی شهرها و پاک‌سازی مناطق کردنشین ندارند.

یا در صفحه ۷۴ عکسی از مزار یکی از شهدای تکاب که برای ایشان مزار خاصی طراحی شده است آمده، ولی در توضیح عکس نوشته شده: «گلزار شهدای تکاب» و در صفحه ۹۶ عکس بسیار زیبا و با صفایی از منطقه سرسبز «چشمه گراو» در نزدیکی رباط واقع در جاده مهاباد - سردشت آورده شده، درحالی‌که موضوع بحث عملیات آزادسازی جاده مهم و حساس مهاباد - سردشت است و درج این عکس، تناسبی با آزادسازی جاده مورد بحث ندارد. در صفحه ۹۸ عکس دو رزمنده که درحال برپاکردن چادر استقراری خود هستند آورده شده، ولی در توضیح عکس آمده است: «رزمندگان اسلام در هنگام آزادسازی جاده مهاباد - بوکان»! در صفحه ۱۴۸ عکس «رزمندگان سپاه سردشت در حین عملیات» آورده شده، درحالی‌که عملیات رمضان در ارتفاعات مرزی جنوب سرو انجام شده و نیروهای عمل‌کننده آن نیز تیپ ۱۱۰ شهید بروجردی و گردان‌های جندالله سلماس، ارومیه، شاهین‌دژ و تکاب بوده‌اند و این عملیات ارتباطی با سپاه سردشت نداشته است.

عکس صفحه ۱۶۸ یک رزمنده خودی را پشت تیربار نشان می‌دهد که در صفحه «بمباران زندانیان دولتو» آمده و اصلاً هیچ تناسبی میان آنها وجود ندارد و زندان دولتو به‌وسیله هواپیماهای ارتش متجاوز

عملیاتی سپاه بوکان و ارتش به‌همراه پیش‌مرگان مسلمان کرد در ۱۶ شهریور ۱۳۶۱ اجرا کردند و درطول آن با تصرف کوه ۲۲۵۱ متری استاد مصطفی، روستاهای کوچک پایین، کوچک بالا، باغلوچه، کانی زرینه، کهریزه، گردگلان و جسان را پاک‌سازی و مفرکومه‌له را در روستای ترجان منهدم کردند.»

در تشریح عملیات منطقه مکریان شمالی در صفحه ۱۱۰ نیز آمده است: «در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۱، نیروهای سپاه، ارتش و عشایر منگور عملیاتی در منطقه مکریان شمالی انجام دادند و با سرکوب شورشیان، روستاهای تلخاب، سیستک، دلک‌داش، ویس‌آقا و قبی‌باباعلی را پاک‌سازی کردند. در این عملیات ۳ نفر از رزمندگان اسلام شهید و ۱۰ نفر از نیروهای تجزیه‌طلب کشته شدند.»

یا در تشریح عملیات شهید صدوقی در صفحه ۱۱۴ آمده است: «در این عملیات که ۱۵ روز طول کشید، جاده ۳۵ کیلومتری بوکان به سد زرینه‌رود به کنترل رزمندگان اسلام درآمد و روستاهای یکشوه، قره‌براز، درزی‌ولی، احمدآباد، جان‌بلاغ، سقزلو، زلفیله، یمین‌آباد

و طومار قمیش پاک‌سازی شدند.»

تقریباً در همه عملیات‌های ذکرشده در این کتاب همین شیوه اختصار و بی‌روح بودن حاکم است و ضرورت دارد در چاپ بعدی تاندازه‌ای روح عملیات‌ها و سختی‌ها و دشواری‌های آنها - به‌طور مختصر - بیان شود و حداقل به ویژگی‌های خاص هر عملیات پرداخته شود.

۱۰. متناسب نبودن برخی از عکس‌ها

بعضی از عکس‌های انتخاب‌شده تناسبی با موضوعات

نقش مهم و مؤثر علی صباد شیرازی (فرمانده نیروی زمینی ارتش) در آزادسازی شهرها، مناطق بینابینی، راه‌های ارتباطی، تأمین مرزهای استان و تعقیب ارتش دشمن در آن سوی مرز در حدّ و اندازه خود توجه نشده است.

در صفحه ۱۱، ستون سمت چپ، سطرهای ۱۳ تا ۱۵ آمده است: «... تا گوشه‌هایی از تعالی انسان‌های متعهد به فطرت الهی را در این نقوش به تصویر بکشیم».

در حالی که از «نقوش» در این کتاب استفاده نشده، بلکه در سطرها و کلمه‌ها بیان شده‌اند.

• در جدول صفحه ۲۶، ردیف دوم سال تشکیل کومه‌له «سال ۱۳۵۸» و مسئول آن «عبدالله مهتدی» ذکر شده، در حالی که در ردیف اول جدول صفحه ۳۱ سال برگزاری کنگره اول این سازمان «سال ۱۳۵۷» و مسئول آن «فؤاد مصطفی سلطانی» درج شده است. کدام یک از این اطلاعات صحیح است؟

در صفحه ۳۴، ستون چپ، سطر ۲۲ آمده است: «این کشور را از سر نو بسازیم»، اما متن صحیح صحبت امام خمینی چنین است: «این کشور را از سر و از نو بسازیم».

• در صفحه ۳۴، ستون چپ، سطر ۲۷ «جُهل» به اشتباه «جهان» آورده شده است.

۱۳. اشاره نکردن به نقش شهید بزرگوار امیر صیاد شیرازی

نقش مهم و مؤثر فرمانده گران‌قدر نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی در آزادسازی شهرها، مناطق بینابینی، راه‌های ارتباطی، تأمین مرزهای استان و تعقیب ارتش دشمن در آن سوی مرز فراموش‌نشده‌ای است، اما متأسفانه از شهید علی صیادشیرازی در این کتاب یاد نشده و فقط در یک عکس کوچک که در ابتدای فصل‌های نه‌گانه کتاب آمده به ایشان توجه شده است که شایسته بود به نقش ایشان در این اطلس در حدّ و اندازه خود توجه می‌شد.

امید است نویسنده محترم در صورت وارد دانستن این انتقادات جهت اصلاح آنها در چاپ دوم اقدام کند تا واقعیت‌ها و حقایق مربوط به استان آذربایجان غربی زیباتر و دقیق‌تر بیان شوند.

صدام در ۱۳۶۰/۲/۱۷ بمباران شده است.

عکس صفحه ۱۸۲ که تعدادی از رزمندگان بسیجی و سپاهی را نشان می‌دهد، ارتباطی با عملیات کربلای ۷ توسط لشکر ۶۴ ارومیه اجرای آن را برعهده داشته است، ندارد.

عکس صفحه ۱۸۶ بدون توضیح آورده شده است و مشخص نیست که چه ارتفاعی می‌باشد و چه مناسبتی با عملیات نصر ۸ دارد؟

عکس‌های صفحات ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۰۴ و ۲۰۷ بدون توضیح آورده شده‌اند و مشخص نیست که این عکس‌ها چه ارتباطی با عملیات‌های ذکر شده در آن صفحه‌ها دارند؟

۱۱. بدسلیقگی در انتخاب یک تیتیر

در ابتدای فصل دوم در بررسی عوامل "بروز بحران در آذربایجان غربی" از تیتیر "پیروزی انقلاب اسلامی" استفاده شده است و خواننده در ابتدا احساس می‌کند که پیروزی انقلاب اسلامی یکی از عوامل بروز بحران در این استان بوده است، در حالی که با خواندن متن متوجه می‌شود که نویسنده در این قسمت به عنوان مقدمه بحث، به شیوه اداره شهرها به‌ویژه مناطق دورافتاده در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته و توضیح داده است که چگونه بعضی از فعالان سیاسی گرد به دنبال اهداف گروهی خود بوده‌اند.

بهتر بود که چنین تیتیری انتخاب نمی‌شد و مطالب این صفحه به‌طور مختصر در مقدمه غارت پادگان مه‌آباد آورده می‌شد یا حداقل تیتیر دیگری همچون شیوه اداره شهرها یا مانند آن آورده می‌شد.

۱۲. ویراستاری ادبی

از نظر ویراستاری ادبی نیز اشکالاتی در کتاب وجود دارد که به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود.

[illegible]

منابع و مأخذ:

نخعی، هادی و حسین یکتا. روزشمار جنگ ایران و عراق

(پیدایش نظام جدید)، جلد اول، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

(مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس)، ۱۳۷۵.

صادقی، رضا. اطلس راهنما ۱۲ (آذربایجان غربی در جنگ با

ضد انقلاب و دفاع مقدس)، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع

مقدس، ۱۳۹۱.

[illegible]

[illegible]

5. A Glance at the Artillery Unit in Operation Valfajr-8

The IRGC Brigadier General Yaqub Zohdi

Abstract:

The Operation Valfajr-8 was implemented in the operational area of Arvand and led to the triumph of the city and peninsula of Faw and cut off the connection between Iraq and the Persian Gulf completely. Because of the crossing of the major Iranian combat units of the wide Arvand, this operation was an unprecedented ones and surprised the military analysts. This great success was a product of months of attempts in the various professional grounds including the reconnaissance, operation, engineering, artillery, communications, medical and ... all of them were implemented in secret and with full observation of security principles because of the decisive importance of surprising principle.

The initiative planning of this operation was based upon the detailed security of the operational area and the experiences gained of the past operations and the amphibious ones such as Kheibar and Badr in particular. The planning and commanding of the operation was on the shoulders of whose. The IRGC artillery unit implemented the planning and guiding the supporting fire of the operation employing 17 and 15 artillery battalions of IRGC and I.R.I.A., respectively.

In the maneuver plan and for creating an opportunity to provide a fire cover for crossing of the maneuver units, a deep reliance was put on the artillery in such a way that the commander of the operation, Mohsen Rezaei considered the first three days of the operation only for the artillery. On the other hand, the situation of the enemy terrain as well as the form and extension of the rear roads of the counterattack forces had provided for the friendly artillery a possibility to put the enemy under fire in deep and to destruct their units which were moving from Basra to Faw.

With the maximum using of the situation and initiative employing of the available facilities, the commanders and planners of the IRGC artillery succeeded to support of the ten-day offensive operations and 75 days defensive operations of the friendly forces through the destruction and disturbing the enemy units movement and conflicting heavy casualties on them in such a way that the military analysts unanimously consider the artillery as one of the basic reason of the successfulness of the Operation Valfair-8.



6. Iranian Operational Decision Making Case Studies from the Iran-Iraq War

Written by: Michael Connell

Translated by: Abdolmajid Heidari

Abstract:

This paper examines Iranian operational-level military decision-making from the perspective of historical case studies. Specifically, it analyzes the various factors and processes that influenced Iranian military commanders during four major operations of the Iran-Iraq War and what these operations might tell us about current-day military decision-making. Although a significant period of time has elapsed since the war, most of Iran's senior military leaders participated in the conflict, which constituted a defining moment in the history of the Islamic Republic. It is also the only example of a major state-on-state conflict in the post-revolutionary period. Iran's military academies and training centers, therefore, have devoted a great deal of attention to studying the war, in part to derive operationally useful lessons for the present. Thus, despite the passage of time, the war remains relevant to understanding the mindset of today's military leaders in Iran.

- 1- Unlike some of their regional counterparts, Iranian military commanders are likely to be relatively flexible and demonstrate some initiative in combat.
- 2- Coordination problems will continue to plague Iran's armed forces, but the Iranians are aware of these issues and have taken steps to diminish the seams between their different services.
- 3- The Iranians are likely to use terrain, time, and weather to off-set their material weaknesses and enhance the survivability of their forces.
- 4- Denial and deception will probably figure prominently in Iranian operational planning.
- 5- Domestic political actors and foreign proxies can have an important—and sometimes decisive—impact on Iranian operational decision-making.

[illegible]

3. The Battle Report of 33rd Al-Mahdi^(atfs) in Operation Valfajr-8

Provided by Muhammad Muhammadpur

Abstract:

In the Operation Valfajr-8, the 33rd Al-Mahdi^(atfs) Brigade was commissioned to cross the river, break the first line of the enemy positions and clear the taken bridgehead using the especial diver forces and to operate as the subordinate of Noah Headquarters. In the next stage, the mission of this division was to encounter with the Iraqi army counterattacks, prevent the advance process of the enemy and maintain the products of the first stage of the operation. Then, this brigade and a number of the other IRGC units were to create a defensive line to consolidate the occupied area.

The narrator of the IRGC Center for War Studies and Research in the 33rd Al-Mahdi^(atfs) Brigade, Samizadeh, has been present in the brigade headquarters and accompanied the brigade commander, Jaafar Asadi, in every day and night to record the various stages of planning, reconnaissance, managing and implementing the operation. After the operation, he has gathered the related documents and interviewed with a number of effective personnels of the 33 Al-Mahdi^(atfs) Brigade. Then, he has provided the report of the operation using the collected notes, tapes, and documents. The main report is maintained in the databank of the The IRGC Center for War Studies and Research (now, The IRGC Center for Holy Defense Documentation and Research) under code 650.

This paper is a description of the performance of the 33 Al-Mahdi^(atfs) Brigade during the Operation Valfajr-8 which has been provided based upon the operational report of the brigade narrator and the narrator of Noah Headquarters, Elias Hazrati



4. The Battle Report of 44th Qamar Bani Hashem Division in Operation Valfajr-8

Provided by: Hojatollah Karimi

Abstract:

Based upon a mission delivered on Dec. 1985, the 44th Qamar Bani Hashem^(AS) Brigade participated in the Operation Valfajr-8 with a strength of 6 battalions to secure and maintain the right flank of the operation. This unit was one of the most successful units in the operational axis of al-Bihar. In the first night of the operation, it succeeded to occupy all determined objectives only with 3 battalions. When the operation continued, the forces of this unit resisted against the enemy counterattacks for 12 days and succeeded to prevent the advance of the Iraqi army and finally consolidated the friendly defensive line.

This paper studies the performance of the 44th Qamar Bani Hashem^(AS) Brigade in the Operation Valfajr-8 from the entrance of the brigade into the operational area and starting the reconnaissance and engineering actions to consolidate the defensive line determined in the related limit line delivered to this unit.





Articles

The Supreme Leader Speeches in the Martyres Shrine in the Southern Operational Areas

5

✉ The Quarterly Research Group

The Determinative Status of Operation Valfajr-8 and Shifting the Balance of Power in Favor of Iran

15

✉ Hussein Ardestani

The Battle Report of 25 Karbala Division in Operation Valfajr-8

25

✉ Mohsen Rokhsat Talab

The Battle Report of 33rd Al-Mahdi^(atfs) in Operation Valfajr-8

61

✉ Provided by: Muhammad Muhammadpur

The Battle Report of 44th Qamar Bani Hashem Division in Operation Valfajr-8

83

✉ Provided by: Hojatollah Karimi

A Glance at the Artillery Unit in Operation Valfajr-8

99

✉ The IRGC Brigadier General Yaqub Zohdi

tranzlate

Iranian Operational Decision Making: Case Studies from the Iran-Iraq War

115

✉ Written by: Michael Connell
Translated by: Abdolmajid Heidari

Reports

An Attempt to Be Ready to hold a meeting between the IRGC Commanders and Hashemi Rafsanjani (the then acting commander-in-chief of the armed forces) two months prior to Operation Valfajr-8

141

✉ Mehdi Ansari

Documents

A Glance at the Proficiency of the Intercept Unit of the IRGC Khatam al-Anbiya Headquarters in Operation Valfajr-8

161

✉ Yahya Niazi

Ceremony

Book Unveiling of "Iran Diplomacy and the Resolution 598"

193

✉ Zahra Nazari

Book Introducing

"The Foreign Policy of Libya and Syria in the Iran-Iraq War"

197

✉ Yaqub Nemati

Book Review

"Atlas of West Azerbaijan in the Counter-revolutionary War and during the Holy Defense"

209

✉ Saeid Sarmadi



The Center for Holy Defense Documentation and Research

NEGIN IRAN

Vol.12 □ No.48 □ spring 2014

Published Quarterly by	The IRGC Center for Holy Defense Documentation and Research
Editorial Head and Executive Editor	Dr. Hussein Ardestani
Editorial Board	Dr. Gholam Ali Rashid Dr. Hussein Alaei Hamid Aslani
Executive Manager	Mohammad Javad Akbarpour Bazargani
Page Designer	Abbas Dorudian
Editor	Zahra Golmohammadi
Translator	Abdolmajid Heidari
Publishing Supervisor	Muhammad Behrozi
Address	No. 77, Shahid Vahid Dastgerdi) Zafar (Ave., Shariati St., Tehran, I.R.IRAN.
Email	neginiran@gmail.com
Tel	+ 98 21 - 22909522
Fax	+ 98 21 - 22909538
Price	80,000 R